





عنوان طرح:

نقش اعتماد به حاکمیت در میزان مشارکت اجتماعی (مطالعه موردی؛

استان آذربایجان شرقی)

کد طرح: ۷۰۲۷

پژوهشکده توسعه و برنامه ریزی جهاد دانشگاهی

گروه جامعه شناسی توسعه

مسئول اجرای طرح: ابراهیم ایران نژاد

ماه و سال اختتام طرح:

خرداد ماه ۱۴۰۰

مشخصات مسئول و همکاران طرح مطابق پرسشنامه مصوب:

ردیف	نام و نام خانوادگی	مسئولیت در طرح	تخصص	رتبه	جمع کل نفر ساعت همکاری در طرح
۱	ابراهیم ایران نژاد	مجری	جامعه شناسی توسعه		
۲	مهرناز نور آذر	همکار	جامعه شناسی		

تقدیر و تشکر:

خداوندا به ما توفیق تلاش در شکست، صبر در نومییدی، رفتن بی همراه، جهاد بی سلاح، کار بی پاداش، فداکاری در سکوت، دین بی دنیا، مذهب بی عوام، عظمت بی نام، خدمت بی نان، ایمان بی ریا، خوبی بی نمود، گستاخی بی خامی، مناعت بی غرور، تنهایی در انبوه جمعیت و دوست داشتن بی آنکه دوستت بدارند، را عنایت فرما.

جان ما را صفای خود ده و دل ما را هوای خود ده، و چشم ما را ضیای خود ده، و ما را از فضل و کرم خود آن ده که آن به.

یارب دل ما را تو به رحمت جان ده درد همه را به صابری درمان ده

این بنده چه داند که چه می باید جست داننده تویی هر آنچه دانی آن ده

مراتب تشکر و قدردانی خود را از همکاران محترم دفتر مرکزی جهاددانشگاهی که در مراحل مختلف انجام کار از مرحله تصویب پروپوزال تا مراحل داوری و اجرا کمک حال ما بودند نهایت تشکر و قدردانی را داریم. بالاخص جناب آقای دکتر غفوریان که تمامی زحمات نظارت و داوری بر دوش ایشان بوده و قدردان زحماتشان هستیم. همچنین از ریاست محترم پژوهشکده توسعه و برنامه ریزی جهاددانشگاهی و همکاران محترم گروه پژوهشی جامعه شناسی توسعه نیز نهایت قدردانی و تشکر را داریم.

## چکیده:

**هدف:** مشارکت اجتماعی، مشارکتی است که از متن جامعه بر می آید و عرصه های مختلف حیات اجتماعی را در بر می گیرد. یکی از ارکان مهم شکل گیری مشارکت اجتماعی اعتماد می باشد. اعتماد اجتماعی از طریق کمیت و کیفیت، به مشارکت شهروندان و در نتیجه ثبات نظام سیاسی و مشروعیت آن کمک می کند. هدف از پژوهش حاضر، بررسی اثرات اعتماد به حاکمیت بر میزان مشارکت اجتماعی در بین شهروندان شهر تبریز می باشد

**روش:** روش مورد نظر جهت انجام پژوهش حاضر کمی و پیمایشی می باشد. جامعه آماری این پژوهش شامل مجموعه افراد (اعم از زن و مرد) ۱۸ساله و بالاتر شهر تبریز می باشد. با استناد به فرمول نمونه گیری کوکران، اندازه نمونه متناسب با جامعه آماری فوق ۴۰۰ نفر می باشد که با توجه به از دست دادن بعضی پرسشنامه ها در طول پژوهش و جهت پوشش خطای احتمالی، حجم نمونه را به ۴۲۲ نفر افزایش داده شد. روایی پرسشنامه پژوهش بوسیله آلفای کرونباخ آزموده شده که در بعد اعتماد اجتماعی ۵۶درصد و در بعد مشارکت اجتماعی برابر با ۹۵ درصد می باشد که نشانه روایی قابل قبول بین گویند هاست.

**نتایج:** در تحقیق حاضر با توجه به چارچوب نظری و مدل تحلیلی تحقیق، ۵ فرضیه اصلی و ۶ فرضیه فرعی (متغیرهای زمینه ای) استخراج شده است که نتایج تحقیق نشان می دهد ۸ فرضیه رابطه معنادار دارند. نتایج پژوهش حاضر و تحلیل یافته ها نشان می دهد با توجه به معادله رگرسیون، متغیر وابسته بیش از هر متغیر دیگر، از اعتماد بنیادی متأثر می باشد. بعد از آن نیز متغیرهای سن و اعتماد اجتماعی به ترتیب در تبیین مشارکت اجتماعی نقش دارند و ۳/۸ درصد تغییرات مربوط به متغیر مشارکت اجتماعی ناشی از تغییرات متغیرهای مستقل وارد شده در مدل می باشند.

**کلیدواژگان:** مشارکت اجتماعی، حاکمیت، اعتماد اجتماعی، احساس تعلق اجتماعی، سرمایه اجتماعی.

فهرست مطالب

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
5	چکیده
۱۱	فصل اول: کلیات تحقیق
۱۲	(۱) مقدمه:
۱۵	(۲) بیان مسئله:
۱۸	(۳) ضرورت تحقیق و اهمیت موضوع:
۲۳	(۴) اهداف پژوهش (جزئی و کلی):
۲۳	(۱-۴-۱) هدف کلی
۲۴	(۲-۴-۱) اهداف اختصاصی
۲۴	فصل دوم: مبانی نظری و پیشینه تجربی
۲۵	(۱-۲) مقدمه
۲۶	(۲-۲) ادبیات نظری پژوهش
۲۸	(۱-۲-۲) واژه شناسی یا ترمینولوژی
۲۸	(۱) تبیین مفهوم مشارکت
۳۰	(۲) سابقه تاریخی موضوع مشارکت
۳۲	(۳) سابقه مشارکت در ایران
۳۵	(۲-۲-۲) دیدگاههای نظری در باره مشارکت
۳۷	(۱) یورگن هابرماس
۴۲	(۲) آنتونی گیدنز
۵۱	(۳) رونالد اینگلهارت
۵۴	(۴) امیل دورکیم
۵۸	(۵) ماکس وبر
۶۳	(۶) هانتینگتون و نلسون
۶۷	(۷) نظریه ی کنش موجه آیزن و فیش باین
۷۰	(۸) تالکوت پارسونز

۷۵	جمع بندی چارچوب نظری
۷۹	پیشینه تجربی
۷۹	پژوهش های انجام گرفته در داخل کشور
۸۶	پژوهش های انجام شده در خارج از کشور
۸۸	جمع بندی پیشینه تجربی
۹۲	فرضیه های پژوهش
۹۳	جمع بندی و نتیجه گیری
۹۴	فصل سوم: روش های تحقیق
۹۵	مقدمه
۹۷	تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای تحقیق
۹۷	فضای مفهومی و تعریف عملیاتی متغیر وابسته
۹۷	مفهوم مشارکت اجتماعی
۱۰۰	تعریف عملیاتی متغیر وابسته ی پژوهش (مشارکت)
۱۰۰	تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای مستقل
۱۰۰	اعتماد نهادی
۱۰۱	اعتماد اجتماعی
۱۰۱	اعتماد بنیادی
۱۰۲	اعتماد بین شخصی
۱۰۳	وضعیت تاهل
۱۰۳	وضعیت اشتغال
۱۰۴	روش تحقیق
۱۰۴	سنجش متغیرهای پژوهش و اعتبار آن ها
۱۰۴	سنجش متغیر وابسته و اعتبار آن
۱۱۰	سنجش متغیرهای مستقل و اعتبار آن ها
۱۱۳	جامعه آماری
۱۱۴	روش و طرح نمونه گیری
۱۱۵	واحد آماری
۱۱۵	حجم نمونه و روش محاسبه

- ۱۱۶..... (۹-۳) شیوه جمع آوری و تحلیل داده ها.....
- ۱۱۷..... (۱۰-۳) قلمرو مکانی و زمانی تحقیق.....
- ۱۱۸..... فصل چهارم: یافته‌های تحقیق.....
- ۱۱۹..... (۱-۴) مقدمه فصل.....
- ۱۲۰..... (۲-۴) تحلیل های توصیفی تک متغیره.....
- ۱۲۰..... (۱-۲-۴) توزیع پراکندگی سن پاسخگویان.....
- ۱۲۱..... (۲-۲-۴) توزیع فراوانی جنسیت.....
- ۱۲۲..... (۳-۲-۴) توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وضعیت تاهل.....
- ۱۲۳..... (۴-۲-۴) توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان تحصیلات.....
- ۱۲۵..... (۵-۲-۴) توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وضعیت اشتغال سرپرست خانوار.....
- ۱۲۶..... (۶-۲-۴) توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان هزینه ی خانواده.....
- ۱۲۷..... (۷-۲-۴) توزیع پراکندگی پاسخگویان بر حسب اعتماد اجتماعی.....
- ۱۲۹..... (۸-۲-۴) توزیع پراکندگی پاسخگویان بر حسب مشارکت اجتماعی.....
- ۱۳۱..... (۹-۲-۴) توزیع پراکندگی پاسخگویان بر حسب بعد اعتماد بین شخصی.....
- ۱۳۲..... (۱۰-۲-۴) توزیع پراکندگی پاسخگویان بر حسب بعد اعتماد بنیادی.....
- ۱۳۴..... (۱۱-۲-۴) توزیع پراکندگی پاسخگویان بر حسب بعد اعتماد نهادی.....
- ۱۳۵..... (۱۲-۲-۴) توزیع پراکندگی پاسخگویان بر حسب بعد اعتماد به دولت.....
- ۱۳۷..... (۱-۳-۴) بررسی رابطه ی بین مشارکت و جنسیت پاسخگویان.....
- ۱۳۸..... (۲-۳-۴) رابطه وضعیت تاهل و مشارکت اجتماعی.....
- ۱۳۸..... (۳-۳-۴) رابطه میزان تحصیلات و مشارکت اجتماعی.....
- ۱۴۰..... (۴-۳-۴) رابطه وضعیت اشتغال سرپرست خانوار و مشارکت اجتماعی.....
- ۱۴۱..... (۵-۳-۴) رابطه وضعیت اشتغال سرپرست خانوار و مشارکت اجتماعی.....
- ۱۴۳..... (۶-۳-۴) رابطه میزان هزینه ی خانوار و مشارکت اجتماعی.....
- ۱۴۵..... (۷-۳-۴) بررسی رابطه بین مشارکت اجتماعی با سن.....
- ۱۴۶..... (۸-۳-۴) بررسی رابطه بین مشارکت اجتماعی با اعتماد اجتماعی.....
- ۱۴۷..... (۹-۳-۴) بررسی رابطه بین مشارکت اجتماعی با بعد اعتماد بین شخصی متغیر اعتماد اجتماعی.....
- ۱۴۹..... (۱۰-۳-۴) بررسی رابطه بین مشارکت اجتماعی با بعد اعتماد بنیادی متغیر اعتماد اجتماعی.....
- ۱۵۰..... (۱۱-۳-۴) بررسی رابطه بین مشارکت اجتماعی با بعد اعتماد نهادی متغیر اعتماد اجتماعی.....



- ۱۵۲.....۱۲-۳-۴) بررسی رابطه بین مشارکت اجتماعی با بعد اعتماد به دولت متغیر اعتماد اجتماعی.....
- ۱۵۲.....۴-۴) نتایج تحلیل های استنباطی چندمتغیره.....
- ۱۵۳.....۱-۴-۴) نتایج تحلیل رگرسیونی چندمتغیره مشارکت اجتماعی.....
- ۱۵۶.....فصل نهم: خلاصه، نتیجه گیری و پیشنهادات.....
- ۱۵۷.....۱-۵) مقدمه فصل:.....
- ۱۵۷.....۲-۵) نتایج به دست آمده در پژوهش:.....
- ۱۵۷.....۱-۲-۵) نتایج توصیفی تحقیق:.....
- ۱۶۱.....۴-۵) یافته های تحقیق و مقایسه آن با ادبیات (نظری و تجربی) پژوهش.....
- ۱۶۷.....۵-۵) بحث و نتیجه گیری.....
- ۱۷۲.....۶-۵) پیشنهادات تحقیق.....
- ۱۷۳.....۷-۵) محدودیت های تحقیق.....
- ۱۷۵.....منابع و مآخذ.....

### جداول و نمودارها

- ۱۲۱.....نمودار شماره (۱): توزیع فراوانی پاسخگویان به تفکیک سن.....
- ۱۲۲.....جدول (۲): توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب جنس.....
- ۱۲۳.....نمودار شماره (۳): توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وضعیت تاهل.....
- ۱۲۴.....جدول (۴): نمودار فراوانی پاسخگویان بر اساس میزان تحصیلات.....
- ۱۲۶.....جدول (۶): نمودار فراوانی پاسخگویان بر اساس وضعیت اشتغال سرپرست خانوار.....
- ۱۲۷.....نمودار (۷): نمودار فراوانی پاسخگویان بر اساس هزینه ی خانوار.....
- ۱۲۸.....پیوستار (۱) میانگین اعتماد اجتماعی.....
- ۱۲۹.....نمودار شماره (۸): توزیع فراوانی اعتماد اجتماعی جامعه مورد مطالعه.....
- ۱۲۹.....پیوستار (۲) میانگین مشارکت اجتماعی.....
- ۱۳۰.....نمودار شماره (۹): توزیع فراوانی مشارکت اجتماعی جامعه مورد مطالعه.....
- ۱۳۱.....پیوستار (۳) میانگین اعتماد بین شخصی.....
- ۱۳۲.....نمودار شماره (۱۰): توزیع فراوانی اعتماد بین شخصی جامعه مورد مطالعه.....
- ۱۳۲.....پیوستار (۴) میانگین اعتماد بنیادی.....
- ۱۳۳.....نمودار (۱۱): نمودار پراکندگی بعد اعتماد بنیادی متغیر اعتماد اجتماعی.....
- ۱۳۴.....پیوستار (۵) میانگین اعتماد نهادی.....
- ۱۳۵.....نمودار (۱۲): نمودار پراکندگی بعد اعتماد نهادی متغیر اعتماد اجتماعی.....

- پیوستار(۶) میانگین اعتماد به دولت ..... ۱۳۵.....
- نمودار (۱۳): نمودار پراکنندگی بعد اعتماد نهادی متغیر اعتماد به دولت ..... ۱۳۶.....
- نمودار شماره (۱۴): پراکنش رگرسیونی سن و مشارکت اجتماعی ..... ۱۴۶.....
- نمودار شماره (۱۵): پراکنش رگرسیونی اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی ..... ۱۴۷.....
- نمودار شماره (۱۶): پراکنش رگرسیونی بعد اعتماد بین شخصی و مشارکت اجتماعی ..... ۱۴۸.....
- نمودار شماره (۱۷): پراکنش رگرسیونی بعد اعتماد بنیادی و مشارکت اجتماعی ..... ۱۵۰.....
- نمودار (۱۸): نمودار پراکنش رگرسیونی مشارکت بر پایه ی اعتماد نهادی ..... ۱۵۱.....
- نمودار شماره(۱۹): هیستوگرام نرمال بودن توزیع باقی مانده های تحلیل رگرسیون ..... ۱۵۵.....
- نمودار شماره(۲۰): نمودار نرمال بودن توزیع باقی مانده های تحلیل رگرسیون ..... ۱۵۵.....

فصل اول:  
کلیات تحقیق

مشارکت اجتماعی امری غیرقابل انکار برای هر حرکت و فعالیت اجتماعی است و همچنین هر تصمیمی که در جامعه اتخاذ می‌شود با هدف تحقق بخشیدن به آن است. بحث درباره مشارکت را اساساً می‌توان فرایندی تلقی کرد که ریشه در زندگی اجتماعی انسان دارد و ابعاد آن در طی زمان و بر حسب الزامات دوره‌های مختلف تاریخ دگرگون و متکامل شده است. امروزه سخن گفتن از توسعه و هر اقدامی، بدون همراهی و مشارکت مردم بی‌معنی می‌باشد و با توجه به پیچیدگی هرچه بیشتر جامعه این امر اهمیت بسیار بیشتری نسبت به گذشته به خود اختصاص می‌دهد. از سویی نیز با مراجعه به همه طرح‌های موفق اجتماعی مشاهده می‌شود که همکاری مردم دلیل اصلی موفقیت برنامه‌ها محسوب می‌شود و هیچ قدم رو به جلویی بدون مشارکت اجتماعی اقشار جامعه ممکن نبوده است. حضور فعال شهروندان در فرآیند های تصمیم‌گیری و ایفای نقش مؤثر آن‌ها در زندگی سیاسی و اجتماعی، از شاخص‌های اساسی جامعه‌ی مردم‌سالار است. زندگی در جامعه‌ی دموکراتیک اقتضا می‌کند مردم به طور فعال در زندگی سیاسی - اجتماعی ایفای نقش کنند. نظام سیاسی مطلوب، نظامی است که علاوه بر توجه به زمینه‌سازی برای مشارکت‌فراینده‌ی شهروندان، خود نیز برآمده از رفتارهای مشارکت‌جویانه‌ی آنان باشد. وجود ظرفیت‌های جذب‌کننده‌ی مشارکت‌فراینده‌ی شهروندان در ساختار نظام سیاسی (اجتماعی)، پیامد‌های داخلی و بین‌المللی قابل توجهی بر ثبات، نفوذ و موقعیت‌های بین‌المللی آن دارد (مولایی، ۱۳۹۷: ۱۴۲).

به طور کلی، مشارکت همگانی شهروندان در جامعه، افزون بر وجود بسترهای قانونی و بالقوه، نیازمند ایجاد تحول و بازاندیشی در زیرساخت‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است؛ زیرا مشارکت فعالانه شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها، نخست در میزان آگاهی و شناخت آنان از هویت شهروندی خویش

متجلی می شود، سپس در مداخله داشتن در اداره همه جانبه امور کشور و سیاست گذاری های کلان، عینیت می یابد.

امروزه اکثر نظام های حاکمیتی برای پرهیز از بحران مشارکت، به بومی سازی و سازمان دهی حقوقی مشارکت در عرصه داخلی و بین المللی روی آورده و دریافته اند که هرچه به حضور مردم در تعیین سرنوشت خویش بها دهند، چهره مطلوبی از خود به نمایش می گذارند و هرچه نسبت به پذیرش حق مشارکت مردم سخت گیری و تحریم روا دارند وجهه ی اجتماعی آن ها کاهش می یابد. از این رو اتخاذ رفتار مناسب دولت در قبال مشارکت شهروندان می تواند معیاری مهم در درجه مشروعیت دولت ها تلقی شود. مشارکت عمومی در نظام های سیاسی حق مردم به شمار می رود، چرا که مردم حاکم بر سرنوشت اجتماعی خویش هستند و می توانند در راستای تحقق اهداف مورد نظر حکومت به یاری آن بشتابند. این امر در حکومت اسلامی نیز جاری است و حکومت اسلامی به منظور دستیابی به اهداف دینی خود، نیازمند مشارکت هر چه بیشتر مردم و همکاری عمومی در موضوعات مختلف در حوزه ی فعالیت دولت است ( جاوید و فتاحی زفرقندی، ۱۳۹۲: ۶۹)

شکل گیری مشارکت و چگونگی عضویت و همکاری افراد جامعه در تشکل های غیردولتی و فعالیت های اجتماعی تحت تأثیر عوامل متعددی است. یکی از این عوامل اعتماد اجتماعی است. اعتماد از جمله مفاهیمی است که در یکی دو دهه ی اخیر در عرصه ی علوم اجتماعی، گسترش و رشد زیادی داشته است. طبعاً محققان مختلف از دیدگاه های گوناگونی به آن نگرسته اند و به تبیین و توضیح دلایل اعتماد و مشارکت مردم در برنامه های توسعه، تقویت و ارتقای آن، تبعات و تأثیرات کاهش و تضعیف آن پرداخته اند. در فرهنگ لغت انگلیسی آکسفورد اعتماد اطمینان به بعضی از صفات یا ویژگی های یک شخص و حتی درستی و حقانیت یک نظریه تعبیر و تعریف شده است. همانطوری که مشخص است اعتماد در این تعریف متضمن مفهوم اطمینان است که بیانگر اعتمادی پابرجاست (ازکیا و حسنی راد، ۱۳۸۸: ۹). . اعتماد،

لازمه شکل گیری پیوند ها و معاهدات اجتماعی است. اعتماد اجتماعی، ایجاد کننده ی تعاون و همیاری است و فقط در این حالت است که در عین وجود تفاوت ها قادر به حل مشکلات و انجام تعهدات اجتماعی می شویم. اعتماد اجتماعی برگرفته از عدالت (برابری) بوده و امنیت اجتماعی نیز زاینده ی آن ها می باشد. آنتونی گیدنز، اعتماد و تاثیر آن بر فرآیند توسعه را زیربنا و زمینه ساز اصلی در جوامع مدرن می داند، هر جا که سطح اعتماد اجتماعی بالا باشد، مشارکت و عمیاری مردم در عرصه های اجتماعی بیش تر و آسیب های اجتماعی کمتر است (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۰: ۲۷۸).

با توجه به این که اعتماد به عنوان مقدمه ی ضروری ایجاد ارتباط، از متغیرهای اصلی برای عملی شدن تعاملات دوجانبه و تعاملات اجتماعی است و نوع سیاسی آن، یعنی اعتماد سیاسی از مهم ترین پیش شرط های دولت سازی و کارآمد شدن نهادهای دولتی محسوب می شود. شهروندان زمانی به انجام مشارکت متمایل می شوند که به کارآمدی اجزا و عناصر محیط مورد مشارکت، اطمینان داشته و به مؤثر بودن نتایج آن خوش بین باشند (مولایی، ۱۳۹۷: ۱۴۳).

اعتماد سیاسی میزان نگرش حامیانه ی مردم، نسبت به نظام سیاسی، نهادهای سیاسی و کنشگران سیاسی در جامعه است. استون اعتماد سیاسی را نگرش مثبت نسبت به موضوعات سیاسی می داند که این موضوعات هم به رژیم سیاسی و هم متصدیان اقتدار در جامعه بر می گردد. هوگه و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۱) اعتماد سیاسی را به عنوان نوعی حمایت رایج که نظام سیاسی از محیط دریافت می کند در نظر می گیرند (همان منبع). اعتماد سیاسی برخلاف اعتماد اجتماعی یا میان فردی که افقی است، یک رابطه ی عمودی یعنی رابطه میان مردم با نهادهای دولتی و افرادی که در مسند تصمیم گیری اند، نظر دارد (سید امامی و منتظری مقدم، ۱۳۹۱: ۱۹۴ به نقل از همان منبع).

<sup>1</sup> Hooghe et al

اعتماد، اهمیت نظری و عملی مهمی برای مطالعه ی سازمان های دولتی دارد. علی رغم این که ادبیات وسیعی درباره ی کاربردهای اعتماد در زندگی سازمانی وجود دارد، تحقیقات منظم معدودی در زمینه ی عوامل موثر بر اعتماد درون سازمانی و اعتماد عمومی انجام شده است. بدین ترتیب، در این پژوهش برآن شدیم که به بررسی رابطه ی بین اعتماد به حاکمیت و مشارکت اجتماعی پردازیم و در پرتو دانش موجود، کمکی هرچند اندک به روشن شدن ابعاد این مسئله کرده باشیم.

## ۲ بیان مسئله:

مشارکت اجتماعی یکی از مفاهیمی است که در دهه های اخیر در عرصه ی علوم اجتماعی گسترش یافته و توجه پژوهشگران را به خود جلب کرده است، تا جایی که نظریه پردازان متعددی با دیدگاه های متفاوت به آن نگرسته اند. نگاهی گذرا به تاریخ نشان از آن دارد که مشارکت شهروندان در هر عرصه جزء لاینفک زندگی آنان بوده و بدون مشارکت زندگی اجتماعی معنا و مفهومی نداشته است. باید به این نکته ی اساسی توجه داشت که ایجاد اعتماد و به نوعی سرمایه ی اجتماعی در هر جامعه ای پیش نیاز و پایه ای برای جلب مشارکت اجتماعی شهروندان است (خادمیان و پوررضا کریم سرا، ۱۳۹۱: ۹۰). توجه به نقش مشارکت اجتماعی زمینه را برای توانمند سازی، افزایش بهره وری، کاهش مشکلات شهری و مشکلات ناشی از عدم مشارکت یا مشارکت محدود در فعالیت های شهری در جامعه ی ایران یک مسأله ی اساسی در حوزه ی مدیریت و برنامه ریزی شهری است. مشارکت اجتماعی فرآیندی است که از طریق آن افراد کار جمعی را تمرین می کنند و برای زندگی گروهی آماده می شوند (همان منبع). تجربه عملی نظام های اجتماعی و سیاسی توسعه یافته، گواه آن است که میزان التزام دولت ها به پذیرش مشارکت شهروندان، می تواند زمینه بیشترین میزان دخالت و انگیزش مردم در تعیین سرنوشت خویش را فراهم آورد (بروکر، ۱۳۸۳: ۲۰-۱۸).

علی رغم این که یکی از سیاست‌گذاری‌هایی که در ایران در همه دولت‌ها از ابتدای اولین برنامه توسعه کشور مورد توجه قرار گرفته مشارکت است (حاجی یوسفی و طالبی، ۱۳۹۵: ۱۰)، در برنامه‌ها و سیاست‌های دولت در ایران از قدیم‌الایام توجه زیادی به مشارکت مردم و ایجاد سازوکارهایی جهت واگذاری برخی اختیارات تصمیم‌گیری و اجرایی به آنها نشده است (زارع و روهنده، ۱۳۹۴: ۶۶). بر اساس بررسی‌های اخیر صورت گرفته، میزان مشارکت در ایران در سطح پایینی قرار دارد.<sup>۱</sup> در یکی از ارزیابی‌های نهادهای بین‌المللی، ایران از نظر شش شاخص حکمرانی خوب که یکی از لازمه‌های مشارکت سیاسی و اجتماعی مردم است در بین ۱۷۸ کشور جهان، رتبه‌ی ۱۲۰ تا ۱۳۰ را به دست آورده است (حاجی یوسفی و طالبی، ۱۳۹۵: ۱۰) که نشان‌دهنده رتبه پایین کشور ما در بین سایر کشورهای جهان است. با توجه به بررسی متون صورت گرفته، پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (۱۳۷۹ و ۱۳۸۲) و پیمایش ملی فرهنگ سیاسی مردم ایران (۱۳۸۴) سه تحقیق ملی هستند که از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران انجام شده‌اند. شواهد تجربی این سه پژوهش ملی دلالت بر آن دارند که اعتماد کم به نهادهای حکومتی از ۱۸/۸۵ درصد در سال ۱۳۷۹ به ۱۷ درصد در سال ۱۳۸۴ کاهش یافته است (دانش فرد و ادیب زاده، ۱۳۹۵: ۱۲۰). بنابراین علی‌رغم سرمایه‌گذاری‌های انجام گرفته در این عرصه، مشکلات غیرقابل انکاری در مشارکت اجتماعی و سیاسی دیده می‌شود<sup>۲</sup> و همان‌گونه که اشاره شد، در عمل مشارکت آنچنان که مدنظر بود محقق نشده است.

ساختار سیاسی جامعه ایران به دلیل ویژگی‌های ساختاری چون تمرکزگرایی و دیوانسالار بودن که از حیث تاریخی، از آن برخوردار بوده است نتوانسته به صورت موفق و موثر برای تحقق مشارکت اجتماعی سازمان یافته مردم ایفای نقش کند. جامعه ایران و خصوصاً دولت، برای زمینه‌سازی و تقویت مشارکت اجتماعی، نیازمند نگاه سیاسی متفاوت از نگرش و سیاست دولت‌های گذشته است. از طرفی توسعه و

<sup>۱</sup>- <http://zanjan.farsnews.com/news/13951028001167>

<sup>۲</sup>- <http://www.ion.ir/News/23870.html>



پیشرفت در یک جامعه، نتیجه عقلانیت، هماهنگی، ثبات، آرامش، برنامه ریزی و مدیریت کارگزاران بوده و به طور دسته جمعی امکان پذیر است (رضایی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰۳).

از لحاظ نظری دیدگاه های مختلف در خصوص چگونگی مشارکت ایرانیان وجود دارد که از میان آن ها به دو دیدگاه اساسی اشاره می کنیم:

۱- در دیدگاه نخست ایرانیان اساساً فردگرا و غیر مشارکتی معرفی شده اند. صاحب نظران این دیدگاه بر این باورند که ایرانیان به واسطه ی ساخت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دارای روحیه ی فردگرایی و قبیله گرایی بوده و اکثر مردم اعتقادی به مشارکت در تصمیم گیری ها و امور اجتماعی نداشته اند. بر اساس این دیدگاه ماهیت دولت چه از لحاظ نظام حاکم و چه از لحاظ مشروعیت با دولت های اروپایی متفاوت است و جامعه را نمایندگی نمی کند. اساساً دولت در جامعه ی اروپایی رشد و تحول یافته و هر شکل از آن، کم و بیش دارای یک پایگاه اجتماعی است و به همان نسبت از مشروعیت سیاسی برخوردار است (کاتوزیان، ۱۳۷۱: ۴۸-۵۲ به نقل از خادمیان و پوررضا کریم سرا، ۱۳۹۱: ۹۳). به علاوه طی قرون متمادی، تمرکز حکومت و سلطه ی آن سبب شده است شکل های صنفی و سیاسی در ایران شکل نگیرند و بنابراین مشارکت چه در معنای سیاسی و چه اجتماعی در جامعه جایگاهی نداشته باشد (پیروز، ۱۳۷۱: ۱۰۴ به نقل از همان: ۹۴).

۲- در دیدگاه دوم روحیه ی ایرانی و شخصیت اساسی ایرانیان، روحیه و شخصیت جمع گرا معرفی شده است. در این دیدگاه میل به مشارکت و انجام کار گروهی یکی از الگوهای فرهنگی غالب در فرهنگ جامعه ی ایران بیان شده است. این دیدگاه تاریخ اجتماعی کشور ما را تاریخ مشارکت و فعالیت جمعی دانسته و معتقد است که اصناف و مؤسسه ها و نهادهای اجتماعی به صورت خود جوش، غیردولتی و داوطلبانه فعالیت داشته اند (همان).

با بررسی هر دو این دیدگاه، می توان نقش پررنگ اعتماد اجتماعی و سیاسی را در مشارکت دید. زمینه ی ورود در هر گونه روابط مستمر اجتماعی، اعتماد است. به عبارت دیگر با ظهور و شکل گیری اعتماد، همکاری و مشارکت افراد افزایش یافته و تمایل گروه های اجتماعی برای فعالیت های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی گسترش می یابد.

اعتماد به عوان مولفه اساسی سرمایه ی اجتماعی علاوه بر این که یک عنصر فردی و شخصی است، واقعیتی اجتماعی می باشد که توسط جمع ساخته و پرداخته می شود. اعتماد و اطمینان نوعی کنش فردی است که در تعاملات و روابط اجتماعی بخصوص روابط اجتماعی از نوع افقی نمود پیدا می کند. ایجاد اعتماد در روابط اجتماعی ناشی از دوستی ها و شناخت افراد متعامل از یکدیگر است و این یعنی انتظار عمل صادقانه از طرف متعامل مقابل و التزام فرد به عدم نقض این اعتماد که زمینه تمام کنش های انسانی را شکل می دهد. به عبارتی لازمه تمام کنش های بشری، وجود حداقل اعتماد در جامعه است و بالاخص این نوع اعتماد باید در سطح کلان بین حاکمیت و مردم شکل بگیرد. بر این اساس، مشارکت نیز بعنوان کنش اجتماعی نیازمند اعتماد است و همین امر زمینه بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت را فراهم نموده است. بی اعتمادی و ناامنی ارتباط متناظر دارند و هر دوی آن ها بر روی کارکردهای نظام سیاسی تأثیر منفی می گذارند. با توجه به مطالب مطرح شده هدف از پژوهش حاضر این است تا به بررسی نقش اعتماد به حاکمیت در میزان مشارکت اجتماعی شهروندان به صورت مطالعه موردی در استان آذربایجان شرقی و شهر تبریز پردازد.

### ۳) ضرورت تحقیق و اهمیت موضوع:

برنامه ی توسعه ی سازمان ملل ویژگی ها و شاخص هایی برای حکمرانی خوب مطرح می کند که توجه و تاکید آن بر تامین حقوق شهروندی و مشارکت آن ها در تصمیم گیری و اجرای آن است. این

شاخص ها عبارتند از: پاسخ گوئی، اجماع سازی، مشارکت، انصاف و عدالت، کارایی و اثر بخشی، حق اظهار نظر، شفافیت، حاکمیت قانون (حاجی یوسفی و طالبی، ۱۳۹۵: ۱۷). با توجه به اهمیت اصل ۴۴ و محورهای اصلی خط مشی ها و سیاست های کلی اصل ۴۴ و پیاده سازی زمینه های لازم برای حضور بخش خصوصی و تعاونی در عرصه های صنعتی و تولیدی کشور ضروری است که دولت ها بیشتر از گذشته در جهت تعامل با بخش های خصوصی و ظرفیت های بالقوه ی جامعه گام بردارند (احسانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۷).

در عصر کنونی دولت ها نیازمند نوعی شهروند آگاه و فعال در اداره ی امور عمومی و آگاه از قانون اساسی می باشند که با مشارکت خودش سبب پیشبرد بهتر امور و از طرفی تعیین و تشخیص نیازهای عمومی توسط دولت ها می شود. این ایده ی شهروندی، مردم را ترغیب می کند که نه تنها منفعت شخصی خود بلکه منفعت عامه را نیز دنبال کند (همان: ۷۱).

دموکراسی نباید در رای دادن مردم خلاصه شود، شهروند بودن هم نباید به عمل رای دادن ختم شود. لازمه ی مشارکت وجود روش های سیاسی برای بهره برداری بیشتر و دایمی از تمام امکاناتی است که موجب پیوند مردم به حاکمان باشد. بنیاد دموکراسی را باید از طرق حرکت های محلی و ... گسترش داد، باید مشارکت مردم را در شهرها، روستاها، بخش ها و استان ها به صورت های مختلف برانگیخت و باید بیان نظر و عمل مشارکت مردم را افزایش داد (جوادی، ۱۳۸۷: ۲۴).

پوتنام بر این نظر است که کارکرد و حکمرانی بهتر رژیم دموکراتیک، پیوندی نزدیک با محیط اجتماعی و فرهنگی دارد. وی به عامل فرهنگ سیاسی در تشکیل سرمایه ی اجتماعی (باورهای دموکراتیک، اخلاق مدنی، اعتماد، مشارکت و رفتارهای مدنی) بسیار اهمیت می دهد و آن را در ایجاد زمینه ی حکمرانی خوب تعیین کننده می داند. زیرا فضیلت های مدنی و فرهنگ سیاسی دموکراتیک،

به معنای فراهم شدن سرمایه‌ی اجتماعی و انجام رفتارهای مدنی می‌انجامد و در پی آن حکومت ناگزیر از حکمرانی خوب می‌شود (سردارنیا، ۱۳۸۹: ۱۴۱ به نقل از حاجی یوسفی و طالبی، ۱۳۹۵: ۱۱).

امروزه بیشترین توافق در این زمینه وجود دارد که اعتماد مؤلفه‌ای ضروری در همه‌ی انواع روابط اجتماعی است. می‌توان گفت که اعتماد نتیجه‌ی برهم کنش اجتماعی موجود در گروه‌ها، انجمن‌ها و فعالیت‌های اجتماعی است. از این رو اعتماد را می‌توان یکی از عناصر مهم و حیاتی در امر مشارکت تلقی کرد. اهمیت اعتماد اجتماعی از آن جهت مورد توجه است که این متغیر با بسیاری از متغیرهای موجود در جامعه‌ی مدنی از جمله مشارکت، دارای همبستگی است. مشارکت اجتماعی و عضویت داوطلبانه در سازمان غیردولتی و انجمن‌های داوطلبانه، از جمله پیامدهایی هستند که می‌توان انتظار داشت در شرایط وجود اعتماد اجتماعی بالا، زمینه‌ی مناسب‌تری برای تحقق پیدا کنند. اگر این اعتماد از حد فردی به سطح اجتماعی انتقال یابد به عنوان سرمایه‌ای با ارزش تلقی می‌شود که موجب پایین آمدن هزینه برهم کنش‌های اجتماعی و اقتصادی و اقدامات مرتبط با آن می‌شود (علی پور و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۱۰ به نقل از زارع شاه آبادی و نوریان نجف، ۱۳۹۰: ۴۹).

اعتماد متقابل اجتماعی و مشارکت اجتماعی مردم خود یکی از عناصر نظم اجتماعی است. نظمی که روابط، مناسبات، اعمال، رفتار، کنش‌های کنشگران را قابل پیش‌بینی، قانده مند و الگومند می‌سازد. فقدان این مشارکت و وفاق اجتماعی زمینه‌ی برخورد و اختلاف و تضاد را در میان عملکرد بخش‌های مختلف (خصوصی و عمومی) جامعه فراهم می‌آورد و بخش اعظم منابع کمیاب این کشور صرف مقابله با عوارض نامطلوب این برخورد‌ها می‌گردد. از این رو نگرش برنامه ریزان و خط مشی تدوین‌کنندگان در آستانه‌ی ورود به قرن بیست و یکم باید معطوف به افزایش نقش مشارکت‌های مردمی در فرآیند توسعه و بویژه در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی باشد (ازکیا و حسینی راد، ۱۳۸۸: ۱۰).

موضوع سنجش میزان اعتماد و مشارکت مردم ... از دو جنبه ی نظری و کاربردی حائز اهمیت است، هم تحقیقی بنیادی است و موجب شناخت بیشتر این بعد از جامعه شناسی می شود و هم کاربردی است و میتوان با شناخت متغیرهای موثر بر اعتماد و مشارکت مردم در برنامه های توسعه از نتایج آن در برنامه ریزی و سیاست گذاری استفاده کرد(همان: ۱۱).

مشارکت شهروندان در امور گوناگون باعث آگاهی آنان از مشکلات و تنگناها شده و براین اساس توقعات و انتظاراتشان جنبه ی عقلانی به خود خواهد گرفت و زمینه ی وفاق ملی و انسجام اجتماعی را میان شهروندان ایجاد خواهد کرد. امروزه جامعه به مشارکت مردم نیاز دارد، لازمه ی آن وجود نهادهای مشارکتی است و بستر لازم برای این امر اعتماد اجتماعی شهروندان است. در سایه ی این اعتماد تعاملات اجتماعی ایجاد می شود و شهروندان به محیط پیرامون خود احساس تعلق پیدا می کنند(خادمیان و پوررضا کریم سرا، ۱۳۹۱: ۹۰).

به علاوه مردم برای رفع نیازهای خود، به خصوص برای تأمین امنیت و آسایش و مشارکت در امور جامعه نیاز به ارتباط با حاکمیت دارند. این نیاز با پیشرفته شدن جوامع و افزایش تقسیم کار و گسترش نظام های انتزاعی روزه روز بیشتر می شود، به نحوی که امروزه جدایی کامل از نظام سیاسی غیر ممکن است. از طرفی دولت ها نیز به ارتباط با مردم نیاز دارند. بیشتر دولت های امروز متخب مردم هستند ودوام و بقای آن ها وابسته به حمایت و خواست مردم است که ان امر بدون وجود اعتماد امکان پذیر نیست (شایگان، ۱۳۸۷: ۱۷۹-۱۵۳ به نقل از دانش فرد و ادیب زاده، ۱۳۹۵: ۱۱۸). در مقابل، اعتماد عمومی نسبت به دولت برای مدیران، کارکنان و کارگزاران هر نظام سیاسی اهمیت دارد، زیرا پشتیبانی از تدوین و اجرای خط مشی های عمومی و همین طور همراهی و همکاری اثربخش شهروندان نقش محوری ایفا می کند (زاهدی و خان باشی، ۱۳۹۰: ۷۳-۹۶ به نقل از همان).

اعتماد سیاسی شهروندان به نخبگان حاکم و سیاست ها و خط مشی های آن ها از سرمایه های مهم اجتماعی برای نظام های دموکراتیک به شمار می رود که اکثر سیاست مداران در پی افزایش کمی و کیفی آن برای حل معضلات داخلی و بین المللی خود با هزینه های اندک هستند (هرسیج، ۱۳۸۳: ۲۶۴-۲۳۹ به نقل از همان).

افزایش اعتماد سیاسی موجب تعامل بیشتر و بهتر بین مردم و دولت و مشارکت سیاسی مردم می شود و در عوض کاهش آن موجب عدم حمایت و پشتیبانی مردم از مسئولان، عدم رعایت قوانین و مقررات (مگر به اجبار)، عدم حمایت از برنامه های دولت، کاهش مشارکت سیاسی، فرار از پرداخت مالیات، سرایت بی اعتمادی به نهادها و سازمان های دولتی و در موارد حاد، موجب بحران مشروعیت می شود. به همین دلیل اعتماد سیاسی همیشه یکی از کانون های توجه مسئولان بوده و به روش های مختلف سعی در افزایش آن داشته اند (شایگان، ۱۷۹-۱۵۳ به نقل از همان).

اعتماد عمومی نسبت به دولت برای مدیران، کارکنان و کارگزاران هر نظام سیاسی اهمیت دارد، زیرا در پشتیبانی از تدوین و اجرای خط مشی های عمومی و همین طور همراهی و همکاری اثربخش شهروندان نقش محوری ایفا می کند. از دیدگاه مدیریتی علت بی اعتمادی به حکومت ها نوع عملکرد دولت است. از دیدگاه خاص مدیریت دولتی نیز حجم کاری زیاد و حوزه ی فعالیت گسترده ی دولت از علل بی اعتمادی به آن است، زیرا حجم مسئولیت های دولت با توجه به بودجه ی محدود به حدی وسیع است که دولت از توان لازم برای انجام همه ی آن ها برخوردار نیست. همین موضوع سبب کاهش یا سلب اعتماد شهروندان می شود. البته جامعه شناسان کمبود سرمایه ی اجتماعی و برخی دیگر بی اعتمادی حاکم میان اصیل و وکیل را عامل اصلی بی اعتمادی عمومی ذکر می کنند (زاهدی، خانباشی، ۱۳۹۰: ۷۴-۷۳).

وقتی سخن از اعتماد عمومی به میان می آید بدین معنی است که عامه ی مردم انتظار دارند مقامات و کارکنان سازمان های دولتی با اقدامات خود در تعامل با عامه به انتظارات آن ها پاسخ دهند. به عبارت دیگر

اعتماد عمومی یعنی انتظار عموم از دریافت پاسخ مثبت به خواسته هایشان از طرف متولیان امور عمومی. اعتماد عمومی، شهروندان را به نهادها و سازمان هایی که نمایندگان آن ها هستند پیوند می دهد و از این طریق مشروعیت و اثربخشی دولت دموکراتیک افزایش می یابد (گنج خانلو، ۱۳۹۸: ۲۲).

شکل گیری نظری حمرانی شهری مبتنی بر سرمایه ی اجتماعی است . اعتماد عمومی نسبت به مدیران، کارکنان و کارگزاران هر نظام سیاسی اهمیت دارد زیرا در پشتیبانی از تدوین و اجرای خط مشی های عمومی و همین طور همراهی و هم کاری اثربخش شهروندان نقش محوری را ایفا می کند. اعتماد یک کالای عمومی است که در صورت مخدوش شدن آن، جامعه به عنوان یک کل متضرر شده و رو به اضمحلال خواهد گذاشت. بنابراین افول اعتماد یکی از مشکلات و مسائل محوری در سیاست نوین حکومت ها و دولت ها در کشورهای مختلف است. به این ترتیب پیوند متولیان امور در بخش عمومی از یک سو و شهروندان از سوی دیگر بر میزان موفقیت و پیشرفت جامعه می افزاید و بی اعتمادی و جدایی مردم از حکومت آفتی بزرگ به شمار می رود (گنج خانلو، ۱۳۹۸: ۲۲). اعتماد می تواند مواهبی از قبیل دوام و بقای حکومت بدون توسل به زور و خشونت، رضایت مردم و اطمینان از پشتیبانی مردم در تصمیمات حساس سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را در بر داشته باشد. در واقع اعتماد، رضایت را جایگزین سرکوب و زور می کند و حکومتی که به نحوی رضایت مردم را جلب کرده باشد، نیازی به کاربرد خشونت ندارد و مردم نیز اعتماد خود را نزد حکومت سرمایه گذاری می کنند(همان).

#### ۴) اهداف پژوهش (جزئی و کلی)

##### ۱-۴-۱) هدف کلی

هدف کلی این پژوهش عبارتست از "بررسی اثرات اعتماد به حاکمیت بر میزان مشارکت اجتماعی "

می باشد و همچنین این بررسی در پی دستیابی به اهداف اختصاصی زیر است:

۱-۴-۲) اهداف اختصاصی

- بررسی تاثیر مشارکت اجتماعی بر میزان اعتماد بین شخصی
- بررسی تاثیر مشارکت اجتماعی بر میزان اعتماد نهادی
- بررسی تاثیر مشارکت اجتماعی بر میزان اعتماد بنیادی
- بررسی تاثیر مشارکت اجتماعی بر میزان اعتماد به دولت

فصل دوم:



۱-۲ مقدمه

فصل دوم این پژوهش به پیشینه تحقیق و چهارچوب نظری اختصاص دارد. در این فصل ابتدا نگاهی داریم به تاریخچه پژوهش و پس از آن به ادبیات تحقیق اشاره می‌کنیم که شامل برخی نظریه‌های مرتبط و مهم در زمینه مشارکت اجتماعی و متغیرهای مرتبط با آن می‌گردد. سپس پیشینه تحقیق آورده می‌شود و

نمونه هایی از تحقیقات انجام شده در داخل و خارج از کشور مورد بررسی قرار می گیرد. نهایتاً نظریه های ارائه شده بازبینی و خلاصه می گردد تا برای ارائه مدل نظری تحقیق آماده شوند. پس از ارائه مدل نظری که شامل جمع بندی نظریه ها می باشد، فرضیه های پژوهش آورده می شود

## ۲-۲) ادبیات نظری پژوهش

در مطالعات جامعه شناختی جهت رسیدن به یک چارچوب نظری جامع تر، از آراء و نظرات دیگران استفاده می شود. هدف چارچوب نظری، هدایت محقق در فرآیند تحقیق است تا ابعاد مسئله مورد نظر را نیز تحدید نماید. چارچوب نظری به محقق کمک می نماید تا از اندیشه های دیگر متفکران در زمینه پدیده مورد بررسی، بهره برده و بر اساس نظریات موجود، فرضیات و متغیرهایی با پشتوانه علمی طراحی نماید. از آنجا که مشارکت مفهومی چند بعدی است برای بررسی ابعاد نظری و روش شناختی آن می توان از چهار پارادایم<sup>۱</sup> واقعیت اجتماعی، تعریف اجتماعی، رفتار اجتماعی و پارادایم ترکیبی استفاده نمود که در این پژوهش، پارادایم ترکیبی مورد استفاده قرار گرفته است. این رویکرد معتقد است در تبیین واقعیت ها و فرایندهای اجتماعی باید نگاهی کل گرایانه داشت.

مطالعه مشارکت دارای سابقه دیرینه ای است. به نظر پارکر<sup>۲</sup> در آغاز، مشارکت اجتماعی به مثابه بعدی از منزلت اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. علاوه بر این مشارکت به عنوان ابزاری برای خود شکوفایی، حامی تکثرگرایی در جوامع توده ای، کاتالیزوری برای وحدت اجتماع محلی، جایگزینی برای پیوندهای تضعیف شده خانواده و کلیسا، عامل جامعه پذیری سیاسی و نظام های دینی غالب دیده شده است (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۰: ۵).

<sup>1</sup>Paradigm

<sup>2</sup>Parker

توجه به مشارکت و ابعاد آن بیشتر در دهه‌های توسعه رخ داد، یعنی به تعبیر چمبرز<sup>۱</sup> «تحول پارادیم-های توسعه که از آن با عنوان انتقال از پارادیم اشیاء به پارادیم مردم» یاد می‌کند، در بسط توجه به مشارکت نقش بسزایی داشته‌اند. به نظر چمبرز در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ پارادیم اشیاء بر مباحث توسعه حاکم بود که بر ایجاد زیرساختهای بزرگ و صنعتی شدن امور تاکید می‌کرد و اقتصاددانان و مهندسين با پارادیم ریاضی و طبیعی از بالا به پایین قواعد، رویه‌ها و شیوه‌ها را تعیین می‌نمودند، با ورود اندیشمندان اجتماعی و نیز کمک برخی آژانس‌های بین‌المللی و گسترش روشهای مشارکتی و دخالت مردم شناسان اجتماعی و سازمانهای غیردولتی، شاهد انتقال از پارادیم اشیاء به پارادیم مردم هستیم، که محور توسعه را مردم قرار داده‌اند. (چمبرز، ۱۹۹۷: ۳۲۳، به نقل از غفاری و ازکیا، ۱۳۸۰: ۱۷۹) به این ترتیب و بطور خلاصه از دهه ۱۹۷۰ تا کنون رویکردهای مشارکتی در بحث توسعه جایگاه خاصی یافته‌اند و به جرأت می‌توان گفت نظریه-پردازان سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، روانی و اقتصادی هر کدام به نوعی به این موضوع پرداخته‌اند و آن را راهبرد فراگیر بالندگی می‌دانند.

مشارکت اجتماعی تحت تاثیر عوامل گوناگون در سطوح مختلف خرد و کلان می‌باشد؛ آنچه در بررسی حاضر مد نظر است، بررسی رابطه بین مشارکت اجتماعی و عوامل سطح کلان است، از مهمترین نهادهای کلان تاثیرگذار در مشارکت می‌توان به نقش اعتماد اجتماعی به دولت اشاره کرد که تاثیر غیرقابل انکاری در مشارکت افراد دارد. در زیر مهم ترین نظریه‌های مرتبط با مشارکت اجتماعی ذکر خواهد شد. لکن قبل از آن به بررسی واژه شناسی مشارکت، سابقه‌ی تاریخی موضوع مشارکت و تاریخچه‌ی مشارکت در ایران می‌پردازیم.

---

<sup>1</sup>Chambers

۱) تبیین مفهوم مشارکت

مشارکت<sup>۱</sup> از نظر لغوی بر وزن مفاعله، به معنای شرکت دو جانبه و متقابل افراد برای انجام امری می- باشد. فرهنگ انگلیسی آکسفورد مشارکت را کنش یا واقعیت شراکت داشتن و سهم داشتن معنی نموده است که در این معنی مشارکت را می توان به این صورت دید :

مقطعی<sup>۲</sup>: معطوف به هدف خاص و یا بخشی از حیات اجتماعی باشد.

پایدار<sup>۳</sup>: با هدف از پیش تعریف شده و یا ناظر بر بخش خاصی از زندگی اجتماعی باشد.

اخلاقی<sup>۴</sup> یا غیر اخلاقی<sup>۵</sup>: مبتنی بر اهداف مثبت یا اهداف شرورانه باشد.

تحمیلی<sup>۶</sup> یا داوطلبانه و آزاد<sup>۷</sup> باشد.

کنترل شده<sup>۸</sup> و یا خود جوش<sup>۹</sup> باشد. (رهنما، ۱۹۹۹: ۱۱۶، به نقل از غفاری و ازکیا، ۱۳۸۰)

به نظر آلن بیرو<sup>۱۰</sup> از منظر جامعه شناسی باید بین مشارکت به عنوان عمل و تعهد (عمل مشارکت) و به عنوان حالت یا وضع (امر شرکت کردن) تمیز قایل شد. مشارکت در معنای اول داشتن شرکتی فعالانه در گروه را می رساند و به فعالیت اجتماعی انجام شده نظر دارد و در معنای دوم از تعلق گروهی خاص و داشتن سهمی در هستی آن خبر می دهد (بیرو، ۱۳۸۰: ۲۷۵). راجرز شومیکز در تعریف مشارکت می گوید، مشارکت درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت های گروهی است که آنان را بر می انگیزاند تا برای

<sup>1</sup>Participation

<sup>2</sup>Transitive

<sup>3</sup>Intransitive

<sup>4</sup>Moral

<sup>5</sup>Immoral

<sup>6</sup>Forced

<sup>7</sup>Free

<sup>8</sup>Manipulative

<sup>9</sup>Spontaneous

<sup>10</sup>Allen Biro

دستیابی به هدفهای گروهی یکدیگر را یاری دهند و در مسؤلیت کار شریک شوند (حسینی، ۱۳۸۱: ۲۱).

کائوتری<sup>۱</sup> در تعریف مشارکت عنوان می‌نماید مشارکت فرایندی اجتماعی، عمومی، یکپارچه، چندگانه، چندبعدی و چندفرهنگی است که هدف آن کشاندن همه مردم به ایفای نقش در همه مراحل توسعه است (کائوتری، ۱۳۷۹: ۳۶). ارتور موشر هم می‌گوید، مشارکت یک اقدام گروهی است و جزو عوامل سرعت-بخش توسعه است. اوکلی<sup>۲</sup> و مارسدن<sup>۳</sup>، مشارکت را حلقه گمشده در توسعه می‌دانند و آن را یک فرایند می‌خوانند. «فرایند سهم کردن و سهم شدن در امور» (حسینی، ۱۳۸۱: ۲۲) اوکلی که گرایش خاص به ابعاد مشارکت دارد، معتقد است که مشارکت عبارت است از حساس‌سازی مردم و در نهایت افزایش پذیرش و توانایی آنان برای پاسخگویی به برنامه‌های توسعه از طریق درگیر کردن آنان با تصمیم‌گیری، اجراء و ارزشیابی برنامه‌ها بر اساس تلاشهای سازمان‌یافته (محسنی و جاراللهی، ۱۳۸۲: ۱۳-۱۲). در نگاهی دیگر هم مشارکت را فرایند آگاهانه تقسیم قدرت و منابع کمیاب و فراهم‌سازی فرصت برای رده‌های پایین جمعیتی جهت بهبود شرایط زندگی آنان عنوان کرده‌اند. بدین ترتیب وقتی مشارکت را به عنوان فراگرد نیرومندسازی مردم در نظر می‌گیریم، مشارکت مبتنی بر سه ارزش «سهم کردن مردم در قدرت و اختیار، راه دادن مردم برای نظارت بر سرنوشت خویش و بازگشودن فرصتهای پیشرفت به روی رده‌های زیرین جامعه» خواهد بود، که حاصل آن تسهیل در شنیدن صدای دیگران، احساس مالکیت نمودن، از میان بردن حاشیه‌نشینی، نیرومند ساختن ناتوانان و درهم‌شکستن فرهنگ سکوت خواهد بود (طوسی، ۱۳۷۰: ۸). در تعریفی دیگر مشارکت عبارت است از فعالیتهای ارادی و داوطلبانه‌ای که از طریق آن اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و روستای خود شرکت می‌کنند و به صورت مستقیم و غیرمستقیم در شکل دادن به حیات اجتماعی خود سهم می‌شوند (محسنی تبریزی، ۱۳۷۵: ۹۲) و بسیاری تعاریف دیگر ...

<sup>1</sup>Gaotri

<sup>2</sup>Oakely

<sup>3</sup>Marsden

اما بطور خلاصه در تعاریفی که از مشارکت می‌شود: به لحاظ موضوعی مشارکت را به گونه‌هایی چون مشارکت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تقسیم می‌کنند که البته تفکیک دقیق آنها به دلیل همپوشانی این تعاریف با هم، امکان‌پذیر نمی‌باشد و معمولاً به صورت عام از مشارکت بحث می‌شود و یا به صورت ترکیبی، اصطلاح مشارکت اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

## ۲) سابقه تاریخی موضوع مشارکت

هر واقعیت انسانی / اجتماعی که در علوم اجتماعی مورد مطالعه قرار می‌گیرد، برخوردار از یک بستر تاریخی است که باید در قالب ساختار تاریخی‌اش مورد کاوش قرار گیرد. مشارکت نیز به عنوان یک واقعیت اجتماعی و جوهره جوامع انسانی، به لحاظ تاریخی ریشه در زندگی اجتماعی انسان دارد و از فرایندهایی است که با گذشت زمان دگرگون و متکامل شده و صورتهای چندگانه را به خود گرفته است و پنهان از نظر و اندیشه فلاسفه و اندیشمندان اجتماعی نبوده است. عنوان شده که اصطلاح مشارکت را نخستین بار افلاطون به کار برده است، او این اصطلاح را برای تعیین و مشخص کردن جهتی به کار برده که باعث می‌شود شناخت ما از جهان و درک و شناخت ایده‌ها یکی شده و قابل حس شود، این به نوبه خود باعث می‌شود شناخت موجود سازمان یافته شود. گفته شده که از زمان ارسطو تا جان دیویی بسیاری از فلاسفه اجتماعی، مشارکت مردمی را همچون منبعی از انرژی خلاق و حیاتی، برای دفاع در مقابل حکومت ستمگران و به عنوان ابزار به کار می‌بردند و با صورت قانونی دادن به خرد جمعی، آنرا مورد ستایش قرار داده‌اند. به اعتقاد آنان مشارکت با درگیر ساختن تعداد زیادی از مردم در امور جامعه، ثبات و نظم را افزایش می‌دهد و با دادن فرصت اظهار علائق و خواسته‌ها به هر فرد، خیر و مصلحت اکثریت را تأمین خواهد کرد. علاوه بر این در متون دینی و تعالیم و سیره انبیاء نیز شاهد وجود مفاهیم مشارکتی و توصیه و امر به حفظ و

تداوم فرایندهای مشارکتی در قالب مفاهیمی چون تعاون، شور و مشورت، وحدت و اتفاق نظر و ... هستیم (غفاری، ۱۳۸۰: ۱۸-۱۷).

مشارکت پس از جنگ جهانی دوم با آهنگی کند در پاره‌ای از کشورهای صنعتی جهان، در زمینه مسایل بازرگانی و صنعتی آغاز شد و در چهل سال گذشته به هدفهایی نائل آمد. در این زمینه کوششهای کورت لوین دانشمند برجسته آلمانی را می‌توان نام برد. او در یک سلسله تحقیقات پژوهشی، پی برد که هرگاه مردم در کارگردانی کارها مشارکت داده شوند اندازه مقاومت و ایستادگی آنها در برابر دگرگونی و نوسازی و نوآفرینی کاهش می‌یابد و راه سازگاری را در پیش می‌گیرند.

در دهه ۱۹۶۰ استعمارزدائی شروع شد، لذا ایجاد همبستگی و تعاون و همکاری لزوماً بیشتر به چشم می‌خورد. در دهه ۱۹۷۰ بحران انرژی و در سال ۱۹۷۶ در یونسکو توسعه درون‌زائی انسان محور مطرح شد، و بدین ترتیب اصل مشارکت در کشورهای در حال توسعه قوت گرفت (حسینی، ۱۳۸۱: ۹).

بطور خلاصه می‌توان گفت از شروع سال ۱۹۷۰ دولتهای در حال توسعه به این مساله واقف شده‌اند و توافق دارند که مشارکت در برنامه‌ریزیهای توسعه ضروری است. بر این اساس، مردم حق دارند در امور توسعه و کنترل محیط خود و به دست آوردن رفاه شرکت کنند. هم‌اکنون سخن از «منشور شهروندی» است که بر پایه آن فراهم آوردن کیفیت بهتر زیست مردم، کانون اصلی خواهد بود. و مردم به نام مخدوم و نه خادم، در نظام سیاسی جایی تازه خواهند یافت. این همان اندیشه‌ای است که آدام اسمیت<sup>۱</sup> به نام «نیرومند کردن و قدرت بخشیدن» خواند و هم‌اکنون شماری از سیاستمداران جهان از آن با عبارت «واگذاری قدرت به مردم» یاد می‌کنند (همان: ۱۲-۱۱).

<sup>1</sup> Smith

در خاتمه یادآور می‌شویم که اگر علمای علوم اجتماعی امروزه با مباحثی نظیر اجتماع، جامعه، توسعه- یافتگی، عدم توسعه‌یافتگی، عدالت و عدم عدالت و حقوق متقابل در جامعه می‌پردازند، یکی از مهمترین ملاکهای اینگونه تقسیم‌بندی‌ها و نیز درجه‌بندیها، وجود مبحث مشارکت است که دارای سابقه‌ای طولانی است. بی‌شک مشارکت در تمامی گونه‌های مختلف جوامع و گروهها دارای سابقه و دستاوردهای متنوع و پرثمری است که هر یک به عنوان جزئی ضروری در خدمت سیستم قرار گرفته و به حمایت و پشتیبانی بقای آنها می‌پردازد. آگاهی‌یابی، تبادل نظرات، ارضاء روحی روانی، احساس امنیت و خودباوری از جمله دستاوردهای ارزشمند مشارکت هستند که مجموع آنها رمز بقای یک سیستم و نظام توانمند است.

### ۳) سابقه مشارکت در ایران

چگونگی دست یافتن به مشارکت جامع در توسعه سازمانهای اجتماعی، اقتصادی در ایران به دوران حکومت مشروطیت با انقلاب مشروطه برمی‌گردد. زمانی که مشروطیت در ایران پدید آمد، انجمن‌های محلی نیز آغاز به کار کردند. در سال ۱۳۳۲ و دولت دکتر مصدق، به دنبال مشارکت ملی، بحث ایجاد نهادهای مشارکتی قوت گرفت. که در سال ۱۳۳۴ قانون شهرداریها به صورت کامل‌تر تصویب شد و انجمنهای شهر گسترده‌تر شدند. در سال ۱۳۴۴ ابتدا انجمن ده، روستاها و سپس خانه‌های انصاف تصویب شدند. در سال ۱۳۵۸ شوراهای شهر، مصوبه‌ای از شورای انقلاب گرفتند که در یک دوره ۱۱۶ شهر، شوراهای شهر تشکیل دادند و تا سال ۱۳۶۰ در اداره شهرها حضور داشتند. اما به علت مشکلات اجرایی و جنگ تحمیلی، این شوراها کارایی خود را از دست دادند. به هر تقدیر، قانون تشکیل شوراها در سال ۱۳۶۱ به تصویب مجلس رسید، و در سال ۱۳۶۵ اجازه داده شد تا جهادسازندگی با همکاری وزارت کشور، شوراها را تشکیل دهند. در سال ۱۳۷۷ موارد مختلف قانون شوراها تدوین شد و به این صورت،



مبنای قانون شکل‌گیری مدیریت مشارکتی در ایران مصوب شورای عالی اداری در تاریخ ۱۳۷۷ می‌باشد (حسینی، ۱۳۸۱: ۱۴۰).

بطور خلاصه می‌توان گفت که در بعد ملی، تعیین حاکمیت از طرف ملت و تفویض قسمتی از اختیارات شهروندان به منتخبان برای اداره امور کشور، محقق شد و در مراحل بعد نیز دولت‌ها نیاز به حضور و مشارکت مردم در اداره امور شهرها را احساس کردند. این مشارکت فواید عمده‌ای برای دولت‌ها در برداشت، و به همین دلیل بود که دموکراسی در طول زمان گسترش یافت و طبعاً شهروندان شهر، منطقه، محله حق تعیین سرنوشت را در امور جزئی‌تر اما مستقیم‌تر زندگی به دست آوردند. صورت عملی این تعیین سرنوشت، تفویض مدیریت امور به شهروندان بود، یعنی شهروندان حق یافتند که با انتخاب افرادی از میان خویش بر برنامه‌ریزی، جلب مشارکت، قانون‌گذاری و در مواردی نیز اجرای دیدگاهها، اندیشه‌ها و تفکرات خویش در امور جامعه اقدام کنند (شیخ، ۱۳۸۱: ۷۱-۷۲).

به عبارت دیگر با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بهمن ماه ۱۳۵۷ و تدوین قانون اساسی، افزایش مشارکت و دخالت مردم در اداره امور خویش جزء اهداف کلان نظام جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت و باید گفت مفهوم مشارکت در قانون اساسی کشور ما دارای جایگاه مختص به خود می‌باشد چرا که جمهوری بودن نظام را متکی بر پایه‌های ذیل قرار داده است:

نظام جمهوری، متکی بر مشارکت همه جانبه و گسترده مردم در امور عمومی از طریق انتخابات و همه پرسی است. در این خصوص زمامداری و اداره امور کشور ما به اتکای آرای عمومی است و تعیین رهبر توسط خبرگان منتخب ملت، و انتخاب ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای محلی مستقیماً با مردم است. همچنین رسمیت دولت موقوف به پیشنهاد رئیس جمهور و رأی مجلس شورای اسلامی است. با این اوصاف، مشارکت مردم در امور کلان جامعه در جمهوری اسلامی نقشی بارز دارد. قانون اساسی نیز در اصول سوم، هفتم، یکصدم، یکصد و یکم، یکصد و دوم، یکصد و سوم، یکصد و پنجم

و یکصد و ششم، به روشنی اداره امور کشور را به اتکاء آراء عمومی امکان‌پذیر دانسته و طرح ایجاد شوراهای روستا، بخش، شهر، شهرستان، استان و شورای عالی استانها را در این راستا پیش‌بینی کرده است. به عبارتی اصول تمرکززدایی در اداره امور عمومی کشور و سپردن امور هر محل به ساکنین همان محل، تشکیل شوراهای اسلامی را برای تأمین مشارکت مردم در پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی، ضروری می‌نمود. اجرای سیاست تمرکززدایی، سپردن کارهای عمرانی، اقتصادی و رفاهی به مردم، سرعت بخشیدن به جریان امور، رفع تبعیض، نظارت اجتماعی، کوچک ساختن دولت، تکمیل کار دستگاههای دولتی توسط مردم، هدایت و رهبری برنامه‌های محلی و بالا بردن توان دولت، از جمله اهداف مشارکت مردم ذکر شده‌اند (شیخ، ۱۳۸۱: ۷۷-۷۵).

عقیده بر این است که افزایش مشارکت و دخالت دادن آن در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، شرط ضروری رشد اداری و اجتماعی در کلیه کشورها خواهد بود و امروزه دانشمندان و نخبگان مشارکت را از باب دارا بودن اهمیت استراتژیک در فرایند توسعه پذیرفته‌اند.

در نهایت این بحث‌ها و با توجه به جایگاه مشارکت در قانون اساسی ایران، می‌توان طی تحقیقات جامع، علمی و کاربردی میزان توفیق مشارکت مردم در ابعاد متفاوت را بررسی و نقاط ضعف و قوت، چالش‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها و بطور کلی بیم و امیدها را بیان کنیم، باشد که با تحقیقاتی از این دست بتوانیم بیش از پیش مردم را در مشارکت امور خویش سهیم نموده و راهکارهای مناسبی جهت تحقق مردم-سالاری معطوف به حل مشکلات و معضلات در اداره امور جامعه ایجاد کنیم، و بدین صورت در طریق توسعه موفق باشیم.

## ۲-۲-۲ دیدگاه‌های نظری در باره مشارکت

همانطور که قبلاً هم یادآوری شده است، در واکنش به نارسایی در برنامه‌های توسعه، مفهوم «مشارکت» به صورت جدید مورد توجه قرار گرفت و فرایندهای تقویت‌کننده مشارکت مردم، به عنوان زمینه‌های اصلی توسعه مطرح شد. این دیدگاه که دیدگاه ابزارگرایانه محسوب می‌شود، مشارکت را فی‌نفسه هدف نمی‌داند بلکه آنرا ابزاری جهت توفیق برنامه‌های توسعه در نظر می‌گیرد، به همین دلیل برای توجیه و مقبول‌سازی مشارکت، خصوصاً نزد مقامات و مسئولین تصمیم‌گیرنده حکومتی، بر آثار آن در فرایند توسعه تاکید دارد. دیدگاه دیگر نیز در مورد مشارکت مطرح است که آن را در مقام هدف مورد توجه قرار می‌دهد. این رویکرد شامل نظریه‌هایی است که به اصالت عمل اجتماعی<sup>۱</sup> و تقدم امر سیاسی<sup>۲</sup> اعتقاد دارند. در این نظریه‌ها مشارکت در فعالیت اجتماعی و سیاسی فی‌نفسه هدف محسوب می‌شود و از طریق آن توانایی‌ها و خلاقیت‌های انسان به عنوان موجودی عقلانی و ارتباط‌جو فعلیت می‌یابد. در این نظریه‌ها مشارکت در سیاست و فعالیت سازمانهای اجتماعی، وظیفه شهروند فعال است و نه صرفاً وسیله‌ای برای تامین نیازها و منافع شخصی یا کسب فایده. بنابراین فعالیت اجتماعی / سیاسی فی‌نفسه فضیلت است و متمایزکننده حیات انسانی از سایر اشکال حیات است (علوی تبار، ۱۳۷۹: ۳۹).

برنامه‌ها و اقدامات توسعه‌ای (اعم از برنامه‌های کلان و یا طرح‌های جزئی در قالب طرح‌های اقتصادی) که مشارکت را با رویکرد اول مد نظر داشتند، تدابیر متنوعی جهت جلب مشارکت مردم در سطوح مختلف طراحی کردند، پروژه‌های زیادی (خصوصاً از سوی سازمانهای بین‌المللی) به اجراء درآمد که در آن بر مشارکت مردم اعم از تامین نیازهای مالی و مادی طرحها تا طراحی و تصمیم‌گیری درباره آن تاکید داشت. اما آنچه بعد از مدتی برای سیاست‌گذاران و کارگزاران برنامه‌های توسعه مطرح شد، پایین بودن

<sup>1</sup>Praxis

<sup>2</sup>The political

میزان مشارکت در اینگونه طرحها بود. به همین دلیل این پرسش مطرح شد که چرا مردم یا گروههای هدف، تمایلی به مشارکت در طرحهای مربوط به خود را ندارند؟ یا به تعبیر دقیقتر، چه عواملی بر میزان مشارکت موثر است؟ و سؤال مهمتر اینکه چگونه می توان از طریق تغییر متغیرهای مربوطه، سطح مشارکت را افزایش داد؟

به دو نحو می توان به این پرسش پاسخ داد: به این معنا که مشارکت را به عنوان کنش در دو سطح گروهی یا فردی، جهت مداخله و تأثیر گذاشتن بر فرایند تصمیم گیری، در نظر بگیریم. در رویکرد نخست، مشارکت را می توان در سطح جمعی یعنی سازمانها و واحدهای اجتماعی در نظر گرفت. در این حالت مشارکت، متغیر توصیف کننده خصیصه های واحدهای اجتماعی است و با متغیرهای سیستمی نیز تبیین می شود. به عبارت دیگر واحد تحلیل در این رویکرد، نظامها یا سازمانهای اجتماعی هستند. سطح دوم مشارکت، در سطح فردی مورد بررسی قرار می گیرد. در این سطح می توان کنش مشارکتی را به دو بخش رفتاری و ذهنی تقسیم کرد. منظور از رفتار، میزان مشارکت عملی در سازمانها، نهادها و فعالیتهای جمعی است و منظور از وجه ذهنی، تمایلات و گرایشهای فردی در جهت مشارکت است (علوی تبار، ۱۳۷۹: ۴۰). در همین ارتباط کلی<sup>۱</sup> و برین لینگر<sup>۲</sup> از منظر روان شناختی اجتماعی مشارکت را به عنوان کنش جمعی دانسته و تحلیل های تبیین مربوط به آن را در دو سطح دسته بندی می نمایند: دسته اول تحلیل هایی هستند که روی سطح فردی<sup>۳</sup> تأکید دارند که ویژگیهای شخصیتی افراد و فرایندهای تصمیم گیری که منجر به شرکت در کنش جمعی می شوند را تبیین می نمایند. دسته دوم تحلیل هایی هستند که در سطح گروه<sup>۴</sup> قرار دارند. در این دسته، زمینه ها و ترکیب های بین گروهی به عنوان زمینه هایی که مانع یا تسهیل کننده مشارکت در کنش جمعی می شوند را مورد بررسی قرار می دهند. آنها با انتخاب تحلیل از نوع اول یعنی تأکید بر ویژگیهای شخصیت عنوان می -

<sup>1</sup>Kelly

<sup>2</sup>Brenlinger

<sup>3</sup>Individual Level

<sup>4</sup>Group Level

نمایند موقعیت کنترل<sup>۱</sup> یک انتظار تعمیم یافته است که مربوط به اعتقاد افراد مبنی بر مؤثر بودن کنش‌هایشان برای نیل و دستیابی به اهداف مطلوب‌شان می‌باشد. عنوان شده افراد زمانی دارای موقعیت کنترل درونی<sup>۲</sup> هستند که وقایع را به عنوان پیامد کنش‌هایشان و تحت کنترل شخصی‌اشان تلقی نمایند اما بر عکس افراد با موقعیت کنترل بیرونی<sup>۳</sup> تمایل دارند که وقایع را بی‌ارتباط با کوشش‌های فردی و در ورای کنترل شخصی-اشان تعبیر نمایند (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶: ۸۳-۸۲). به دلیل ذات جامعه شناختی پژوهش حاضر، در ادامه به مهم ترین نظریات جامعه شناختی این حوزه اشاره می‌گردد.

### ۱) یورگن هابرماس

اگر مشارکت را نوعی کنش ارتباطی بدانیم که مبتنی بر فهم متقابل است. می‌توان هابرماس<sup>۴</sup> را در زمره اندیشمندان نظریه پرداز مشارکت قرار داد. مفهوم کنش ارتباطی که در آن هنجارهای وفاقی از زبان مشترک میان ذهنی ناشی می‌شوند، بازگوی نوعی عقلانیت است که باید شهروندان را در تصمیم‌گیری هدایت کند. آلموند معتقد است که مضمون اصلی آراء هابرماس عبارت است از مشارکت در تدوین و ارائه سیمایی واضح از یک جامعه جهان بهتر، جامعه ای که در آن امکانات و تسهیلات بیشتری برای سعادت، شادکامی، صلح و همبستگی همگان فراهم باشد. به طور کلی منظور هابرماس بر اساس امکانات و تسهیلات وجود سازمان‌ها، انجمن‌ها و جامعه مدنی است چرا که اینگونه سازمان‌ها مهمترین ابزار و واسطه ای میان دولت و افراد جامعه می‌باشند که به عنوان پتانسیل جامعه برای تحقق دموکراسی تلقی می‌شوند؛ زیرا دموکراسی منوط به مشارکت شهروندان است و مشارکت شهروندان نیز در قالب چنین انجمن‌هایی امکان پذیر است (سفیری و صادقی، ۱۳۸۸: ۷).

<sup>1</sup>Locus of Control

<sup>2</sup>Internal

<sup>3</sup>External

<sup>4</sup> habermas

فلسفه هابرماس را با استفاده از یک تمثیل منطقی می‌توان نوعی شبکه بهم پیچیده از یک دستگاه فلسفی چند بعدی بهم مرتبط، یعنی جامعه‌شناسی و فلسفه‌های سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و حقوقی تلقی کرد. هابرماس با نقادی وضع موجود شهروندی در بستر نظام دموکراسی لیبرال جامعه مدرن و همینطور حوزه عمومی و جامعه مدنی شکل گرفته در غرب، راهبردهای نرماتیو فلسفه سیاسی‌اش را در زمینه شهروندی ایده‌آل، از طریق کاربرد «اخلاق گفتگویی»<sup>۱</sup> و «عقلانیت بین ذهنی»<sup>۲</sup> و کنش ارتباطی به شکل یک شهروند دیالوگی، تعاملی، ارتباطی، تفاهمی، توافقی که تجلی آن شهروند گفتگویی است، صورتبندی می‌کند. کنش ارتباطی هابرماسی عملی است که به تعامل دست کم دو عامل اشاره دارد، که قادر به سخن گفتن‌اند، با یکدیگر وارد روابط شخصی می‌شوند و عاملان در پی رسیدن به درکی درباره وضعیت عمل و نقشه‌های عملشان هستند تا اعمالشان را بر اساس توافق و تفاهم هماهنگ کنند (نجاتی‌حسینی، ۱۳۸۵: ۹-۲). آنچه در این نظریه از اهمیت بسیاری برخوردار است، نگاه دوگانه‌انگار آن به جامعه به منزله «زیست‌جهان» و «سیستم» است. زیست‌جهان به حوزه‌ای از رفتار اشاره دارد که در آن هماهنگی میان کنشگران و نظم و قاعده از طریق باورها و ارزش‌های مشترک حاصل می‌شود. در زیست‌جهان انسانها برای ساختن هویت‌ها، مذاکره درباره تعریف موقعیت‌ها، هماهنگ کردن کنش‌ها و ایجاد انسجام اجتماعی، از رسوم و سنت‌های فرهنگی کمک می‌گیرند. تکامل زیست‌جهان یا عقلانی‌سازی فرهنگی بر مبنای افزایش بازانندیشی، عام-گرایی<sup>۳</sup> باورها و تمایز حوزه‌های ارزشی یا معرفتی (علم، اخلاق و هنر) تحلیل می‌شود. عقلانی‌سازی زیست‌جهان، سطوح بالاتری از بازانندیشی و گسترش حوزه عمومی دموکراتیک را ممکن می‌سازد. در نهایت هابرماس امیدوار است تا تعادل مناسب و جدیدی میان عقلانیت اجتماعی و فرهنگی به وجود آید (سیدمن، ۱۳۸۸: ۱۷۷). می‌توان گفت مفهوم زیست‌جهان در نظریه کنش ارتباطی هابرماس نظیر مفهوم حوزه

<sup>1</sup>Discourse Ethics

<sup>2</sup>Intersubjective Retionality

<sup>3</sup>Universalization

پیش‌تأملی<sup>۱</sup> یا تجربه بلاواسطه هوسرل و تا اندازه‌ای نظیر مفهوم زبانی و مشخص‌تر «صورت زندگی»<sup>۲</sup> ویتگنشتاین است. این مطلب با یکپارچگی اجتماعی ارتباط آشکار دارد و یکپارچگی نظام با اصطلاحات پارسونزی روشن‌تری به ذهن خطور می‌کند (کرایب، ۱۳۷۸: ۳۰۸).

شناخت تحلیلی و تبیینی ماهیت و آگرایی تئوریک نظریه شهروندی هابرماس بر مبنای فلسفه سیاسی هابرماسی است. برای واریسی مسئله، دست‌کم به دو پرسش هدایت شده نیازمندیم، الف) در فلسفه سیاسی هابرماسی، نسبت تئوریک میان حق و شهروندی چگونه است؟ ب) در فلسفه سیاسی هابرماسی، نسبت تئوریک میان وظیفه و حق شهروندی چگونه است؟ در نظریه‌های شهروندی تعریف متعارف و مورد اجماع از شهروندی و به عبارت دقیق‌تر هسته مشترک تمامی تعاریف، که با محوریت دو مقوله حق / وظیفه همراه است، شهروندی را مفهومی به هم پیوسته از حقوق و وظایف مدنی، سیاسی و اجتماعی می‌داند که به مثابه نوعی پایگاه، شأن و عضویت اجتماعی به تمامی افراد جامعه اعطا شده است و فارغ از تعلقات طبقاتی، نژادی، قومی، مذهبی و اقتصادی، همگان را یکسان و برابر فرض کرده و آنها را واجد حق برخورداری از تمامی امتیازات، منابع و مزایای حاصله از جامعه می‌داند و نهایتاً مسئول، مکلف و موظف به مشارکت در جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند محسوب می‌نماید (نجاتی حسینی، ۱۳۸۵: ۳-۲).

در فلسفه هابرماسی، عقلانیت ارتباطی به معنای استفاده از زبان به همراه قدرت استدلال و بحث و قوت مجاب کردن است که نوعی هم‌رأیی هنجارین با تفاهم و توافق دارد و سوگیری آن معطوف به اجماع و وفاق مشارکتی و گفتگوی عقلانی بر اساس هنجارها و اخلاق گفتگویی است. اما چارچوب چنین کنشی در خلاء تحول و تکوین نمی‌یابد، بلکه به زمینه دسترسی راجع است که به صورت دیالکتیکی آن را دچار قبض و بسط می‌کند، منظور بسترها و زمینه‌های فرهنگی است.

بنابراین مبنا و اصل نظریه شهروندی هابرماس بر اساس نکات زیر است :

<sup>1</sup>Area of Pre-Reflective

<sup>2</sup>Form of Life

- شمول‌گرایی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی و حقوقی فراگیر
- استعداد ذاتی و ریشه‌دار واحد عقل بشری
- احساس مسئولیت اخلاقی و التزام مشارکت برابر همگانی
- هدف ضروری واحد عقلانیت و اخلاق ارتباطی
- تضمین نهادی ساختاری تحقق عقلانیت، اخلاق، حقوق و سیاست ارتباطی (نجاتی حسینی، ۱۳۸۵: ۲۰-۹).

هابرماس همینطور یک مبنای جایگزین برای شهروندی ارائه می‌دهد که آن را «میهن پرستی- قانونی»<sup>۱</sup> می‌نامد. این اصطلاح به پرورش احساس تعهد میان اعضای یک جامعه اشاره دارد، که در آن نقش ادراکات شهروندان در تعاملاتشان، برای ماهیت شهروندی حیاتی است (فالکس، ۱۳۸۱: ۷۳-۷۲).

در نهایت بحث می‌توان گفت بر اساس دیدگاه هابرماس، بدون مشارکت در زندگی جمعی، شکل-گیری هویت انسانی چه در سطح فردی و چه در سطح جمعی اساساً ممکن نیست. بنابراین کارکرد اصلی گروهها و تشکلهای اجتماعی و فرهنگی ایجاد هویت جمعی در افراد و جلوگیری از فرسایش هویت آنها، کمک به شکل‌گیری علائق جمعی و ارزشهای مشترک است که در نتیجه ارزشهای مشترک، منافع مشترک، اهداف مشترک و ... بوجود می‌آید که باعث افزایش مشارکت فرهنگی و سپس اجتماعی و ... خواهد شد.

هابرماس فضایی که کنش ارتباطی در آن صورت می‌گیرد را حوزه عمومی می‌نامد. منظور وی از حوزه عمومی عرصه و قلمرویی از حیات اجتماعی انسانهاست که در آن بتوانند چیزی را در برخورد با افکار عمومی شکل دهند. زمانی که شهروندان درباره مسائل مورد علاقه عمومی و منافع عمومی به گونه ای آزاد و بدون قید و بند- یعنی با تضمین آزادی اجتماعات و انجمن ها، آزادی بیان و چاپ نشر افکار- با یکدیگر مشورت و کنکاش می‌کنند، و در واقع به صورت یک پیکره عمومی رفتار می‌کنند. تعبیر افکار

<sup>1</sup>Constitutional Patriotism



عمومی به رسالت انتقاد و نظارتی اشاره دارد که پیکره عمومی شهروندان بطور غیر رسمی در برابر طبقه حاکم اعمال می کنند (نوذری، ۱۳۸۹: ۳۲۲).

اهمیت تاکید هابرماس بر حوزه عمومی به عنوان مجرای شکل گیری هویت جمعی و علایق عمومی اساسا ناشی از تشخیص این نکته است که استمرار حیات اجتماعی وابسته به عملکرد صحیح ساختارهای ارتباطی است که در غیاب نفوذ فراگیر سنت و عوامل سنتی ایجاد کننده مشروعیت و یکپارچگی اجتماعی، اصل دستیابی به وفاق اجتماعی و توافق بر سر آنچه علایق عمومی و منافع جمعی خوانده می شود را ممکن می کند. هابرماس درباره رابطه شکل گیری هویت جمعی "ما" با بحث و گفتگو در مجامع و گروهها و انجمن های جامعه و حوزه عمومی بطور کلی، در موارد مختلف تاکید کرده و شکل گیری هویت را اساسا فعالیتی جمعی و توأم با بحث و گفتگوی نقادانه از سنت و علوم و فلسفه می داند. عمل و گفتار جمعی است که علایق جمعی و هویت جمعی را شکل می دهد.

وجود سازمان ها، انجمن ها و جامعه مدنی نیازمند حمایت قانونی از تشکیل ساختارهای مرتبط است تا شهروندان با داشتن مصونیت و آزادی عمل درباره مسائل مورد علاقه عمومی و منافع عمومی به گونه ای آزاد و بدون قید و بند- یعنی با تضمین آزادی اجتماعات و انجمن ها، آزادی بیان و چاپ نشر افکار- با یکدیگر مشورت بگیرند، در واقع زمینه تشکیل حوزه عمومی فراهم گردد و قطعا تا حمایت دولتی از این ساختارها صورت نگیرد امکان تشکیل و داشتن عملکردی برای این قبیل امور متصور نخواهد شد. حوزه عمومی اساسا شبکه ای از ارتباطات است که برای خلق و ایجاد فضای اجتماعی جهت مبادله بین افراد و گروهها از کنش ارتباطی استفاده میکنند. حوزه عمومی برخلاف نهادهایی که تحت سلطه خارجی قرار دارند و یا دارای روابط قدرت درونی هستند از اصول مشارکت و نظارت دموکراتیک نوید می دهند.

## ۲) آنتونی گیدنز<sup>۱</sup>

نظریه ساخت‌یابی «آنتونی گیدنز» جامعه‌شناس مشهور انگلیسی، اهمیت درخور توجهی دارد. به نظر گیدنز در حوزه علوم اجتماعی هم با ساخت و هم با عاملیت سر و کار داریم و نمی‌توان تقدم یکی بر دیگری را خیلی به وضوح مشاهده کرد (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶: ۸۶-۴۰). بر اساس نظریه «ساختاربندی» او، قلمرو اساسی علوم اجتماعی نه تجربه کنش‌گر فردی و نه وجود نوعی کلیت اجتماعی، بلکه کردارهای اجتماعی سازمان‌یافته در زمان و مکان است. اما از دو وجه می‌توان به این کردارها پرداخت، به این صورت که یک وجه را در کانون توجه و وجه دیگر را در پراتز قرار داد: می‌توانیم با بررسی کاری که کنشگران انجام می‌دهند، نحوه‌ای که فعالیت‌هایشان را از طریق بازاندیشی می‌سازند و قواعد ضمنی که متابعت می‌کنند، دست به «تحلیل استراتژیک» بزنیم. یا می‌توانیم با تحلیل نظام‌های اجتماعی به «تحلیل نهادی» پردازیم (کرایب، ۱۳۷۸: ۱۴۵).

تلاش‌های آنتونی گیدنز را که تحت عنوان «قواعد جدید در روش جامعه‌شناختی» معروف شده است را در بندهای زیر مرور کنیم، بنا به اعتقاد او:

۱- جامعه‌شناسی با جهانی از موضوع‌های «پیشداده» سر و کار ندارد، بلکه مواردی را که با عملکرد فعال انسان شکل می‌گیرند و یا ایجاد می‌شوند، را بررسی می‌کند.

۲- تولید و باز تولید جامعه را باید عملکرد ماهرانه اعضای جامعه دانست، و نباید آنها را مانند مجموعه‌ای از فرایندهای صرفاً ساختگی به شمار آورد.

۳- حیطه کارگزاران انسانی مرزبندی شده است. انسانها جامعه را می‌سازند، اما به عنوان کنشگران واقع در تاریخ عمل می‌کنند و شرایطی را که بر آنها احاطه دارد، گزینش خود آنها نیست.

---

<sup>1</sup> Giddens

۴- ساختارها را نباید فقط موانعی در راه کارگزار انسانی تصور کرد، بلکه یاری دهنده هم هستند. این همان دوگانگی ساختاری است که گیدنز از آن نام می‌برد. به عقیده او ساختارها را همواره می‌توان بر حسب شکل‌گیری‌شان، به عنوان مجموعه اعمال بازتولید شده، بررسی کرد. کندوکاو درباره ساخته‌شدن و شکل‌گیری اعمال اجتماعی، عبارت است از کوشش در تشریح شکل‌گیری ساختارها از طریق کنش و چگونگی شکل‌گیری متقابل کنش به طور ساختاری است.

۵- فرایند شکل‌گیری، شامل تأثیر متقابل معناها، هنجارها و قدرت است. این سه مفهوم از نظر تحلیلی معادل «ابتدایی» اصطلاح علوم اجتماعی است. و بطور منطقی دلالت بر پندار کنش متقابل و ساختار آن دارد. هر نظم شناختی و اخلاقی در آن واحد نظام قدرتی است که شامل «افق مشروعیت» می‌شود. در مجموع می‌توان وظایف اصلی تحلیل جامعه‌شناختی را از نظر گیدنز به شرح زیر خلاصه کرد: تشریح و توجیه تأویلی شکل‌های متفاوت زندگی در قالب فرا زبانه‌های توصیفی علوم اجتماعی، و تشریح تولید و باز تولید جامعه به عنوان نتیجه عملکرد کارگزار انسانی (کوزر و روزنبرگ، ۱۳۸۵: ۲۴۹-۲۴۸).

از نظر گیدنز اعتماد به نوع ارتباط بین افراد مربوط می‌شود. اعتماد شاخص بسیار مناسبی برای پیوندهای مثبت و متقابل است. گیدنز اعتماد را از عناصر و مولفه‌های اصلی مدرنیته می‌داند و معتقد است که چهار زمینه محلی اعتماد، یعنی؛ خویشاوندی، اجتماع محلی، سنت و کیهان‌شناسی مذهبی بر فرهنگ‌های پیش از مدرن تسلط دارند، حال آنکه در دوران مدرن اعتماد به نظام‌های انتزاعی و نمادها و نظام‌های کارشناسی جای این نوع اعتماد را گرفته است. نظریه پردازانی همچون گیدنز بین انواع اعتماد تمایز قایل می‌شوند؛ اعتماد به افراد خاص و اعتماد به افراد یا نظام‌های انتزاعی دربرگیرنده فرد مورد اعتماد است. افراد می‌توانند درباره میزان اعتماد نسبت به نظام‌های انتزاعی نظیر نهادها دارای باورهایی باشند. از این

فرایند می توان تحت عنوان سطح نهادی اعتماد نام برد. این همان چیزی است که گیدنز آنرا ایده اعتماد به نظام‌های تخصصی می نامد. در حالی که اعتماد به افراد خاص می تواند در سطح خرد سرمایه اجتماعی مهم باشد، ولی اعتماد انتزاعی برای سرمایه اجتماعی در سطح ملی ویژگی مهمتری محسوب شود. در فرایند توسعه اجتماعی میزان عضویت اعضای جامعه در گروهها، سازمانها و انجمن‌های مختلف افزایش می یابد و آمادگی فرد برای برقراری ارتباط بیشتر می شود و بدین ترتیب اعتماد اجتماعی متقابل تعمیم می پذیرد (موسوی، ۱۳۸۵: ۷۵). فرد باید هم به افراد - پیوند و اعتماد بین فردی- و هم به نهادها، اعتماد انتزاعی و اطمینان از رعایت هنجارها که شامل اعتماد به نهادها، اعتماد به گروههای اجتماعی، اعتماد به مسئولان است، اعتماد کامل داشته باشد.

گیدنز، بنیاد و سرمنشاء انواع اعتماد را اعتماد بنیادی می داند که حاصل نوعی اجتماعی شدن ناخودآگاه است که از تجربیات نخستین مراحل کودکی سرچشمه می گیرد. گیدنز معتقد است اگر این اعتماد در کودکی به خوبی شکل بگیرد، پایه و بنیاد همه گونه اعتماد بعدی در زندگی فرد می شود. نوع دوم اعتماد از نظر گیدنز اعتماد متقابل بین شخصی است که برای ایجاد آن فرد هم باید به دیگران اعتماد کند، هم خودش مورد اعتماد باشد. سومین نوع اعتماد، اعتماد انتزاعی است. او ماهیت نهادهای مدرن را عمیقاً وابسته به سازوکارهای اعتماد به نظام های انتزاعی به ویژه نظام های تخصصی می داند. نوع دیگری از اعتماد که گیدنز تاکید می کند، اعتماد فعالانه است که خاص جوامع پسااستی است. در این جوامع هیئت سیاسی ملی تنها به یکی از مرجع های زندگی فرد در میان مراجع گوناگون دیگر تبدیل می شود. بسیاری از آدم‌ها ممکن است به آنچه در زمینه سیاسی متعارف می گذرد، گوش ندهند و برای برخی اصلاً مسائل سیاسی مهم نباشد، لیکن بسیاری از آدم‌ها به مراتب بیشتر از دوره مدرن به چگونگی حکومت شدنشان می اندیشند. گیدنز، جو دارای اعتماد را با اصطلاح پيله حفاظتی می آورد که در حقیقت، نوعی پوشش اطمینان بخش است که به حفظ و تداوم محیط پیرامونی ما کمک می کند.

از نظر گیدنز نظام های تخصصی جوامع مدرن و امروزی وابسته به اعتماد هستند. از نظر وی اعتماد با اطمینانی که گئورگ زیمل<sup>۱</sup> آن را «معرفت استقرایی سست» می نامد و در معاملات رسمی مستتر است متفاوت می باشد. معرفت استقرایی به این معنا است که برخی از تصمیم گیری های زندگی بر پایه استنباط استقرایی از رخدادهای گذشته یا از تجربه های گذشته استوارند که تصور می رود به طریقی به زمان حال ربط داشته باشند. از نظر گیدنز این قسم اطمینان ممکن است یکی از عناصر اعتماد باشد، اما به خودی خود برای تعریف رابطه مبتنی بر اعتماد کافی نیست. پیش فرض اعتماد پذیرش تعهد است، حالتی همچون ایمان، که قابل تقلیل نیست. اعتماد به ویژه به غیبت زمانی و مکانی و همچنین به جهل مربوط می شود. هیچ لزومی ندارد که پیوسته به آنچه در معرض دید ما قرار دارد و می توانیم مستقیماً بر فعالیت های آن نظارت داشته باشیم اعتماد کنیم. بنابراین، مثلاً، مشاغلی که یکنواخت یا ناخوشایند، و کم درآمد هستند و در آن انگیزه های ضعیفی برای انجام دادن صادقانه کار وجود دارد، معمولاً مشاغل اعتماد نازل<sup>۲</sup> هستند. مشاغل مربوط به اعتماد زیاد<sup>۳</sup> آنهایی هستند که عمدتاً در خارج از حیطه حضور مدیران یا سرپرستان انجام می گیرند.

اقسام و سطوح گوناگون اعتماد، زیربنای بسیاری از تصمیمات روزانه ای است که همه ما در جهت دادن به فعالیت هایمان اتخاذ می کنیم. اما اعتماد کردن به هیچ وجه همیشه نتیجه تصمیم گیری های آگاهانه نیست. در اغلب موارد اعتماد کردن نوعی نگرش<sup>۴</sup> فراگیر ذهن است که شالوده تصمیم گیری مذکور را تشکیل می دهد، چیزی که ریشه در پیوند اعتماد و رشد شخصیت دارد. ما می توانیم تصمیم بگیریم که اعتماد کنیم یا نکنیم.

---

<sup>1</sup> Simmel

<sup>2</sup> Low Trust

<sup>3</sup> High Trust

<sup>4</sup> Attitude

نگرش های اعتمادآمیز در خصوص وضعیت ها، اشخاص یا نظام های خاص، در سطحی عام تر، به طور مستقیم به امنیت روانی افراد و گروه ها مربوط می شود. اعتماد و امنیت مخاطره و خطر این پدیده ها در شرایط مدرنیته پیوندهایی با یکدیگر برقرار می کنند که به لحاظ تاریخی منحصر به فرد هستند. برای مثال، مکانیسم های از جای برکندن (گسست از زندگی و شیوه زندگی سستی)، عرصه های گسترده امنیتی نسبی در فعالیت اجتماعی روزانه را تسخیر می کنند. زندگی مردم در کشورهای صنعتی، و همچنین تا حدی در همه جای دنیا، امروز در برابر آسیب ها و بلایای طبیعی محافظت می شود. از طرف دیگر خطرها و مخاطرات تازه ای به واسطه همین مکانیسم های از جای برکندن خلق می شود که ممکن است محلی یا جهانی باشند. مواد غذایی حاصل از عناصر مصنوعی ممکن است عوارض مسموم کننده ای داشته باشند که در اکثر غذاهای سستی دیده نمی شود. فجایع زیست محیطی ممکن است کل زیستگاه کره زمین را مورد تهدید قرار دهند. این تهدید می تواند اعتماد مردم به نظام ها و توانایی آنها جهت حفظ امنیت را دستخوش تغییر و تحول نماید.

گیدنز در مباحث خود از سه نوع اعتماد بنیادی، شخصی و انتزاعی نام می برد. به گفته وی در جوامع مدرن تحت تسلط نظام های انتزاعی، اعتماد بسیار مهم است. از نظر وی نیاز به اعتماد با فاصله گیری روابط زمانی و مکانی افراد در ارتباط است. به عبارتی ما در مورد کسانی که پیوسته در معرض دیدمان هستند و فعالیت هایشان را می توان مستقیماً مورد بازنگری قرارداد نیاز به اعتماد نداریم. اعتماد هنگامی ضروری می شود که در نتیجه فاصله گیری زمانی و مکانی اطلاع کاملی از پدیده های اجتماعی نداشته باشیم (ریتزر، ۱۳۷۷: ۷۶۸).

اگر چه روان شناسی اعتماد دارای خصوصیات عام یا تقریباً عام است، تقابل هایی بنیادی میان اوضاع و شرایط روابط اعتماد در فرهنگ های جهان مدرن وجود دارد. در این جا نه تنها باید اعتماد را مدنظر قرار

دهیم، بلکه ابعاد وسیع روابط میان اعتماد و مخاطره و روابط میان امنیت و خطر نیز باید مورد بررسی قرار بگیرند.

در همه فرهنگ های پیش مدرن، از جمله در تمدن های بزرگ ارضی سطح فاصله گیری زمانی- مکانی در مقایسه با شرایط مدرنیته نسبتاً پایین بود. امنیت وجودی در جهان پیش مدرن را اساساً باید در پیوند با زمینه های اعتماد و صور مخاطره و خطری درک کرد که به اوضاع محلی مکان گره خورده اند. اعتماد، به دلیل رابطه ذاتی اش با غیاب، همیشه پیوند نزدیکی با شیوه های سازماندهی تعامل های «قابل اطمینان» در گستره زمان- مکان دارد.

چهار زمینه محلی اعتماد در فرهنگ های پیش مدرن رواج داشت، هر چند هر یک از آنها مطابق با نظم اجتماعی خاصی بوده و تنوعات بسیاری را در برمی گرفتند. اولین زمینه اعتماد نظام خویشاوندی<sup>1</sup> است، که در اکثر وضعیت های پیش مدرن شیوه نسبتاً پایدار برای سازماندهی رشته های روابط اجتماعی در طول زمان و مکان فراهم می کرد. وابستگی های خویشاوندی اغلب کانون تنش و تضاد هستند؛ اما با وجود همه تضادهایی که در بردارند و همه اضطراب هایی که به بار می آورند، عموماً پیوندهایی ایجاد می کنند که برای ساخت دادن به کنش ها در عرصه های زمانی- مکانی می توان بدان تکیه کرد. این سخن هم در سطح پیوندهای تقریباً غیرشخصی و هم در سطح پیوندهای شخصی صادق است. به عبارت دیگر، معمولاً می توان اطمینان داشت که خویشان و بستگان، تقریباً صرف نظر از علاقه قلبی آن ها به شخص موردنظر، به مجموعه تعهداتی در قبال وی پایبند باشند. به علاوه خویشاوندی غالباً شبکه پابرجایی از روابط دوستانه یا نزدیک را فراهم می کند که در طول زمان و مکان دوام می آورد. حاصل سخن این که خویشاوندی رشته ای از پیوندهای اجتماعی قابل اطمینان را فراهم می کند که اغلب تشکیل دهنده میانجی سازمان دهنده روابط اعتماد است.

<sup>1</sup> Kinship System

دومین عامل اجتماعات محلی هستند. در اکثریت وسیعی از محیط های پیش مدرن از جمله در اکثر شهرها، محیط محلی جایگاه خوشه هایی از روابط درهم بافته اجتماعی بود که گستره مکانی ناچیزشان مایه ثبات زمانی آن ها می شد. مهاجرت جمعیت ها، خانه به دوشی و مسافرت های طولانی بازرگانان و ماجراجویان به حد کافی در روزگار پیش مدرن عمومیت داشت، اما اکثریت وسیعی از جمعیت در مقایسه با صور متداول و فشرده تحرک که وسایل حمل و نقل مدرن موجبات آن را فراهم آورده اند نسبتاً فاقد تحرک و جداافتاده بودند. که همین ثبات و آشنایی اعتماد و اطمینان را برای مردم به همراه داشته است.

سومین عامل به جهان بینی مربوط می شود. عقاید دینی ممکن است منبع اضطراب یا حرمان شدیدی باشند. از جهات دیگر، جهان بینی های دینی تأمین کننده تفسیرهای اخلاقی و عملی از زندگی شخصی و اجتماعی و همچنین از جهان طبیعی هستند که برای مؤمنان، محیطی آکنده از امنیت ایجاد می کنند.

دین یکی از ابزارهای سازمان دهنده اعتماد است که به چندین طریق عمل می کند. تنها خدایان و نیروهای دینی نیستند که مواقع مقتضی حمایت های قابل توجهی از مؤمنان به عمل می آورند. بلکه متصدیان امور دینی نیز چنین می کنند. مهم تر از همه این که عقاید دینی نوعاً قابلیت اطمینان و اتکا را وارد تجربه رویدادها و وضعیت ها می کنند و چارچوبی تشکیل می دهند که بر اساس آن می توان رخدادها و وضعیت های مذکور را تبیین کرد و در مقابل آنها واکنش نشان داد.

چهارمین زمینه اصلی روابط مبتنی بر اعتماد در فرهنگ های پیش مدرن خود سنت است. سنت، برخلاف دین، به هیچ پیکره خاصی از عقاید و مناسک اطلاق نمی شود بلکه به معنای شیوه سازماندهی این عقاید و مناسک، به ویژه در نسبت با زمان است. سنت منعکس کننده شیوه متمایز ساخت دادن به زمان بندی است. گذشته وسیله سازماندهی آینده است. سنت روال مند است و همین روال مندی باعث می شود سنت ذاتاً پرمعنا و نه صرفاً عاداتی پوچ به دلیل نفس عادت، باشد. مناسک غالباً جنبه ای اجباری به سنت می دهند، اما عمیقاً آرامش بخش نیز هستند زیرا مجموعه اعمال معینی را آکنده از کیفیت آیینی می سازند.



بنابراین تا زمانی که اعتماد به پیوستگی گذشته، حال و آینده را حفظ می کند و این اعتماد را به اعمال اجتماعی قاعده مند متصل می سازد، سنت به شیوه ای اساسی در امنیت وجودی سهیم است.

از دیدگاه گیدنز، اعتماد در نظام های پیش از مدرن از نوع پابندی چهره دار و مبتنی بر هم حضوری بوده است. در حالی که در مدرنیته و جهان مدرن امروزی وضعیت این چنین نیست. اعتماد غیرشخصی به دیگران ناشناس ناشی از ماهیت رشد یابنده نظام های انتزاعی می باشد. وجه عمده اعتماد در دوران مدرنیته، پابندی های بی چهره ای است که در نظام های تخصصی معنا می یابد (ریترز، ۱۳۷۷: ۷۶۸). از جهات معینی می توان گفت که سطوح ناامنی وجودی در جهان مدرن در مقایسه با اکثر وضعیت های زندگی اجتماعی پیش مدرن بالاتر است. همراه با رشد نهادهای اجتماعی مدرن، نوعی تعادل میان اعتماد و مخاطره و نیز اهمیت و ترس برقرار شده است. اما عناصر عمده دخیل در این وضعیت با عناصر حاکم بر دوره پیش مدرن تفاوت بسیار دارند. در اوضاع و شرایط مدرنیته نیز، همانند محیط های فرهنگی دیگر، فعالیت های انسان همچنان دارای موقعیت و زمینه هستند. اما در شرایط مدرنیته، اثر سه نیروی عظیم و پویای مدرنیته یعنی جدایی زمان و مکان، مکانیسم های از جا برکندن و تأملی بودن نهادی موجب شده است که برخی از صور بنیادی روابط اعتماد از خواص محیط های محلی جدا شوند.

در شرایط مدرنیته، هیچ یک از چهار محور اصلی اعتماد و امنیت وجودی محیط های پیش مدرن، دیگر به همان اندازه اهمیت ندارند و روابط خویشاوندی به خصوص در قالب خانواده هسته ای، هنوز هم نزد اکثر مردم مهم است، اما این روابط دیگر حاصل پیوندهای اجتماعی کاملاً سازمان یافته در طول زمان و مکان نیست. این سخن که مدرنیته موجب زوال خانواده می شود بی چون و چرا درست است، هر چند که نباید جانب احتیاط را از دست داد چرا که در برخی از مناطق محلی همچنان کانون شبکه ها، حقوق و تعهدات خویشاوندی باقی مانده اند.

اولویت مکان در محیط های پیش مدرن در دوران مدرن به موجب فرایندهای کنده شدن و فاصله گیری زمانی- مکانی تا حد زیادی از بین رفته است و مکان صورت وهمی یافته است. این به خاطر آن است که ساخت جامعه دچار تغییر شده است. دیگر این دوام ها و قدمت ها باعث حس اطمینان و اعتماد نمی شود چرا که تغییر دوران و ساخت باعث شده پدیده های قدیمی هم خود را بصورت نو و جدید درآورند تا با شرایط منطبق شوند. احساس تعلق و وابستگی به اماکن یا احساس یکی بودن با اماکن هنوز پابرجاست اما مبنای این احساسات هم دستخوش تحول شده اند. برای مثال فروشگاه های محلی که به خاطر قدمتشان به آنها اطمینان و اعتماد داشتیم امروزه تغییر کرده اند. در آنها کالاها و اجناسی می توان دید که از سراسر جهان آمده اند. دیگر اجتماع محلی، محیطی آکنده از معانی آشنا و بدیهی نیست، بلکه تا حد زیادی جلوه ای از روابط فاصله دار است که وضعیت محلی دارند. همه کسانی که در اماکن مختلف جوامع مدرن زندگی می کنند از این امر اطلاع دارند. هر گونه امنیتی که افراد در نتیجه آشنایی با مکان تجربه می کنند همان قدر که بر پایه صور پایدار روابط از جا کنده شده استوار است بر ویژگی های موقعیت محلی نیز مبتنی است .

به نظر گیدنز در دوره مدرن، اعتماد به اشخاص متکی بر پیوندهای شخصی در چارچوب اجتماع محلی و شبکه های خانوادگی نیست. اعتماد در یک سطح شخصی، تبدیل به طرحی می شود که طرفین باید روی آن کار کنند و مستلزم در دسترس بودن از سوی دیگران است. در اینجا اعتماد را نمی توان با اصول ثابت و هنجاربخش در اختیار داشت، باید آن را جلب کرد و وسیله این کار نشان دادن محبت و سعه صدر است. علاقه ما به داشتن روابط بیانگر همین پدیده است. این روابط همان پیوندهای مبتنی بر اعتماد هستند که باید روی آن کار کرد و این کار به معنای فراگرد متقابل خود واگشایی است .

گیدنز ظهور نوعی ارتباط ناب<sup>۱</sup> را مسئله ای جدید برای عرصه های نوین زندگی شخصی می داند. ارتباط ناب، ارتباطی است که معیارهای برونی در آن تحلیل رفاه باشد. ارتباط ناب تنها برای پاداشی بوجود می آید که از نفس ارتباط حاصل می شود. در چارچوب ارتباط ناب، اعتماد را می توان به وسیله نوعی خلوص بی ریایی متقابل بسیج و حفظ کرد. اعتماد در اینجا از قید هر گونه معیار و ضابطه ای خارج از نفس ارتباط مثل معیارهای خویشاوندی، وظیفه اجتماعی یا تکالیف سنتی آزاد می گردد. ارتباط ناب مستلزم تعهد پیشینی است که نوع ویژه ای از اعتماد محسوب می شود. ارتباط ناب دارای این ویژگی های زیر است:

۱- وابسته به عوامل بیرونی زندگی اجتماعی و اقتصادی نیست و در فضا شناور است. رابطه ناب فقط به خاطر آنچه نفس رابطه برای هر دو طرف به ارمغان می آورد مورد علاقه است. عنوان دوست در جامعه جدید به کسی اطلاق می شود که ارتباط با او هیچ امتیاز و انگیزه دیگری جز پاداشی است که نفس همان ارتباط نصیب شخص می سازد ندارد.

۲- ارتباط ناب همچنین منوط به اعتماد متقابل است و اعتماد متقابل نیز به رابطه ای نزدیک با صمیمیت و خودمانی شدن دارد.

۳- اعتماد ناب منوط به رسمیت شناختن دیگری است و طرفین باید قادر باشند بطور منظم برخی پاسخ های مطلوب را از گفتار و رفتار یکدیگر استنباط کنند (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۴۳-۱۳۱).

### ۳) رونالد اینگلهارت

رونالد اینگلهارت<sup>۲</sup>، نیز اهمیت بسزایی به اعتماد داده است، او در تعریف خود از اعتماد بیشتر به جنبه قابلیت پیش بینی رفتار افراد توجه داشته و عقیده دارد اعتماد یا عدم اعتماد به تشکیل انتظارات

<sup>1</sup> Pure Relationship  
1. Ronald Inglehart

در شرایط اطلاعاتی ناقص کمک می کند و اعتماد این انتظارات را در بر می گیرد که رفتار دیگری به طرز قابل پیش بینی دوستانه خواهد بود و در جهت مخالف رفتار مودبانه یا غیر قابل اعتماد افراد، عدم اعتماد تلقی می شود. و در نتیجه هنگامی که ابهام وجود دارد اعتماد یا عدم اعتماد شخص را به تفسیر دوستانه یا دشمنانه اعمال دیگری می کشاند و این پیامدها می تواند مهم و قابل توجه باشد (امیرکافی، ۱۳۷۴: ۸).

به نظر اینگلهارت اعتماد در ایجاد حس مشترک و تعاون نقش مؤثر دارد. استدلال اینگلهارت این است که درجه ی بالای توسعه، امنیت اقتصادی بالاتری را به افراد جامعه ارزانی کرده و از این طریق هزینه ی پذیرش ریسک ناشی از اعتماد به افراد ناآشنا را کاهش می دهد. سطح پایین تر اعتماد در جوامع فقیر در تصور اینگلهارت ناشی از این است که اعتماد نابجا و زیان بار در این کشورها در مقایسه با کشورهای ثروتمندتر می توانند لطمه ی بسیار جبران ناپذیری به فرد اعتماد کننده وارد کند. اعتماد با ارزش های مشترک ارتباط دارد، پذیرش ارزش های مشترک خواه از منظر اعتقادات مذهبی و سیاسی و تعهد به موضوعات اجتماعی و خواه از منظر هنجارهای رفتار اجتماعی به افراد امکان می دهند که با دیگران هم ذات پنداری کنند و تعیین کنند چه انتظاراتی از اقدامات و نیات یکدیگر دارند. در بستر سازمان های داوطلبانه این امر نه تنها به ارزش های کلی تر مربوط به نیکوکاری یا نوع دوستی ارتباط دارند بلکه به ارزش های سازمانی نظیر شرافت، صداقت یا دموکراسی درونی شده نیز اشاره دارد.

رهیافت تضاد ساختاری، منشأ اصلی منازعات نسلی، توزیع نامتوازن منابع قدرت و ثروت و سرمایه های در اختیار نسل ها در عرصه های مختلف اجتماعی است و محور اصلی را تضاد منافع مادی گروه های مختلف نسلی که در جامعه هم زیستی مکانی و زمانی دارند، می دانند که موجب مسائل نسل ها و شکاف های ایدئولوژیک و فرهنگی بین آن ها می شود. نظریات بوردیو در سطح کلان مارکسیستی و رویکرد تضاد قرار دارد و چالش نسل ها را ناشی از نظام های سلطه و نابرابری در عرصه های مختلف می داند. وی

شکاف نسل در دنیای معاصر را افقی می‌داند. در این چشم انداز، نقطه‌ی عزیمت در تحلیل تعارضات نسلی، ساخت اجتماعی عینی بوده و با محور قرار دادن تضاد منافع مادی گروه‌های مختلف نسلی، که در جامعه هم زیستی زمانی و مکانی دارند، مسائل نسل‌ها و شکاف‌های ایدئولوژیک و فرهنگی بین آن‌ها را ناشی از تضاد زیربنایی یاد شده و در تناظر با موقعیت و منافع اجتماعی نسلی در نظر گرفته می‌شود (فتحی و شیرین بیان، ۱۳۹۱: ۱۲۴-۱۲۳).

اگر اعتماد در مردم که لازمه آن عدم استبدادگرایی و تمرکزگرایی، مدارا و تساهل با گروه‌های مختلف، عدالت اجتماعی و ... از سوی مسئولان و نهادهای رسمی می‌باشد، در جامعه رواج یابد عامل مشارکت صورت خواهد گرفت. در تشکیل و دوام اعتماد نهادی نیز عملکرد و نحوه برخورد مسئولین با افراد اهمیت اساسی دارد و در صورت خدشه برداشتن اعتماد نهادی، انسجام دچار مشکل خواهد شد و طبیعتاً در این شرایط نه تنها مشارکت اجتماعی رخ نخواهد داد بلکه باید شاهد رفتارهای مخجلانه نیز بود (اینگلهارت، ۱۳۹۵: ۱۵۲).

این دو فرضیه با هم مجموعه به هم پیوسته‌ای از پیش‌بینی‌های مربوط به دگرگونی ارزش‌ها را پدید می‌آورند.

اینگلهارت در مدل تحلیلی خود هم به ماهیت دگرگونی، هم به علت‌ها و هم پیامدهای آن توجه ویژه‌ای مبذول می‌دارد. در مدل تحلیلی‌ای، اینگلهارت به تغییر فرهنگی در سطوح متعدد توجه کرده است. این تحلیل دگرگونی فرهنگی را از جنبه‌های گوناگون تحلیل می‌کند و از آنجا که به تاثیر دگرگونی‌های اقتصادی و سیاسی و اجتماعی بر فرهنگ و تاثیر فرهنگ بر اقتصاد، جامعه و سیاست می‌پردازد، از سطح سیستم به سطح فردی حرکت و دوباره به سطح سیستم بر می‌گردد (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۵).

امیل دورکیم<sup>۱</sup> از اولین جامعه‌شناسانی است که مفهوم انسجام و همبستگی اجتماعی را مورد مطالعه قرار داده است و وجود آن را برای هر جامعه‌ای لازم می‌داند. دورکیم معتقد است، انسجام اجتماعی وقتی رخ می‌دهد که عواطف افراد به وسیله نمادهای فرهنگی تنظیم شوند، جایی که افراد متصل به جماعت و اجتماعی شده باشند، جایی که کنش‌ها تنظیم شده و به وسیله هنجارها هماهنگ شده‌اند. جوامع مادامی که جمعیت آن‌ها اندک بوده و جوامعی ساده با باورها و ارزش‌های محدود و ساده بودند، انسجام در آن‌ها مکانیکی بوده است، اما دورکیم معتقد است جوامع سنتی در روند تکامل خود تحت تأثیر عواملی، تغییراتی را در خود، پذیرا می‌شوند. مهم‌ترین این عوامل از نظر دورکیم، پیشرفت تقسیم‌کار است که باعث تحولی عظیم در این جوامع گشته و در حقیقت به دلیل تقسیم‌کار است که جامعه سنتی مبتنی بر انسجام مکانیکی به جامعه صنعتی مبتنی بر همبستگی ارگانیکی تبدیل می‌گردد (منظور و یادی پور، ۱۳۸۷: ۱۵۰).

مشارکت امری جمعی است که نیازمند انسجام و همبستگی بین افراد است. همبستگی اجتماعی کلید اصلی برای تداوم حیات در جوامع مدرن امروزی است. وجود انسجام موجب کنش جمعی است و در مواردی می‌تواند به واسطه کنش جمعی تقویت شود. به عبارتی مشارکت و کارهای گروهی با انسجام در تعاملی دوسویه قرار دارند (صداقت و قهرمان، ۱۳۸۸: ۱۵۹-۱۶۰).

تعدد و گستردگی سازمان‌های محلی و غیردولتی در یک جامعه بیانگر وجود مشارکت اجتماعی در آن جامعه است و انجمن‌های داوطلبانه نوعی بسترسازی مناسب برای مشارکت اجتماعی به شمار می‌آید. از یک طرف تشکل‌های مشارکتی با جلب همکاری افراد زمینه اتصال هرچه بیشتر آن‌ها را به جامعه فراهم می‌سازد و مشارکت افراد را در امور اجتماعی افزایش می‌دهد. از سوی دیگر با بسط شبکه‌های اجتماعی و تقویت همبستگی و انسجام اجتماعی به گسترش مشارکت فعالانه و داوطلبانه افراد جامعه کمک می‌کنند

---

<sup>1</sup> - Émile Durkheim

(چلبی، ۱۳۹۵: ۲۹۰). از طرف دیگر افرادی که روابط اجتماعی بیشتری دارند و دارای انسجام اجتماعی قوی‌تری هستند تمایل بیشتر برای عضویت و مشارکت در سازمان‌های داوطلبانه دارند. به این معنی که روابط و کیفیت آن به ایجاد انجمن‌ها منجر می‌گردد (علی پور و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۲۰).

از نظر دورکیم برخلاف جوامع بدوی که در آن افراد بلاواسطه با دولت و جامعه کلی ارتباط یافته و مشارکت می‌یابند؛ در جوامع جدید بین افراد و جامعه کلی باید سازمان‌های میانجی قرار بگیرد. این سازمان‌های واسطه، مشارکت افراد در حیات اجتماعی را تضمین میکند و فقدان این سازمان‌ها، وضعیتی را بوجود می‌آورد که دورکیم بی‌شکلی اجتماعی می‌نامد (همان، ۷۳). باید اشاره کرد که دولت در ایران بعنوان کشور جهان سومی، دارای قدرت غیرقابل انکار می‌باشد، و بر اساس نظریه دورکیم و ربط آن با نقش و قدرت دولت می‌توان اشاره کرد که بسط و زمینه‌سازی فعالیت برای گسترش سازمان‌های غیردولتی، و سازمان‌های میانجی جز از طریق دولت ممکن نخواهد بود، این دولت است که با فراهم کردن بستر قانونی و مالی و حمایتی زمینه گسترش این سازمانها و بسط شبکه‌های اجتماعی و تقویت همبستگی و در نهایت گسترش مشارکت اجتماعی را فراهم می‌سازد، علاوه بر این، سیاستها و برنامه‌های دولت به شدت میتواند بر انسجام اجتماعی تاثیرگذار باشد و مشارکت اجتماعی را شدت بخشد یا کم‌رنگ نماید.

به اعتقاد دورکیم یکی از قلمروهایی که قواعد رفتار و هنجارهای رفتار را هدایت و کنترل می‌کنند، دولت-کشور می‌باشد. وی بر وجود گروه‌های حرفه‌ای و گروه‌های واسطه به عنوان کانال‌هایی که می‌تواند روابط صحیح میان فرد و دولت را تنظیم کنند می‌پردازد بدین صورت که آن‌ها از غلبه یکی بر دیگری جلوگیری کرده و انتقال و درونی کردن برخی علائق جمعی را هموار می‌کنند.

همانطور که می‌دانیم، امیل دورکیم از برجسته‌ترین نظریه پردازان مبحث انسجام اجتماعی است. دورکیم نیز به نقش همبستگی در گسترش و تقویت ارتباطات اجتماعی اشاره نموده است و معتقد است، هر جا همبستگی اجتماعی نیرومند باشد، عامل نیرومندی در نزدیک کردن افراد به هم خواهد بود و باعث

تشدید تماس‌های آنها و بیشتر کردن فرصت‌های ارتباطاتشان با یکدیگر خواهد بود. ترنر<sup>۱</sup> در توضیح جهات اصلی نظریه انسجام اجتماعی دورکیم می‌نویسد، از دیدگاه دورکیم سؤال انسجام یا همبستگی اجتماعی به چند مسئله مربوط است:

۱- چگونه افراد برای این احساس که تعلق به یک جمع اجتماعی بزرگتری دارند، ساخته

می‌شوند؟

۲- چگونه تمایلات و خواسته‌های آنها به طریقی که موجب مشارکت آنان در جمع می‌-

شود، محدود می‌شود؟

۳- چگونه فعالیت‌های افراد و دیگر واحدهای اجتماعی با یکدیگر هماهنگ و مطابقت داده

می‌شود؟

این پرسشها در اندیشه جامعه‌شناسی جدید نیز مطرح بوده است. آن‌چنان‌که تالکوت پارسونز که از متفکرین برجسته نظریه ساختی/ کارکردی است، موضوع انسجام اجتماعی را در دو نظام شخصیت و نظام اجتماعی مورد بحث قرار داده است. به نظر وی انسجام اجتماعی، مجموعه سازگاریهایی است که برای ایجاد شرایط لازم برای بقاء وضع تفکیک یافته تازه، توسط دیگر اجزاء سیستم صورت می‌گیرد تا شرایط لازم برای بقای سیستم به عنوان یک کل پویا فراهم گردد (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶: ۴۴-۴۳). اما نکته قابل ذکر اینکه مفاهیم انسجام و وفاق (همینطور مفهوم احساس تعلق اجتماعی) مفاهیمی هم جامعه‌شناختی و هم روان‌شناختی هستند و این در حالی است که در بیشتر موارد روان‌شناسی اجتماعی با جامعه‌شناسی اشتباه می‌شود، زیرا این دو رشته با یکدیگر جهات مشترک بسیاری دارند، به عنوان مثال هر دو رشته به مطالعه چگونگی رفتار انسان در گروه علاقه‌مندند. نبودن مرز روشن میان روان‌شناسی اجتماعی و جامعه-

<sup>1</sup>Turner



شناسی است که اتوکلاين برگ را وا می‌دارد تا بگوید: «جامعه‌شناسی اصولاً به گروهها توجه دارد و روانشناسی اجتماعی به افراد می‌پردازد و چون گروهها از افراد مرکبند، دست‌اندازی یکی به قلمرو دیگری اجتناب‌ناپذیر و حتمی است» ژان استوتزل نیز معتقد است که روانشناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی تفاوت چندانی با یکدیگر ندارند و تردیدی نیست که بخش مهمی از قلمرو این دو علم یکی است، یعنی هر دو آنها رفتار افراد را در گروه یا نسبت به قالبهای گروهی یا دریافت جمعی مطالعه می‌کنند. بطور کلی می‌توان گفت که در دو زمینه زیر ارتباط بسیار نزدیک بین روانشناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی وجود دارد: (۱) در زمینه جامعه‌پذیری (۲) در زمینه کنش متقابل. دستیابی روانشناسی اجتماعی به مباحث جامعه‌شناسی از آنجا آغاز می‌شود که چگونه کنشها و واکنشهایی بین فرد و جامعه برقرار می‌شود؟ و چگونه گروهها، سازمانها و کلاً ساخت اجتماعی به رفتار انسان شکل، روش و مفهوم می‌دهند؟ بنابراین مطالعه کنش انسانها هم برای جامعه‌شناسان و هم برای روانشناسان اجتماعی مسأله‌ای اساسی و حیاتی است (ستوده، ۱۳۷۳: ۳۲-۲۹).

دورکیم در کتاب «قواعد روش جامعه‌شناسی» استدلال کرد که وظیفه ویژه جامعه‌شناسی بررسی آن چیزی است که خود، آنرا «واقعیت اجتماعی» نامید. دورکیم واقعیت‌های اجتماعی را نیروها و ساختارهایی می‌انگاشت که بیرون از افراد قرار دارند، و برای آنها الزام‌آور هستند (ریترز، ۱۳۸۰: ۲۱). او در این کتاب دو نوع واقعیت اجتماعی مادی و غیرمادی را از هم متمایز می‌کند. علاقه به واقعیت‌های اجتماعی غیرمادی، در کار عمده‌اش «تقسیم کار در جامعه» آشکار بود. تأکید دورکیم در این اثر بر تحلیل تطبیقی آن عاملی بود که جامعه انسانی از ابتدایی گرفته تا جدید را گرد هم می‌آورد. او به این نتیجه رسیده بود که جوامع ابتدایی در اصل با واقعیت‌های اجتماعی غیرمادی و بویژه با یک اخلاق مشترک نیرومند و یا آنچه که خودش «وجدان جمعی» قوی می‌نامد، پیوند خورده‌اند (همان، ۲۲). مطابق دریافت او، در جامعه‌های ابتدایی کارهای گروهی تنوع چندان ندارد، و از اینرو همه اعضای گروه تقریباً در همه کارها شرکت و همکاری می‌کنند (آگبرن و نیم‌کف، ۱۳۷۵: ۱۱۴). اما به خاطر پیچیدگی‌های جامعه نوین، قدرت وجدان جمعی در اینگونه جوامع کاهش

یافته است و می‌گوید عامل اصلی پیوند در جهان نوین، تقسیم کار پیچیده است که انسانها را با یک نوع وابستگی متقابل به یکدیگر پیوند می‌دهد (ریتزر، ۱۳۸۰: ۲۲). در واقع به اعتقاد دورکیم، در جامعه‌های ابتدایی هر فردی خود به خود رفتار دیگران را سرمشق قرار داده و در هر کاری به طور ماشینی، از دیگران تقلید می‌کند. اما در جامعه متمدن، هر فرد یا دسته‌ای به کار مستقلی می‌پردازد و در عین استقلال، هوشیار است که کار او مکمل کار دیگران است. بنابراین همکاری جامعه ابتدایی، همکاری خود به خودی، و همکاری جامعه متمدن، همکاری آگاهانه و اغلب همراه با شوق و علاقه است. (آگبرن و نیم‌کف، ۱۳۷۵: ۱۱۴)

دورکیم دیدگاه خوشبینانه‌ای داشت و معتقد بود مردم به موازات تشخیص وابستگی به یکدیگر در جوامع باید همکاری با هم را با تقسیم کار بسیار دقیق بیاموزند (ساوج و وارد، ۱۳۸۷: ۱۱). او همبستگی را از نوع روابط عاطفی مثبت دانسته و از «حس همبستگی» نام می‌برد. به اعتقاد وی نقش حقیقی تقسیم کار این است که میان دو یا چند نفر حس همبستگی ایجاد کند. در حقیقت دورکیم به نقش همبستگی در گسترش و تقویت ارتباطات تأکید دارد. در همین ارتباط او معتقد بود هنگامی که شهروندان نسبت به محیط اجتماعی خود احساس تعلق نمایند، شرایط لازم برای تقسیم کار بهتر و به تبع آن گسترش انواع مشارکت، پدید می‌آید که نتیجه آن اجتماعی منسجم و اخلاقی خواهد بود (علوی تبار، ۱۳۷۹: ۱۸).

دورکیم این موضع را اختیار کرد که می‌توان با استدلال از «هست» به «باید» رسید. بدین ترتیب که بر اساس تحلیل آنچه هست می‌توان استدلال در باره آنچه باید باشد را بسط داد (کرایب، ۱۳۸۸: ۷۱).

## ۵) ماکس وبر

در مکتب تفهیمی وبر و پیروان او؛ مشارکت با مفهوم احتمال همراه می‌باشد، معنای این سخن این نیست که مشارکت افراد در زندگی اجتماعی لزوماً خصلتی موقتی و ناپایدار دارد بلکه منظور این است که

امکان دارد میزان این احتمال در شرایط مختلف و بنا به عوامل مختلف کاسته شود یا حتی در مواردی کاملاً منتفی گردد. این احتمال تا هنگامی عینیت دارد که افراد انتظارات معینی از رفتار دیگران داشته و این انتظار به طور عینی همواره تحقق یابد یا برآورده گردد، و تا زمانی که این انتظارات عینیت و تداوم یابد مشارکت افراد که همان باور آنها به نظم مستقر است تداوم خواهد یافت (گیدنز، ۱۳۹۲: ۱۳۷۹).

وبر همچنین چهار نوع آرمانی تبیین‌های کنش و رفتار اجتماعی مانند مشارکت را مطرح می‌کند. دو نوع آن عقلانی هستند، کنش عقلانی در رابطه با هدف و کنش عقلانی در رابطه با ارزش و دو نوع غیر عقلانی کنش عاطفی و کنش سنتی. در کنش عقلانی معطوف به هدف، فرد کنش احتمالی را بر حسب هزینه‌ها، منافع، وسایل و هدف‌ها ارزیابی می‌کند (مانند رفتار اقتصادی عقلانی)؛ و در کنش عقلانی معطوف به ارزش هدفها را مورد سوال قرار نمیدهد بلکه هزینه‌ها و منافع وسایل معینی را ارزیابی می‌کند (مانند پذیرفتن یک آرمان مذهبی)، کنش عاطفی تحت سلطه عواطف و کنش سنتی تحت سلطه رسوم و عادات است (راش، ۱۳۷۷: ۱۴۱-۱۴۲). بنابراین بر حسب نظر وبر می‌توان چنین نتیجه گرفت که اگر مشارکت را هدف فرض کنیم، کنش فردی که مشارکت می‌کند کنش عقلانی معطوف به هدف است. بر اساس نظریه وبر این نوع از کنش متضمن ملاحظات عقلانی در مورد مناسبات هدف با پیامدهای احتمالی به کار بردن هر وسیله معین و بالاخره متضمن ملاحظات عقلانی در مورد اهمیت نسبی هدفهای احتمالی مختلف می‌باشد (کرایب، ۱۳۸۴: ۱۰۰). اگر مشارکت را وسیله رسیدن به هدف فرض کنیم، کنش فرد در این صورت کنش عقلانی معطوف به ارزش است؛ بنابراین باید اشاره کرد که مشارکت بعنوان عملی عقلانی که هدف یا اهداف خاص خود را دنبال می‌کند زمانی محقق خواهد شد که فرد از طریق آن به اهداف خاصی دست یابد و از بابت کنش صورت گرفته منفعی را صاحب گردد و یا حداقل از بابت آن کنش دچار مشکل نگردد وگرنه انجام مشارکت بی‌معنی خواهد بود. میتوان چنین بیان نمود که رویکرد حمایتی دولت در قبال مشارکت بعنوان مالک انواع منابع می‌تواند زمینه گسترش مشارکت اجتماعی را فراهم کند

وگرنه وجود موانع مختلف در برابر مشارکت اجتماعی صورت گرفته یا مشکلات مختلف برای مشارکت کنندگان، مانع انجام مشارکت‌های اجتماعی خواهد شد.

بحث وبر این بود که علوم اجتماعی به فهم کنش انسان توجه دارد و از گزارش‌های ساده رفتارگرایی متمایز است و عنصر اساسی تفسیر کنش انسان کوشش برای درک معنای ذهنی مورد نظر کنشگر است. تقریباً در همان زمان دبلیو، آی. توماس یکی از پدران جامعه‌شناسی آمریکا، قضیه‌ای را مطرح کرد: برای مطالعه انسان لازم است دریابیم که افراد وضعیتهایی را که در آن قرار دارند چگونه تعریف می‌کنند و نیز بدانیم که «اگر انسان وضعیت‌ها را امری واقعی تعریف می‌کند، پیامدهای آن را هم واقعی می‌داند.» آنچه وبر و توماس مطرح کردند، اکنون اصول متعارف پژوهش‌های جامعه‌شناختی شده است. تحت تأثیر مباحثات جدیدی که باب آن در روان‌شناسی اجتماعی فرویدی و غیرفرویدی، گشوده شده است، درمی‌یابیم که انسان به طور انتخابی به محرک‌های بیرونی پاسخ می‌دهد و نیز این انتخاب او عمیقاً تحت تأثیر روش او در تعریف یا تفسیر وضعیت‌ها است. (کوزر و روزنبرگ، ۱۳۸۵: ۲۱۹) در این معنا کنش ممکن است مشهود و یا صرفاً درونی یا ذهنی باشد، ممکن است شامل مداخله مثبت در یک موقعیت یا خودداری عمدی از چنین مداخله‌ای یا پذیرش منفعلانه وضعیت باشد. اما وبر معتقد است مردم کنش‌های عقلانی انجام می‌دهند و جهان را به شیوه‌ای منسجم سازمان می‌دهند، غایت علوم اجتماعی این است که به فهمی عقلانی از کنش انسان، نایل آید. (کرایب، ۱۳۸۸: ۹۶)

وبر در کار خود به تشخیص چهار نوع کنش معنادار اجتماعی می‌پردازد که تفاوت آنها در درجه معناداریشان و بنابراین در درجه عقلانیت‌شان است. او ابتدا از کنش سنتی نام می‌برد، آن واکنش تقریباً خودکار به حرکات عادی است که رفتار را در جهت هدایت می‌کند که بارها دنبال شده است. قسمت اعظم تمام کنش‌های روزانه که مردم به آن عادت کرده‌اند به این نوع کنش نزدیک است.

نوع دوم کنش از نظر وبر که اساس آن عاطفه است، امر «کاملاً انفعالی» نیز در حاشیه امر عقلانی است. هرگاه غیرقابل کنترل باشد معنادار نیست ولی هر چه کنترل بیشتری بر آن اعمال شود، بیشتر معنادار می‌شود. برخی از نظریه‌پردازان معاصر ممکن است عواطف را پاره‌ای از پویایی‌های اساسی تعامل اجتماعی تصور کنند. (کرایب، ۱۳۸۸: ۹۸) در این خصوص پژوهشگر معتقد است که در جامعه ما که جامعه‌ای نیمه سنتی / نیمه صنعتی است، به نظر می‌رسد که این نوع کنش مورد نظر وبر بیشتر محقق می‌شود. یعنی مردم در نحوه انجام دادن کارها و مسئولیت‌هایشان در امور مختلف تحت تأثیر عاطفه و احساساتشان که می‌توان گفت برگرفته از آیین مذهبی ما هستند، عمل می‌کنند.

سومین نوع کنش به سوی ارزش غایی به شیوه‌ای خودآگاهانه متمایل می‌گردد. این کنش نیز مانند کنش عاطفی لزوماً به دنبال هدفی بیرون از خود نیست بلکه صرفاً طالب ارضای خویش است. چهارمین و عقلانی‌ترین نوع کنش زمانی انجام می‌گیرد که هدف، وسیله و پیامدهای فرعی همگی به حساب آمده و سنجیده شوند. این نوع کنش متضمن ملاحظات عقلانی در مورد وسایل بدیل نیل به هدف و نیز متضمن ملاحظات عقلانی در مورد مناسبات هدف با پیامدهای احتمالی به کار بردن هر وسیله معین و بالاخره متضمن ملاحظات عقلانی در مورد اهمیت نسبی هدفهای احتمالی مختلف می‌باشد. (همان، ۱۰۰) که امیدواریم جامعه ما هم به این نوع از کنش مورد نظر وبر، که کامل‌ترین نوع کنش است، برسد.

در حقیقت بنیاد کار وبر نظریه‌اش درباره فراگرد «عقلانیت» بود. وبر به این قضیه عمده علاقه‌مند بود که چرا نهادهای اجتماعی در جهان غرب بیش از پیش عقلانی‌تر شده‌اند، در حالیکه در دیگر نقاط جهان، مواعی نیرومند از یک چنین تحولی جلوگیری کرده‌اند. گرچه عقلانیت در آثار وبر به صورتهای گوناگون بکار رفته است، اما در اینجا به فراگردی توجه داریم که در برگیرنده یکی از چهار نوع عقلانیتی است که کالبرگ آنها را بازشناخته است، یعنی «عقلانیت صوری». عقلانیت صوری بر حسب معمول وبر، با گزینش

وسایل و هدفها از سوی کنشگر سر و کار دارد. اما در این مورد، گزینش با ارجاع به قواعد، مقررات و قوانینی که عموماً کاربرد دارند، صورت می‌گیرد. خود این قواعد و قوانین نیز از ساختارهای وسیع اجتماعی، بویژه دستگاه دیوانسالاری و اقتصاد سرچشمه می‌گیرند. وبر دیوانسالاری را نمونه عالی عقلانیت می‌داند. بحث وبر درباره فراگرد دیوانی کردن، در بحث وسیعترش در مورد نهادهای سیاسی می‌گنجد. او سه نوع نظام اقتدار را از هم متمایز می‌کند: اقتدار سنتی، فرهنگدانه و عقلانی/ قانونی. به اعتقاد او تنها جهان نوین غربی، می‌تواند یک نظام اقتدار عقلانی/ قانونی را پیروانند و تنها در همین جهان است که می‌توان رشد کامل دیوانسالاری نوین را یافت (ریتزر، ۱۳۸۰: ۳۴). او معتقد است اعضای گروه که شهروندان نامیده می‌شوند تنها در چهارچوب پیش‌بینی شده توسط همین قانون مکلف به اطاعت هستند. سلطه قانونی بر اجرای مستمر وظایف عمومی مبتنی است که بوسیله قانون مقرر و در مراتب صلاحیت‌های انتزاعی توزیع شده‌اند. اجرای این مقررات بی‌شمار نیازمند هیئتی از کارمندان مجرب و صاحب صلاحیت است (فردرو و رضوانی، ۱۳۸۱: ۲۳). به عبارتی وبر دموکراسی و سلطه قانونی را نظامی می‌داند که در آن مردم، مشارکت‌کننده در نظام حکومت به شمار می‌آیند، نه منفعل. کلید فهم مشارکت به اعتقاد او، درک معنای شهروندی است (کیویستو، ۱۳۸۶: ۹۲-۸۶). در دیدگاه او شهروند بودن به معنای توانایی مشارکت در تصمیم‌گیریها و نیز شرکت داشتن در انتخاب رهبران است. نکته بسیار مهمی که در نظریات ماکس وبر وجود دارد، تأکید بر توسعه و مشارکت شهری به عنوان یکی از ابزارهای کلیدی در تشکیل شهر به عنوان یک اجتماع کامل است، تا جایی که اخیراً مشارکت شهری در فرهنگ جدید توسعه، جایگاه خاصی یافته و یکی از ویژگیهای جوامع مدرن محسوب می‌شود (پاپلی یزدی و رجبی سناجردی، ۱۳۸۲: ۲۹۵).

خلاصه اینکه، وبر معتقد است آنچه جامعه‌شناسی را به صورت علمی منحصر به فرد درمی‌آورد دریافت معنای ذهنی در دنیای اجتماعی است. یعنی برای فهم رفتار اجتماعی باید به درک احساسات و افکار افراد نایل شویم. به اعتقاد وبر هر نوع برخورد انسان خصلت اجتماعی ندارد و نمی‌توان آنرا کنش

اجتماعی به حساب آورد، از نظر او کاربرد ارتباط اجتماعی دلالت بر رفتار جمعی کنشگرانی دارد که معنای محتوایی کنش هر یک از آنها با توجه به کنش دیگران و جهتی که از این بابت می‌گیرد، روشن می‌شود. با ارجاع به نظرات وبر مبنی بر اینکه علوم اجتماعی به فهم کنش انسان توجه دارد و همینطور این نظر او که انسانها به طور انتخابی به محرکهای بیرونی پاسخ می‌دهند و این انتخاب آنها تحت تأثیر روش آنها در تعریف یا تفسیر وضعیتها است، سعی در بررسی و فهم مشارکت شهروندان به عنوان کنش اجتماعی داریم و تلاش می‌کنیم که دریابیم شهروندان در وضعیت‌های اجتماعی، فرهنگی، طبقاتی و ... متفاوت در پاسخ به محرکهای بیرونی که منجر به مشارکت آنها در امور مختلف می‌شود چگونه عمل می‌کنند و بواسطه آن کدام یک از کنشهای مورد نظر وبر در جامعه ما بیشتر محقق می‌شود.

## ۶) هانتینگتون و نلسون

هانتینگتون<sup>۱</sup> از نظریه پردازان سیاسی / اجتماعی توسعه و نوسازی است. او کانون توجه به نظریه توسعه و نوسازی را از حرکت تدریجی به سوی دموکراسی، به توجه به ثبات سیاسی و نقش حکومت در فرایند نوسازی تغییر داد (راش، ۱۳۸۵: ۲۵۱). به اعتقاد وی نوسازی یک فراگرد چندبعدی است که به دگرگونی در همه زمینه‌های اندیشه و فعالیت انسانی نیاز دارد (هانتینگتون، ۱۳۸۶: ۵۳). او نوسازی سیاسی را حرکت از جامعه سنتی به جامعه نوین می‌داند. جامعه سیاسی نوین بر حسب پهنه آگاهی سیاسی و اشتراک سیاسی مردمش، با جامعه سنتی تفاوت دارد. نهاد، شاخص جامعه سیاسی نوین می‌باشد و در قالب حزب سیاسی مطرح می‌شود، که برای ساختار بخشیدن به اشتراک توده مردم در سیاست فعالیت دارند. (همان، ۱۳۳) به اعتقاد او نوسازی سیاسی به اشتراک هر چه بیشتر گروههای اجتماعی سراسر جامعه در امور سیاسی نیاز دارد. اشتراک گسترده مردم در سیاست می‌تواند در دولت‌های توتالیتر، میزان نظارت حکومت بر مردم را افزایش دهد و برعکس در دولتهای دموکراتیک درجه نظارت مردم را بر حکومت بالا برد. هانتینگتون معتقد

<sup>1</sup>Huntington

است که توسعه و مشارکت نیازمند شکل‌گیری شخصیت و انسان نوگرا می‌باشد. از نظر وی انسان سنتی، همیشه توقع ساکن بودن، عدم تغییر در طبیعت و جامعه را دارد، ولی انسان نوین با نگرش‌ها و طرز تلقی - های مختلفی روبرو است. او امکان هر تغییر و دگرگونی را قبول دارد و خود را با آنها وفق می‌دهد. (همان، ۵۷-۵۴)

در حقیقت به اعتقاد هانتینگتون و همینطور نلسون<sup>۱</sup> مشارکت اجتماعی و سیاسی در جامعه مدنی، تابعی از فرایند توسعه اقتصادی و اجتماعی است. این فرایند از دو طریق بر گسترش مشارکت اثر می‌گذارد: نخست از طریق تحرک اجتماعی<sup>۲</sup> است. کسب منزلت‌های بالاتر اجتماعی، احساس توانایی را در فرد تقویت می‌کند و نگرش او را نسبت به توانایی‌اش در تأثیر نهادن بر تصمیم‌گیرها، مساعد می‌سازد و دوم اینکه این نگرش‌ها زمینه مشارکت در فعالیتهای اجتماعی و سیاسی را تقویت می‌کند. در این حالت منزلت اجتماعی نهایتاً از طریق اثری که بر احساس توانایی و یا نگرش بی‌قدرتی می‌گذارد، بر مشارکت مؤثر می‌افتد.

### شکل (۱)

افزایش مشارکت اجتماعی و سیاسی → احساس توانایی → منزلت اجتماعی بالاتر

مدل هانتینگتون و نلسون از مشارکت اجتماعی و سیاسی (علوی تبار، ۱۳۷۹: ۴۹)

به اعتقاد آنها فرایند توسعه همچنین از طریق سازمانی نیز بر مشارکت اثرگذار است. عضویت فرد در گروهها و سازمانها، احتمال مشارکت در فعالیت اجتماعی و سیاسی را بیشتر می‌کند. این عامل در جوامعی که فرصت‌های تحرک فردی در آنها محدودتر است، اهمیت بیشتری دارد. در این الگو بی‌قدرتی به عنوان متغیر واسطه بر مشارکت اثر می‌گذارد (علوی تبار، ۱۳۷۹: ۴۹).

<sup>1</sup>Nelson

<sup>2</sup>SocialMobilizing



بر طبق تعریف آنها مشارکت سیاسی «فعالیت شهروندان خصوصاً به منظور تأثیر نهادن بر فرایند تصمیم‌گیرهای دولت است.» بطور خلاصه و به اعتقاد این دو نویسنده، مشارکت سیاسی اشکال مختلفی دارد:

۱. فعالیت در انتخابات
۲. اعمال نفوذ<sup>۱</sup>
۳. فعالیت سازمانی (عضویت در سازمانها، گروههای نفوذ، احزاب و ...)
۴. ایجاد روابط فردی با مقامات قدرتمند
۵. خشونت (استفاده از زور برای تأثیر گذاشتن بر تصمیمات دولتی).

در این خصوص هانتینگتون و نلسون با بررسی داده‌های مطالعه آلموند و وربا (درباره کشورهای مکزیک، ایتالیا، آلمان، انگلستان و آمریکا در کتاب فرهنگ مدنی) به این نتیجه می‌رسند که «منزلت اجتماعی / اقتصادی تقریباً ۱۰ درصد واریانس در مشارکت را شرح می‌دهد و دخالت در فعالیت سازمانها تقریباً ۲۵ درصد این واریانس را تبیین می‌کند».

در نهایت باید به این نکته نیز اشاره شود که به عقیده هانتینگتون، رویکردهای مردم نسبت به اجتماع باید در رفتارشان منعکس شده باشند و اجتماع سیاسی به هرگونه «به‌هم‌پیوستن»ی اطلاق نمی‌شود. بلکه تنها به هم‌پیوستن منظم، پایدار و بادوام را شامل می‌شود. کوتاه سخن، به‌هم‌پیوستن باید نهادی شده باشد (هانتینگتون، ۱۳۸۶: ۲۰).

به اعتقاد هانتینگتون و نلسون در کشورهای در حال توسعه، مشارکت اجتماعی به طور اعم و مشارکت سیاسی به طور اخص فی‌نفسه هدف محسوب نمی‌شوند و معمولاً تابعی از تصمیمات نخبگان حاکم و سیاستهای آنها یا محصول جانبی توسعه به طور کلی محسوب می‌شوند، به این معنا که نخبگان برای

---

<sup>1</sup>Lobbying

تحکیم قدرت خود، تحکیم استقلال ملی یا اصلاحات اجتماعی یا کاهش نابرابریهای اقتصادی و اجتماعی و ... مشارکت بخش هایی از جامعه را در سیاست تسهیل و تشویق می کنند یا اینکه چون توسعه اقتصادی و اجتماعی فرصتهای تحرک اجتماعی و اقتصادی فرد را بیشتر میکند، در درازمدت افزایش منزلت های بالاتر در جامعه و گسترش نگرش های ذهنی احساس توانمندی و موثر بودن از نظر سیاسی، موجب گسترش مشارکت می گردد (رضایی، ۱۳۷۵: ۵۵).

مشارکت اجتماعی و سیاسی تابع دو عامل کلی نگرش ها و اولویت های نخبگان سیاسی و وضع گروهها و انجمن ها و نهادهای اجتماعی واسط در خود جامعه است. نگرش کلی هانتینگتون و نلسون این است که فرایند توسعه اقتصادی و اجتماعی از طریق دو مجرا می تواند سرانجام به گسترش مشارکت سیاسی و اجتماعی بینجامد. یکی مجرای تحرک اجتماعی، یعنی کسب منزلت های اجتماعی بالاتر در فرد احساس توانایی تاثیرگذاری بر تصمیمات نهادها را ایجاد می کند و این عوامل می تواند مشوق مشارکت در سیاست و فعالیت اجتماعی باشد، از بین متغیرهای منزلتی، میزان سواد و تحصیلات فرد بیشترین تاثیر را بر مشارکت دارد. مجرای دوم، مجرای سازمانی، یعنی عضویت و مشارکت فعال در انواع گروهها و سازمان های اجتماعی (اتحادیه های شغلی و صنفی، و ...) است که احتمال مشارکت در فعالیت اجتماعی و سیاسی را بیشتر می کند. این عامل در جوامعی که فرصتهای تحرک فردی در آن محدودتر است اهمیت بیشتری دارد. زیرا فرد برای رسیدن به وضع اجتماعی و اقتصادی بهتر به عنوان آخرین راه حل به فعالیت در سازمان های اجتماعی یا احزاب سیاسی می پردازد (همان، ۵۶).

در نظریه هانتینگتون نیز اشاره شده است که مشارکت بعنوان تابعی از تصمیمات نخبگان حاکم و سیاستهای آنها است، طبیعتا نوع نگرش و تصمیمات اتخاذ شده در قبال مشارکت و زمینه سازی برای مشارکت، تاثیر بسزایی بر مشارکت اجتماعی خواهد داشت زیرا نخبگان جامعه از وسایل، منابع و امکانات زیادی برای تشویق مشارکت مردم در فعالیت اجتماعی و سیاسی و یا محدود کردن آنان برخوردارند.

البته ذکر این مورد نیز ضروری است که مشارکت اجتماعی بعنوان محصول جانبی توسعه محسوب میشود که توسعه را نیز تداوم خواهد بخشید، علاوه بر این دولت میتواند با فراهم ساختن بستر و میدان مشارکت اجتماعی احساس توانمندی سیاسی فرد را در قبال جامعه بالا ببرد و مشارکت را تشدید بخشد. از نگاه هانتینگتون عملکرد دولت در قبال بسط و وضع گروهها و انجمنها و نهادهای اجتماعی واسط میتواند مجرای تحرک اجتماعی باشد، زیرا عضویت در انواع گروهها و سازمانهای اجتماعی و اتحادیههای شغلی بستر ساز مشارکت اجتماعی خواهد بود و این مهم ممکن نخواهد شد مگر اینکه عملکرد و سیاست دولت زمینه تشکیل این گروهها و انجمنها را فراهم سازد.

#### ۷) نظریه ی کنش موجه آیزن و فیش باین

در سال ۱۹۶۷ مارتین فیش باین شکل اولیه ی این تئوری را با عنوان Reasoned Behavior Model ارائه کرده بود. در سال ۱۹۷۵ فیش باین و همکارش آیزن تئوری اولیه را اصلاح کردند و ادعا می کردند قطعا کم و بیش نهایی است و این که همه ی مشکلات اصلی تئوری گرایش و پیش بینی را حل کرده اند. فیش باین و آیزن در سال ۱۹۸۰ مجددا نظریه شان را اصلاح کردند و به آن عنوان عمل مستدل دادند. به عقیده ی فیش باین و آیزن این تئوری برای پیش بینی و درک رفتار افراد است، فرض اساسی این رهیافت آن است که ، افراد در کل منطقی هستند و از این رو نتیجه ی اعمالشان را قبل از این که آن ها رفتار خاص را انجام دهند ارزیابی می کنند. آن ها معتقدند که کاربرد مستقیم این فرض این است که قصد فرد برای رفتار در شیوه ای خاص، تعیین کننده ی کنش اوست، به عبارتی یک رفتار از روی قصد هایی که به طور مستقیم با رفتار مرتبط است، پیش بینی می شود. در نظریه ی کنش موجه آیزن و فیش باین بر قصد و نیت افراد در رفتارها تاکید شده است و اقدام به مشارکت را همراه شدن انگیزه و امکان مشارکت می دانند. در این دیدگاه عناصر شکل دهی به یک کنش: انتظار از نتایج، میزان اطلاعات، تصور از ارزیابی

دیگران، انگیزه برای برآوردن توقعات دیگران، اقدام به کنش در گذشته، امکانات لازم برای عملی ساختن کنش مطرح شده است (علوی تبار، ۱۳۷۹:۲۰ به نقل از شارع پور و همکاران، ۱۳۹۶:۳۶).

نظر آن ها این است که رفتار بیشتر در حالتی قابل پیش بینی درک و توضیحی است که ما به قصد شخص در رفتار توجه نماییم. به نظر آن ها رفتار در پی زنجیره ای از عوامل بوجود می آید و حلقه ی مقابل بروز رفتار، قصد و نیت رفتاری است. الگوی آنان نشان می دهد که قصد ها به گرایش ها و هنجارهای مرتبط با رفتار متکی است. گرایش یک متغیر فردی و شخصی است که طی آن فرد خوب یا بد بودن یک رفتار یا یک پدیده را از نظر خودش ارزیابی می کند. هنجار منعکس کننده ی نفوذ و فشار اجتماعی است که شخص آن را برای انجام کاری احساس و ادراک می کند. در شرایطی که گرایش ها و هنجارها هر دودر رابطه با رفتار مثبت باشند قصد به انجام رفتار معین افزایش خواهد یافت. اما در صورتی که گرایش و هنجارها در تضاد باشند قدرت نسبی آن ها می تواند تعیین کننده ی مقاصد بعدی و رفتار متعاقب آن باشد. الگوی قصد های رفتاری نشان می دهد که گرایش ها و هنجارها هر دوتحت تاثیر عقاید فرد درباره ی رفتارهای خاص هستند. آیزن و فیش باین در ادامه ی مطالعاتشان حاصل پژوهش های خود را در قالب نظریه ی کنش موجه عرضه کردند. اصطلاح کنش موجه به این معنی است که اکثر رفتارها به این دلیل انجام می شود که مردم به نتایج اعمال خود فکر می کنند و برای حصول پاره ای نتایج و پرهیز از برخی دیگر دست به انتخاب منطقی می زنند. نظریه ی آنان از دو عنصر اصلی تشکیل شده است: بخش شخصی و بخش اجتماعی که ترکیب آن ها پیش بینی کننده ی یک قصد رفتاری است. قصدی که در نهایت مشخص کننده ی رفتار است. عنصر شخصی این الگو یعنی گرایش فرد، حاصل دو عامل است: باور شخص در زمینه ی نتایج آن رفتار مشخص و ارزیابی او از نتایج ممکن از انجام آن رفتار که هر یک از این دو عامل در میان افراد متفاوت است. عنصر اجتماعی این الگو یعنی هنجار ذهنی، منعکس کننده ی نفوذ و فشار اجتماعی روی یک شخص برای انجام یک رفتار است. به این معنی که شخص به این امر توجه دارد

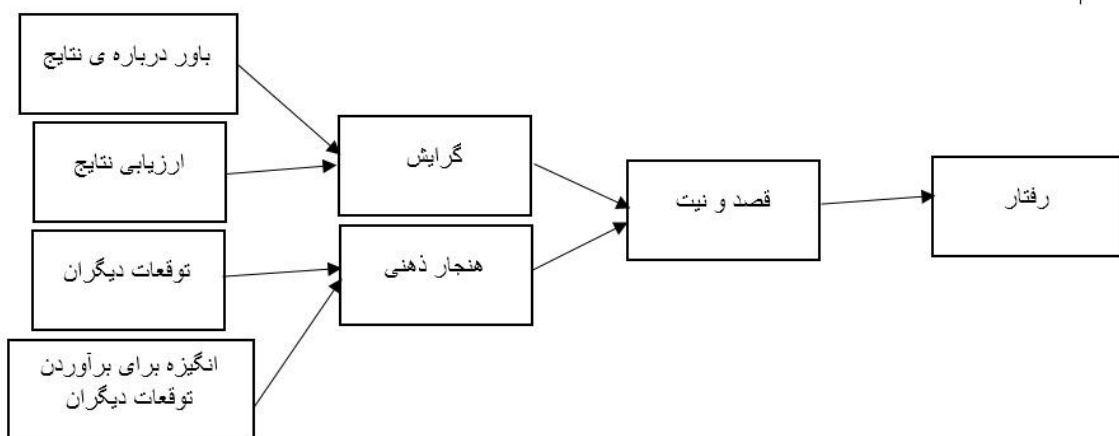
که تا چه حد رفتارش مورد تایید یا توبیخ افراد یا گروه ها در واقع نقش یک مرجع هدایت کننده ی رفتار را دارند که ممکن است پدر و مادر یا دوستان نزدیک، همکاران و یا اهالی یک محل باشند. چون مشارکت یک کنش اجتماعی است میتوان در توضیح و تبیین آن از نظریه های مربوط به کنش اجتماعی بهره گرفت. (شارع پور و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۸-۳۷). بنابراین در این نظریه قصد به رفتار تابع دو عامل است:

۱- گرایش افراد رفتار: که ارائه کننده ی درجه ی ارزیابی مطلوب یا نامطلوب فرد از رفتار است.

۲- هنجار ذهنی افراد: که از باورهایی که برای فرد مهم است تشکیل می شود و فرد فکر می کند چه عاملی را باید انجام بدهد.

بر اساس این شیوه، هنجارهای ذهنی و گرایش ها پیش بینی کننده ی مقاصد رفتارند و توانایی آن ها برای پیش بینی رفتار، اساسا به قوت ارتباط بین قصد رفتار و رفتار بستگی دارد. فیش باین و آیزن معتقدند رابطه ی نزدیکی میان گرایش و قصد های رفتاری وجود دارد و به طور مشابه رابطه ای قوی میان قصد های رفتار و رفتار وجود دارد (یوسفی لویه، ۱۳۸۳: ۱۹ به نقل از افشانی و همکاران، ۱۳۸۳: ۲۱۹-۲۱۸).

نمودار ( ) این الگو را نشان می دهد:



نمودار ( ) الگوی کنش موجه از دیدگاه آیزن و فیش باین (منبع: علوی تبار، ۱۳۷۷: ۲۱ به نقل از طاهرخانی و قرنی آرانی، ۱۳۷۸: ۸۴).

## ۸) تالکوت پارسونز

نظریه پارسونز درباره کنش اجتماعی به دلیل جامعیت و توانایی بالایی که برای تبیین مشارکت اجتماعی دارد، به عنوان پایه نظری اصلی این پژوهش انتخاب شد. پارسونز با مطالعه و ترکیب افکار و آرای صاحب نظران قبل از خود سعی در ارائه مدلی عام نموده که بتواند در قالب آن، کنش اجتماعی را در رابطه با تمام عوامل ممکن، از جمله محیط طبیعی، نظام ارگانیستی، نظام شخصیتی، نظام اجتماعی، ارزشهای غایی، ساختارهای اقتصادی، ساختارهای سیاسی و نهادهای فرهنگی در سطح خرد و کلان تحلیل کند.

با بکارگیری نظریه پارسونز، در مورد تبیین مشارکت اجتماعی، باید اثر نظام فرهنگی غالب را (که در نظریه پارسونز بالاترین سطح اطلاعات را دارد) در ساختن شخصیت افراد، از طریق فرآیند اجتماعی کردن در خانواده و مدرسه و غیره بررسی کرد، که آیا در فرهنگ غالب و خرده فرهنگ یک خانواده، ارزشهای مناسب مشارکتهای اجتماعی به افراد منتقل می شود آیا یا خیر. مثلاً، شخصیت افراد خاصگراست یا عام گرا؟ آیا افراد باهم همسوهستند یا خیر؟ براساس نظریه پارسونز هرچه عام گرایی و همسویی در فرهنگ و شخصیت مردم بیشتر باشد باید انتظار مشارکت اجتماعی بیشتری داشت. لذا اگر ما بتوانیم مجموع های از ارزش ها و قوانین و باورهای عام داشته باشیم، می توانیم در انتظار داشتن شخصیت عام گرا نیز باشیم.

بنابراین برای بالا بردن سطح مشارکت افراد باید قوانینی بوجود آید و تعمیم پیدا کند تا سبب پیوند افراد گردد، هرچه همفکری، همدلی و همگامی افراد در خانواده بیشتر باشد، مشارکت اجتماعی بیشتر خواهد بود. پارسونز متغیرهای الگویی خود را درباره سطح تکامل جوامع شامل مواردی چون علاقه مند بودن در

برابر بی علافگی، جهت گیری جمعی در برابر جهت گیری فردی، عام گرایی در برابر خاص گرایی، عقل گرایی در برابر سنت گرایی، فعال گرایی در برابر انفعال گرایی، مساواتطلبی در مقابل سلسله مراتب می داند. هرچه جوامع به طرف صنعتی شدن پیش بروند، باید گرایش بیشتری به طرف اول طیف داشته باشند، که تناسب با مشارکت اجتماعی رسمی فعال دارد. به عبارت دیگر پارسونز خصوصیات جوامع مدرن را وجود عناصری چون هنجارهای عام، فعال گرایی، آزادی و عقلگرایی میداند (توسلی، ۱۳۸۰).

پارسونز موضوع مطالعه جامعه‌شناختی را کنش اجتماعی می‌داند، و با انتخاب نظام عمومی کنش به عنوان مبنای تحلیل، جامعه‌شناسی را از سایر علوم متمایز می‌کند. کنش انسان متضمن مشارکت ارگانیکم زیستی و عصبی است؛ مستلزم مداخله شخصیت روانی فرد یا افراد است؛ مفروض به وجود نمادها، هنجارها و ارزشهایی است که کنشگران اجتماعی معانی آنها را می‌فهمند، مراعات می‌کنند و پاس می‌دارند (روشه، ۱۳۷۶: ۹۲). بدین ترتیب در منابع جامعه‌شناسی از نظریه کنش پارسونز<sup>۱</sup> با سه نام یاد می‌کنند: (۱) نظریه عمومی کنش (۲) نظریه داوطلبانه کنش (۳) نظریه تحلیلی کنش (چلبی، ۱۳۸۵: ۲۲).

اما چرا ساختار کنش اجتماعی مورد توجه پارسونز قرار گرفت؟ پارسونز اعتقاد داشت که پیش فرض - های ما در باره کنش اجتماعی، ابتدایی‌ترین افکار اجتماعی ما هستند. مفاهیم انگیزه، رفتار و اهداف بشر به شکلهای گسترده‌ای شیوه تفکر ما نسبت به نهادهای اجتماعی، سیاست و تغییرات اجتماعی را شکل می‌دهند (سیدمن، ۱۳۸۸: ۹۸).

پارسونز نظام اجتماعی را آماده‌سازی مفهیمی اساسی می‌دانست که جامعه‌شناسان را طی تحلیل نظامهای اجتماعی متحد و هدایت می‌کند. منظور پارسونز از نظامهای اجتماعی تقریباً هر الگوی کنش متقابل بود که آنقدر تداوم پیدا کرده باشد که نقش‌های اجتماعی، جایگاه، انتظارات اجتماعی و هنجارهایی

<sup>1</sup>Parsons

را بوجود آورد. سؤال کلیدی در تحلیل نظام اجتماعی عبارت است از «نحوه تبیین انسجام اجتماعی» (همان، ۱۰۲).

پارسونز در تحلیل انسجام در سطح نظام اجتماعی به کنش‌های اظهاری اشاره نموده است. وی معتقد است هرگاه در موقعیت‌های اجتماعی کنش‌های اظهاری فرد معطوف به دیگران باشد، به همکاری و انسجام با دیگران می‌انجامد. سطح بالای انسجام زمانی است که کنش‌های افراد اخلاقی و معطوف به دیگران باشد. در این کنش‌ها مسئولیت و وفاداری در قبال دیگران و جامعه به حد اعلا می‌رسد (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶: ۴۵).

پارسونز عنوان می‌کند که نظام اجتماعی کارآمد با حرکت از ساده به پیچیده، نیازمند «تطابق» میان نیازها و انگیزه‌های فرد و ضرورت‌های نقشی نهادها یا واحد اجتماعی است. در حقیقت نظام اجتماعی توجه خود را از فرد کنشگر به الگوی کنش متقابل یا آنچه «سیستم اجتماعی» می‌خواند معطوف می‌کند. او مایل بود تأکید دو جانبه بر گزینش فردی و شرایط عینی را حفظ کند (سیدمن، ۱۳۸۸: ۱۰۲). دستاورد پارسونز کنار هم قرار دادن دو انتهای یک پیوستار، یا طرفین یک تقابل، که با اصطلاحات کنش و ساختار و یا فرد و جمع مشخص می‌شوند، در قالب یک نظریه نظام یافته است (کرایب، ۱۳۷۸: ۸۹). در واقع پارسونز با مطالعه و ترکیب افکار و آرای صاحب‌نظران قبل از خود، سعی در ارائه مدلی عام نمود که بتواند در قالب آن کنش اجتماعی را در رابطه با تمام عوامل ممکن از جمله محیط طبیعی، نظام ارگانیسمی، نظام شخصیتی، نظام اجتماعی، ارزش‌های غایی، ساختارهای اقتصادی، ساختارهای سیاسی و نهادهای فرهنگی در سطح خرد و کلان تحلیل کند. (توسلی، ۱۳۸۰: ۲۴۴-۲۴۲)

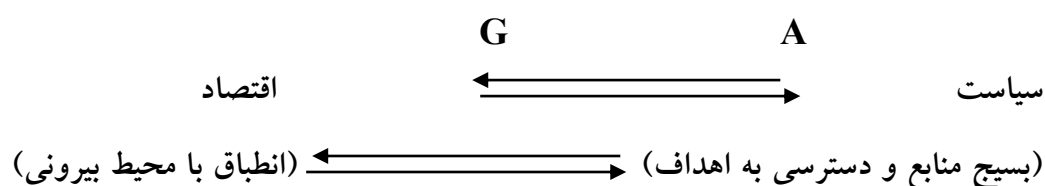
از اندیشه و آراء گسترده پارسونز بنا به نیاز پژوهش حاضر، پژوهشگر به الگویی که ملهم از نظریه «نظام جامعه‌ای»<sup>۱</sup> وی است استناد می‌کند که آن چگونگی ارتباط و پیوند دو سویه میان نظام جامعه‌ای و

<sup>1</sup>Social System

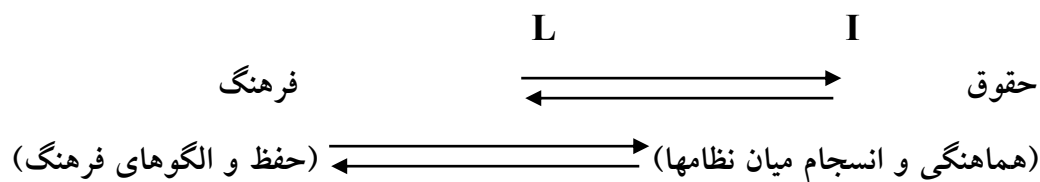


حقوق و وظایف شهروندی را شرح داده است. در این الگو رابطه میان شهروندان و نظام‌های اقتصادی، سیاسی، حقوقی و فرهنگی جامعه دوسویه است، بطوریکه طرفین نسبت به هم دارای حقوق و وظایف متداولی هستند. در این الگوی نظری، تأکید اصلی بر نقش حقوق شهروندی و وظایف شهروندی است. (نجاتی حسینی، ۱۳۸۰: ۳۵)

شکل (۲)



شهروند سازی مشارکت شهروندی	تامین منابع مورد نیاز شهروند تامین منابع سرمایه‌ای
قانونمند کردن حقوق و وظایف شهروندی تمکین حقوق مدنی از قانون	آموزش فرهنگ شهروندی باز تولید مستمر الگوهای فرهنگ شهروندی



نظام جامعه‌ای و شهروندی (نجاتی حسینی، ۱۳۸۰: ۳۲)

در برخی از نوشته‌های پارسونز، به نظر می‌رسد که وی نظام جامعه‌ای را با مفهوم همبستگی دورکیم و با دو نوع همبستگی مکانیکی و ارگانیکی که او تمیز می‌دهد، یکی می‌داند. در واقع اجتماع جامعه‌ای از مجموع روابطی که کنشگران یک جامعه را با هم متحد، به یکدیگر وابسته و همبسته می‌کند و انسجام و یکپارچگی دست‌کم نسبی جامعه را تأمین می‌نماید، تشکیل شده است. اما پارسونز به شیوه عینی‌تر نظام جامعه‌ای را شامل نهادها، طبقات اجتماعی، سازمانها، جنبشهای اجتماعی، گروههای فشار می‌داند که اعضای یک جامعه را دور هم جمع و به هم مرتبط می‌کند و از گذر آنها، اینان از منافعشان دفاع و نیازهایشان را تأمین می‌کنند و هدفهایشان را تحقق می‌بخشند (روشه، ۱۳۷۶: ۱۰۶).

بطور خلاصه می‌توان گفت، از دیدگاه بسیاری از دانشمندان رویکرد ساختی/ کارکردی، گسترش زمینه‌های وفاق و همبستگی، موجبات فعالیت و مشارکت گسترده افراد جامعه را فراهم می‌آورد و معتقدند انسجام موجود در جامعه پایه نظم اجتماعی را تشکیل می‌دهد.

نظریات پارسونز مبتنی بر مفروضاتی است که با کمک آنها می‌توان به تحلیل هر نوع کنش اجتماعی چون مشارکت پرداخت. از نظر پارسونز ما میتوانیم تمام انواع رفتارهای اجتماعی را بفهمیم و طبقه بندی کنیم، به شرط اینکه بتوانیم طبقه بندی ارزشهایی که انسانها را در انتخاب کنش هایشان هدایت می‌کنند، بدست آوریم، با استفاده از این طبقه بندی، فهم جوامع متفاوت امکان پذیر خواهد بود، چون هر جامعه مجموعه ارزشهای متفاوتی را خواهد داشت. . وی طبیعت کنش اجتماعی را به خصوصیات نظام‌های اجتماعی ربط می‌دهد. او این کار را با ردیف کردن پنج جفت از موضوعات دو وجهی انجام می‌دهد که هر کنشگری در وضعیت اجتماعی با آن مواجه می‌شود (کوهن، ۱۳۹۲: ۱۴۳). این موضوعات و صفات دو وجهی متغیرهای الگویی نامیده می‌شوند.

بر اساس این نظریه پارسونز، مشارکت بر اثر ایجاد تغییرات در ساخت هنجارهای اجتماع به ویژه مجموعه ارزشهای سنتی که مانع مشارکت می‌شوند، ایجاد می‌شود. ارزشهای فرهنگی مدرن پیش نیاز

اساسی برای وصول به مشارکت اجتماعی محسوب می شود. بر اساس نظر پارسونز پیش نیاز انتقال به جامعه مدرن عبارتست از قواعد نهادمند نظم هنجاربخش یا قوانین، هم چنین پارسونز اعتقاد دارد در جوامع صنعتی مدرن، نقش‌ها از لحاظ کارکردی، اختصاصی، اکتسابی، عام گرا و از لحاظ عاطفی خنثی می باشد، در واقع هر چه جوامع مختلف به سمت گسترش هرچه بیشتر این ارزشها در حرکت باشند افراد تمایل بیشتری به مشارکت در امور جامعه خواهند داشت، بدیهی است که بسط جامعه عاطفی، خنثی، کسب مناصب از طریق اکتسابی و رواج و حکومت قانون در جامعه از طریق سیاستهای کلان دولتی و قوانین وضع شده ممکن خواهد بود و در این بین رویکردها و سیاستهای دولتی بسیار راهگشا خواهند بود. علاوه بر این لازمه همه اقدامات انجام گرفته به وسیله تغییر ارزشها ممکن خواهد بود، و تغییر ارزشها ممکن نخواهد بود مگر به کمک آموزش رسمی در مدارس، آموزش از طریق رسانه‌های جمعی و نوشتاری و نهاد دین که بشدت متأثر از سیاستگذاری‌های کلان دولتی است، در واقع نه افراد و خواسته هایشان بلکه اصول و رویکرد دولت در قبال مسائل مختلف است که محتوای کتب درسی و در نهایت مشارکت اجتماعی را تعیین و تشکیل می دهد.

#### ۹) جمع‌بندی چارچوب نظری

مسئله اصلی بسیاری از جامعه شناسان که منجر به نظریه پردازی در این علم شده است تبیین کنش اجتماعی بوده است. جامعه شناسان بسته به نوع نگرش خود نسبت به انسان و جامعه انسانی، کنش انسانی به خصوص مشارکت اجتماعی را به صورت های متفاوتی تصویر کرده اند. در بررسی نظریات مشارکت اجتماعی به دیدگاه های متفاوتی اشاره شد که هرکدام متغیرهایی را برای تحلیل مشارکت اجتماعی بیان کردند. آن چه که از مجموع دیدگاه ها و نظرات بر می آید این است که عوامل مختلف و متفاوتی به

صورت توأمان در مشارکت اجتماعی افراد مؤثرند و تأکید بر یک یا چند عامل نمی تواند بیان کننده علت واقعی آن باشد.

لیکن در این مطالعه چهارچوب نظری گیدنز در رابطه با اعتماد مد نظر قرار گرفته است که به شرح زیر می باشد:

گیدنز در مباحث خود از سه نوع اعتماد، بنیادی، متقابل و انتزاعی نام می برد.

### ۱- اعتماد بنیادین

بر اساس نظر گیدنز اعتماد بنیادین به طرز ریشه ای با شکل گیری مفاهیم زمان و مکان بین اشخاص مختلف ارتباط دارد، اعتماد بنیادین تحت تاثیر توجهات محبت آمیز نخستین مراقبان و سرپرستان کودک شکل می گیرد، رفته رفته هویت شخصی را به طرزی سرنوشت ساز به مهربانی ها و خوشامدی های دیگران وابسته می سازد. این وابستگی به نخستین مراقبان و پرستاران که حاصل اعتماد بنیادین است و در واقع نوعی اجتماعی شدن ناخودآگاه است. بر اساس نظریه ی گیدنز اعتماد بنیادین در ارتباط با خطرهای احتمالی یا واقعی ناشی از کنش ها و واکنش های متقابل همچون غربال عمل می کند و به طور کلی پشت بند عاطفی نوعی پوسته ی محافظ است که همه ی افراد عادی در جریان رویارویی با مسائل زندگی روزمره ی خود را در پناه آن قرار می دهند (گیدنز، ۱۳۷۸: ۶۴).

گیدنز بر این باور است که اعتماد بنیادین برای ایجاد ارتباط بین زندگی روزمره و ظواهر عادی فرد اهمیت اساسی دارد. در موقعیت های گوناگون زندگی روزانه، اعتماد بنیادین همچون وسیله ای عمل می کند که رویدادها یا موضوع های خطر آفرین را از صحنه می راند. از نظر وی آنچه دیگران به ظاهر انجام می دهند و هرکسی که به ظاهر هستند، بر اثر اعتماد بنیادی مورد پذیرش ما قرار می گیرند و ما چنان رفتار

می کنیم که گویی آن دیگران همان کاری را انجام می دهند که به ظاهر می بینیم و همان کسی هستند که می نمایند ( گیدنز : ۱۳۸۸ : ۱۸۱).

## ۲- اعتماد متقابل بین شخصی

از دیدگاه گیدنز، اعتماد در نظام های ما قبل مدرنیته، متاخر از نوع پای بندی های چهره دار و مبتنی بر هم حضوری است، حال آن که در مدرنیته ی متاخر اعتماد غیر شخصی و به دیگران ناشناس یا به عبارت دیگر بی توجهی مدنی جنبه ی بنیادی روابط اعتماد بین افرادی است که از ماهیت رشد یابنده نظام های انتزاعی ریشه یافته اند. در عین حال وجه عمده ی اعتماد پای بندی های بی چهره ای است که در نظام های تخصصی معنا می یابند و این مسئله اساسا چندان از اهمیت برخوردار است که ماهیت نهادی مدرن عمیقا وابسته به مکانسیم های اعتماد به نظام های انتزاعی به ویژه نظام های تخصصی است ( گیدنز، ۱۳۸۸ : ۹۹).

وی براین باور است که در دوره ی مدرن، اعتماد به اشخاص، متکی بر پیوند های شخصی در چارچوب اجتماعی محلی و شبکه خانوادگی نیست. اعتماد در یک سطح شخصی، تبدیل به طرحی می شود که طرفین باید روی آن کار کنند و مستلزم باز بودن فرد به روی دیگران است. در اینجا که اعتماد را نمی توان با اصول ثابت هنجار بخش در اختیار داشت، آن را باید جلب کرد و وسیله این کار نشان دادن محبت و سعه ی صدر است. علاقه ی خاص ما به داشتن روابط به همان معنایی که امروزه مورد نظر است، بیانگر همین پدیده است. این روابط همان پیوند های مبتنی بر اعتماداند، جایی که اعتماد امری از پیش تعیین شده نیست بلکه باید روی آن کار کرد و این کار به معنای فراگرد متقابل خودواگشایی است (۱۴۵- ۱۴۴). وی اعتماد شخصی را با اعتماد بنیادی مرتبط می شمرد. به نظر وی اعتماد بنیادی در وهله ی اول به تشخیص هویت خود و محیط پیرامون وابسته نیست بلکه از اعتماد شخصی و نیاز به اعتماد دیگران

سرچشمه می گیرد که بی گمان به صورت های گوناگون در سراسر زندگی فرد تداوم می یابد (همان: ۱۳۶).

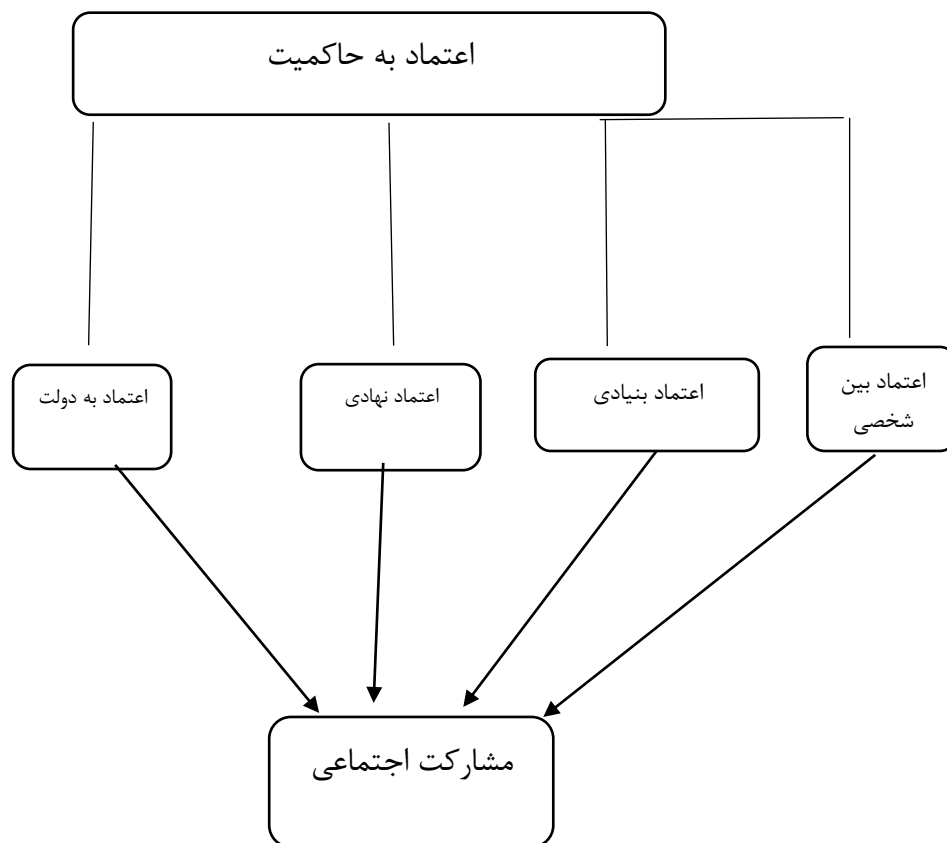
### ۳- اعتماد انتزاعی در دیدگاه گیدنز

به عقیده ی گیدنز، بر اثر توسعه ی نظام های انتزاعی، اعتماد به اصول غیر شخصی و نیز اعتماد به دیگران ناشناس، برای زندگی اجتماعی گریز ناپذیر می شود. این نوع اعتماد غیر شخصی با اعتماد بنیادی تفاوت دارد. در اینجا نیز نیاز روانی نیرومندی به یافتن دیگران قابل اعتماد وجود دارد، ولی به نسبت موقعیت های اجتماعی پیش از مدرن، پیوند های شخصی نهادمند چندان وجود ندارند. در این جا قضیه در اصل این نیست که بسیاری از ویژگی های اجتماعی که پیش از این دوره بخشی از زندگی روزانه یا جهان حیاتی را می ساختند، از رده خارج شده و در نظام های انتزاعی عجین گشته اند. بلکه برعکس بافت و صورت زندگی روزانه به همراه دگرگونیهای اجتماع گسترده تر، شکل تازه ای پیدا کرده اند (همان: ۱۴۳).

در عین حال وجه عمده ی اعتماد پای بندی های بی چهره ای است که عمدتاً در نظام های تخصصی معنا می یابد و این مساله اساساً چندان از اهمیت برخوردار است که ماهیت نهادهای مدرن عمیقاً وابسته به مکانسیم های اعتماد به نظام های انتزاعی به ویژه نظام های تخصصی است (همان: ۹۹).

به این ترتیب براساس چارچوب نظری فوق و با توجه به دیدگاه های گوناگون مطرح شده و فرضیه های مستخرج می توان مدل تحلیلی - فرضی را به عنوان راهنمای پژوهش ارائه کرد این مدل تحلیلی تاثیر انواع متغیرهای مستقل شامل انسجام اجتماعی، گسترش سازمان های محلی و غیر دولتی، تعدد و گسترش اتحادیه ها، تشکیل جامعه مدنی و گسترش حوزه عمومی، عضویت در احزاب، سندیکاها و شوراها، گسترش تعلیم و تربیت، گسترش و قدرتمند شدن هر چه بیشتر نهادهای دینی، توسعه وسایل ارتباط جمعی و روزنامه ها، نوسازی بیشتر و متعادل جامعه، گسترش آزادی های سیاسی و اجتماعی، بسط و رواج ارزش

های فرهنگی مدرن، رواج اعتماد نهادی به دولت را بر متغیر وابسته که مشارکت اجتماعی می باشد مورد نظر قرار می دهد.



### ۲-۳) پیشینه تجربی

امروزه شمار پژوهش های انجام شده در زمینه مشارکت شاید از هزاران عنوان نیز تجاوز کند و جمع بندی و گزارش تمامی آن موارد فرصتی جدا می طلبد. لذا ذیلا به چند مورد مهم و مفید در این زمینه اشاره می شود. در این قسمت ابتدا تحقیقات انجام شده در ایران و سپس پژوهش های انجام شده در خارج از کشور کشور به بحث و بررسی گذاشته می شود.

### ۲-۳-۱) پژوهش های انجام گرفته در داخل کشور

محمد رضا مولایی (۱۳۹۷) در پژوهش خود با عنوان نقش دانش و اعتماد سیاسی در پیش بینی علاقه مندی سیاسی دانشجویان ، به بررسی رابطه ی اعتماد و مشارکت در یک جامعه آماری ۴۰۰ نفری از

دانشجویان مقطع کارشناسی پرداخته است. وی در پژوهش خود نتیجه گیری می کند که بین اعتماد سیاسی با میزان علاقه مندی دانشجویان به مشارکت سیاسی همبستگی مثبت و معنی داری وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیونی این تحقیق نیز نشان می دهد که اعتماد سیاسی با بتای بالاتر، از میان چند متغیر دیگر مانند دانش سیاسی، پیش بینی کننده ی مستقیم قوی تری برای مشارکت سیاسی دانشجویان بوده است. بنابراین به ضرورت توجه نظام سیاسی به افزایش زمینه های اعتمادسازی در میان شهروندان بخصوص جوانان و دانشجویان تأکید می ورزد.

موسوی و دوستی (۱۳۹۷) در تحقیق خود با عنوان «اعتماد اجتماعی مؤثر بر رویه ای شدن مشارکت مردم در توسعه ی منطقه ی ایلام» به شناخت و تحلیل اعتماد اجتماعی مؤثر بر رویه ای شدن مشارکت مردم در توسعه ی منطقه ی ایلام نگاشته شده است. روش تحقیق این پژوهش کمی و نوع آن توصیفی - تحلیلی است. جامعه ی آماری این پژوهش شامل جمعیت ۱۵ به بالای استان ایلام می باشد که ۴۳۹ نفر از آن ها با استفاده از فرمول کوکران و به روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای به عنوان نمونه ی آماری انتخاب شده و داده های تحقیق با استفاده از آماره های توصیفی (میانگین) و استنباطی (رگرسیون خطی) تجزیه و تحلیل شدند. نتایج آمار توصیفی نشان داد که بیشترین میانگین را به ترتیب شاخص های اعتماد شخصی، اعتماد کل، اعتماد نهادی و اعتماد تعمیم یافته به خود اختصاص داده اند و کمترین میانگین متعلق به شاخص رویه ای شدن مشارکت مردم در توسعه ی منطقه ی ایلام بوده است. نتایج تحقیق رگرسیونی تحقیق نیز نشان داد که دو شاخص اعتماد شخصی و اعتماد نهادی به ترتیب بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته، یعنی رویه ای شدن مشارکت مردم در توسعه ی منطقه ی ایلام داشته اند و رابطه ی آن ها معنادار بوده است.

بابایی اقدم و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان "ارزیابی عوامل مؤثر بر مشارکت مردمی در ساماندهی بافت های فرسوده شهری با تأکید بر سرمایه اجتماعی" به بررسی تاثیر سرمایه اجتماعی بر



مشارکت مردمی پرداخته است. بر اساس نتایج این تحقیق بین میزان سرمایه اقتصادی، متغیرهای اعتماد اجتماعی و آگاهی اجتماعی و مشارکت مردمی در ساماندهی بافت فرسوده رابطه معناداری وجود دارد.

عنوان پژوهشی دیگر در این زمینه «بررسی تأثیر اعتماد اجتماعی بر شیوه های مختلف مشارکت سیاسی» می باشد که در سال ۱۳۹۳ توسط حسین مسعودنیا و همکاران انجام گرفته است. در این مقاله چگونگی پیوند بین اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی بررسی و تحلیل شده است. هدف این بررسی بیان خاستگاه فکری و نظری این دو مفهوم به منزله ی مفاهیم کلیدی و رایج ادبیات علوم اجتماعی از حیث نظری و نیز چگونگی سنجش عملی آن ها و در نهایت آزمون تجربی ارتباط بین آن دو در حوزه ی مطالعه است. جامعه ی آماری این پژوهش دانشجویان دانشگاه اصفهان بوده که نمونه ای ۲۱۴ نفری از آن ها انتخاب شده است. روش تحقیق آن ها در جمع آوری و تجزیه و تحلیل داده ها پیمایشی و برای جمع آوری اطلاعات از پرسش نامه استفاده شده است که اعتبار آن به روش صوری و پایایی و روایی آن به کمک آماره ی پایانی ترکیبی و میانگین واریانس استخراج و سنجیده شده است. استنباط آماری از داده ها نشان دهنده ی تأثیر اعتماد اجتماعی بر پنج سطح مشارکت سیاسی (حمایت کنندگان منفعل، تماس با مسئولان سیاسی، ارتباطات سیاسی، مبارزان سیاسی و اعتراض کنندگان سیاسی) است. بنابراین رابطه ی میان اعتماد و مشارکت سیاسی تأیید شده است و درحقیقت مشارکت سیاسی شهروندان صرفاً در سایه ی اعتماد اجتماعی آن ها به دولت و سازمان های دولتی محقق می شود.

نوابخش، رضایی و رحیمی (۱۳۹۳) در پژوهش خود با عنوان بررسی رابطه ی میزان اعتماد شهروندان با میزان مشارکت اجتماعی آنان در شهر ایلام با روش پیمایشی به بررسی بین اعتماد اجتماعی و مشارکت پرداخته اند. جامعه ی آماری این پژوهش شهر ایلام بوده و بر اساس نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای تعداد ۳۸۴ نفر از شهروندان ۱۸ سال به بالا به عنوان نمونه ی آماری انتخاب شده اند. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه بوده و با استفاده از نرم افزار SPSS داده ها تجزیه و تحلیل شده اند. نتایج این تحلیل نشان

دهنده ی این بوده که هر چه اعتماد شهروندان بالاتر باشد، میزان مشارکت اجتماعی آن ها بیشتر است ( ضریب همبستگی پیرسون). همچنین اعتماد در ابعاد تعمیم یافته و بین فردی در میان شهروندان ایلامی از میزان خوبی برخوردار بوده اما اعتماد در بعد نهادی نسبت ضعیفی دارد.

خادمیان و پوررضا کریم سرا سال ۱۳۹۱ به بررسی تأثیر ابعاد اعتماد اجتماعی بر مشارکت اجتماعی پرداخته اند. این پژوهشگران بدین منظور پس از مرور دیدگاه های نظری و منابع تجربی، فرضیه های خود را در یک نمونه ی آماری ۴۰۲ نفری که با توجه به شاخص توسعه یافتگی مناطق ۲۲ گانه ی شهر تهران از میان شهروندان بالای ۱۵ سال منطقه سه (بالا) ، هشت (متوسط) و هفده (پایین) شهر تهران با نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شده بودند به آزمون گذاشته اند. تحقیق از نوع پیمایشی و آزمون مورد استفاده ضریب همبستگی پیرسون بوده است. نتایج پژوهش نشان داده است که در سطح ۹۹ درصد اطمینان بین اعتماد بین شخصی، اعتماد بنیادی و اعتماد نهادی با مشارکت اجتماعی رابطه ی معنی داری وجود داشته و جهت رابطه نیز مستقیم می باشد. نتایج حاصل از رگرسیون چند متغیره نیز نشان از آن دارد که متغیرهای مستقل اعتماد بنیادی و اعتماد نهادی ۶/۶ از واریانس مشارکت اجتماعی را تبیین می کنند.

زارع شاه آبادی و نوریان نجف در سال ۱۳۹۰، به بررسی رابطه ی اعتماد اجتماعی با مشارکت اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه یزد پرداخته اند. آن ها با روش پیمایشی، به بررسی تأثیر اعتماد اجتماعی بر مشارکت اجتماعی در یک نمونه ی ۱۳۴ نفری از دانشجویان دانشگاه یزد که با استفاده از روش کوکران و به شیوه ی نمونه گیری تصادفی انتخاب شده بودند پرداختند. ابزار مطالعه ی آن ها پرسشنامه بوده و از آزمون آماری تفاوت میانگین، آزمون فشر، ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره استفاده کرده اند. یافته های این پژوهش مبین آن بودند که بین مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی رابطه ی معنی داری وجود دارد که این امر نشان می دهد که اگر بر اعتماد اجتماعی دانشجویان افزوده شود، در این صورت سطح مشارکت اجتماعی آنان نیز ارتقا خواهد یافت. همچنین نتیجه ی آزمون رگرسیون گواه بر

این بوده که متغیرهای سن، اعتماد تعمیم یافته و اعتماد به محیط مجموعاً ۲۱/۳ درصد از واریانس متغیروابسته (مشارکت اجتماعی) تبیین کرده اند.

سروش و افراسیابی (۱۳۸۹) در تحقیقی به بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی، هویت و مشارکت اجتماعی جوانان پرداخته اند. هدف این تحقیق، بررسی میزان مشارکت اجتماعی جوانان و ارتباط آن با سرمایه اجتماعی و هویت بوده است. نمونه مورد مطالعه ۵۹۸ نفر از جوانان ۲۹-۲۰ ساله شهر شیراز هستند که با استفاده از نمونه گیری خوشه ای انتخاب شده بودند. بر اساس نتایج بررسی، از میان متغیرهای زمینه ای تنها میزان تحصیلات بر میزان مشارکت تاثیر داشته است. کسانی مشارکت اجتماعی بیشتری می کنند که کیفیت روابط بالاتری داشته اند و از حمایت بیشتری برخوردارند و بیشتر به هنجار عمل متقابل اعتقاد دارند. بر اساس یافته های تحقیق میزان نازل سرمایه اجتماعی در شبکه اجتماعی به جوانان اجازه مشارکت عملی را نمی دهد.

ازکیا و حسنی راد در سال ۱۳۸۸ به بررسی نقش اعتماد اجتماعی در مشارکت مردم در طرح های توسعه ی روستایی پرداخته اند. این پژوهش با هدف بررسی تبیین نقش اعتماد اجتماعی در برنامه های توسعه ی روستایی و در کنار آن شناخت میزان اثر اعتماد اجتماعی بر روی برنامه های توسعه ی روستایی انجام پذیرفته است. در این تحقیق از روش پیمایش و با استفاده از ابزار پرسشنامه به جمع آوری اطلاعات اقدام شده است. نمونه ای به تعداد ۳۶۶ نفر از مردم روستاهای دهستان میدان چای (از توابع شهرستان تبریز) با استفاده از نمونه گیری تصادفی انتخاب و مورد پرسش قرار گرفته اند. یافته های پژوهش نشان داده است که در مدل رگرسیونی بیشتری تأثیر مستقیم مربوط به متغیر اعتماد اجتماعی (۰/۴۵) بوده است. در یک نتیجه گیری کلی پیشنهاد شده است که با توجه به تأثیر اعتماد اجتماعی در اجرای برنامه های توسعه ی روستایی درمیان مردم روستا، برای تقویت و توسعه ی اصولی آن ها با بررسی کارشناسی سرمایه گذاری های بیشتری صورت گیرد.

عبدالهی (۱۳۸۷) در پژوهش خود به بررسی رابطه اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی (مطالعه موردی روستای نیکنامده از توابع شهرستان شمیرانات) پرداخته است. در این تحقیق اعتماد و مشارکت به عنوان عناصر اصلی سرمایه اجتماعی و رابطه آنها با توسعه همه‌جانبه روستایی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. محقق پس از تعریف نظری مفهوم مشارکت به نوع‌شناسی مشارکت بر حسب موضوع چگونگی دخالت مردم، سطوح اجرایی، کیفیت دخالت مردم، قوای تاریخی، سیاست دولت و نظام حاکم، شرکت مردم در برنامه‌های توسعه پرداخته است. پس از تعاریف نظری برای مفهوم اعتماد، ویژگیهایی برای این مفهوم به قرار زیر بر می‌شمارد: ذهنی و شناختی بودن، اعتماد به مثابه روابط اجتماعی، اعتماد به مثابه نگاه آینده‌نگر، نسبیّت در مفهوم اعتماد، ریسک و خطرپذیری، و در نهایت نمایان شدن اعتماد در شرایط کمبود اطلاعات. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که طبق تیپولوژی که محقق از اعتماد اجتماعی دارد، متغیر اعتماد به همسایه‌ها و اهالی روستا، اعتماد نهادی و سن، رابطه معناداری با مشارکت اجتماعی داشته‌اند و همینطور با افزایش شعاع اعتماد افراد در جامعه روستایی، میزان مشارکت اجتماعی آنها افزایش می‌یابد.

موسوی (۱۳۸۶) در پژوهشی مشارکت اجتماعی را در رابطه با سرمایه اجتماعی بررسی کرده که در این مطالعه تئوری سرمایه اجتماعی از لحاظ واقعیت‌های مسلط بر جامعه مورد آزمون تجربی قرار گرفته است. روش بررسی تلفیقی از روش میدانی و کتابخانه‌ای و جامعه آماری شهروندان ۱۵ سال به بالا ساکن شهر تهران بوده که حدود ۶۵۳ نفر از آنان به عنوان نمونه مورد بررسی قرار گرفته‌اند. نتایج این تحقیق بیانگر این مطلب است که زمینه‌های خرد و فردی مشارکت تا حدی فراهم است اما زمینه‌های مناسب کلان مشارکت اجتماعی را ایجاد نمی‌کند. در واقع اعتماد بین شهروندان و اعتماد بین مردم و دولت ضعیف است و در نتیجه مشارکت شکل نمی‌گیرد. در رابطه با سطح کلان اجتماعی نوع نگاه شهروندان به دستگاه‌ها و سیستم قانونگذاری کشور، نگاهی منفی است، به طوری که شهروندان معتقدند در جامعه اولاً توزیع امکانات و منابع در جامعه عادلانه نمی‌باشد و همه افراد دسترسی یکسان و برابر به اطلاعات را ندارند؛

سیستم اقتصادی کشور به نفع یک قشر خاص عمل می کند؛ اقدامات دولت و دستگاه های دولتی تاثیری در بهبود زندگی شهروندان ندارد؛ و تمرکزگزایی در سطح بالا دولت بسیار زیاد می باشد. برای همین دولت و حکومت با مخالفین خود با تساهل و مدارا برخورد نمی کند. برای همین هرچند تمایل ذهنی به مشارکت اجتماعی تا حدودی بین شهروندان مشاهده می شود اما به دلیل نگاه منفی به سطوح کلان اجتماعی یعنی دولت و حکومت و دستگاه های قانون گذاری مشارکت در بعد عینی بسیار کم و ناچیز می باشد.

ناطق پور و گلابی در سال ۱۳۸۴ پژوهشی تحت عنوان « تأثیر اعتماد اجتماعی بر مشارکت با تأکید بر نقش و عملکرد شوراهای اسلامی» به بررسی رابطه ی بین اعتماد اجتماعی و مشارکت در استان آذربایجان شرقی پرداخته اند. این پژوهشگران با تأکید با نقش شوراها به عنوان نهادهای مدنی که می توانند پل ارتباطی بین مردم و دولت باشند عنوان می کند که شوراها با افزایش اعتماد اجتماعی می توانند تقویت کننده ی نوعی مدیریت مشارکتی در سطح جامعه و حرکت در مسیر بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باشند. این پژوهش در بین شهرهای مختلف استان آذربایجان شرقی، که بر حسب شاخص های توسعه انتخاب شده بودند انجام شده است و از نوع پیمایشی میدانی می باشد. ابزار این پژوهش پرسشنامه بوده و فرضیه ی اصلی آن بررسی رابطه ی بین اعتماد و مشارکت است. ۶۳۰ نفر از ساکنین استان آذربایجان شرقی به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند و روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای بوده است. آماره های مورد استفاده در این پژوهش آنالیز واریانس و تحلیل مسیر می باشند. آزمون رگرسیون نشان داده است که با توجه به مقدار  $F$  رابطه ی بین اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی در سطح ۵ درصد معنی دار است و متغیر اعتماد اجتماعی توانسته است که متغیر مستقل توانسته به میزان ۴۵ درصد تغییرات متغیر وابسته را تبیین کند.

## ۲-۳-۲) پژوهش های انجام شده در خارج از کشور

هرا پونز، الگوتا روزاس و فرناندز لورکا<sup>۱</sup> در سال ۲۰۱۴ در پژوهش خود با عنوان سرمایه ی اجتماعی، مشارکت اجتماعی و رضایت از زندگی در بین بزرگسالان شیلی به بررسی عوامل موثر بر مشارکت اجتماعی و رابطه ی آن ها با بهزیستی ذهنی در بزرگسالان مسن تر پرداختند. این مطالعه بر مبنای داده های به دست آمده از ویژگی های اقتصادی - اجتماعی ملی<sup>۲</sup> که در سال ۲۰۱۱ در شیلی انجام شده بود با یک نمونه گیری تصادفی انجام شده است. آماره های مورد استفاده در این پژوهش رگرسیون خطی و لجستیک چند متغیره بوده است. در این مطالعه به این نتیجه گیری رسیده شده است که مشارکت اجتماعی با افزایش سن بالاتر رفته و بعد از ۸۰ سالگی کاهش یافته است. مهم ترین یافته ی این پژوهش این بوده است که سرمایه ی اجتماعی خانواده عمده ترین شاخص تعیین کننده ی مشارکت اجتماعی افراد مسن تر بوده است. در نهایت نتیجه گیری شده است که بهزیستی ادراکی تنها برپایه ی عواملی عینی چون سلامتی و درآمد نیست. بلکه به مشارکت در زندگی اجتماعی نیز مربوط می باشد

بر اساس تحقیق کلی<sup>۳</sup> (۲۰۰۹) که به صورت پیمایش در دانشگاه آدلفی صورت گرفت و به بررسی مشارکت شهری و اعتماد اجتماعی در میان اقلیت جوانان پرداخت، به این نتیجه دست یافت که جوانانی که در اقلیت قرار دارند کمتر درگیر فعالیت های اجتماعی هستند، زیرا آنان به سبب تبعیض در مسائل آموزشی و سایر مسائل با دیگران، بیشتر محدودیت های اجتماعی را تجربه می کنند.

مارشال در پژوهش خود در سال ۲۰۰۴ تحت عنوان سازمان های محله ای، پایگاه اقتصادی و اجتماعی و تاثیر آن بر مشارکت، به بررسی رابطه ی بین پایگاه اقتصادی، پایگاه اجتماعی، ساختارهای مشارکتی و سازمان های محلی و مشارکت اجتماعی پرداخته است. وی به این نتیجه رسیده است که مدیران محلی می

---

<sup>1</sup> Herrera Ponce, Maria, Elgueta Rosas, Raul, Fenandez Lorca, Maria

<sup>2</sup> National Socioeconomic Characterization

<sup>3</sup> Kelly

توانند مشارکت شهروندان را با ایجاد ساختارهای مشارکتی مانند سازمان‌های محله ای افزایش دهند و پایگاه اقتصادی - اجتماعی با سطح مشارکت رابطه عمیقی دارد.

تحقیقی بوسیله اسلانر و براون<sup>۱</sup> (۲۰۰۳) در زمینه ی نابرابری، اعتماد و مشارکت مدنی با استفاده از داده‌های ایالتی آمریکا در دهه‌های ۱۹۷۰، ۱۹۸۰، ۱۹۹۰ نشان داد که نابرابری موجب بی اعتماد می شود؛ نابرابری عمدتاً به صورت غیرمستقیم و از طریق اعتماد بر مشارکت تاثیر می گذارد.

بورلی هیلز<sup>۲</sup> و جک مک لئود<sup>۳</sup> (۱۹۹۹) در پژوهش خود با عنوان «تاثیر شبکه‌های مجادلات سیاسی بر روی مشارکت در عرصه عمومی» به دنبال تحلیل نقش مجادلات سیاسی و مشارکت فرد در عرصه عمومی بوده‌اند. فرض اصلی در این تحقیق این بوده که هر چه فرد در شبکه ارتباطی ناهمگونی به بحث سیاسی بپردازد، احتمال بیشتری وجود خواهد داشت که وی به مشارکت در عرصه عمومی اقدام کند. در این تحقیق اثر شبکه بحث از دو جنبه بر روی مشارکت فرد در عرصه عمومی مورد بررسی قرار گرفته است: اندازه و وسعت شبکه ارتباطی، ناهمگونی. اثر متغیر شبکه هم به صورت مستقیم و هم غیرمستقیم مورد اندازه‌گیری قرار گرفته است. اثر غیرمستقیم عامل مذکور را از طریق سه عامل واسط و میانی تحت عنوان فرایند ارتباط عمومی مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند که عبارتند از: ۱- مقدار ارتباطات بین شخصی ۲- مقدار استفاده از رسانه‌های عمومی ۳- مقدار حساسیت نسبت به رخدادهای سیاسی. علاوه بر متغیرهای بالا محقق چند متغیر دیگر را که به عنوان متغیرهای ثابت و غیر قابل تغییر بوسیله متغیرهای دیگر، از آنها نام برده است را در تحقیق وارد کرده که عبارتند از: سن، تحصیلات، درآمد و جنس. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که اولاً میان متغیرهای چهارگانه سن، تحصیلات، درآمد و جنس، متغیر جنسیت هیچگونه رابطه‌ای با مشارکت ندارد. ثانیاً ناهمگونی شبکه ارتباطات شخص دارای اثر معنی‌داری بر مشارکت می-

<sup>1</sup> Uslaner and brown

<sup>2</sup> Hills

<sup>3</sup> Mcleod

باشند. ثالثاً استفاده از رسانه‌های عمومی دارای اثر مستقیم بر مشارکت نبوده بلکه تنها از طریق اثر بر روی متغیربسته‌های بین شخصی بر مشارکت تأثیر گذارده است. رابعاً ناهمگونی شبکه ارتباطی شخص (متغیر اصلی تحقیق) دارای رابطه مستقیم با مشارکت سیاسی می‌باشد.

## ۲-۳-۳ جمع‌بندی پیشینه تجربی

جدول (۱): خلاصه پیشینه تجربی

نویسندگان	سال انتشار	نام مقاله	متغیرهای مورد بررسی مقاله	نتیجه مقاله
مولایی	۱۳۹۷	نقش دانش و اعتماد سیاسی در پیش بینی علاقه مندی سیاسی دانشجویان	اعتماد سیاسی و مشارکت سیاسی	بین اعتماد سیاسی با میزان علاقه مندی دانشجویان به مشارکت سیاسی همبستگی مثبت و معنی داری وجود دارد
موسوی و دوستی	۱۳۹۷	اعتماد اجتماعی موثر بر رویه ای شدن مشارکت مردم در توسعه ی منطقه ای ایلام	اعتماد اجتماعی و رویه ای شدن مشارکت مردم	رابطه ی معناداری بین اعتماد شخصی، اعتماد کل، اعتماد نهادی و تعمیم یافته با رویه ای شدن مشارکت مردم تو توسعه ی منطقه ای وجود دارد
فریدون بابایی اقدام، فتح الله ویسی ناب، ارسطو یاری حصار، وکیل حیدری	۱۳۹۴	ارزیابی عوامل موثر بر مشارکت مردمی در ساماندهی بافت‌های فرسوده شهری با تاکید	سرمایه اقتصادی، اعتماد اجتماعی و آگاهی اجتماعی و مشارکت اجتماعی	بین میزان سرمایه اقتصادی، متغیرهای اعتماد اجتماعی و آگاهی اجتماعی و مشارکت مردمی در ساماندهی بافت



فرسوده رابطه معناداری وجود دارد		بر سرمایه اجتماعی		ساربان
هرچه اعتماد شهروندان بالاتر باشد میزان مشارکت اجتماعی آن ها بیشتر است	اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی	بررسی رابطه ی میزان اعتماد شهروندان با میزان مشارکت اجتماعی آنان در شهر ایلام	۱۳۹۳	نوابخش، رضایی و رحیمی
رابطه ی معناداری میان اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی وجود دارد و مشارکت سیاسی صرفا در سایه ی اعتماد اجتماعی محقق می شود	اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی	بررسی تأثیر اعتماد اجتماعی بر شیوه های مختلف مشارکت سیاسی	۱۳۹۳	مسعودنیا و همکاران
بین اعتماد بین شخصی، اعتماد بنیادی و اعتماد نهادی با مشارکت اجتماعی رابطه ی معنی داری وجود دارد	ابعاد اعتماد اجتماعی ( اعتماد بین شخصی، اعتماد بنیادی و اعتماد نهادی) و مشارکت اجتماعی	تأثیر ابعاد اعتماد اجتماعی بر مشارکت اجتماعی	۱۳۹۱	خادمیان و پوررضا کریم سرا
بین مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی رابطه ی معنی داری وجود دارد	اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی	رابطه ی اعتماد اجتماعی با مشارکت اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه یزد	۱۳۹۰	زارع شاه آبادی و نوریان نجف

<p>کیفیت روابط اجتماعی بالاتر و با کیفیت بر مشارکت اجتماعی تاثیر دارد. حمایت اجتماعی بیشتر و عمل متقابل به هنجار بر میزان مشارکت تاثیر دارد</p>	<p>سرمایه اجتماعی، هویت و مشارکت اجتماعی</p>	<p>سرمایه اجتماعی، هویت و مشارکت اجتماعی جوانان شیراز</p>	<p>۱۳۸۹</p>	<p>مریم سروش، حسین افراسیابی</p>
<p>بین اعتماد اجتماعی و مشارکت در طرح های توسعه ی روستایی رابطه ی معنی داری وجود دارد</p>	<p>اعتماد اجتماعی و مشارکت در طرح های توسعه ی روستایی</p>	<p>نقش اعتماد اجتماعی در مشارکت مردم در طرح های توسعه ی روستایی</p>	<p>۱۳۸۸</p>	<p>ازکیا و حسنی راد</p>
<p>اعتماد به همسایه ها و اهالی روستا و اعتماد نهادی رابطه ی معناداری با مشارکت اجتماعی دارند</p>	<p>اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و توسعه ی روستایی</p>	<p>رابطه ی اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی (مطالعه ی موردی روستای نیکنامه از توابع شهرستان شمیرانات)</p>	<p>۱۳۸۷</p>	<p>عبداللهی</p>
<p>اعتماد بین شهروندان و اعتماد بین مردم و دولت ضعیف است و در نتیجه مشارکت شکل نمی گیرد.</p>	<p>اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی</p>	<p>مشارکت اجتماعی یکی از مولفه های سرمایه ی اجتماعی</p>	<p>۱۳۸۶</p>	<p>میرطاهر موسوی</p>

<p>شوراها با افزایش اعتماد اجتماعی می توانند تقویت کننده ی مشارکت باشند</p>	<p>اعتماد اجتماعی و مشارکت</p>	<p>تأثیر اعتماد اجتماعی بر مشارکت با تأکید بر نقش و عملکرد شوراهای اسلامی</p>	<p>۱۳۸۴</p>	<p>ناطق پور و گلابی</p>
<p>سرمایه ی اجتماعی عمده ترین شاخص تعیین کنندگی مشارکت اجتماعی افراد مسن بوده است</p>	<p>عوامل اجتماعی موثر بر مشارکت اجتماعی و بهزیستی ذهنی</p>	<p>سرمایه ی اجتماعی، مشارکت اجتماعی و رضایت از زندگی در بین بزرگسالان سالمند شیلی</p>	<p>۲۰۱۴</p>	<p>هرا پونز، الگوتا روزاس و فرناندز لورکا</p>
<p>جوانانی که در اقلیت قرار دارند کمتر درگیر فعالیت های اجتماعی هستند، زیرا آنان به سبب تبعیض در مسائل آموزشی و سایر مسائل با دیگران، بیشتر محدودیت های اجتماعی را تجربه می کنند.</p>	<p>اقلیت اجتماعی، اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی</p>	<p>مشارکت شهری و اعتماد اجتماعی در میان اقلیت جوانان</p>	<p>۲۰۰۹</p>	<p>کلی<sup>۱</sup></p>
<p>مدیران محلی می توانند مشارکت شهروندان را با ایجاد ساختارهای مشارکتی مانند سازمان های محله ای افزایش دهند و پایگاه اقتصادی - اجتماعی با سطح</p>	<p>پایگاه اقتصادی، پایگاه اجتماعی، ساختارهای مشارکتی و سازمان های محلی، مشارکت اجتماعی</p>	<p>سازمان های محله ای، پایگاه اقتصادی و اجتماعی و تاثیر آن بر مشارکت</p>	<p>۲۰۰۴</p>	<p>مارشال<sup>۲</sup></p>

<sup>1</sup> kelly

<sup>2</sup> marschall

مشارکت رابطه عمیقی دارد				
نابرابری موجب بی اعتماد می شود؛ نابرابری عمدتاً به صورت غیرمستقیم و از طریق اعتماد بر مشارکت تاثیر می گذارد	نابرابری اجتماعی، اعتماد اجتماعی، مشارکت مدنی	نابرابری، اعتماد و مشارکت مدنی	۲۰۰۳	اسلانر و براون <sup>۱</sup>
هر چه فرد در شبکه ی ارتباطی ناهمگونی به بحث سیاسی بپردازد (سرمایه ی اجتماعی وی بیشتر باشد) احتمال بیشتری وجود دارد که وی در عرصه ی عمومی مشارکت کند	مجادلات سیاسی و مشارکت فرد در عرصه ی عمومی	تاثیر شبکه های مجادلات سیاسی بر روی مشارکت در عرصه عمومی	۱۹۹۹	بورلی هیلز و جک مک لئود

## ۲-۴) فرضیه های پژوهش

باتوجه به پیشینه ی تجربی و نظری مطرح شده فرضیه های این پژوهش به صورت زیر مطرح می

گردد:

۱- مشارکت اجتماعی با میزان اعتماد اجتماعی رابطه معناداری دارد.

۲- مشارکت اجتماعی با میزان اعتماد بین شخصی رابطه دارد به طوری که می توان گفت

هرچه میزان اعتماد بین شخصی بالاتر باشد میزان مشارکت اجتماعی بالاتر خواهد بود.

<sup>1</sup> Uslaner and brown

۳- مشارکت اجتماعی با میزان اعتماد بنیادی رابطه دارد به طوری که می توان گفت هرچه میزان اعتماد بنیادی بالاتر باشد میزان مشارکت اجتماعی بالاتر خواهد بود.

۴- مشارکت اجتماعی با میزان اعتماد نهادی رابطه دارد به طوری که می توان گفت هرچه میزان اعتماد نهادی بالاتر باشد میزان مشارکت اجتماعی بالاتر خواهد بود.

۵- مشارکت اجتماعی با میزان اعتماد به دولت رابطه دارد به طوری که می توان گفت هرچه میزان اعتماد به دولت بالاتر باشد میزان مشارکت اجتماعی بالاتر خواهد بود.

## ۲-۵) جمع بندی و نتیجه گیری

در این فصل به بررسی پیشینه تحقیق و چارچوب نظری پرداختیم. بدین گونه که به بررسی نظریه های مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی پرداختیم. پس از آن با توجه به این که این پژوهش در اصل جامعه شناختی می باشد رویکردهای جامعه شناختی کلاسیک و نوین را در مشارکت اجتماعی را بررسی کردیم و با توجه به نقش و اهمیت نظریه گیدنز در جمع بندی و سازماندهی نظریه های موجود، به گونه ای ویژه این نظریه را واکاوی نمودیم. سپس با جمع بندی این نظریات مدل نظری پژوهش را ارائه نمودیم و سپس به برخی از مهمترین پژوهش های داخلی و خارجی انجام شده در این زمینه اشاره کردیم. نهایتاً این پیشینه ی تجربی درجدولی خلاصه و جمع بندی شد و زمینه ای برای تدوین فصل سوم و استخراج متغیرهای تحقیق با توجه به پیشینه ی نظری و تجربی بررسی شده فراهم گردید. در پایان این فصل فرضیه های پژوهش جهت بررسی در فصول بعدی عنوان گردید.

فصل سوم:  
روش‌شناسی تحقیق

روش به معنای شیوه دست یابی به شناخت تابع مساله تحقیق است. روش مورد استفاده در این بررسی پیمایش است. پیمایش شیوه‌ای از بررسی است که گردآوری مجموعه‌ای ساختمان‌ها یا منظم از داده‌هاست که عمدتاً براساس پرسش‌نامه است. اما از فنون دیگر از قبیل مصاحبه ساختمان‌ها، مشاهده تحلیل محتوا و جز اینها نیز استفاده می‌گردد (دواس، ۱۳۷۶: ۱۳۰). با این حال برخی از صاحب‌نظران در نوشته‌های خود در باره پیمایش پیوند اساسی میان روش پیمایش و شیوه جمع‌آوری اطلاعات برقرار کرده‌اند. باید توجه داشت این روش فی نفسه نه بهترین است نه بدتر از روش‌های دیگر، همه چیز به هدف‌های تحقیق، مدل تحلیل و خصوصیات میزان تحلیل بستگی دارد. از نظر واکسبرگ امروزه لغت پیمایش اغلب برای نشان دادن یک روش جمع‌آوری اطلاعات از نمونه‌هایی از افراد به کار می‌رود. این جمع‌آوری اطلاعات از طریق پست، مصاحبه تلفنی و مصاحبه رودرروی شخصی انجام می‌گیرد (قاسمی، ۱۳۸۰). برگ و وال تحقیقات پیمایشی را به سه دسته تقسیم کرده‌اند:

الف- روش مقطعی

ب- روش طولی

ج- روش دلفی

در روش مقطعی گردآوری داده‌ها درباره یک یا چند صفت در یک زمان و از طریق نمونه‌گیری از جامعه انجام می‌شود. براساس تعریف‌های ارائه شده از هر یک از روش مذکور روش تحقیق حاضر را باید روش پیمایشی مقطعی دانست. داده‌های مورد نیاز تحقیق در یک مقطع زمانی مشخص جمع‌آوری شده‌اند. روش پیمایشی از انواع تحقیق توصیفی است. از پیمایش می‌توان برای هدف‌های توصیفی، تبیینی و

اکتشافی استفاده کرد. از این روش عمدتاً در مطالعاتی استفاده می‌شود که در آنها فرد واحد تحلیل در نظر گرفته شود. اگر چه می‌توان این روش را برای واحدهای دیگر تحلیل، از قبیل گروه‌ها یا کنش‌های متقابل به کار برد. تحقیق پیمایشی احتمالاً بهترین روش موجود برای آن دسته از پژوهندگان اجتماعی است که علاقه‌مند به جمع‌آوری داده‌های اصلی برای توصیف جمعیت‌های بسیار بزرگی هستند که نمی‌توان به طور مستقیم آنها را مشاهده کرد (ببی، ۱۳۸۱: ۵۳۰). از نظر دواس مشخصه پیمایش مجموعه‌ی ساختمان‌داری یا منظمی از داده‌هاست که وی آنها را ماتریس متغیر بر حسب داده‌های موردی می‌نماید. بدین معنا که اطلاعاتی درباره متغیرها یا خصوصیات یکسان دست‌کم برای دو مورد جمع‌آوری می‌شود و به یک ماتریس داده‌ها منجر می‌شود. وی رایج‌ترین تکنیک مورد استفاده در تحقیق پیمایش را پرسشنامه می‌داند اما معتقد است که ضرورتاً پیوندی بین تحقیق پیمایشی و پرسشنامه وجود ندارد (دواس، ۱۳۷۶: ۱۴-۱۳). از نظر دواس رایج‌ترین تکنیک مورد استفاده در تحقیق پیمایشی پرسشنامه است (همان: ۱۳).

بررسی پرسشنامه‌ای عبارت است از مطرح کردن یک سری پرسش برای مجموعه‌ای از پاسخ‌گویان که غالباً معرف یک جمعیت وسیع‌ترند درباره وضعیت اجتماعی، شغلی، خانوادگی درباره عقاید و ایستارها و مسایل انسانی، دنیوی، معنوی و یا هر مساله و حادثه دیگر.

براساس تعریف ارائه شده روش تحقیق حاضر را باید روش پیمایشی مقطعی دانست زیرا داده‌های مورد نیاز تحقیق در یک مقطع زمانی مشخص جمع‌آوری شده است و بر اساس اهداف از پیش تعیین شده انتظار می‌رود که مجدداً تکرار شود. اکنون هنگام آن است که با عبور از مرحله نظری پژوهش به میدان تجربه و مشاهده گام نهاده شود و با بررسی آنچه به طور نظری از آن بحث گردید صحت و سقم فرضیه‌های تحقیق در برخورد با واقعیت بیرونی سنجیده شود. ورود به مرحله تجربی پژوهش، به امکانات، ابزارها، و روش‌هایی نیاز دارد که باید پیش از آغاز بررسی تجربی اندیشیده شود. بدیهی است که عواملی چون موضوع، امکانات و اهداف تحقیق در گزینش ابزارهای اندازه‌گیری، شیوه‌های گردآوری اطلاعات و به



طور خلاصه روش تحقیق سهم عمده‌ای دارند و در هر پژوهش به ناچار باید شیوه‌های خاصی برای بررسی تجربی واقعیت برگزیده و از ابزارهای اندازه‌گیری معینی مدد گرفته و آزمون‌های خاصی به کار گرفته شود تناسب روش و اجزای آن با موضوع و هدف پژوهش اصلی است که رعایت آن به محقق کمک می‌کند تا شناختی را که در برخورد با واقعیت کسب می‌کند و می‌خواهد آن را معیاری برای تایید یا اصلاح جنبه‌های نظری پژوهش قرار دهد با درجه بالایی با واقعیت تطبیق کند.

از این رو فصل حاضر به مبانی روشی یا روش‌شناسی تحقیق اختصاص یافته است که در آن روش تحقیق، جمعیت آماری، روش نمونه‌گیری و حجم نمونه، شیوه گردآوری داده‌ها، تکنیک‌های مورد استفاده برای تحلیل اطلاعات، تعریف نظری و عملیاتی مفاهیم اعتبار و پایایی توضیح داده خواهد شد.

### ۲-۳) تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای تحقیق

#### ۱) فضای مفهومی و تعریف عملیاتی متغیر وابسته

##### ۱-۱) مفهوم مشارکت اجتماعی

مشارکت<sup>۱</sup> به معنی به‌کار گرفتن منابع شخصی به‌منظور سهیم شدن در یک اقدام جمعی است (محسنی و جارالهی، ۱۳۸۲). مشارکت عملی جمعی، آگاهانه و داوطلبانه است که دربردارنده دخالت شهروندان در امور عمومی و در سطوح مختلف تصمیم‌گیری‌های اداری و سیاسی و انداختن رأی به صندوق تا مساعدت مستقیم به ارضای نیازهای اجتماعی و همچنین دخالت مردم در کارکرد سازمان‌هایی است که حیات کاریشان به آن بستگی دارد. علاوه بر این مفهوم مشارکت درگیری مردم در سازمان‌های مذهبی و غیرمذهبی، انجمن‌ها و جنبش‌هایی از همه نوع که حیات اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهند، اما مستقیماً به توزیع قدرت مربوط نمی‌شوند و جنبش‌هایی که زندگی خصوصی را متأثر می‌سازد ولی به‌طور مستقیم با اهداف اقتصادی مرتبط نیستند را دربر می‌گیرد (جباری، ۱۳۷۸).

<sup>1</sup>-Participation

فرایند مشارکت مفهومی پیچیده و چند بعدی است و به خاطر همین چندبعدی بودن است که هر کدام از اندیشمندان اجتماعی از منظر خاصی بدان نگریستند، برخی از منظر اقتصادی، برخی روانی، و برخی نیز از نگاه سیاسی بررسی کرده اند و با توجه به پیچیدگی آن با متغیرهای مختلفی تبیین کرده اند. در بررسی عوامل مختلف موثر بر پدیده مشارکت می توان به گروهی از متغیرهای مستقل که اصالتاً درونی هستند (روان شناختی) و آنها که بیرونی هستند (اجتماعی، سیاسی و فرهنگی) اشاره کرد، نظریات مختلف به دنبال تبیین این امر هستند که پیش شرطهای اجتماعی و روان شناختی تا چه حد به فعالیتهای اجتماعی شامل نهادها و ساختارهای اجتماعی، الگوهای باور، اعتقادات و ارزشهای فرهنگی و سیاسی بستگی دارد.

از مشارکت تعاریف متعددی به عمل آمده است که هر یک از آنها به یک یا چند بعد از این مفهوم اشاره دارند. شاید تعدد تعاریف به این خاطر باشد که مشارکت نوعی عمل یا فرایند است که مراحل یا ابعاد گوناگونی دارد. از حیث مفهومی واژه مشارکت به معنای شراکت و همکاری در کاری، امری یا فعالیتی و حضور در جمع، گروه و سازمان جهت بحث و تصمیم گیری چه به صورت فعال و چه به صورت غیرفعال است. در مجموع، جوهره اصلی مشارکت را باید در فرایند درگیری، فعالیت و تاثیرپذیری دانست (علوی تبار، ۱۳۷۹: ۱۵).

گولت<sup>۱</sup> مشارکت مردمی را به عنوان جزء حیاتی راهبردهای توسعه دانسته و آنرا واجد سه عملکرد عمده می داند. از دیدگاه وی، مشارکت اجتماعی اولاً: نحوه برخورد غیر ابزاری دولت با مردم و احساس ارزشمندی را تضمین می کند. ثانیاً: مشارکت به عنوان وسیله ارزشمندی برای بسیج، سازماندهی و تعالی بخشیدن به فعالیتهای توسعه، خود مردم به عنوان حلال اصلی مشکلات در شرایط اجتماعی به شمار می رود. ثالثاً: مشارکت به مثابه کانالی است که گروهها و جوامع محلی می توانند از طریق آن به عرصه های

---

<sup>1</sup> Goulet

کلان بزرگتر تصمیم گیری دسترسی پیدا کنند. بدون مشارکت، راهبردهای توسعه غیر مردمی و بی نتیجه خواهد بود (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶: ۱۸).

مشارکت را می توان حرکت آگاهانه، فعال، آزاد و مسئولیت آوری دانست که برای اداره امور جامعه ضروری است (شادی طلب، ۱۳۸۲: ۱۵۰). مشارکت انواع کنش های فردی و گروهی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تاثیر نهادن بر فرایندهای تصمیم گیری بر فرایندهای تصمیم گیری درباره امور عمومی است. مشارکت در دو سطح مطرح شده است الف)- بعد ذهنی مشارکت که همان تمایل به مشارکت است و ب)- بعد عینی و رفتاری که به صورت عضویت در گروه ها و انجام فعالیت های مشارکت- جویانه بروز می کند (سروش و افراسیابی، ۱۳۸۹: ۱۴۰).

به لحاظ حیطه متنوع فعالیت های انسانی می توان به انواع مشارکت بر مبنای موضوعی اشاره کرد که عبارتند از:

مشارکت فرهنگی، مشارکت سیاسی، مشارکت اقتصادی و مشارکت اجتماعی (موسوی، ۱۳۹۱: ۴۲- ۴۴) که آنچه در این بررسی مد نظر می باشد، مشارکت اجتماعی است.

مشارکت اجتماعی "بر آن دسته از فعالیت های ارادی دلالت دارد که از طریق آنها اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و روستا شرکت کرده و به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم در شکل دادن حیات اجتماعی مشارکت دارند" (محسنی تبریزی، ۱۳۶۹: ۱۸۰). تعدد و گستردگی سازمان های محلی و غیر دولتی در یک جامعه، شاخص و گویای وجود مشارکت اجتماعی در آن جامعه است تا جایی که جامعه مدنی به واسطه بسط و گسترش مشارکتهای اجتماعی و نهادهای مدنی تعریف می شود. نهادهای مدنی تشکل های مردمی غیردولتی هستند که در حد فاصل توده های مردم با دولت به وجود آمده و بخشی از مردم را برای دستیابی به یک هدف مشخص، و در یکی از حوزه های اجتماعی سازماندهی می نمایند. «دامنه فعالیت این نهادها که به منظور مشارکت سازمان یافته مردم تشکیل می گردد بسیار گسترده است. اتحادیه های صنفی، احزاب

سیاسی، بنگاههای اقتصادی، خصوصی، شرکت تعاونی، گروههای هنری، مطبوعات، موسسات خیریه و حتی اجتماعات محلی مشتمل بر ساکنین یک خیابان و محله می توانند مثالهایی از نهادهای مدنی باشند» (دانشمندی، ۱۳۷۷: ۱۷۰).

### ۲-۱) تعریف عملیاتی متغیر وابسته ی پژوهش (مشارکت)

**مشارکت اجتماعی:** متغیر وابسته در این تحقیق مشارکت اجتماعی است که قبلا به تعریف این متغیر پرداخته شده است، از معرف های این متغیر می توان به؛ همکاری در امور شهری، مشارکت در انتخابات، همکاری و کمک به هموطنان در هنگام بحران های اجتماعی مثل زلزله و...، شرکت در طرح های تصویب شده در زمینه ترافیک، هر شرکت ارادای و آگاهانه در فعالیت های مدنی (انجمن های صنفی؛ احزاب سیاسی، اتحادیه ها و ...) انواع مشارکت در خارج از خانواده اشاره کرد.

### ۳-۳) تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای مستقل

#### ۱) اعتماد نهادی

#### - تعریف مفهومی

اعتماد نهادی عملکرد دولت و سازمانها و ادارات دولتی تعیین کننده میزان این متغیر خواهد بود، بنابراین نحوه عملکرد دولت و دستگاههای دولتی، عمل به وعده ها، جلب رضایت مردم با برآورده کردن انتظارات و نیازهای مردم، عدم وقوع فساد مالی و اختلاس و رانت و در صورت وقوع مجازات افراد خاطی و بازپس گیری و برگرداندن اموال سواستفاده شده، میزان اعتماد مردم به دستگاهها و ادارات دولتی، اعتماد به وعده های داده شده، اعتماد به انجمن ها و گروههای صنفی. افراد همچنین می توانند درباره ی میزان ارزش اعتماد نسبت به نظام های انتزاعی نظیر نهادها دارای باورهایی باشند. این نوع اعتماد به صورت تعمیم یافته فراتر از روابط چهره به چهره قرار می گیرد. از این فرآیند می توان تحت عنوان سطح نهادی

اعتماد نام برد. این همان چیزی است که گیدنز آن را ایده ی اعتماد به نظام های تخصصی می نامد (گیدنز، ۱۳۸۸).

#### - تعریف عملیاتی

منظور از اعتماد نهادی، اعتقاد به کارایی، ثبات و استمرار برنامه ریزی در آن هاست. در چارچوب مفهومی این مطالعه اعتماد نهادی در سه شکل کلی مورد بررسی قرار گرفته است.

#### (۲) اعتماد اجتماعی

#### - تعریف مفهومی

اعتماد به عنوان مهم ترین شاخص سرمایه اجتماعی ساز و کاری برای انسجام و وحدت در نظام های اجتماعی، تسهیل مشارکت، تعاون اجتماعی و پرورش ارزش های مردم سالارانه است، اعتماد اجتماعی موجب پیوند شهروندان با نهادهای مختلف اجتماعی می شود و موثر در تقویت، ارتقا اثر بخشی و مشروعیت نهادهای اجتماعی است (غفاری، ۱۳۸۳: ۱۰).

#### - تعریف عملیاتی

اعتماد اجتماعی در چارچوب مفهومی این مطالعه از طریق حاصل جمع سه شکل اعتماد بنیادی، بین شخصی و نهادی مورد سنجش قرار گرفته است و پس از هم وزن سازی گویه های مربوط به سه شکل اعتماد نمره اعتماد اجتماعی محاسبه خواهد شد.

#### (۳) اعتماد بنیادی

#### - تعریف مفهومی

این نوع از اعتماد به نگرش فرد نسبت به خود و دنیای اطرافش و ارتباط او با دنیای پیرامون مربوط می شود و اعمال ما از آن متأثر می شود و موجب تقویت تفکری می گردد که افراد و امور جهان قابل اعتماد هستند. در اعتبار بنیادی ریشه اعتماد در اطمینان به اشخاص صالح و معتبر می داند که از نخستین تجربیات دوران کودکی حاصل می شود (گیدنز، ۱۳۸۸).

### تعریف عملیاتی

منظور از این متعیر باور و خوش بینی به خود و دیگران و اطمینان به استمرار زندگی و روی ندادن حوادث یا برخوردهای نامناسب و غیر منتظره است.

### ۴) اعتماد بین شخصی

#### تعریف مفهومی

اعتماد بین شخصی در روابط چهره و چهره، خود را نشان می دهد. این شکل از ارتباط موانع ارتباطی را مرتفع می سازد و با کاستن از حالت دفاعی، باعث موثرتر شدن تعاملات می گردد. به عبارتی اعتماد بین شخصی حوزه ای از تعاملات میان دوستان، همکاران و همچنین اعتماد میان رئیس و کارمندان، معلم و شاگرد و غیره را در بر می گیرد (گیدنز، ۱۳۸۸).

#### تعریف عملیاتی

منظور از اعتماد بین شخصی باور به امین بودن افراد و احساس صمیمی و نزدیکی خاطر با آنان است. تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای زمینه ای ویژگی های جمعیت شناختی در این پژوهش شامل سن، وضعیت تاهل و وضعیت اشتغال می باشد که به ترتیب به تعاریف هریک از آن ها اشاره می شود.

سن

تعداد سال هایی از عمر که پاسخگو تا زمان پژوهش ( ۱۳۹۹ ) پشت سر گذاشته است.

## ۵) وضعیت تاهل

### تعریف مفهومی

وضعیت افراد از این نظر که در طول سال های عمرشان، شریک زندگی رسمی برای خود انتخاب کرده یا نکرده اند.

### تعریف عملیاتی

در این مطالعه وضعیت تاهل با چهار مورد مجرد، متأهل، طلاق گرفته و همسر فوت شده مطرح می شود.

## ۶) وضعیت اشتغال

وضعیت اشتغال با گزینه های شاغل غیر رسمی، شاغل رسمی، بیکار، محصل یا دانشجوی، خانه دار و بازنشسته تعیین شده است که ذیلا منظور از هر یک از این مفاهیم بیان می گردد:

**شاغل رسمی :** منظور کسی است که در استخدام نهادها و ارگان های دولتی است و حقوق بگیر دولت می باشد.

**شاغل غیر رسمی:** منظور شخصی است که در مراکز خصوصی و غیردولتی مشغول به کار باشد.

**بیکار:** کسی است که شغلی نداشته ولی در جستجوی کار می باشد.

**خانه دار:** کسانی که به امر خانه داری مشغول هستند.

**بازنشسته:** افرادی که در گذشته شاغل بوده و حال بازنشسته شده و از حقوق بازنشستگی برخوردارند.

### ۳-۴) روش تحقیق

روش مورد نظر جهت انجام پژوهش حاضر کمی می باشد. به این صورت که محقق ابتدا با مرور پیشینه نظری متغیرهای مهم را انتخاب و با عملیاتی سازی آنها پرسشنامه مورد نظر طراحی کرده است. در این پژوهش داده های کمی در سطح شهر تبریز جمع آوری و سپس رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته بررسی شده است.

جهت تدوین مبانی و چارچوب نظری پژوهش و با توجه به مرور منابع و تحقیقات پیشین از روش کتابخانه ای (اسنادی) استفاده خواهد شد و روش مورد استفاده در بخش کمی تحقیق، پیمایش و تکنیک گردآوری اطلاعات مورد نیاز پرسش نامه است. پرسش نامه نیز به صورت حضوری و با مراجعه به افراد ۱۸ ساله و بالاتر تکمیل می گردد.

نوع تحقیق مورد استفاده بر اساس هدف پژوهش از نوع کاربردی و بر اساس نحوه گردآوری داده ها، روش پیمایشی است. از لحاظ میزان ژرفایی، پژوهش حاضر پهنانگر بوده و با در نظر گرفتن معیار زمان مقطعی است. منظور اینکه، تحقیق بر روی داده ها در مورد چندین صفت مورد مطالعه در مقطعی از زمان گردآوری شده اند.

### ۳-۵) سنجش متغیرهای پژوهش و اعتبار آن ها

#### ۳-۵-۱) سنجش متغیر وابسته و اعتبار آن

جهت سنجش اعتبار درونی ابزار پژوهش از روش اعتبار محتوا استفاده شد. در این روش با رعایت ضوابط علمی و نظرخواهی از اساتید و متخصصان موضوع استفاده شده و همچنین در جهت استفاده از مقیاس های آزمون شده اقدام به عمل آمد. پس از تدوین پرسش نامه، طی دو مرحله مطالعه مقدماتی و نهایی، پرسش نامه ها پر شدند. همچنین جهت افزایش درجه اعتبار از اعتبار سازه ای استفاده شد. در حالت



کلی اعتبار سازه سلسله فعالیت هایی را که به طور همزمان از سوی پژوهشگر برای تعریف یک سازه و توسعه وسیله برای اندازه گیری آن صورت می گیرد، شامل می شود. از مهم ترین روش های بررسی اعتبار سازه می توان به اعتبار عاملی که از طریق تحلیل عاملی و اعتبار ممیز انجام می شود نام برد.

برای بررسی روایی صوری، از نظر استادان و کارشناسان خبره استفاده شده و پس از حذف و اصلاح برخی از سؤالات از جنبه محتوایی، پرسشنامه ای شامل خرده مقیاس های مرتبط با هر یک از شاخص ها شامل نقش دولت و خط مشی های دولتی در میزان مشارکت اجتماعی تنظیم گردید. به منظور سنجش اعتماد اجتماعی پرسشنامه ای ساخته ی محققان مورد استفاده قرار گرفت که با توجه به چارچوب نظری و پیشینه ی پژوهش در ۴ بعد اعتماد بین شخصی (۶ گویه)، اعتماد بنیادی (۱۲ گویه)، اعتماد نهادی (۷ گویه) و اعتماد به دولت (۱۶ گویه) و در سطح فاصله ای و براساس طیف ۶ گزینه ای تنظیم شده است. جدول شماره (۲) نحوه طراحی این گویه ها را نشان می دهد .

متغیر	ابعاد	گویه ها
اعتماد	اعتماد بین شخصی	۱- به دوستان قدیمی خود اعتماد دارم.
		۲- علاقه مندم که دوستان و آشنایانم نسبت به من اعتماد داشته باشند.
		۳- اگر بدهکاری بدهی خود را سر موقع نپردازد و دو سه بار مهلت بخواهد، فکر می کنم صادق نیست و قصد دادن بدهی خود را به من ندارد..
		۴- هر وقت به کسی اعتماد کرده ام پشیمان شده ام
		۵- به خانواده ام کاملا اعتماد دارم
		۶- به دوستانم کاملا اعتماد دارم
		۷- معتقدم امروزه روزگاری است که به هیچکس نمی توان اعتماد کرد.
	اعتماد بنیادی	۸- معتقدم در جامعه باید بنا را بر بی اعتمادی نسبت به همه نهاد والا عقب مانده و زیان می کنم.
		۹- معتقدم واژه ها و عباراتی که در ذهنم نسبت به فرد خاصی دارم به اعتماد و انتظار من از آن فرد رنگ و بو می بخشد.
		۱۰- با صراحت معتقدم که به وجود آمدن اعتماد نیاز به زمان، امتحان و تجربه دارد.
		۱۱- فکر کنم در جامعه ما هر کس به دنبال کار خودش است تا همکاری با دیگران.
		۱۲- معتقدم مردم به دلیل عدم صداقتشان بیشتر با هم درگیر می شوند و اختلاف دارند.
		۱۳- علاقمندم با دوستان و آشنایانم در زمینه های اجتماعی صادق باشم.
		۱۴- معتقدم وجود ۸ میلیون پرونده سالیانه در دادسراها بدلیل عدم صداقت در میان مردم است.
		۱۵- معمولا به تعهد یا قول شفاهی دیگران اطمینان دارم.
		۱۶- معتقدم که امروزه مردم در کارها به دلیل داشتن تجربیان منفی زیاد از هم می ترسند.
		۱۷- معتقدم اگر کسی یک پیشنهاد به من داشته باشد نباید ریسک کنم و هر کس هر چیزی را گفت قبول کنم.

<p>۱۸- چیزی را در محل کسب کسی جا گذشته ام ، اطمینان دارم در صورت مراجعه به آن محل آن چیز را به من بر می گرداند.</p>		
<p>۱۹-بهرتر است درمورد اعتماد به غریبه ها هوشیار و با دقت بود</p>	<p>اعتماد نهادی</p>	
<p>۲۰-به اعضای خانواده ی خودم اعتماد دارم</p>		
<p>۲۱-به نهادهای دینی کاملا اعتماد دارم</p>		
<p>۲۲-به پلیس کاملا اعتماد دارم</p>		
<p>۲۳-رسانه های ملی همواره اخبار درست را در اختیار مردم قرار می دهند</p>		
<p>۲۴-شهرداری و فرمانداری همواره در خدمت زیبایی و امنیت شهرها هستند</p>		
<p>۲۵-به طور کلی دروغگویی و ریاکاری در خویشاوندان دور و نزدیک من زیاد معمول نیست</p>		
<p>۲۶-به دولت کاملا اعتماد دارم</p>	<p>اعتماد به دولت</p>	
<p>۲۷-اعتقاد دارم رییس جمهور به وعده های خود عمل می کند</p>		
<p>۲۸-دولت همیشه با مردم روراست بوده و با صداقت صحبت می کند</p>		
<p>۲۹-سازمان های دولتی کار خود را به بهترین نحو انجام می دهند</p>		
<p>۳۰-از بحران ها نمی ترسم چون دولت می تواند به خوبی مشکلات را مدیریت کند</p>		
<p>۳۱-دولت به خوبی می تواند نظم و امنیت را در جامعه تامین کند</p>		
<p>۳۲-دولت در بالابردن رفاه و درآمد عمومی نقش موثری را ایفا کرده است</p>		
<p>۳۳-عملکرد دولت موجب شده افراد بیشتر به قانون احترام بگذارند و آن را رعایت کنند</p>		
<p>۳۴-دولت ایران همیشه از آزادی بیان و مطبوعات حمایت کرده است</p>		
<p>۳۵-سلامت و بهداشت عمومی زیر سایه ی دولت در وضعیت مناسبی قرار دارد</p>		
<p>۳۶-دولت در کاهش وضعیت بیکاری هیچ عملکرد مثبتی نداشته است</p>		
<p>۳۷-دولت ایران تا حدود زیادی پاسخگوی انتظارات مردم است</p>		
<p>۳۸-نمایندگان مجلس نقش موثری در رساندن درخواست های مردم به</p>		

دولت دارند		
۳۹-اعتقاد دارم انتقادهای رسانه های خارجی از دولت کاملا بجا است		
۴۰-دوست نسبت به وضع معیشت مردم کاملا بی توجه است		
۴۱-دولت نتوانسته نقش خود را در ارتقا وضعیت آموزشی کشور درست ایفا کند.		

جدول شماره (۲): ابعاد متغیر اعتماد اجتماعی و نحوه ی طراحی گویه های آن:

در پژوهش حاضر روایی این پرسشنامه بوسیله آلفای کرونباخ آزموده شده و برابر با ۰/۵۶ بوده است که نشانه روایی قابل قبول بین گویه هاست. جدول (۲) نتایج آزمون روایی گویه های مربوط به متغیر اعتماد اجتماعی را نشان می دهد.

جدول شماره (۲): نتیجه آزمون روایی آلفای کرونباخ متغیر اعتماد اجتماعی

نام شاخص	گویه ها	ضریب روایی کل گویه های اعتماد اجتماعی
اعتماد اجتماعی	به دوستان قدیمی خود اعتماد دارم.	۰/۵۶
	علاقه مندم که دوستان و آشنایانم نسبت به من اعتماد داشته باشند.	
	اگر بدهکاری بدهی خود را سر موقع نپردازد و دو سه بار مهلت بخواهد، فکر می کنم صادق نیست و قصد دادن بدهی خود را به من ندارد.	
	هر وقت به کسی اعتماد کرده ام پشیمان شده ام	
	به خانواده ام کاملا اعتماد دارم	
	به دوستانم کاملا اعتماد دارم	
	معتقدم امروزه روزگاری است که به هیچکس نمی توان اعتماد کرد.	
	معتقدم در جامعه باید بنا را بر بی اعتمادی نسبت به همه نهاد والا عقب مانده و زیان می کنم.	
	معتقدم واژه ها و عباراتی که در ذهنم نسبت به فرد خاصی دارم به اعتماد و انتظار من از آن فرد رنگ و بو می بخشد.	
	با صراحت معتقدم که به وجود آمدن اعتماد نیاز به زمان ، امتحان و تجربه دارد.	
	فکر کنم در جامعه ما هر کس به دنبال کار خودش است تا همکاری با دیگران.	
معتقدم مردم به دلیل عدم صداقتشان بیشتر با هم درگیر می شوند و اختلاف دارند.		

<p>علاقتمندم با دوستان و آشنایانم در زمینه های اجتماعی صادق باشم.</p> <p>معتقدم وجود ۸ میلیون پرونده سالیانه در دادسراها بدلیل عدم صداقت در میان مردم است.</p> <p>معمولا به تعهد یا قول شفاهی دیگران اطمینان دارم.</p> <p>معتقدم که امروزه مردم در کارها به دلیل داشتن تجربیان منفی زیاد از هم می ترسند.</p> <p>معتقدم اگر کسی یک پیشنهاد به من داشته باشد نباید ریسک کنم و هر کس هر چیزی را گفت قبول کنم.</p> <p>چیزی را در محل کسب کسی جا گذشته ام، اطمینان دارم در صورت مراجعه به آن محل آن چیز را به من بر می گرداند.</p> <p>بهتر است درمورد اعتماد به غریبه ها هوشیار و با دقت بود</p> <p>به اعضای خانواده ی خودم اعتماد دارم</p> <p>به نهادهای دینی کاملا اعتماد دارم</p> <p>به پلیس کاملا اعتماد دارم</p> <p>رسانه های ملی همواره اخبار درست را در اختیار مردم قرار می دهند</p> <p>شهرداری و فرمانداری همواره در خدمت زیبایی و امنیت شهرها هستند</p> <p>به طور کلی دروغگویی و ریاکاری در خویشاوندان دور و نزدیک من زیاد معمول نیست</p> <p>به دولت کاملا اعتماد دارم</p> <p>اعتقاد دارم رییس جمهور به وعده های خود عمل می کند</p> <p>دولت همیشه با مردم روراست بوده و با صداقت صحبت می کند</p> <p>سازمان های دولتی کار خود را به بهترین نحو انجام می دهند</p> <p>از بحران ها نمی ترسم چون دولت می تواند به خوبی مشکلات را مدیریت کند</p> <p>دولت به خوبی می تواند نظم و امنیت را در جامعه تامین کند</p> <p>دولت در بالابردن رفاه و درآمد عمومی نقش موثری را ایفا کرده است</p> <p>عملکرد دولت موجب شده افراد بیشتر به قانون احترام بگذارند و آن را رعایت کنند</p> <p>دولت ایران همیشه از آزادی بیان و مطبوعات حمایت کرده است</p> <p>سلامت و بهداشت عمومی زیر سایه ی دولت در وضعیت مناسبی قرار دارد</p> <p>دولت در کاهش وضعیت بیکاری هیچ عملکرد مثبتی نداشته است</p> <p>دولت ایران تا حدود زیادی پاسخگوی انتظارات مردم است</p> <p>نمایندگان مجلس نقش موثری در رساندن درخواست های مردم به دولت دارند</p> <p>اعتقاد دارم انتقادهای رسانه های خارجی از دولت کاملا بجا است</p> <p>دولت نسبت به وضع معیشت مردم کاملا بی توجه است</p>	
---	--

	دولت نتوانسته نقش خود را در ارتقا وضعیت آموزشی کشور درست ایفا کند.	
--	--	--

### ۳-۵-۲) سنجش متغیرهای مستقل و اعتبار آن ها

#### مشارکت اجتماعی

به منظور سنجش مشارکت اجتماعی پرسشنامه ای ساخته ی محققان مورد استفاده قرار گرفت که با توجه به چارچوب نظری و پیشینه ی پژوهش در ۲ بعد مشارکت ذهنی (۸ گویه) و مشارکت عینی (۱۳ گویه) در سطح فاصله ای و براساس طیف ۵ گزینه ای تنظیم شده است. جدول شماره (۳) نحوه طراحی این گویه ها را نشان می دهد .

جدول شماره (۳): ابعاد متغیر اعتماد اجتماعی و نحوه ی طراحی گویه های آن

۱- اعتقاد دارم فعالیت اجتماعی که درآمدی در پی نداشته باشد وقت تلف کردن است .	مشارکت ذهنی	مشارکت اجتماعی
۲- حاضر نیستم برنامه های گروهی اوقات فراغت را فدای کار کنم .		
۳- اعتقاد دارم فعالیت اجتماعی که درآمدی در پی نداشته باشد وقت تلف کردن است .		
۴- کارها اگر بصورت فردی انجام شود بهتر است.		
۵- کار شراکتی و جمعی کمتر به نتیجه می رسد و به گرفتاری آن نمی ارزد.		
۶- هرکس باید خودش گلیمش را از آب بیرون بکشد.		
۷- در کار گروهی افراد بی تفاوتی بیشتری نسبت به کار از خودشان نشان می دهند.		
۸- معمولا مشارکت موجب بروز دردسر برای افراد می شود.		
۹- با نهاد ها ، گروه ها و انجمن های غیر رسمی محله خودمان آشنا هستیم .	مشارکت عینی	
۱۰- من هر از چند گاهی به ملاقات همسایگان می روم .		
۱۱- من هر ماه با دوستانم به سینما می روم .		
۱۲- در گرد همایی های که در محل کارم برگزار می شود شرکت می کنم .		
۱۳- در تصمیم گیری های که در باره شغل و کارم باشد مشارکت می نمایم .		
۱۴- مشارکت در تصمیم سازی برای فعالیت های فرهنگی و اجتماعی محله برای من اهمیت دارد .		
۱۵- در مراسم مذهبی و هیئت ها (مثل جلسات قرآن) شرکت می کنم		
۱۶- عضو انجمن های علمی - فرهنگی - هنری هستم		
۱۷- عضو گروه های ورزشی هستم		
۱۸- با انجمن های خیریه و عام المنفعه همکاری دارم		
۱۹- در رویدادهای اجتماعی (مانند مراسم عزاداری، جشنها ....) شرکت می کنم		
۲۰- عضو بعضی از شوراهای (شهر، محله و...) هستم		
۲۱- سعی میکنم در راهپیمایی ها، سخنرانی ها و ... شرکت کنم		

در پژوهش حاضر روایی این پرسشنامه بوسیله آلفای کرونباخ آزموده شده و برابر با ۰/۹۵ بوده است که نشانه روایی قابل قبول بین گویه هاست. جدول (۴) نتایج آزمون روایی گویه های مربوط به متغیر مشارکت اجتماعی را نشان می دهد.

جدول شماره (۴): نتیجه آزمون روایی آلفای کرونباخ متغیر مشارکت اجتماعی

نام شاخص	گویه ها	ضریب روایی کل گویه های مشارکت اجتماعی
مشارکت اجتماعی	اعتقاد دارم فعالیت اجتماعی که درآمدی در پی نداشته باشد وقت تلف کردن است .	۰/۹۵
	حاضر نیستم برنامه های گروهی اوقات فراغت را فدای کار کنم .	
	اعتقاد دارم فعالیت اجتماعی که درآمدی در پی نداشته باشد وقت تلف کردن است .	
	کارها اگر بصورت فردی انجام شود بهتر است.	
	کار شراکتی و جمعی کمتر به نتیجه می رسد و به گرفتاری آن نمی ارزد.	
	هرکس باید خودش گلیمش را از آب بیرون بکشد.	
	در کار گروهی افراد بی تفاوتی بیشتری نسبت به کار از خودشان نشان می دهند.	
	معمولا مشارکت موجب بروز دردسر برای افراد می شود.	
	با نهاد ها ، گروه ها و انجمن های غیر رسمی محله خودمان آشنا هستم .	
	من هر از چند گاهی به ملاقات همسایگان می روم .	
	من هر ماه با دوستانم به سینما می روم .	
	در گرد همایی های که در محل کارم برگزار می شود شرکت می کنم .	
	در تصمیم گیری های که در باره شغل و کارم باشد مشارکت می نمایم.	
	مشارکت در تصمیم سازی برای فعالیت های فرهنگی و اجتماعی محله برای من اهمیت دارد .	
در مراسم مذهبی و هیئت ها (مثل جلسات قرآن) شرکت می کنم		



	عضو انجمن های علمی - فرهنگی - هنری هستم
	عضو گروه های ورزشی هستم
	با انجمن های خیریه و عام المنفعه همکاری دارم
	در رویدادهای اجتماعی (مانند مراسم عزاداری، جشنها ...)
	شرکت می کنم
	عضو بعضی از شوراهای (شهر، محله و...) هستم
سعی میکنم در راهپیمایی ها، سخنرانی ها و ... شرکت کنم	

### ۳-۶) جامعه آماری

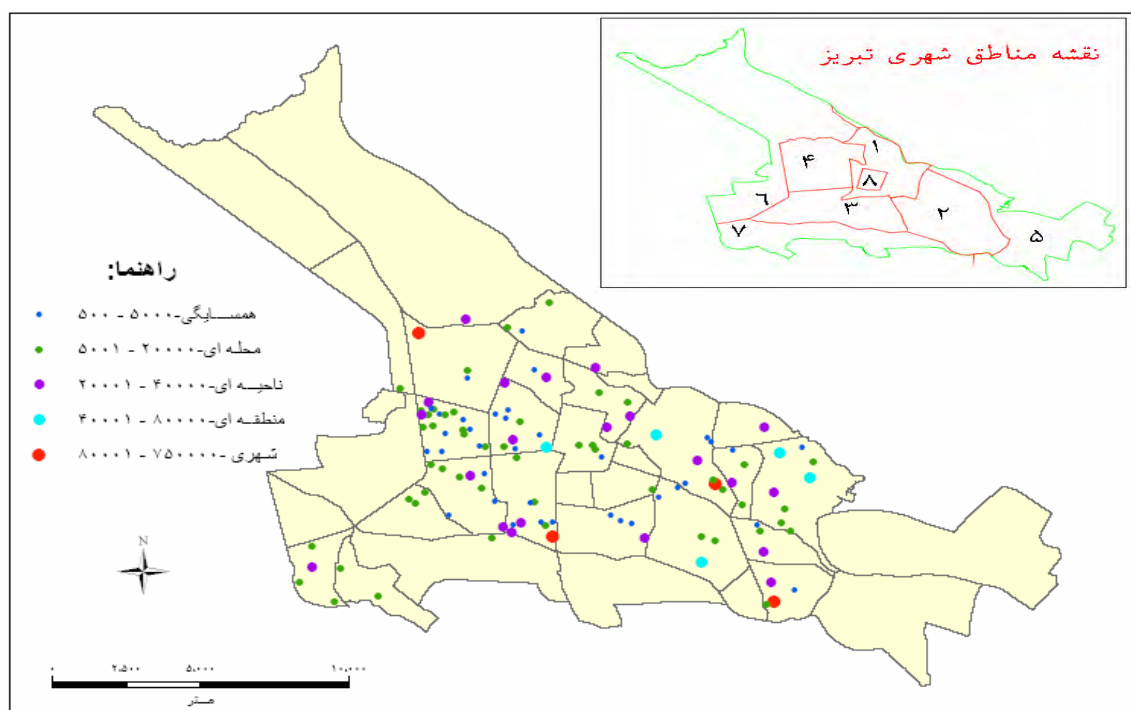
در این قسمت قبل از ارائه جامعه آماری به معرفی جامعه آماری یعنی شهر تبریز پرداخته می شود.

شهر تبریز مرکز استان آذربایجان شرقی در شمال غرب ایران می باشد. این شهر در غرب استان آذربایجان شرقی، در منتهی الیه مشرق و تقریباً جنوب شرق جلگه تبریز واقع شده است. شهر تبریز از سمت جنوب به دامنه های کوه سهند، از سمت شمال شرق به کوه عینالی، از سمت شمال و شمال غرب به رودخانه آجی چای و از سمت شرق به جلگه تبریز محدود شده است. آب و هوای تبریز در زمستان بسیار سرد و در تابستان ها خشک و گرم است. اگر چه حرارت به دلیل نزدیکی به کوه سهند و وجود باغ های زیادی در اطراف شهر تعدیل می گردد.

تبریز در گذشته دارای تعداد معدودی محله بوده است که شمار آن ها به ۴۴ می رسد ( بر اساس نقشه قدیمی شهر متعلق به قرن ۱۶ میلادی). از میان این محله ها می توان به محله های نوبر، مقصودیه، چرنداب، لیل آباد، اهراب، سرخاب، سیلاب، ششگلان، مارالان، باغمیشه و امیرخیز اشاره نمود. رفته رفته با مهاجرت مردم شهرها و روستاهای اطراف تبریز، وسعت این شهر گسترده تر شد و فاصله روستاهای بزرگی که در اطراف آن وجود داشتند نسبت به این شهر بسیار کاهش پیدا کرد و کم کم این روستاها به عنوان محله های بزرگی در اطراف هسته مرکزی شهر تبریز شناخته شدند. از جمله این روستاها می توان به روستاهای اخماقیه، ائل گلی، بارنج، رواسان و لاله اشاره کرد.

در سال های اخیر، با توجه به گسترش سریع شهر تبریز شهرداری تبریز برای ارائه خدمات شهری مناسب به شهروندان، طرح جامع کلان شهر تبریز را تصویب نمود و طبق این قانون، شهر تبریز به هشت منطقه مستقل تقسیم گردید.

شکل (۲): نقشه مناطق هشت گانه شهر تبریز



### ۷-۳) روش و طرح نمونه گیری

به منظور گردآوری داده های مورد نیاز، شهروندان ۱۸ تا ۶۵ ساله شهر تبریز می باشد که با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای چندمرحله ای (در پژوهش حاضر سه مرحله ای) انتخاب می شوند. مراحل کار به ترتیب زیر بود:

مرحله اول: در شهر تبریز به طور تصادفی چند منطقه شهرداری انتخاب شدند.

مرحله دوم: با استفاده از نمونه گیری تصادفی ساده از هر منطقه چند میدان بزرگ انتخاب و مشخص

خواهند گردید.

مرحله سوم: پس از مراجعه به میادین اصلی بزرگ تبریز توضیحاتی کوتاه در مورد تحقیق و اهداف آن ارائه و در صورت تمایل افراد به شرکت در تحقیق، اطلاعات مورد نیاز از آن ها جمع آوری خواهد گردید.

### ۸-۳) واحد آماری

#### ۱-۸-۳) حجم نمونه و روش محاسبه

نمونه آماری پژوهش مورد مطالعه از بین افراد ۱۸ تا ۶۵ ساله ی شهر تبریز به طریق فرمول کوکران به شرح زیر محاسبه شد:

$$n = \frac{Nt^2pq}{N d^2 + t^2pq}$$

در این فرمول:

n: حجم نمونه

N = ۹۵۰۳۳۶ : اندازه جامعه آماری

t = ۱/۹۶ : ضریب اطمینان ۰/۹۵ می باشد.

d = ۰/۰۵ : دقت احتمالی مطلوب

P = ۰/۵۰ : نسبت افرادی که مشارکت بالایی دارند

Q = ۰/۵۰ : نسبت افرادی که مشارکت بالایی ندارند

بنابراین حجم نمونه عبارت است از:

$$n = \frac{950336 (1/69)^2 (5/05)(5/05)}{950336 (0/05)^2 + (1/69)^2 (5/05)(5/05)} \cong 400$$

با استناد به فرمول نمونه گیری کوکران، اندازه نمونه متناسب با جامعه آماری فوق ۴۰۰ نفر می باشد که با توجه به از دست دادن بعضی پرسشنامه ها در طول پژوهش و جهت پوشش خطای احتمالی، حجم نمونه را به ۴۲۲ نفر افزایش می دهیم.

### ۳-۹) شیوه جمع آوری و تحلیل داده ها

بعد از طراحی پرسشنامه، به منظور این که پرسشنامه ها با دقت پر شوند ، اکثرا توسط نگارندگان و تعدادی نیز با همکاری همکاران زبده پر شدند.

پس از جمع آوری پاسخ های پاسخگویان و بازبینی پرسشنامه ها، پرسشنامه هایی که ناقص بوده و اعداد گم شده زیادی داشتند، و همچنین پرسشنامه هایی که جواب های متناقض داشتند کنار گذاشته شدند که در این مرحله تعدادی از پرسشنامه ها باطل و به جای آن ها پرسشنامه های دیگری تکمیل شد. در نهایت داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS و مدل سازی Amos به شرح زیر تنظیم و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند:

- تجزیه و تحلیل های تک متغیره: برای خلاصه کردن داده ها و توصیف ویژگی های نمونه آماری و پاسخ های آن ها با توجه به سطوح اندازه گیری متغیرها از روش های توصیفی استفاده شد.

- تجزیه و تحلیل های دو متغیره: جهت توصیف متغیرهای تحقیق از آزمون  $t$  نمونه های مستقل و تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شد.

- تجزیه و تحلیل های چند متغیره: برای آزمون مدل نظری تحقیق و فرضیه های تحقیق از مدل معادله ساختاری استفاده شده است.

-

جدول شماره (۵): نحوه تجزیه و تحلیل داده ها

نوع آزمون	متغیر وابسته	سطح سنجش	متغیرهای مستقل	
ضریب همبستگی پیرسون	مشارکت اجتماعی	فاصله ای	سن	متغیرهای زمینه ای
T - تست	مشارکت اجتماعی	رتبه ای	جنسیت	
ANOVA	مشارکت اجتماعی	رتبه ای	وضعیت تاهل	
'ANOVA	مشارکت اجتماعی	رتبه ای	وضعیت تحصیلی	
ANOVA	مشارکت اجتماعی	رتبه ای	وضعیت اشتغال سرپرست خانوار	
ANOVA	مشارکت اجتماعی	رتبه ای	میزان هزینه ی خانوار	
ضریب همبستگی پیرسون	مشارکت اجتماعی	فاصله ای	اعتماد اجتماعی	

### ۳-۱۰) قلمرو مکانی و زمانی تحقیق

این پژوهش از نظر مکانی در شهر تبریز و از نظر زمانی در بین سال های ۱۴۰۰-۱۳۹۹ انجام شده

است. تصویب پروپوزال در سال ۹۸ و تدوین فصول پایانی در اوایل سال ۱۴۰۰ انجام شده است.

فصل چهارم:  
یافته‌های تحقیق

#### ۴-۱) مقدمه فصل

در این فصل به تحلیل داده ها و نتایج مربوط به آن ها مورد توجه قرار می گیرد. بدین منظور ابتدا با تحلیل های تک متغیره ویژگی های کلی نمونه آماری مورد بحث قرار گرفته و سپس به تحلیل های دو متغیره و بررسی رابطه بین متغیرها پرداخته می شود. در آخر نتایج تحلیل های چند متغیره و آزمون های رگرسیون چندگانه مورد بحث قرار می گیرد. به طور کلی هدف از این فصل رسیدن به نتیجه نهایی تحقیق یعنی آزمون فرضیه ها می باشد.

۴-۲) تحلیل های توصیفی تک متغیره

۴-۲-۱) توزیع پراکندگی سن پاسخگویان

نتایج به دست آمده در مورد سن افراد نمونه آماری حاکی از آن است که کم سن ترین فرد ۱۷ سال و مسن ترین فرد ۶۵ سال دارد. همچنین میانگین سنی نمونه مورد مطالعه برابر با ۳۸/۲۱ سال و انحراف معیار آن برابر با ۰/۶۵۴ می باشد. نمودار گروه های سنی دارای چولگی مثبت است و این مسئله بیانگر این است که سن بیشتر افراد نمونه مورد مطالعه پائینتر از میانگین بوده و بنابراین می توان نتیجه گرفت که نمونه مورد مطالعه از لحاظ سنی جوان می باشد. ویژگی های توزیع پراکندگی پاسخگویان و خود توزیع بر حسب گروه سنی در جدول (۶) و (۷) نشان داده شده است.

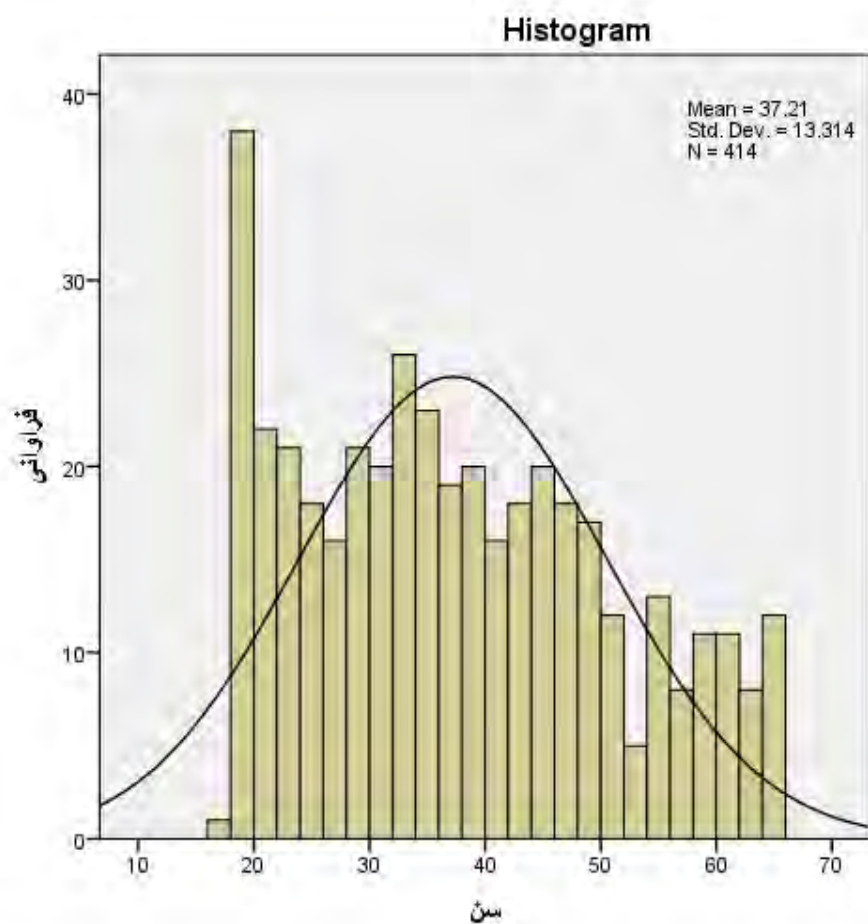
جدول شماره (۶): ویژگی های توزیع پراکندگی سن افراد مورد مطالعه

تعداد	بدون پاسخ	میانگین	انحراف معیار	واریانس	چولگی	کشیدگی	دامنه تغییرات	حداقل	حداکثر
۴۱۴	۸	۳۷/۲۱	۰/۶۵۴	۱۷۷/۲۵۹	۰/۳۴۴	-۰/۸۸۱	۴۸	۱۷	۶۵

جدول شماره (۷): توزیع فراوانی سنی نمونه آماری به تفکیک گروه های سنی

گروه های سنی	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
۱۵-۱۹	۲۹	۱۱/۱	۱۴/۷
۲۰-۲۴	۵۹	۱۱/۸	۸۵/۵
۲۵-۲۹	۴۹	۱۱/۹	۳۳/۱
۳۰-۳۴	۵۳	۱۲/۷	۴۵/۹
۳۵-۳۹	۶۷	۱۳/۴	۵۹/۲
۴۰-۴۴	۳۶	۵/۹	۶۷/۹
۴۵-۴۹	۵۳	۱۲/۶	۸۰/۷
۵۰-۵۴	۲۱	۵/۱	۸۳/۶
۵۵-۵۹	۲۸	۱۳/۱	۹۲/۵
۶۰-۶۴	۳۱	۱۳/۷	۱۰۰
۶۵ به بالا	۰	۰	۰
بدون پاسخ	۸	۱/۹	-
جمع	۴۲۲	۱۰۰	-





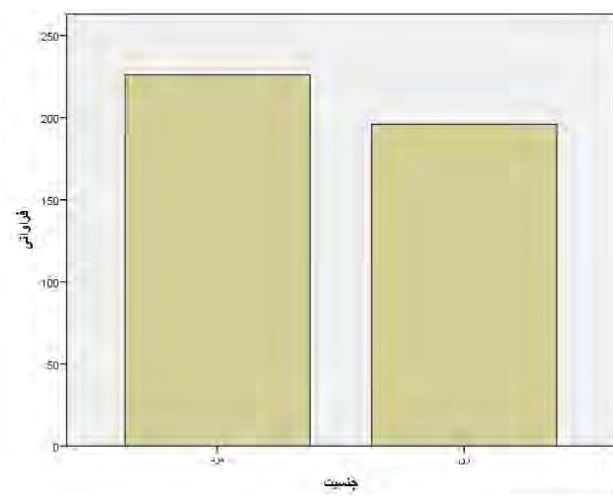
نمودار شماره (۱): توزیع فراوانی پاسخگویان به تفکیک سن

#### ۴-۲-۲) توزیع فراوانی جنسیت

در بررسی توزیع فراوانی نمونه آماری جنسیت مشاهده می شود به ترتیب ۲۲۶ نفر (۵۳/۶ درصد) مرد و ۱۹۶ نفر (۴۶/۴ درصد) زن هستند. بنابراین بیشترین درصد جامعه آماری را مردان تشکیل می دهند. جدول (۸) توزیع فراوانی نمونه آماری را بر حسب جنسیت نشان می دهد.

جدول شماره (۸): توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب جنس

جنسیت	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی معتبر	درصد فراوانی تجمعی
مرد	۲۲۶	۵۳/۶	۵۳/۶	۵۳/۶
زن	۱۹۶	۴۶/۴	۴۶/۴	۱۰۰
جمع	۴۲۲	۱۰۰	۱۰۰	-



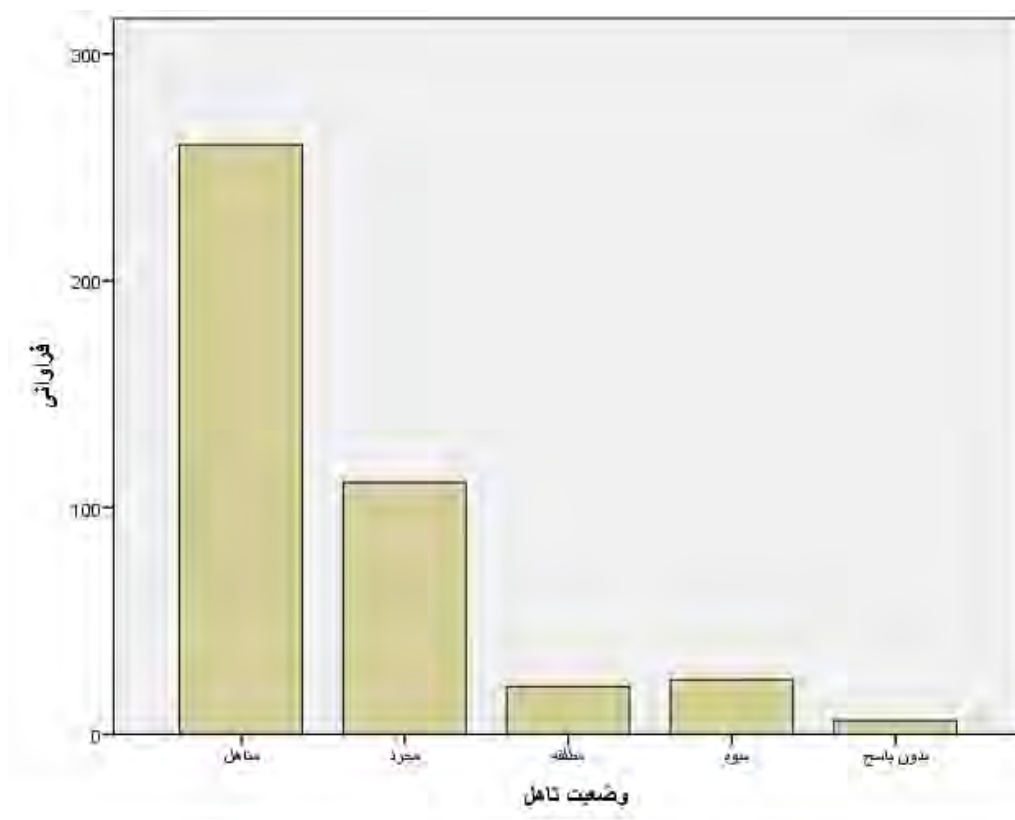
جدول (۲): توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب جنس

#### ۴-۲-۳) توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وضعیت تاهل

در بررسی توزیع فراوانی نمونه آماری بر حسب وضعیت تاهل مشاهده می شود به ترتیب ۲۶۰ نفر (۱۶/۶ درصد) متاهل، ۱۱۱ نفر (۲۶/۳ درصد) مجرد، ۲۱ نفر (۵ درصد) مطلقه و ۲۴ نفر (۵/۷ درصد) بیوه می باشند. بنابراین بیشترین درصد جامعه آماری را افراد مجرد تشکیل می دهند. جدول (۹) توزیع فراوانی نمونه آماری را بر حسب میزان وضعیت تاهل می دهد.

جدول شماره (۹): توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وضعیت تاهل

وضعیت تاهل	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
متاهل	۲۶۰	۶۱/۶	۶۱/۶
مجرد	۱۱۱	۲۶/۳	۸۷/۹
مطلقه	۲۱	۵	۹۲/۹
بیوه	۲۴	۵/۷	۹۸/۶
بدون پاسخ	۶	۱/۴	۱۰۰
کل	۴۲۲	۱۰۰	-



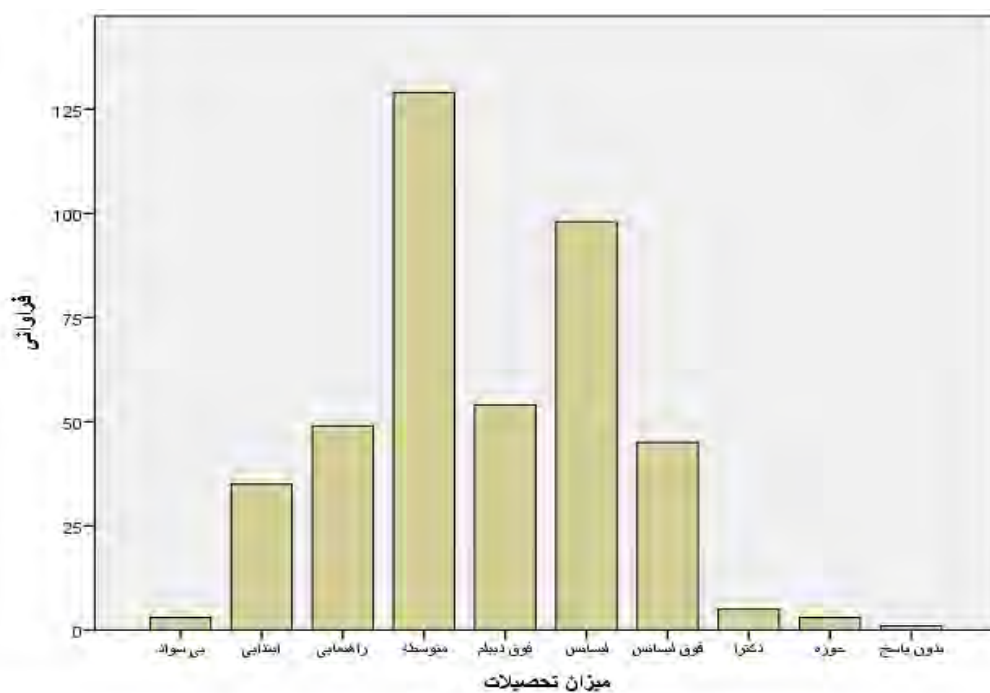
نمودار شماره (۳): توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وضعیت تاهل

#### ۴-۲-۴) توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان تحصیلات

در بررسی توزیع فراوانی نمونه آماری بر حسب تحصیلات مشاهده می شود از بین پاسخگویان به ترتیب ۳ نفر (۰/۷ درصد) بیسواد، ۳۵ نفر (۸/۳ درصد) تحصیلات ابتدایی، ۴۹ نفر (۱۱/۶ درصد) تحصیلات راهنمایی، ۱۲۹ نفر (۳۰/۶ درصد) تحصیلات متوسطه، ۵۴ نفر (۱۲/۸ درصد) فوق دیپلم، ۹۸ نفر (۲۳/۲ درصد) لیسانس، ۴۵ نفر (۱۰/۷ درصد) فوق لیسانس، ۵ نفر (۱/۲ درصد) دکترا، ۳ نفر (۰/۷ درصد) حوزه بوده و ۱ نفر (۰/۲ درصد) از پاسخگویان به این سوال جواب نداده اند. جدول (۱۰) این توزیع را نشان می دهد.

جدول شماره (۱۰): توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب تحصیلات

میزان تحصیلات	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی معتبر	درصد فراوانی تجمعی
پیسواد	۳	۰/۷	۰/۷	۰/۷
ابتدایی	۳۵	۸/۳	۸/۳	۹
راهنمایی	۴۹	۱۱/۶	۱۱/۶	۲۰/۶
متوسطه	۱۲۹	۳۰/۶	۳۰/۶	۵۱/۲
فوق دیپلم	۵۴	۱۲/۸	۱۲/۸	۶۴
لیسانس	۹۸	۲۳/۲	۲۳/۲	۸۷/۲
فوق لیسانس	۴۵	۱۰/۷	۱۰/۷	۹۷/۹
دکترا	۵	۱/۲	۱/۲	۹۹/۱
حوزه	۳	۰/۷	۰/۷	۹۹/۸
بدون پاسخ	۱	۰/۲	۰/۲	۱۰۰
جمع کل	۴۲۲	۱۰۰	۱۰۰	-



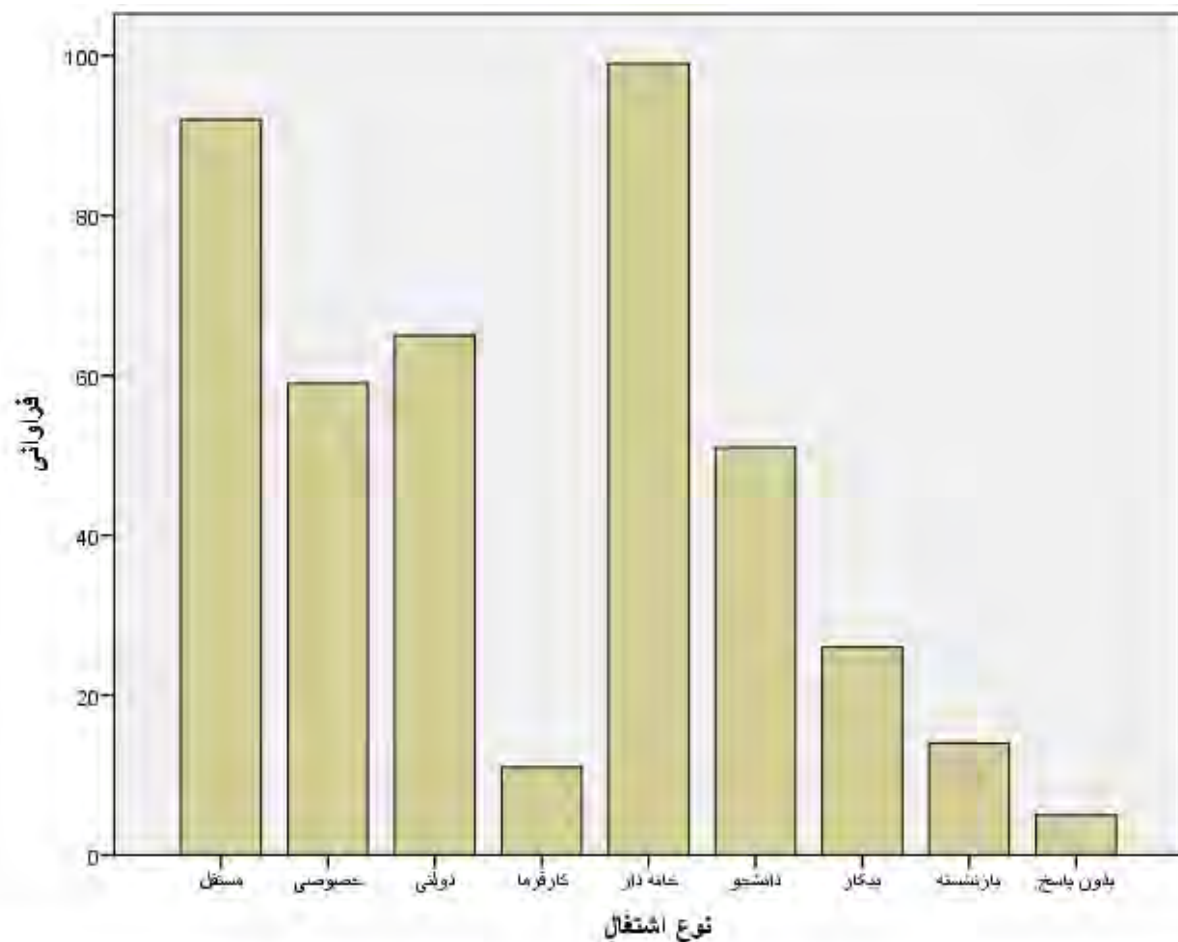
جدول (۴): نمودار فراوانی پاسخگویان بر اساس میزان تحصیلات

۴-۲-۵) توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وضعیت اشتغال سرپرست خانوار

در بررسی توزیع فراوانی نمونه آماری بر وضعیت اشتغال سرپرست خانوار مشاهده می شود از بین پاسخگویان به ترتیب نفر ۹۲ ( درصد) کارکن مستقل، ۵۹ نفر ( ۱۴درصد) کارکن بخش خصوصی ، ۶۵ نفر ( ۱۵/۴درصد) کارکن بخش خصوصی، ۱۱ نفر (۲/۶ درصد) ، ۹۹ نفر ( ۲۳/۵ درصد) خانه دار، ۵۱ نفر (۱۲/۱ درصد) دانشجو یا محصل ، ۲۶ نفر ( ۶/۲ درصد) بیکار، ۱۴ نفر ( ۱/۲درصد) بازنشسته بوده و ۵ نفر ( ۱/۲ درصد) از پاسخگویان به این سوال جواب نداده اند . جدول(۱۲) این توزیع را نشان می دهد.

جدول شماره (۱۲): توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وضعیت اشتغال سرپرست خانوار

وضعیت اشتغال سرپرست خانوار	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی معتبر	درصد فراوانی تجمعی
کارکن مستقل	۹۲	۲۱/۸	۲۱/۸	۲۱/۸
کارکن بخش خصوصی	۵۹	۱۴	۱۴	۳۵/۸
کارکن بخش دولتی	۶۵	۱۵/۴	۱۵/۴	۵۱/۲
کارفرما	۱۱	۲/۶	۲/۶	۵۳/۸
خانه دار	۹۹	۲۳/۵	۲۳/۵	۷۷/۳
دانشجو یا محصل	۵۱	۱۲/۱	۱۲/۱	۸۹/۳
بیکار	۲۶	۶/۲	۶/۲	۹۵/۵
بازنشسته	۱۴	۳/۳	۳/۳	۹۸/۸
بدون پاسخ	۵	۱/۲	۱/۲	۱۰۰
کل	۴۲۲	۱۰۰	۱۰۰	-



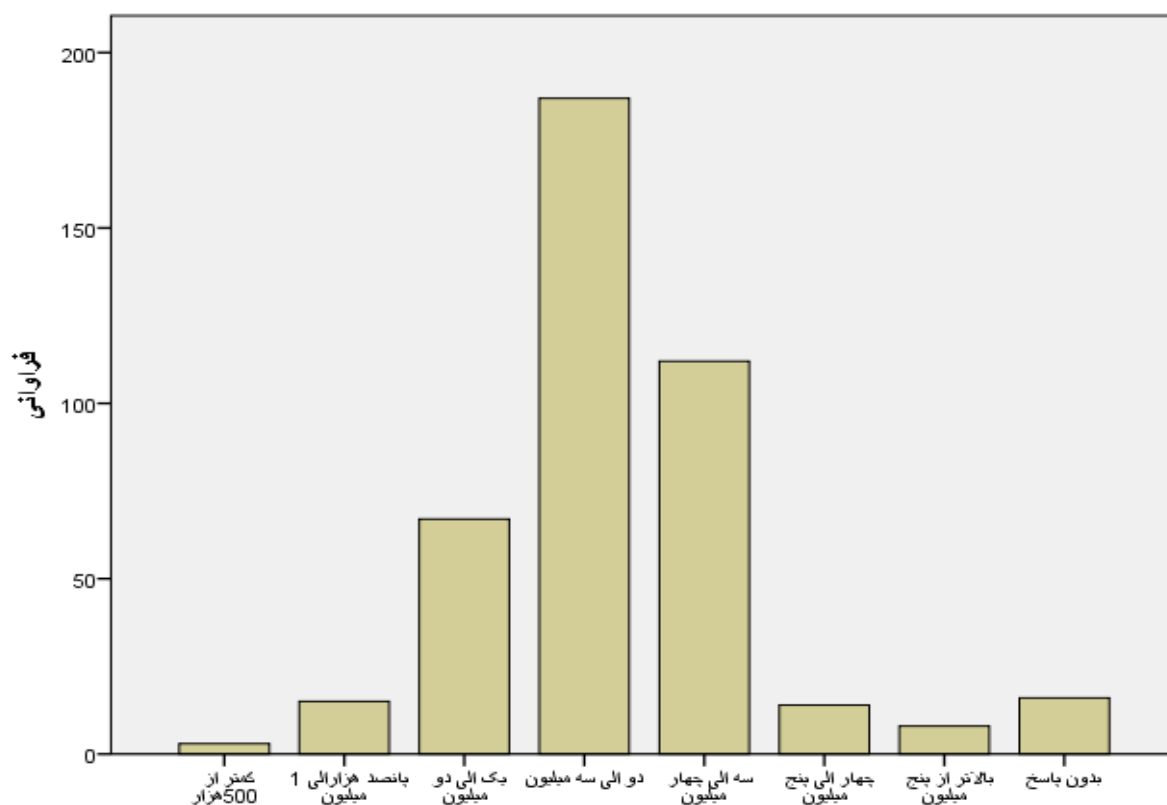
جدول (۶): نمودار فراوانی پاسخگویان بر اساس وضعیت اشتغال سرپرست خانوار

#### ۴-۲-۶) توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان هزینه ی خانواده

در بررسی توزیع فراوانی نمونه آماری بر حسب میزان هزینه ی خانوار مشاهده می شود از بین پاسخگویان به ترتیب  $44/3$  درصد پاسخگویان هزینه ای برابر با ۲ الی ۳ میلیون تومان،  $26/5$  درصد ۳ الی ۴ میلیون تومان،  $15/9$  درصد ۱ الی ۲ میلیون تومان،  $3/6$  درصد ۵۰۰ الی ۱ میلیون تومان،  $3/3$  درصد ۴ الی ۵ میلیون تومان،  $1/9$  درصد بالاتر از ۵ میلیون تومان و  $0/7$  درصد کمتر از ۵۰۰ هزار تومان می باشد. جدول (۱۳) این توزیع را نشان می دهد.

جدول شماره (۱۳): توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وضعیت میزان هزینه ی خانوار

وضعیت میزان هزینه ی خانوار	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی معتبر	درصد فراوانی تجمعی
کمتر از ۵۰۰ هزار تومان	۳	۰/۷	۰/۷	۰/۷
۵۰۰ هزار الی ۱ میلیون تومان	۱۵	۳/۶	۳/۶	۴/۳
۱ الی ۲ میلیون تومان	۶۷	۱۵/۹	۱۵/۹	۲۰/۱
۲ الی ۳ میلیون تومان	۱۸۷	۴۴/۳	۴۴/۳	۶۴/۵
۳ الی ۴ میلیون تومان	۱۱۲	۲۶/۵	۲۶/۵	۹۱
۴ الی ۵ میلیون تومان	۱۴	۳/۳	۳/۳	۹۴/۳
بالاتر از ۵ میلیون تومان	۸	۱/۹	۱/۹	۹۶/۲
بدون پاسخ	۱۶	۳/۸	۳/۸	۱۰۰
کل	۴۲۲	۱۰۰	۱۰۰	-



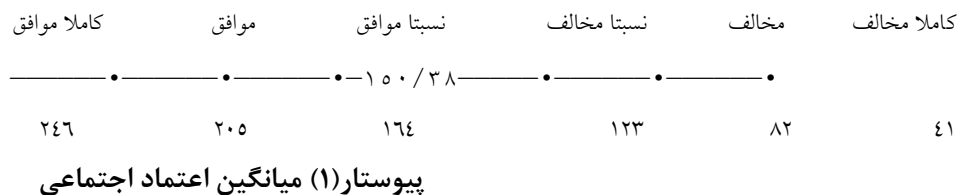
نمودار (۷): نمودار فراوانی پاسخگویان بر اساس هزینه ی خانوار

#### ۴-۲-۷) توزیع پراکندگی پاسخگویان بر حسب اعتماد اجتماعی

برای سنجش متغیر اعتماد اجتماعی از ۴۱ گویه استفاده شده است. نمره ۴۱ در این عامل بیانگر پایین

ترین و نمره ۲۴۶ نشان دهنده بالاترین سطح اعتماد اجتماعی می باشد. میانگین بدست آمده برای این

عامل ۱۵۰/۳۸ می باشد که نشان می دهد بیشتر افراد نمونه آماری اعتماد اجتماعی بالاتر از میانگین دارند. میانگین اعتماد اجتماعی در پیوستار زیر نشان داده شده است.

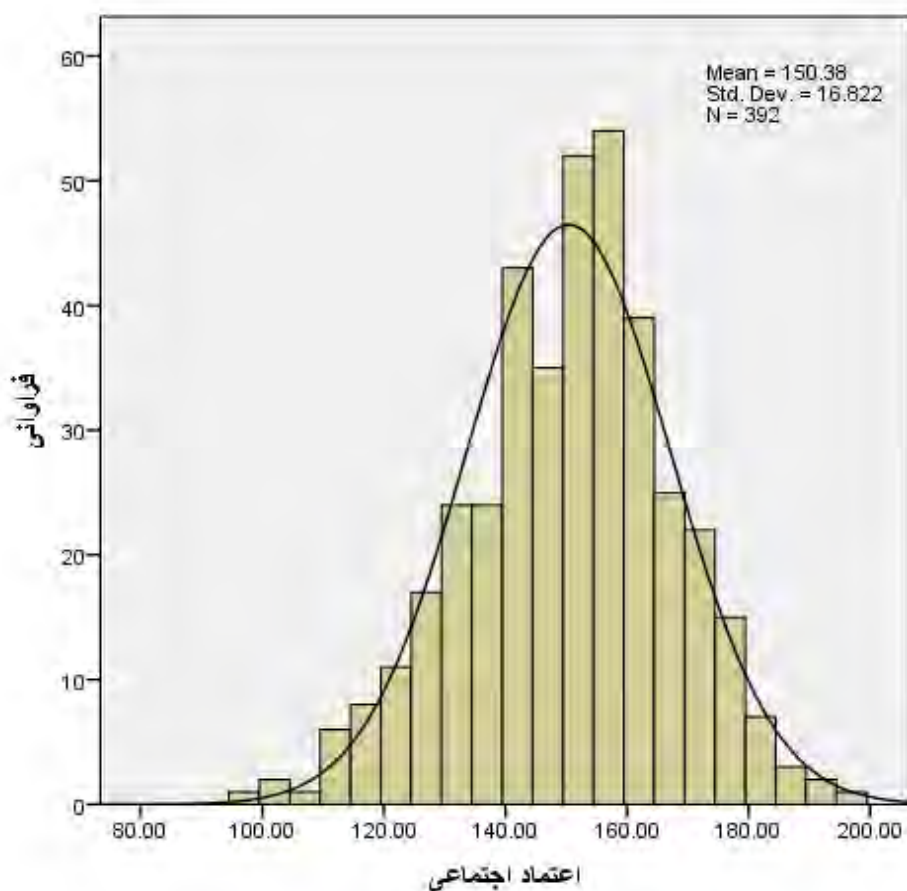


نتایج جدول(۱۴) نشان می دهد در این تحقیق برای عامل اعتماد اجتماعی واریانس برابر با ۲۸۲/۹۸، انحراف معیار ۱۶/۸۲، حداقل ۹۷، حداکثر ۱۹۵ می باشد. همچنین چولگی این توزیع ۰/۲۷۲- و کشیدگی آن ۰/۱۱۹ است.

جدول(۱۴): آماره های توصیفی مربوط به متغیر اعتماد اجتماعی

کلی	بدون پاسخ	میانگین	انحراف معیار	واریانس	چولگی	کشیدگی	دامنه تغییرات	حداقل	حداکثر
۳۹۲	۳۰	۱۵۰/۳۸	۱۶/۸۲	۲۸۲/۹۸	-۰/۲۷۲	۰/۱۱۹	۹۸	۹۷	۱۹۵

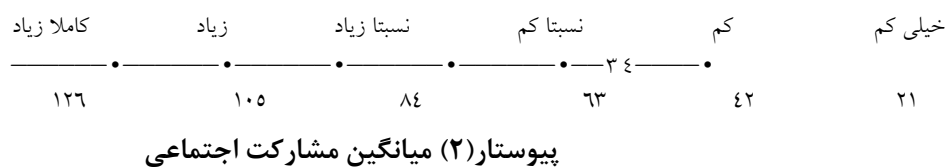




نمودار شماره (۸): توزیع فراوانی اعتماد اجتماعی جامعه مورد مطالعه

#### ۴-۲-۸) توزیع پراکندگی پاسخگویان بر حسب مشارکت اجتماعی

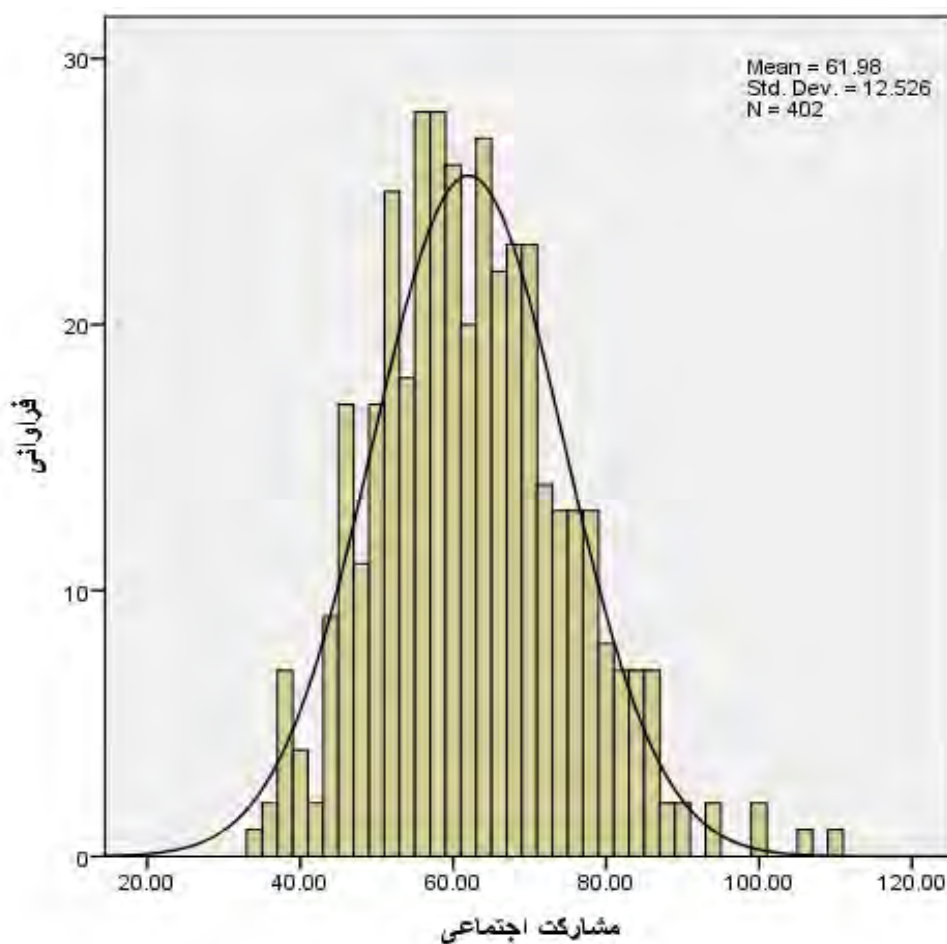
برای سنجش متغیر مشارکت اجتماعی از ۲۱ گویه استفاده شده است. نمره ۲۱ در این عامل بیانگر پایین ترین و نمره ۱۲۶ نشان دهنده بالاترین سطح مشارکت اجتماعی می باشد. میانگین بدست آمده برای این عامل ۳۴ می باشد که نشان می دهد بیشتر افراد نمونه آماری مشارکت اجتماعی بسیار کمتر از میانگین دارند. میانگین مشارکت اجتماعی در پیوستار زیر نشان داده شده است.



نتایج جدول (۱۵) نشان می دهد در این تحقیق برای عامل مشارکت اجتماعی واریانس برابر با ۱۵۶/۹۱، انحراف معیار ۱۲/۵۲، حداقل ۳۴، حداکثر ۱۰۹ می باشد. همچنین چولگی این توزیع ۰/۴۲۷ و کشیدگی آن ۰/۳۸۶ است.

جدول (۱۵): آماره های توصیفی مربوط به متغیر اعتماد اجتماعی

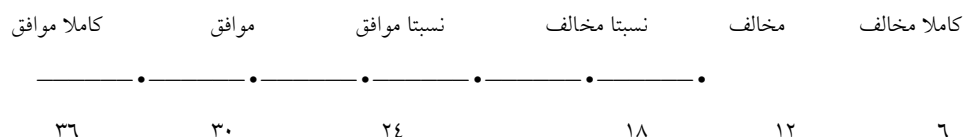
کل	بدون پاسخ	میانگین	انحراف معیار	واریانس	چولگی	کشیدگی	دامنه تغییرات	حداقل	حداکثر
۴۰۲	۲۰	۳۴	۱۲/۵۲	۱۵۶/۹۱	۰/۴۲۷	۰/۳۸۶	۷۵	۳۴	۱۰۹



نمودار شماره (۹): توزیع فراوانی مشارکت اجتماعی جامعه مورد مطالعه

#### ۴-۲-۹) توزیع پراکندگی پاسخگویان بر حسب بعد اعتماد بین شخصی

برای سنجش بعد اعتماد بین شخصی متغیر اعتماد اجتماعی از ۶ گویه استفاده شده است. نمره ۶ در این عامل بیانگر پایین ترین و نمره ۳۶ نشان دهنده بالاترین سطح بعد اعتماد بین شخصی می باشد. میانگین بدست آمده برای این عامل ۲۴/۰۷ می باشد که نشان می دهد بیشتر افراد نمونه آماری از لحاظ بعد اعتماد بین شخصی بالاتر از میانگین دارند. میانگین اعتماد بین شخصی در پیوستار زیر نشان داده شده است.

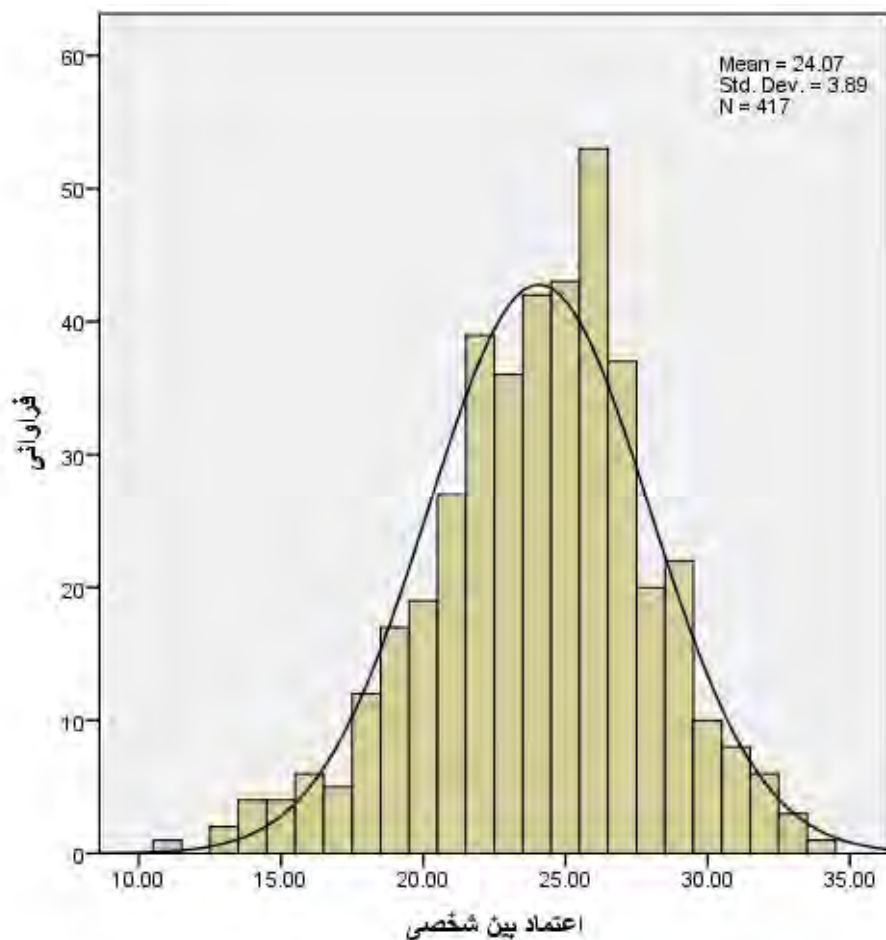


#### پیوستار (۳) میانگین اعتماد بین شخصی

نتایج جدول (۱۶) نشان می دهد در این تحقیق برای بعد اعتماد بین شخصی عامل اعتماد اجتماعی واریانس برابر با ۱۵/۱۳، انحراف معیار ۳/۹، حداقل ۳۴، حداکثر ۳۴ می باشد. همچنین چولگی این توزیع ۰/۳۳۸- و کشیدگی آن ۰/۲۳۶ است.

جدول (۱۶): آماره های توصیفی مربوط به بعد اعتماد بین شخصی متغیر اعتماد اجتماعی

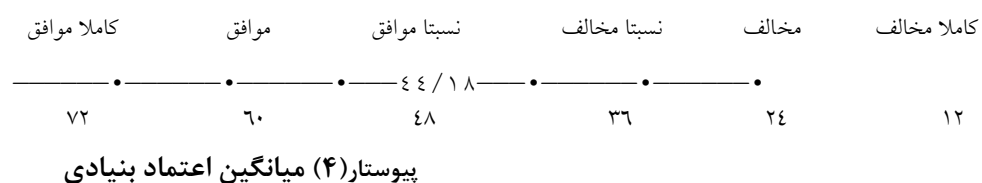
کل	بدون پاسخ	میانگین	انحراف معیار	واریانس	چولگی	کشیدگی	دامنه تغییرات	حداقل	حداکثر
۴۱۷	۵	۲۴/۰۷	۳/۹۰	۱۵/۱۳	-۰/۳۳۸	۰/۲۳۶	۲۳	۱۱	۳۴



نمودار شماره (۱۰): توزیع فراوانی اعتماد بین شخصی جامعه مورد مطالعه

#### ۴-۲-۱۰) توزیع پراکندگی پاسخگویان بر حسب بعد اعتماد بنیادی

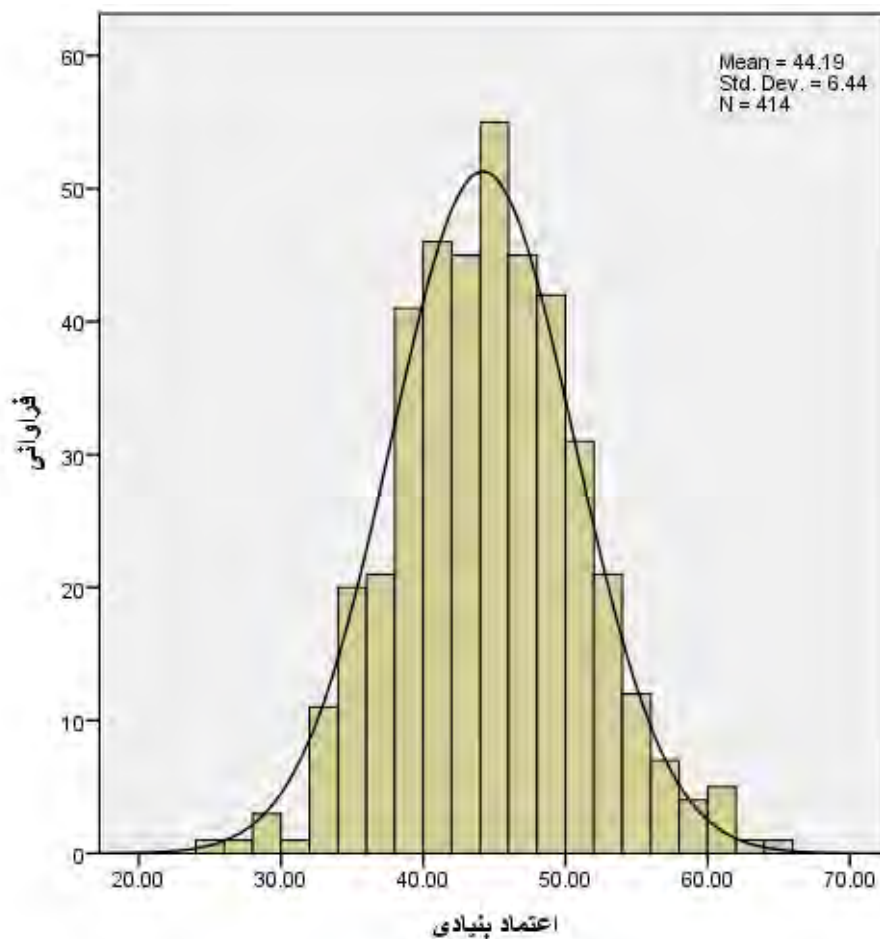
برای سنجش بعد اعتماد بنیادی متغیر اعتماد اجتماعی از ۱۲ گویه استفاده شده است. نمره ۱۲ در این عامل بیانگر پایین ترین و نمره ۷۲ نشان دهنده بالاترین سطح بعد اعتماد بنیادی می باشد. میانگین بدست آمده برای این عامل ۴۴/۱۸ می باشد که نشان می دهد بیشتر افراد نمونه آماری از لحاظ بعد اعتماد بنیادی اندکی بالاتر از میانگین دارند. میانگین اعتماد بنیادی در پیوستار زیر نشان داده شده است.



نتایج جدول (۱۶) نشان می دهد در این تحقیق برای بعد اعتماد بین شخصی عامل اعتماد اجتماعی واریانس برابر با ۱۵/۱۳، انحراف معیار ۳/۹، حداقل ۱۱، حداکثر ۳۴ می باشد. همچنین چولگی این توزیع ۰/۳۳۸- و کشیدگی آن ۰/۲۳۶ است.

جدول (۱۶): آماره های توصیفی مربوط به بعد اعتماد بین شخصی متغیر اعتماد بنیادی

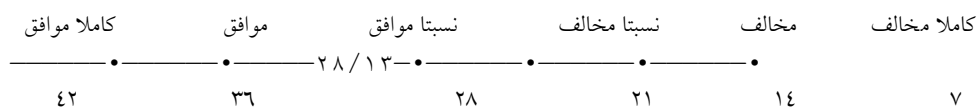
کل	بدون پاسخ	میانگین	انحراف معیار	واریانس	چولگی	کشیدگی	دامنه تغییرات	حداقل	حداکثر
۴۱۴	۸	۴۴/۱۹	۶/۴۴	۴۱/۴۷	۰/۱۵۲	۰/۱۲۸	۴۰	۲۵	۶۵



نمودار (۱۱): نمودار پراکندگی بعد اعتماد بنیادی متغیر اعتماد اجتماعی

#### ۴-۲-۱۱) توزیع پراکندگی پاسخگویان برحسب بعد اعتماد نهادی

برای سنجش بعد اعتماد نهادی متغیر اعتماد اجتماعی از ۷ گویه استفاده شده است. نمره ۷ در این عامل بیانگر پایین ترین و نمره ۴۲ نشان دهنده بالاترین سطح بعد اعتماد نهادی می باشد. میانگین بدست آمده برای این عامل ۲۸/۱۳ می باشد که نشان می دهد بیشتر افراد نمونه آماری از لحاظ بعد اعتماد نهادی اندکی بالاتر از میانگین دارند. میانگین اعتماد نهادی در پیوستار زیر نشان داده شده است.

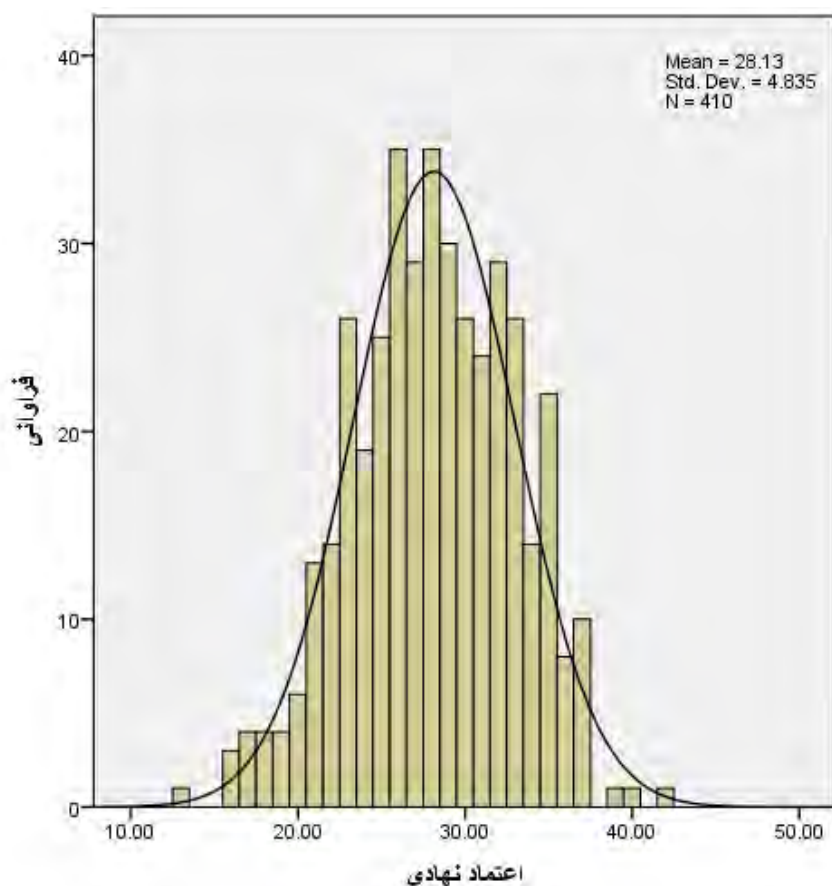


#### پیوستار (۵) میانگین اعتماد نهادی

نتایج جدول (۱۷) نشان می دهد در این تحقیق برای بعد اعتماد نهادی عامل اعتماد اجتماعی واریانس برابر با ۲۳/۳۷، انحراف معیار ۴/۸۳، حداقل ۱۳، حداکثر ۴۲ می باشد. همچنین چولگی این توزیع ۰/۱۵- و کشیدگی آن ۰/۲۶۵- است.

جدول (۱۷): آماره های توصیفی مربوط به بعد اعتماد بین شخصی متغیر اعتماد نهادی

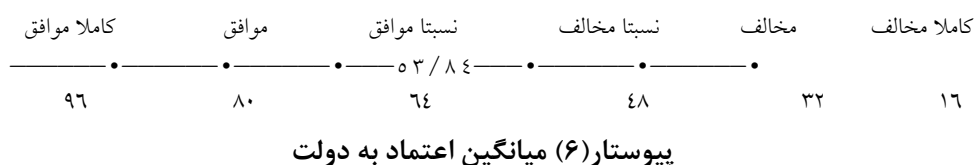
کل	بدون پاسخ	میانگین	انحراف معیار	واریانس	چولگی	کشیدگی	دامنه تغییرات	حداقل	حداکثر
۴۱۰	۱۲	۲۸/۱۳	۴/۸۳	۲۳/۳۸	-۰/۱۵	-۰/۲۶۵	۲۹	۱۳	۴۲



نمودار (۱۲): نمودار پراکندگی بعد اعتماد نهادی متغیر اعتماد اجتماعی

#### ۴-۲-۱۲) توزیع پراکندگی پاسخگویان بر حسب بعد اعتماد به دولت

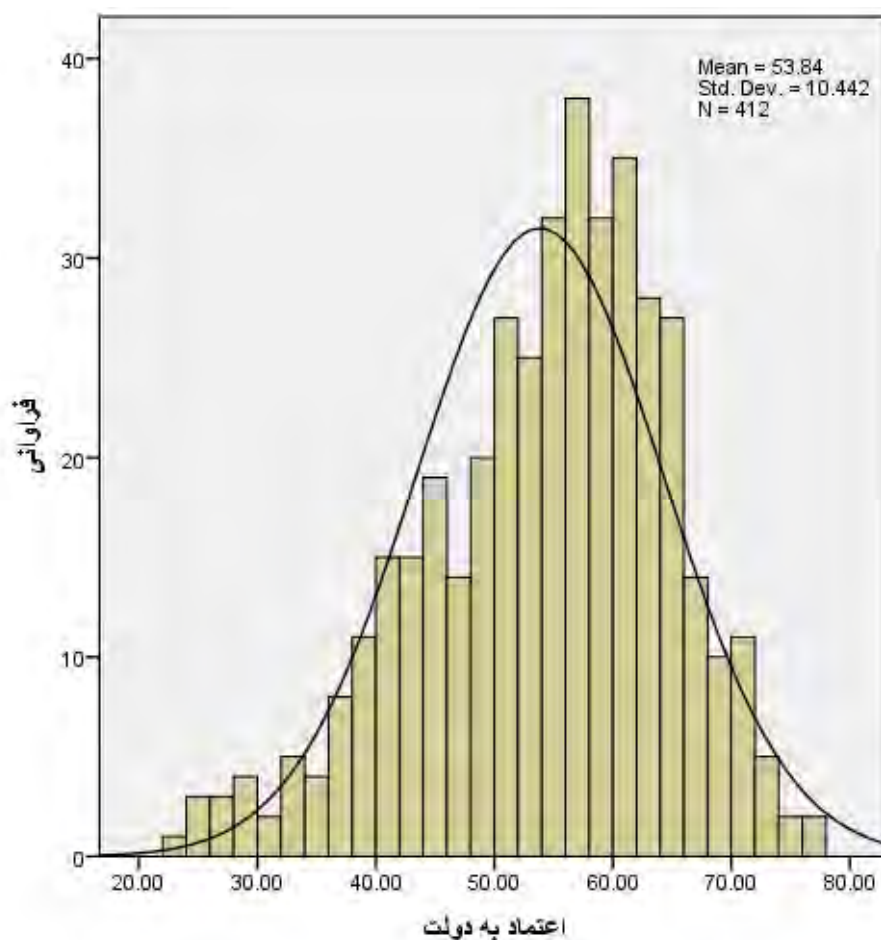
برای سنجش بعد اعتماد به دولت متغیر اعتماد اجتماعی از ۱۶ گویه استفاده شده است. نمره ۱۶ در این عامل بیانگر پایین ترین و نمره ۹۶ نشان دهنده بالاترین سطح بعد اعتماد به دولت می باشد. میانگین بدست آمده برای این عامل ۵۳/۸۴ می باشد که نشان می دهد بیشتر افراد نمونه آماری از لحاظ بعد اعتماد به دولت اندکی پایین تر از میانگین دارند. میانگین اعتماد به دولت در پیوستار زیر نشان داده شده است.



نتایج جدول (۱۸) نشان می دهد در این تحقیق برای بعد اعتماد به دولت عامل اعتماد اجتماعی واریانس برابر با  $109/03$ ، انحراف معیار  $10/44$ ، حداقل  $23$ ، حداکثر  $77$  می باشد. همچنین چولگی این توزیع  $-0/539$  و کشیدگی آن  $0/029$  است.

جدول (۱۸): آماره های توصیفی مربوط به بعد اعتماد بین شخصی متغیر اعتماد به دولت

کل	بدون پاسخ	میانگین	انحراف معیار	واریانس	چولگی	کشیدگی	دامنه تغییرات	حداقل	حداکثر
۴۱۲	۱۰	۵۳/۸۴	۱۰/۴۴	۱۰۹/۰۳	-۰/۵۳۹	۰/۰۲۹	۵۴	۲۳	۷۷



نمودار (۱۳): نمودار پراکندگی بعد اعتماد نهادی متغیر اعتماد به دولت



۳-۴) ۱) بررسی رابطه ی بین مشارکت و جنسیت پاسخگویان

برای مقایسه ی مشارکت اجتماعی بر حسب جنسیت، و با توجه به این که متغیر مشارکت اجتماعی در سطح فاصله ای سنجیده شده و متغیر جنسیت اساسا در سطح اسمی سنجیده می شود، از آزمون مقایسه ی میانگین  $t$  استیودنت یا  $t$ -test استفاده می شود و با توجه به این که گروه های مورد مقایسه ی ما مستقل هستند آزمون استفاده شده  $t$  مستقل است.

در این تحلیل فرض های آماری ما به صورت زیر است :

$H_0$ : میانگین های دو گروه با هم برابر هستند

$H_1$ : میانگین های دو گروه با هم برابر نیستند

به عبارت دیگر اگر فرضیه صفر تایید شود بدین معنا است که جنسیت بر مشارکت تاثیری ندارد و تایید شدن فرضیه ی یک به معنای اثبات وجود این اثر است. براساس جدول (۱۹) مشاهده می شود که سطح معناداری آزمون تی استیودنت  $Sig.$  برای هر دو پیش فرض واریانس های برابر و نابرابر بیشتر از مقدار  $0/05$  می باشد و این بدین معنی است که در سطح اطمینان  $99$  درصد فرض صفر تایید و فرض یک رد می شود. یعنی در مشارکت اجتماعی نمونه ی مورد بررسی براساس جنسیت تفاوت معناداری وجود ندارد.

جدول (۱۹) نتایج آزمون تی استیودنت مشارکت اجتماعی براساس جنسیت

t-test برای برابری میانگین ها								متغیر مشارکت اجتماعی	
تفاوت در فاصله اعتماد		خطای استاندارد	تفاوت میانگین	Sig. (2-tailed)	df	t	Sig.		F
پایین	بالا	تفاوت							

۷/۰۶	۲/۲۲	۱/۲۳	۴/۶۳۸	۰/۰۰۰	۴۰۰	۳/۷۶۶	۰/۲۴۴	۱/۳۶۴	فرض برابر بودن واریانس ها
۷/۰۴	۲/۲۳	۱/۲۲	۴/۶۳۸	۰/۰۰۰	۳۹۹/۹۷	۳/۷۹۱			فرض برابر نبودن واریانس ها

#### ۴-۳-۲) رابطه وضعیت تاهل و مشارکت اجتماعی

برای آزمون فرضیه رابطه بین دو متغیر وضعیت تاهل و مشارکت اجتماعی با توجه به اینکه سنجش رابطه مقیاس اسمی با فاصله ای مدنظر بوده از آنالیز واریانس یکطرفه استفاده گردید. به طوری که طبق اطلاعات جدول (۲۰)، میانگین نمره های مشارکت اجتماعی افراد مجرد ۶۱/۹۶، متأهل ۶۰/۳۱، مطلقه ۶۵/۲۶ و بیوه ۶۵/۸۳ می باشد. همچنین همان گونه که جدول (۲۱) نشان می دهد تفاوت میانگین وضعیت تاهل در سطح ۰/۰۵ بر اساس مشارکت اجتماعی معنی دار نمی باشد.

جدول (۲۰): میانگین مشارکت مردم به تفکیک وضعیت تاهل

وضعیت تاهل	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد	کمترین	بیشترین
مجرد	۲۴۴	۶۱/۹۶	۱۲/۳۷	۰/۷۹	۳۵	۱۰۹
متاهل	۱۰۴	۶۰/۳۱	۱۲/۶۸	۱/۲۴	۳۴	۹۳
مطلقه	۲۳	۶۵/۲۶	۱۲/۱۸	۲/۵۴	۴۵	۸۶
بیوه	۲۳	۶۵/۸۳	۱۳/۱۶	۲/۷۴	۳۹	۹۰
کل	۳۹۴	۶۱/۹۴	۱۲/۵۳	۰/۶۳	۳۴	۱۰۹

جدول (۲۱): نتایج آزمون آنالیز واریانس یکطرفه مشارکت اجتماعی بر اساس وضعیت تاهل

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	سطح معنی داری F
بین گروهی	۸۷۴/۹۱	۳	۲۹۱/۶۴	۱/۸۷	۰/۱۳۴
درون گروهی	۶۰۸۴۱/۸۶	۳۹۰	۱۵۶/۰۰۵		
کل	۶۱۷۱۶/۷۸	۳۹۳			

#### ۴-۳-۳) رابطه میزان تحصیلات و مشارکت اجتماعی

برای آزمون فرضیه رابطه بین دو متغیر میزان تحصیلات و مشارکت اجتماعی با توجه به اینکه سنجش رابطه مقیاس اسمی با فاصله ای مدنظر بوده از آنالیز واریانس یکطرفه استفاده گردید. به طوری که طبق

اطلاعات جدول (۲۲)، میانگین نمره های مشارکت اجتماعی افراد بیسواد ۷۵/۵، دارای تحصیلات ابتدایی ۶۵، راهنمایی ۶۱/۷۴، متوسطه ۵۹/۱۶، فوق دیپلم ۶۶/۰۲، لیسانس ۶۰/۸۶، فوق لیسانس ۶۴/۸۱، دکترا ۷۰ و حوزه ۶۱/۹۹ می باشد. همچنین همان گونه که جدول (۲۳) نشان می دهد تفاوت میانگین میزان تحصیلات در سطح ۰/۰۱ بر اساس مشارکت اجتماعی معنی دار می باشد.

جدول (۲۲): میانگین مشارکت مردم به تفکیک میزان تحصیلات

میزان تحصیلات	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد	کمترین	بیشترین
بیسواد	۲	۷۵/۵	۱۴/۸۵	۱۰/۵	۶۵	۸۶
ابتدایی	۳۴	۶۵	۱۱/۵۰	۱/۹۷	۴۳	۹۰
راهنمایی	۴۷	۶۱/۷۴	۱۱/۵۴	۱/۶۸	۳۷	۸۳
متوسطه	۱۲۴	۵۹/۱۶	۱۱/۶۳	۱/۰۴	۳۴	۸۷
فوق دیپلم	۴۸	۶۶/۰۲	۱۷/۲۵	۲/۴۹	۳۵	۱۰۶
لیسانس	۹۷	۶۰/۸۶	۱۰/۹۸	۱/۱۱	۳۸	۸۶
فوق لیسانس	۴۳	۶۴/۸۱	۱۲/۵۵	۱/۹۱	۴۳	۱۰۹
دکترا	۴	۷۰	۸/۱۲	۴/۰۶	۵۸	۷۵
حوزه	۲	۵۹/۵	۰/۷۱	۰/۵۰	۵۹	۶۰
کل	۴۰۱	۶۱/۹۹	۱۲/۵۴	۰/۶۲۷	۳۴	۱۰۹

جدول (۲۳): نتایج آزمون آنالیز واریانس یکطرفه مشارکت اجتماعی بر اساس میزان تحصیلات

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	سطح معنی داری F
بین گروهی	۳۱۸۴/۷۶	۸	۳۹۸/۰۹	۲/۶۱	۰/۰۰۹
درون گروهی	۵۹۷۳۲/۱۸	۳۹۲	۱۵۲/۳۸		
کل	۶۲۹۱۶/۹۴	۴۰۰			

معنادار شدن این آزمون ها به ما نمی گوید که تفاوت بین کدام جفت از میانگین ها معنادار است. برای تعیین معنادار بودن تفاوت بین میانگین ها در تحقیق حاضر، از روش LSD استفاده شده است. جدول (۲۴) نتایج آزمون LSD جزئیات معناداری تفاوت میانگین های مشارکت اجتماعی را به تفکیک میزان تحصیلات نشان می دهد.

جدول (۲۴): آزمون LSD مشارکت اجتماعی به تفکیک میزان تحصیلات

Sig	تفاوت میانگین مشارکت اجتماعی به تفکیک میزان تحصیلات	
۰/۰۱۵	ابتدایی	متوسطه
۰/۰۱	فوق لیسانس	متوسطه
۰/۰۰۱	فوق دیپلم	متوسطه

#### ۴-۳-۴) رابطه وضعیت اشتغال سرپرست خانوار و مشارکت اجتماعی

برای آزمون فرضیه رابطه بین دو متغیر وضعیت اشتغال سرپرست خانوار و مشارکت اجتماعی با توجه به اینکه سنجش رابطه مقیاس اسمی با فاصله ای مدنظر بوده از آنالیز واریانس یکطرفه استفاده گردید. به طوری که طبق اطلاعات جدول (۲۵)، میانگین نمره های مشارکت اجتماعی سرپرست های خانوار داری کار مستقل ۶۳/۲۲، کارکن بخش خصوصی ۶۳/۶۵، کارکن بخش دولتی ۶۴/۷۲، کارفرما ۶۶/۲۷، خانه دار ۵۹/۵، دانشجو ۵۷/۷۶، بیکار ۶۲/۶۱ و دارای شغل آزاد ۶۶/۲۱ می باشد. همچنین همان گونه که جدول (۲۶) نشان می دهد تفاوت میانگین وضعیت اشتغال سرپرست خانوار در سطح ۰/۰۱ بر اساس مشارکت اجتماعی معنی دار می باشد.

جدول (۲۵): میانگین مشارکت مردم به تفکیک وضعیت اشتغال سرپرست خانوار

وضعیت اشتغال سرپرست خانوار	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد	کمترین	بیشترین
کارکن مستقل	۸۳	۶۳/۲۲	۱۲/۳۶	۱/۳۶	۳۷	۱۰۶
کارکن بخش خصوصی	۵۵	۶۳/۶۵	۱۲/۷۲	۱/۱۷	۳۶	۱۰۰
کارکن بخش دولتی	۶۴	۶۴/۷۲	۱۲/۲۸	۱/۵۳	۳۷	۱۰۹
کارفرما	۱۱	۶۶/۲۷	۱۰/۶۸	۳/۲۲	۴۶	۸۱
خانه دار	۹۸	۵۹/۰۵	۱۲/۲۰	۱/۲۳	۳۵	۹۰
دانشجو	۵۰	۵۷/۷۶	۱۳/۰۲	۱/۸۴	۳۴	۸۶
بیکار	۲۳	۶۲/۶۱	۱۲/۱۳	۲/۵۳	۴۳	۸۵
شغل آزاد	۱۴	۶۶/۲۱	۱۱/۴۰	۳/۰۵	۴۳	۸۸
کل	۳۹۸	۶۱/۹۶	۱۲/۵۵	۰/۶۲۹	۳۴	۱۰۹

جدول (۲۶): نتایج آزمون آنالیز واریانس یکطرفه مشارکت اجتماعی بر اساس وضعیت اشتغال سرپرست خانوار

سطح معنی داری F	آماره F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	منبع تغییرات	
۰/۰۰۸	۲/۷۶۴	۴۲۲/۱۵۵	۷	۲۹۵۵/۰۸۲	بین گروهی	مشارکت اجتماعی
		۱۵۲/۷۵۷	۳۹۰	۵۹۵۷۵/۳۵۲	درون گروهی	
			۳۹۷	۶۲۵۳۰/۴۳۵	کل	

معنادار شدن این آزمون ها به ما نمی گوید که تفاوت بین کدام جفت از میانگین ها معنادار است. برای

تعیین معنادار بودن تفاوت بین میانگین ها در تحقیق حاضر، از روش LSD استفاده شده است. جدول

(۲۷) نتایج آزمون LSD جزئیات معناداری تفاوت میانگین های مشارکت اجتماعی را به تفکیک وضعیت

اشتغال سرپرست خانوار نشان می دهد.

جدول (۲۷): آزمون LSD مشارکت اجتماعی به تفکیک وضعیت اشتغال سرپرست خانوار

Sig	تفاوت میانگین مشارکت اجتماعی به تفکیک وضعیت اشتغال سرپرست خانوار
۰/۰۲	کارکن مستقل / خانه دار
۰/۰۱۴	کارکن مستقل / دانشجو
۰/۰۱۵	کارکن بخش خصوصی / دانشجو
۰/۰۰۵	کارکن بخش دولتی / خانه دار
۰/۰۰۳	کارکن بخش دولتی / دانشجو
۰/۰۲۴	شغل آزاد / دانشجو

#### ۴-۳-۵) رابطه وضعیت اشتغال سرپرست خانوار و مشارکت اجتماعی

برای آزمون فرضیه رابطه بین دو متغیر وضعیت اشتغال سرپرست خانوار و مشارکت اجتماعی با توجه

به اینکه سنجش رابطه مقیاس اسمی با فاصله ای مدنظر بوده از آنالیز واریانس یکطرفه استفاده گردید. به

طوری که طبق اطلاعات جدول (۲۸)، میانگین نمره های مشارکت اجتماعی سرپرست های خانوار داری کار مستقل ۶۳/۲۲، کارکن بخش خصوصی ۶۳/۶۵، کارکن بخش دولتی ۶۴/۷۲، کارفرما ۶۶/۲۷، خانه دار ۵۹/۵، دانشجو ۵۷/۷۶، بیکار ۶۲/۶۱ و دارای شغل آزاد ۶۶/۲۱ می باشد. همچنین همان گونه که جدول (۲۹) نشان می دهد تفاوت میانگین وضعیت اشتغال سرپرست خانوار در سطح ۰/۰۱ بر اساس مشارکت اجتماعی معنی دار می باشد.

جدول (۲۸): میانگین مشارکت مردم به تفکیک وضعیت اشتغال سرپرست خانوار

وضعیت اشتغال سرپرست خانوار	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد	کمترین	بیشترین
کارکن مستقل	۸۳	۶۳/۲۲	۱۲/۳۶	۱/۳۶	۳۷	۱۰۶
کارکن بخش خصوصی	۵۵	۶۳/۶۵	۱۲/۷۲	۱/۱۷	۳۶	۱۰۰
کارکن بخش دولتی	۶۴	۶۴/۷۲	۱۲/۲۸	۱/۵۳	۳۷	۱۰۹
کارفرما	۱۱	۶۶/۲۷	۱۰/۶۸	۳/۲۲	۴۶	۸۱
خانه دار	۹۸	۵۹/۰۵	۱۲/۲۰	۱/۲۳	۳۵	۹۰
دانشجو	۵۰	۵۷/۷۶	۱۳/۰۲	۱/۸۴	۳۴	۸۶
بیکار	۲۳	۶۲/۶۱	۱۲/۱۳	۲/۵۳	۴۳	۸۵
شغل آزاد	۱۴	۶۶/۲۱	۱۱/۴۰	۳/۰۵	۴۳	۸۸
کل	۳۹۸	۶۱/۹۶	۱۲/۵۵	۰/۶۲۹	۳۴	۱۰۹

جدول (۲۹): نتایج آزمون واریانس یکطرفه مشارکت اجتماعی بر اساس وضعیت اشتغال سرپرست خانوار

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	سطح معنی داری F
بین گروهی	۲۹۵۵/۰۸۲	۷	۴۲۲/۱۵۵	۲/۷۶۴	۰/۰۰۸
درون گروهی	۵۹۵۷۵/۳۵۲	۳۹۰	۱۵۲/۷۵۷		
کل	۶۲۵۳۰/۴۳۵	۳۹۷			

معنادار شدن این آزمون ها به ما نمی گوید که تفاوت بین کدام جفت از میانگین ها معنادار است. برای تعیین معنادار بودن تفاوت بین میانگین ها در تحقیق حاضر، از روش LSD استفاده شده است. جدول (۳۰) نتایج آزمون LSD جزئیات معناداری تفاوت میانگین های مشارکت اجتماعی را به تفکیک وضعیت اشتغال سرپرست خانوار نشان می دهد.

جدول (۳۰): آزمون LSD مشارکت اجتماعی به تفکیک وضعیت اشتغال سرپرست خانوار

Sig	تفاوت میانگین مشارکت اجتماعی به تفکیک وضعیت اشتغال سرپرست خانوار
۰/۰۲	کارکن مستقل خانه دار
۰/۰۱۴	کارکن مستقل دانشجو
۰/۰۱۵	کارکن بخش خصوصی دانشجو
۰/۰۰۵	کارکن بخش دولتی خانه دار
۰/۰۰۳	کارکن بخش دولتی دانشجو
۰/۰۲۴	شغل آزاد دانشجو
۰/۰۲۴	شغل آزاد خانه دار

#### ۴-۳-۶) رابطه میزان هزینه ی خانوار و مشارکت اجتماعی

برای آزمون فرضیه رابطه بین دو متغیر میزان هزینه ی خانوار و مشارکت اجتماعی با توجه به اینکه سنجش رابطه مقیاس اسمی با فاصله ای مدنظر بوده از آنالیز واریانس یکطرفه استفاده گردید. به طوری که طبق اطلاعات جدول (۳۱)، میانگین نمره های مشارکت اجتماعی خانوارهای دارای هزینه ی کمتر از ۵۰۰ هزار تومان برابر با ۶۸/۳۳، ۵۰۰ الی ۱ میلیون برابر با ۶۷/۶۷، ۱ الی ۲ میلیون برابر با ۶۲/۰۱، ۲ الی ۳ میلیون برابر با ۵۸/۸۵، ۳ الی ۴ میلیون برابر با ۶۳/۷۳، ۴ الی ۵ میلیون برابر با ۷۵/۹۲، بالاتر از ۵ میلیون برابر با ۷۶/۱۴ می باشد. همچنین همان گونه که جدول (۳۲) نشان می دهد تفاوت میانگین میزان هزینه ی خانوار در سطح ۰/۰۱ بر اساس مشارکت اجتماعی معنی دار می باشد.

جدول (۳۱): میانگین مشارکت مردم به تفکیک میزان هزینه ی خانوار

میزان هزینه ی خانوار	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد	کمترین	بیشترین
کمتر از ۵۰۰ هزار تومان	۳	۶۸/۳۳	۷/۰۹۴	۷/۱۰	۶۲	۷۶
۵۰۰ الی ۱ میلیون تومان	۱۲	۶۷/۶۷	۱۲/۰۴۸	۱۲/۰۴۸	۴۴	۸۶
۱ الی ۲ میلیون تومان	۶۶	۶۲/۰۱	۱۳/۱۳	۱۳/۱۳۳	۳۴	۹۰
۲ الی ۳ میلیون تومان	۱۸۳	۵۸/۸۶	۱۱/۹۲	۱۱/۵۹	۳۵	۱۰۰
۳ الی ۴ میلیون تومان	۱۰۸	۶۳/۷۳	۱۰/۴۱	۱۰/۴۱	۴۲	۹۰
۴ الی ۵ میلیون تومان	۱۲	۷۵/۹۲	۱۹/۲۱	۱۹/۲۱	۴۹	۱۰۹
بالاتر از ۵ میلیون تومان	۷	۷۶/۱۴	۱۴/۳۷	۱۴/۳۷	۶۵	۱۰۰
کل	۳۹۱	۶۱/۹۱	۱۲/۴۷	۱۲/۴۷	۳۴	۱۰۹

جدول (۳۲): نتایج آزمون آنالیز واریانس یکطرفه مشارکت اجتماعی بر اساس میزان هزینه ی خانوار

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	سطح معنی داری F
بین گروهی	۶۳۵۷/۴۳۳	۶	۱۰۵۹/۵۷۲	۷/۴۹۸	۰/۰۰۰
درون گروهی	۵۴۲۶۵/۶۱۱	۳۸۴	۱۴۱/۳۱۷		
کل	۶۰۶۲۳/۰۴۳	۳۹۰			

معنادار شدن این آزمون ها به ما نمی گوید که تفاوت بین کدام جفت از میانگین ها معنادار است. برای

تعیین معنادار بودن تفاوت بین میانگین ها در تحقیق حاضر، از روش LSD استفاده شده است. جدول

(۳۳) نتایج آزمون LSD جزئیات معناداری تفاوت میانگین های مشارکت اجتماعی را به تفکیک میزان

هزینه ی خانوار نشان می دهد.

جدول (۳۳): آزمون LSD مشارکت اجتماعی به تفکیک میزان هزینه ی خانوار

Sig	تفاوت میانگین مشارکت اجتماعی به تفکیک میزان هزینه ی خانوار
۰/۰۱۳	۵۰۰ هزار-۱ میلیون / ۲-۳ میلیون
۰/۰۰	۱-۲ میلیون / ۴-۵ میلیون
۰/۰۰۳	۱-۲ میلیون / بالاتر از ۵ میلیون
۰/۰۰۱	۲-۳ میلیون / ۳-۴ میلیون
۰/۰۰۰	۴-۵ میلیون / ۲-۳ میلیون



۰/۰۰۱	۳-۴ میلیون	۲-۳ میلیون
۰/۰۰۰	بالاتر از ۵ میلیون	۲-۳ میلیون
۰/۰۰۱	۴-۵ میلیون	۳-۴ میلیون
۰/۰۰۸	۰/۰۰۸ میلیون	۳-۴ میلیون

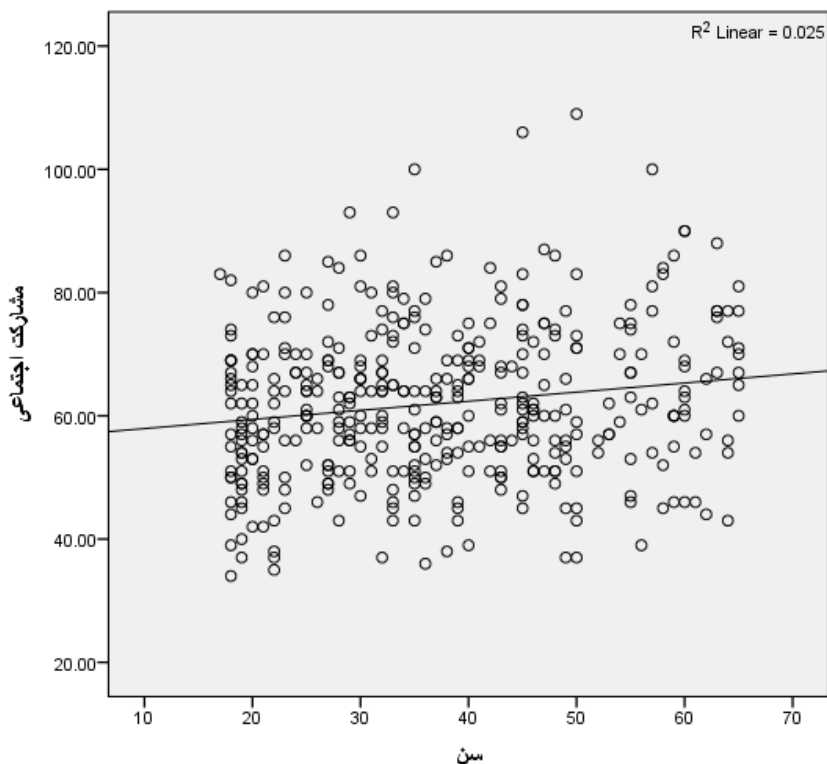
#### ۴-۳-۷) بررسی رابطه بین مشارکت اجتماعی با سن

از آنجائیکه سن و مشارکت اجتماعی هر دو در سطح فاصله ای سنجیده شده اند بنابراین از ضریب همبستگی پیرسون استفاده نمودیم. طبق اطلاعات جدول (۳۴) رابطه بین مشارکت اجتماعی و سن، در سطح ۰/۰۱ معنی دار بوده و با توجه به ضریب همبستگی  $r = 0/158$  می توان گفت این همبستگی مثبت و در حد ضعیف می باشد.

جدول (۳۴): نتایج آزمون همبستگی بین متغیر سن و مشارکت اجتماعی

سن	متغیر مستقل	
	متغیر وابسته	
ضریب همبستگی پیرسون ۰/۱۵۷	مشارکت اجتماعی	
سطح معنی داری ۰/۰۰۲		
تعداد پاسخگویان ۴۰۲		

با توجه به اینکه در همبستگی پیرسون رابطه معنی دار است بایستی نمودار پراکنشی رگرسیونی آن را رسم کنیم. براساس نمودار (۱۴) رگرسیونی ملاحظه می گردد که در نمودار پراکنش مقابل طبق معادله رگرسیونی ارائه شده از روی متغیر سن تا ۰/۰۲۵ درصد می توان مشارکت اجتماعی را پیش بینی کرد.



نمودار شماره (۱۴): پراکنش رگرسیونی سن و مشارکت اجتماعی

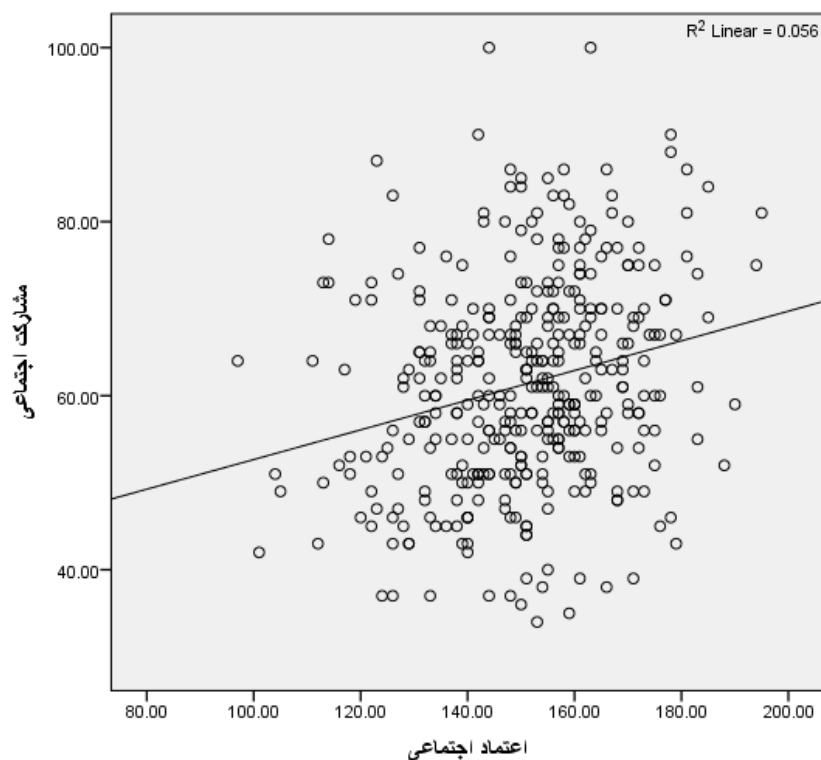
#### ۴-۳-۸ بررسی رابطه بین مشارکت اجتماعی با اعتماد اجتماعی

از آنجائیکه سن و اعتماد اجتماعی هردو در سطح فاصله ای سنجیده شده اند بنابراین از ضریب همبستگی پیرسون استفاده نمودیم. طبق اطلاعات جدول (۳۵) رابطه بین اعتماد اجتماعی و سن، در سطح ۰/۰۱ معنی دار بوده و با توجه به ضریب همبستگی  $r = 0/237$  می توان گفت این همبستگی مثبت و در حد ضعیف می باشد.

جدول (۳۵): نتایج آزمون همبستگی بین متغیر سن و اعتماد اجتماعی

اعتماد اجتماعی	متغیر مستقل	
	متغیر وابسته	
ضریب همبستگی پیرسون	۰/۲۳۷	مشارکت اجتماعی
سطح معنی داری	۰/۰۰۰	
تعداد پاسخگویان	۴۰۲	

با توجه به اینکه در همبستگی پیرسون رابطه معنی دار است بایستی نمودار پراکنشی رگرسیونی آن را رسم کنیم. براساس نمودار (۱۵) رگرسیونی ملاحظه می گردد که در نمودار پراکنش مقابل طبق معادله رگرسیونی ارائه شده از روی متغیر اعتماد اجتماعی تا ۰/۰۵۶ درصد می توان مشارکت اجتماعی را پیش بینی کرد.



نمودار شماره (۱۵): پراکنش رگرسیونی اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی

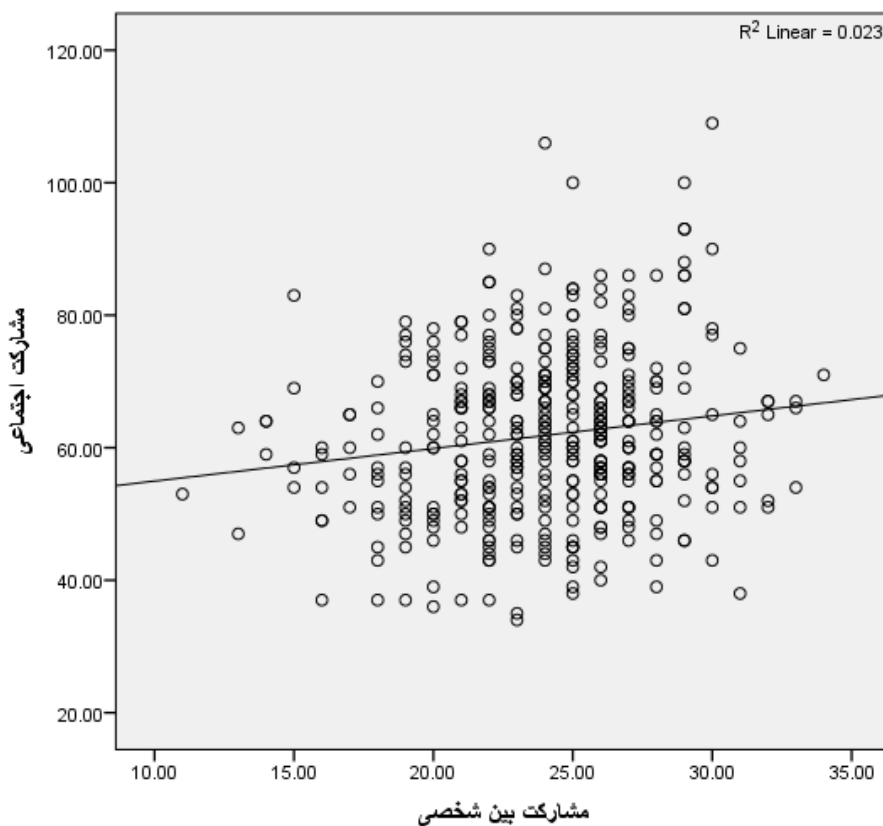
#### ۴-۳-۹) بررسی رابطه بین مشارکت اجتماعی با بعد اعتماد بین شخصی متغیر اعتماد اجتماعی

از آنجائیکه مشارکت اجتماعی و بعد اعتماد بین شخصی هردو در سطح فاصله ای سنجیده شده اند بنابراین از ضریب همبستگی پیرسون استفاده نمودیم. طبق اطلاعات جدول (۳۶) مشارکت اجتماعی و بعد اعتماد بین شخصی، در سطح ۰/۰۱ معنی دار بوده و با توجه به ضریب همبستگی  $r = 0/151$  می توان گفت این همبستگی مثبت و در حد بسیار ضعیف می باشد.

جدول (۳۶): نتایج آزمون همبستگی بین متغیر مشارکت و بعد اعتماد بین شخصی

اعتماد بین شخصی	متغیر مستقل	
	متغیر وابسته	
ضریب همبستگی پیرسون	۰/۱۵۱	مشارکت اجتماعی
سطح معنی داری	۰/۰۰۲	
تعداد پاسخگویان	۳۹۸	

با توجه به اینکه در همبستگی پیرسون رابطه معنی دار است بایستی نمودار پراکنشی رگرسیونی آن را رسم کنیم. براساس نمودار (۱۶) رگرسیونی ملاحظه می گردد که در نمودار پراکنش مقابل طبق معادله رگرسیونی ارائه شده از روی بعد اعتماد بین شخصی به دلیل ضعیف بودن همبستگی ۰/۰۲۳ درصد از مشارکت اجتماعی را تبیین می کند.



نمودار شماره (۱۶): پراکنش رگرسیونی بعد اعتماد بین شخصی و مشارکت اجتماعی

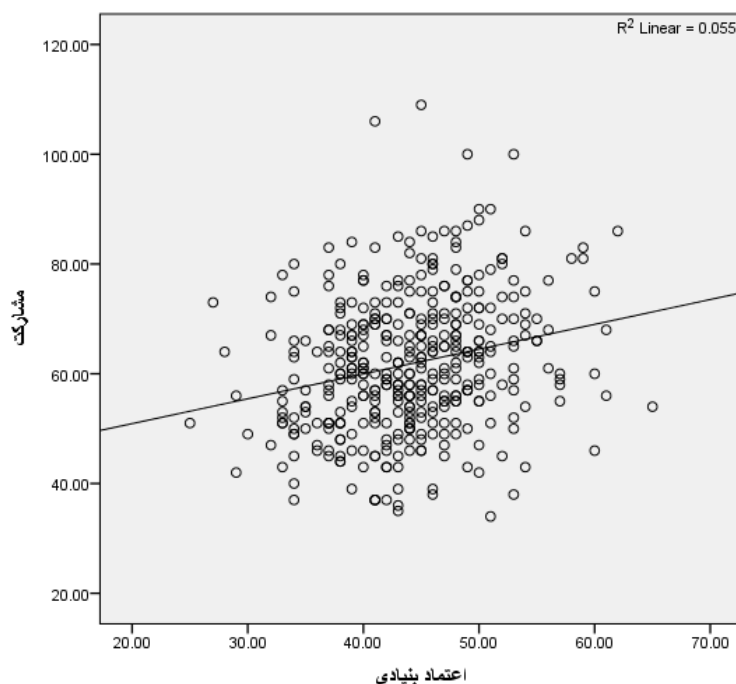
۴-۳-۱۰) بررسی رابطه بین مشارکت اجتماعی با بعد اعتماد بنیادی متغیر اعتماد اجتماعی

از آنجائیکه مشارکت اجتماعی و بعد اعتماد بنیادی هر دو در سطح فاصله ای سنجیده شده اند بنابراین از ضریب همبستگی پیرسون استفاده نمودیم. طبق اطلاعات جدول (۳۷) مشارکت اجتماعی و بعد اعتماد بنیادی، در سطح ۰/۰۰۰ معنی دار بوده و با توجه به ضریب همبستگی  $r = ۰/۲۳۴$  می توان گفت این همبستگی مثبت و در حد نزدیک به متوسط می باشد.

جدول (۳۷): نتایج آزمون همبستگی بین متغیر مشارکت و بعد اعتماد بنیادی

اعتماد بنیادی	متغیر مستقل	
	متغیر وابسته	
۰/۲۳۴	ضریب همبستگی پیرسون	
۰/۰۰۰	سطح معنی داری	
۳۹۷	تعداد پاسخگویان	
	مشارکت اجتماعی	

با توجه به اینکه در همبستگی پیرسون رابطه معنی دار است بایستی نمودار پراکنشی رگرسیونی آن را رسم کنیم. براساس نمودار (۱۷) رگرسیونی ملاحظه می گردد که در نمودار پراکنش مقابل طبق معادله رگرسیونی ارائه شده از روی بعد اعتماد بنیادی به دلیل ضعیف بودن همبستگی ۰/۰۲۳ درصد از مشارکت اجتماعی را تبیین می کند.



نمودار شماره (۱۷): پراکنش رگرسیونی بعد اعتماد بنیادی و مشارکت اجتماعی

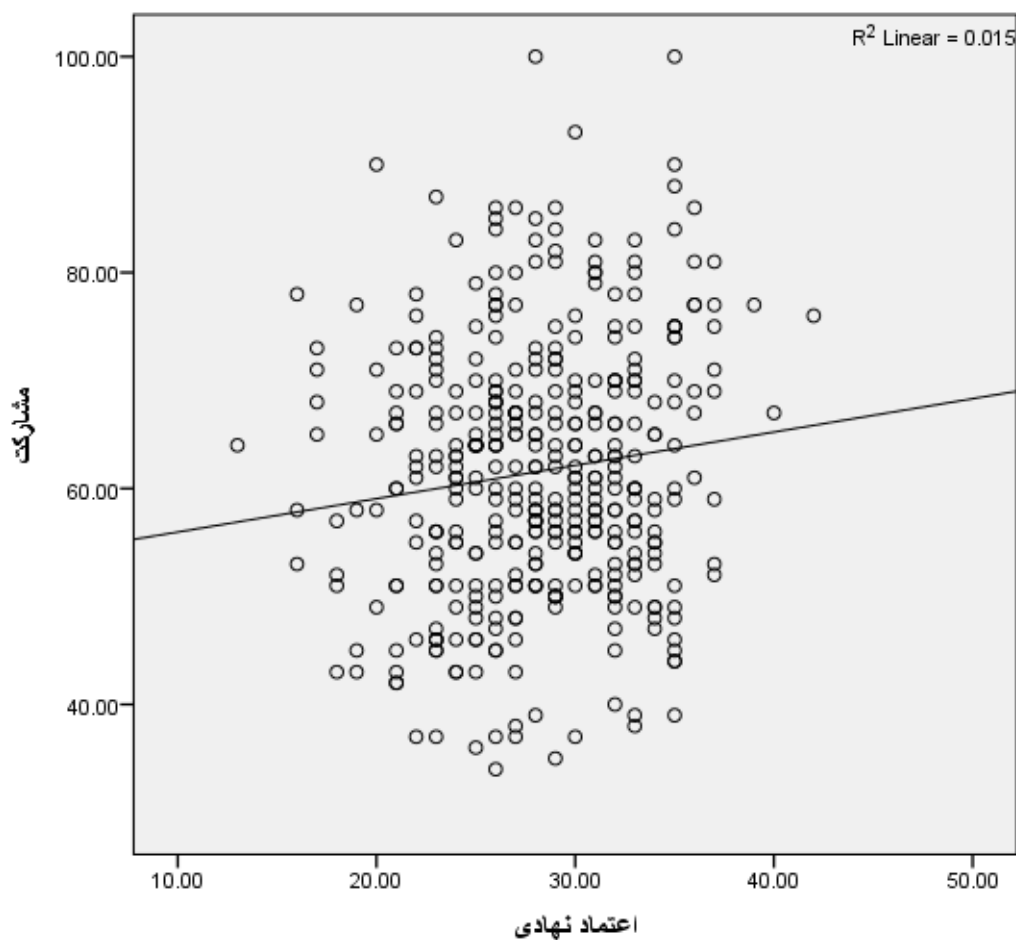
#### ۴-۳-۱۱) بررسی رابطه بین مشارکت اجتماعی با بعد اعتماد نهادی متغیر اعتماد اجتماعی

از آنجائیکه مشارکت اجتماعی و بعد اعتماد نهادی هر دو در سطح فاصله ای سنجیده شده اند بنابراین از ضریب همبستگی پیرسون استفاده نمودیم. طبق اطلاعات جدول (۳۸) مشارکت اجتماعی و بعد اعتماد نهادی، در سطح  $0/014$  معنی دار بوده و با توجه به ضریب همبستگی  $r = 0/124$  می توان گفت این همبستگی مثبت و در حد بسیار ضعیف می باشد.

جدول (۳۸): نتایج آزمون همبستگی بین متغیر مشارکت و بعد اعتماد نهادی

اعتماد نهادی	متغیر مستقل	
	متغیر وابسته	
۰/۱۲۴	ضریب همبستگی پیرسون	مشارکت اجتماعی
۰/۰۱۴	سطح معنی داری	
۳۹۴	تعداد پاسخگویان	

با توجه به اینکه در همبستگی پیرسون رابطه معنی دار است بایستی نمودار پراکنشی رگرسیونی آن را رسم کنیم. براساس نمودار (۱۸) رگرسیونی ملاحظه می گردد که در نمودار پراکنش مقابل طبق معادله رگرسیونی ارائه شده از روی بعد اعتماد نهادی به دلیل ضعیف بودن همبستگی ۰/۰۱۵ درصد از مشارکت اجتماعی را تبیین می کند.



نمودار (۱۸): نمودار پراکنش رگرسیونی مشارکت بر پایه ی اعتماد نهادی

۴-۳-۱۲) بررسی رابطه بین مشارکت اجتماعی با بعد اعتماد به دولت متغیر اعتماد اجتماعی

از آنجائیکه مشارکت اجتماعی و بعد اعتماد به دولت هر دو در سطح فاصله ای سنجیده شده اند بنابراین از ضریب همبستگی پیرسون استفاده نمودیم. طبق اطلاعات جدول (مشارکت اجتماعی و بعد اعتماد به دولت، با توجه به  $Sig=0/248$  معنادار نمی باشد).

جدول (۳۹): نتایج آزمون همبستگی بین متغیر مشارکت و بعد اعتماد به دولت

اعتماد به دولت	متغیر مستقل	
	متغیر وابسته	
۰/۰۶	ضریب همبستگی پیرسون	مشارکت اجتماعی
۰/۲۴۸	سطح معنی داری	
۳۹۶	تعداد پاسخگویان	

با توجه به اینکه در همبستگی پیرسون رابطه معنی دار نیست نیازی به ترسیم نمودار پراکنشی

رگرسیونی نمی باشد

۴-۴) نتایج تحلیل های استنباطی چندمتغیره

در تحلیل های استنباطی چند متغیره از رگرسیون خطی چندگانه (با روش Stepwise) استفاده شده

است. هدف از تحلیل رگرسیون، مشخص نمودن سهم هریک از متغیرهای مستقل در تبیین و پیش بینی

متغیرهای وابسته است. به عبارت دیگر، رگرسیون چندمتغیره از طریق برآورد میزان نقش و تأثیر متغیرهای

مستقل در ایجاد واریانس، به تبیین و پیش بینی واریانس متغیر وابسته کمک می کند. برای انجام تحلیل

رگرسیون می بایست پیش فرض هایی را رعایت کرد. این فرض ها عبارتند از:



متغیرهای پیش بین باید به صورت خطی مستقل از هم باشند. نباید همبستگی یا ارتباط باهم داشته باشند. خطی بودن رابطه با توجه به معنی داری F مشخص می گردد (Sig = 0/000).

پیش فرض دیگر نرمال بودن توزیع خطاها یا به عبارتی نرمال بودن توزیع باقیمانده های مدل بارزش شده است. از جمله نمودارهایی که برای آزمون نرمال بودن استفاده می شود هیستوگرام و نمودار نرمالینه P-Plot می باشد که در نمودار هیستوگرام اگر ستون های توزیع درست در زیر منحنی واقع شوند و زیاد بالا یا پایین نباشند، نرمال بودن توزیع را نشان می دهد. در نمودار P-P Plot نیز توزیع هرچه بیشتر بر روی خط واقع شود و از خط انحراف نداشته باشد توزیع نرمال است.

فرض دیگر، مستقل بودن خطاها یا باقیمانده ها از همدیگر می باشد. که آزمون «دوربین واتسون» فرض مستقل بودن باقی مانده ها را از یکدیگر تست می کند دامنه این کمیت بین ۴-۰ می باشد و معمولاً مقدار آن بین ۲/۵-۱/۵ قابل قبول می باشد.

#### ۴-۴-۱) نتایج تحلیل رگرسیونی چندمتغیره مشارکت اجتماعی

در رگرسیون چند متغیره با استفاده از ترکیب خطی چند متغیر مستقل به پیشگویی متغیر وابسته پرداخته می شود که در مدل رگرسیونی مشارکت اجتماعی، در کل ۵ متغیر سن، اعتماد اجتماعی، اعتماد بین شخصی، اعتماد بنیادی و اعتماد نهادی وارد مدل شد که در نهایت متغیرهای اعتماد بین شخصی و اعتماد نهادی از مدل خارج شده و مابقی متغیرهای مذکور در مدل باقی ماندند.

نتایج به دست آمده از انجام تحلیل رگرسیون چند متغیره نشان می دهد که ضریب همبستگی چندگانه رگرسیونی فوق برابر با  $R = 0/308$  شده است، ضریب تبیین برابر با  $RSquare = 0/095$  و ضریب تبیین تصحیح شده نیز برابر با  $Adjusted Rsquare = 0/083$  می باشد. بدین معنی که ۸/۳ درصد تغییرات مربوط به متغیر مشارکت اجتماعی ناشی از تغییرات متغیرهای مستقل وارد شده در مدل می باشند. علاوه

براین، نتایج تحلیل واریانس رگرسیون نیز نشان می دهد که اثر رگرسیون یا اثر متغیر مستقل نسبت به اثر باقی مانده، کاملاً معنی دار است. همچنین میزان دوربین واتسون بدست آمده برای این مدل برابر با ۱/۶۹۷ می باشد که نشانگر این است که باقی مانده ها برای مدل رگرسیونی مستقل از هم می باشد و نمودارهای (۱۹) و (۲۰) نشان از نرمال بودن آن دارد. به این ترتیب معادله رگرسیونی مشارکت اجتماعی به صورت زیر خواهد بود:

$$E \hat{I} + \text{اعتماد اجتماعی (۰/۱۲۳)} + \text{سن (۰/۱۴۰)} + \text{اعتماد بنیادی (۰/۱۶۵)} + \text{مشارکت اجتماعی} = ۲۹/۸۳۲$$

با توجه به معادله رگرسیون فوق مشاهده می گردد که متغیر وابسته بیش از هر متغیر دیگر، از اعتماد بنیادی متأثر می باشد. بعد از آن نیز متغیرهای سن و اعتماد اجتماعی به ترتیب در تبیین مشارکت اجتماعی نقش دارند. جداول (۴۰)، (۴۱) و (۴۲) آماره های تحلیل رگرسیون و تحلیل واریانس مشارکت اجتماعی و سایر آماره ها را نشان می دهد.

جدول شماره (۴۰): آماره های تحلیل رگرسیون چندمتغیره مشارکت اجتماعی

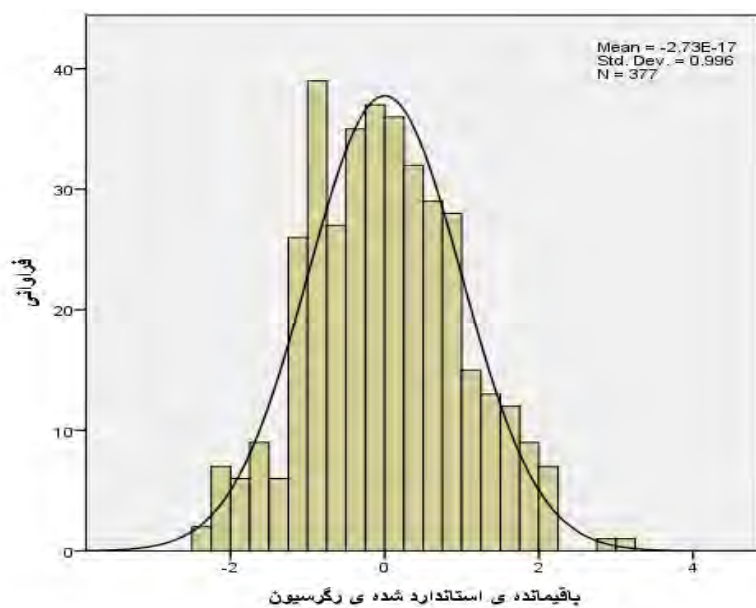
۰/۳۰۸	ضریب همبستگی چندگانه
۰/۰۹۵	ضریب تبیین
۰/۰۸۳	ضریب تبیین تصحیح شده
۱۱/۴۷۲	اشتباه معیار
۲۹/۵۶۲	عرض از مبدأ
۱/۶۹۷	آزمون دوربین واتسون

جدول (۴۱): تحلیل واریانس چندمتغیره مشارکت اجتماعی

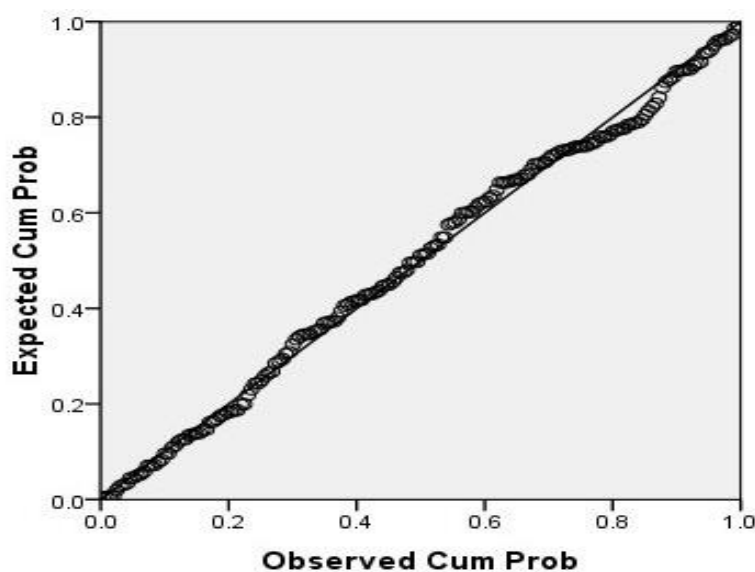
منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	آماره F	سطح معنی داری
رگرسیون	۵۱۲۷/۶۲۳	۵	۱۰۲۵/۵۲۵	۷/۷۹۲	...
باقی مانده	۴۸۸۲۸/۹۱۸	۳۷۱	۱۳۱/۶۱۴		
کل	۵۳۹۵۹/۵۴۱	۳۷۶			

جدول (۴۲): متغیرهای باقیمانده در مدل رگرسیونی

Sig	T	Beta	SEB	B	متغیرها
۰/۱۳۵	۱/۴۹۹	۰/۱۵۳	۰/۰۷۴	۰/۱۱۰	اعتماد اجتماعی
۰/۹۴۸	۰/۰۶۵	۰/۰۰۴	۰/۱۷۷	۰/۰۱۱	اعتماد بین شخصی
۰/۰۱۹	۲/۳۴۶	۰/۱۵۵	۰/۱۲۳	۰/۲۸۸	اعتماد بنیادی
۰/۶۸۱	-۰/۴۱۲	-۰/۰۳۴	۰/۲۰۳	-۰/۰۸۴	اعتماد نهادی
۰/۰۰۶	۲/۷۷۵	۰/۱۳۸	۰/۰۴۴	۰/۱۲۲	سن



نمودار شماره (۱۹): هیستوگرام نرمال بودن توزیع باقی مانده های تحلیل رگرسیون



نمودار شماره (۲۰): نمودار نرمال بودن توزیع باقی مانده های تحلیل رگرسیون

## فصل پنجم:

### خلاصه، نتیجه گیری و پیشنهادات

۱-۵) مقدمه فصل:

این فصل که آخرین فصل گزارش حاضر می باشد شامل جمع بندی و خلاصه نتایج تحقیق است سه بخش اساسی را در بر می گیرد: در بخش اول به نتایج توصیفی و استنباطی تحقیق اشاره می شود. در بخش دوم، به ارتباط یافته های تحقیق با چارچوب تئوریک و تجربی تحقیق پرداخته می شود و در بخش آخر این فصل با توجه به نتایج و یافته های تحقیق پیشنهادهای مرتبط با پژوهش ارائه می گردد.

۲-۵) نتایج به دست آمده در پژوهش:

۱-۲-۵) نتایج توصیفی تحقیق:

نتایج به دست آمده در مورد سن افراد نمونه آماری حاکی از آن است که کم سن ترین فرد ۱۷ سال و مسن ترین فرد ۶۵ سال دارد. همچنین میانگین سنی نمونه مورد مطالعه برابر با ۳۸/۲۱ سال و انحراف معیار آن برابر با ۰/۶۵۴ می باشد. نمودار گروه های سنی دارای چولگی مثبت است و این مسئله بیانگر این است که سن بیشتر افراد نمونه مورد مطالعه پائین تر از میانگین بوده و بنابراین می توان نتیجه گرفت که نمونه مورد مطالعه از لحاظ سنی جوان می باشد.

در بررسی توزیع فراوانی نمونه آماری جنسیت مشاهده می شود به ترتیب ۲۲۶ نفر (۵۳/۶ درصد) مرد و ۱۹۶ نفر (۴۶/۴ درصد) زن هستند. بنابراین بیشترین درصد جامعه آماری را مردان تشکیل می دهند. در بررسی توزیع فراوانی نمونه آماری برحسب وضعیت تاهل مشاهده می شود به ترتیب ۲۶۰ نفر (۱۶/۶ درصد) متاهل، ۱۱۱ نفر (۲۶/۳ درصد) مجرد، ۲۱ نفر (۵ درصد) مطلقه و ۲۴ نفر (۵/۷ درصد) بیوه

می باشند. بنابراین بیشترین درصد جامعه آماری را افراد مجرد تشکیل می دهند. بنابراین بیشتر افراد نمونه ی آماری متاهل و کمترین مطلقه بودند.

در بررسی توزیع فراوانی نمونه آماری بر حسب تحصیلات مشاهده می شود از بین پاسخگویان به ترتیب ۳ نفر (۰/۷ درصد) بیسواد، ۳۵ نفر (۸/۳ درصد) تحصیلات ابتدایی، ۴۹ نفر (۱۱/۶ درصد) تحصیلات راهنمایی، ۱۲۹ نفر (۳۰/۶ درصد) تحصیلات متوسطه، ۵۴ نفر (۱۲/۸ درصد) فوق دیپلم، ۹۸ نفر (۲۳/۲ درصد) لیسانس، ۴۵ نفر (۱۰/۷ درصد) فوق لیسانس، ۵ نفر (۱/۲ درصد) دکترا، ۳ نفر (۰/۷ درصد) حوزه بوده و ۱ نفر (۰/۲ درصد) از پاسخگویان به این سوال جواب نداده اند. بنابراین بیشترین تعداد نمونه ی آماری دارای تحصیلات در سطح متوسطه و پس از آن در مقطع لیسانس می باشند.

در بررسی توزیع فراوانی نمونه آماری بر حسب اشتغال مشاهده می شود از بین پاسخگویان به ترتیب ۲۳/۵ درصد خانه دار، ۲۱/۸ درصد کارکن مستقل، ۱۵/۴ درصد کارکن بخش دولتی، ۱۴ درصد کارکن بخش خصوصی، ۱۲/۱ درصد دانشجو یا محصل، ۶/۲ درصد بیکار، ۳/۳ درصد بازنشسته می باشند. بنابراین بیشترین تعداد افراد نمونه ی آماری خانه دار می باشند.

در بررسی توزیع فراوانی نمونه آماری بر حسب میزان هزینه ی خانوار مشاهده می شود از بین پاسخگویان به ترتیب ۴۴/۳ درصد پاسخگویان هزینه ای برابر با ۲ الی ۳ میلیون تومان، ۲۶/۵ درصد ۳ الی ۴ میلیون تومان، ۱۵/۹ درصد ۱ الی ۲ میلیون تومان، ۳/۶ درصد ۵۰۰ الی ۱ میلیون تومان، ۳/۳ درصد ۴ الی ۵ میلیون تومان، ۱/۹ درصد بالاتر از ۵ میلیون تومان و ۰/۷ درصد کمتر از ۵۰۰ هزار تومان می باشد.

برای سنجش متغیر اعتماد اجتماعی از ۴۱ گویه استفاده شده است. نمره ۴۱ در این عامل بیانگر پایین ترین و نمره ۲۴۶ نشان دهنده بالاترین سطح اعتماد اجتماعی می باشد. میانگین بدست آمده برای این عامل ۱۵۰/۳۸ می باشد که نشان می دهد بیشتر افراد نمونه آماری اعتماد اجتماعی بالاتر از میانگین دارند.

برای سنجش متغیر مشارکت اجتماعی از ۲۱ گویه استفاده شده است. نمره ۲۱ در این عامل بیانگر پایین ترین و نمره ۱۲۶ نشان دهنده بالاترین سطح مشارکت اجتماعی می باشد. میانگین بدست آمده برای این عامل ۳۴ می باشد که نشان می دهد بیشتر افراد نمونه آماری مشارکت اجتماعی بسیار کمتر از میانگین دارند.

برای سنجش بعد اعتماد بین شخصی متغیر اعتماد اجتماعی از ۶ گویه استفاده شده است. نمره ۶ در این عامل بیانگر پایین ترین و نمره ۳۶ نشان دهنده بالاترین سطح بعد اعتماد بین شخصی می باشد. میانگین بدست آمده برای این عامل ۲۴/۰۷ می باشد که نشان می دهد بیشتر افراد نمونه آماری از لحاظ بعد اعتماد بین شخصی بالاتر از میانگین دارند.

برای سنجش بعد اعتماد بنیادی متغیر اعتماد اجتماعی از ۱۲ گویه استفاده شده است. نمره ۱۲ در این عامل بیانگر پایین ترین و نمره ۷۲ نشان دهنده بالاترین سطح بعد اعتماد بنیادی می باشد. میانگین بدست آمده برای این عامل ۴۴/۱۸ می باشد که نشان می دهد بیشتر افراد نمونه آماری از لحاظ بعد اعتماد بنیادی اندکی بالاتر از میانگین دارند.

برای سنجش بعد اعتماد نهادی متغیر اعتماد اجتماعی از ۷ گویه استفاده شده است. نمره ۷ در این عامل بیانگر پایین ترین و نمره ۴۲ نشان دهنده بالاترین سطح بعد اعتماد نهادی می باشد. میانگین بدست آمده برای این عامل ۲۸/۱۳ می باشد که نشان می دهد بیشتر افراد نمونه آماری از لحاظ بعد اعتماد نهادی اندکی بالاتر از میانگین دارند.

برای سنجش بعد اعتماد به دولت متغیر اعتماد اجتماعی از ۱۶ گویه استفاده شده است. نمره ۱۶ در این عامل بیانگر پایین ترین و نمره ۹۶ نشان دهنده بالاترین سطح بعد اعتماد به دولت می باشد. میانگین

بدست آمده برای این عامل ۵۳/۸۴ می باشد که نشان می دهد بیشتر افراد نمونه آماری از لحاظ بعد اعتماد به دولت اندکی پایین تر از میانگین دارند.

### ۳-۵) نتایج استنباطی تحقیق:

در تحقیق حاضر با توجه به چارچوب نظری و مدل تحلیلی تحقیق، ۵ فرضیه اصلی و ۶ فرضیه فرعی (متغیرهای زمینه ای) استخراج شده است که جهت آزمون فرضیه ها و نیز گزارش یافته های جانبی تحقیق، از چهار روش آماری استفاده گردید: ۱- آزمون آماری ضریب همبستگی گشتاوری پیرسون ۲- آزمون تی تست ۳- آزمون ANOVA 4- آزمون آماری تحلیل رگرسیون یک متغیره و چندمتغیره با استناد به نتایج حاصل از اجرای آزمون های آماری متغیر های مستقل با مشارکت اجتماعی بدین شرح می باشند:

بین میانگین نمرات مشارکت اجتماعی بر حسب جنسیت تفاوت معناداری وجود ندارد.

بین میانگین نمرات مشارکت اجتماعی بر حسب وضعیت تاهل تفاوت معناداری وجود ندارد.

بین میانگین نمرات مشارکت اجتماعی بر حسب میزان تحصیلات تفاوت معناداری وجود دارد.

بین میانگین نمرات مشارکت اجتماعی بر حسب وضعیت اشتغال سرپرست خانوار تفاوت معناداری

وجود دارد.

بین میانگین نمرات مشارکت اجتماعی بر حسب میزان هزینه ی خانوار تفاوت معناداری وجود دارد.

بین مشارکت اجتماعی و سن همبستگی معناداری وجود دارد.

بین مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی همبستگی معناداری وجود دارد.



بین مشارکت اجتماعی و بعد اعتماد بین شخصی متغیر اعتماد اجتماعی همبستگی معناداری وجود دارد.

بین مشارکت اجتماعی و بعد اعتماد بنیادی متغیر اعتماد اجتماعی همبستگی معناداری وجود دارد.

بین مشارکت اجتماعی و بعد اعتماد نهادی متغیر اعتماد اجتماعی همبستگی معناداری وجود دارد.

بین مشارکت اجتماعی و بعد اعتماد به دولت متغیر اعتماد اجتماعی همبستگی معناداری وجود ندارد.

در مدل رگرسیونی مشارکت اجتماعی، در کل ۵ متغیر سن، اعتماد اجتماعی، اعتماد بین شخصی، اعتماد بنیادی و اعتماد نهادی وارد مدل شد که در نهایت متغیرهای اعتماد بین شخصی و اعتماد نهادی از مدل خارج شده و مابقی متغیرهای مذکور در مدل باقی ماندند. با توجه به معادله رگرسیون مشاهده می گردد که متغیر وابسته بیش از هر متغیر دیگر، از اعتماد بنیادی متأثر می باشد. بعد از آن نیز متغیرهای سن و اعتماد اجتماعی به ترتیب در تبیین مشارکت اجتماعی نقش دارند و ۸/۳ درصد تغییرات مربوط به متغیر مشارکت اجتماعی ناشی از تغییرات متغیرهای مستقل وارد شده در مدل می باشند.

#### ۵-۴) یافته های تحقیق و مقایسه آن با ادبیات (نظری و تجربی) پژوهش

بین میانگین نمرات مشارکت اجتماعی بر حسب جنسیت تفاوت معناداری وجود ندارد.

همانطور که پیش از این نیز اشاره شد، در پژوهش حاضر تفاوتی بین میانگین نمرات مشارکت اجتماعی بر اساس جنسیت مشاهده نشد. این یافته در راستای پژوهش بورلی هیلز و جک مک لئود (۱۹۹۹) که در تحقیق خود با عنوان تاثیر شبکه های مجادلات سیاسی بر روی مشارکت در عرصه ی عمومی به این نتیجه رسیده اند که متغیر جنسیت هیچگونه رابطه ای با مشارکت ندارد.

بین میانگین نمرات مشارکت اجتماعی بر حسب میزان تحصیلات، هزینه خانوار و شغل سرپرست خانوار تفاوت معناداری وجود دارد.

هانتینگتون و نلسون معتقدند که تحرک اجتماعی می تواند به گسترش مشارکت سیاسی و اجتماعی بیانجامد. آن ها تحرک اجتماعی را در گرو کسب منزل های اجتماعی بالاتر می دانند و معتقدند که کسب منزلت های اجتماعی بالاتر در فرد احساس توانایی تاثیرگذاری بر تصمیمات نهادها را ایجاد می کند و این عوامل می تواند مشوق مشارکت در سیاست و فعالیت اجتماعی باشد. از دید آن ها از بین متغیرهای منزلتی، میزان سواد و تحصیلات فرد بیشترین تاثیر را بر مشارکت دارند. همچنین بر اساس نظریه ی پارسونز، مشارکت بر اثر ایجاد تغییرات در ساخت هنجارهای اجتماع بویژه مجموعه ی ارزش های سنتی که مانع مشارکت می شوند ایجاد می شود. در واقع هرچه جوامع مختلف به سمت گسترش هر چه بیشتر این ارزش ها در حرکت باشند افراد تمایل بیشتری به مشارکت در امور جامعه خواهند داشت و یکی از روش های تغییر ارزش ها آموزش رسمی در مدارس می باشد. بنابراین نتیجه ی پژوهش ما مویدی بر فرضیات مطرح شده در این نظریه ها می باشد. از سوی دیگر، بابایی اقدم و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان "ارزیابی عوامل موثر بر مشارکت مردمی در ساماندهی بافت های فرسوده شهری با تاکید بر سرمایه اجتماعی" به بررسی تاثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت مردمی پرداخته است. بر اساس نتایج این تحقیق بین میزان سرمایه اقتصادی، متغیرهای اعتماد اجتماعی و آگاهی اجتماعی و مشارکت مردمی در ساماندهی بافت فرسوده رابطه معناداری وجود دارد. سروش و افراسیابی (۱۳۸۹) در تحقیقی به بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی، هویت و مشارکت اجتماعی جوانان پرداخته اند. بر اساس نتایج بررسی، از میان متغیرهای زمینه ای تنها میزان تحصیلات بر میزان مشارکت تاثیر داشته است که در پژوهش حاضر نیز رابطه ی بین این دو متغیر تایید شده است. مارشال در پژوهش خود در سال ۲۰۰۴ تحت عنوان سازمان های محله ای،

پایگاه اقتصادی و اجتماعی و تاثیر آن بر مشارکت، به این نتیجه رسیده اند که پایگاه اقتصادی - اجتماعی با سطح مشارکت رابطه ی عمیقی دارد. طبق پژوهش بورلی هیلز و جک مک لئود (۱۹۹۹) دو متغیر درآمد و تحصیلات و مشارکت رابطه ی معناداری وجود دارد. بنابراین تجزیه و تحلیل نظریات و پژوهش های مطرح شده در این تحقیق نشان می دهد که تایید شدن این فرضیه همسو با مطالعات پیشین می باشد.

### بین مشارکت اجتماعی و سن همبستگی معناداری وجود دارد.

پژوهش های بررسی شده در بخش پیشینه ی تجربی همراستا با تایید شدن این فرضیه در تحقیق حاضر می باشند. بدین گونه که بر اساس پژوهش عبداللهی (۱۳۸۷) که در آن به بررسی رابطه ی بین اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی پرداخته است، متغیر سن رابطه ی معناداری با مشارکت اجتماعی داشته است. وجود این ارتباط در پژوهش هرا پونز، الگوتا روزاس و فرناندز لورکا (۲۰۱۴) نیز مورد تایید قرار گرفته است. آن ها در مطالعه ی خود به این نتیجه رسیده اند که مشارکت اجتماعی با افزایش سن بالاتر می رود و بعد از ۸۰ سالگی کاهش می یابد. وجود رابطه ی بین سن و مشارکت اجتماعی در پژوهش بورلی هیلز و جک مک لئود (۱۹۹۹) نیز مورد تایید قرار گرفته است.

### بین مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی همبستگی معناداری وجود دارد.

علاوه بر این که نظریات مطرح شده در رابطه با ارتباط بین ابعاد مختلف اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی به طور ضمنی بر رابطه ی این دو متغیر صحنه می گذارند، پیشینه ی تجربی بررسی شده نیز موید و همراستا با تایید این فرضیه در پژوهش ما می باشد. از آنجایی که نظریات را به طور جزئی در مورد هر یک از ابعاد مورد تحلیل قرار خواهیم داد، به جهت خودداری از اطاله ی کلام در اینجا به بررسی پیشینه ی تجربی بسنده می کنیم. بابایی اقدم وهمکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان ارزیابی عوامل موثر بر مشارکت مردمی در ساماندهی بافت های فرسوده ی شهری با تاکید بر سرمایه ی اجتماعی به این نتیجه رسیده اند که

بین متغیر اعتماد اجتماعی و مشارکت مردمی در ساماندهی بافت فرسوده رابطه‌ی معناداری وجود دارد. مسعود نیا و همکاران نیز در سال ۱۳۹۳ در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که اعتماد اجتماعی بر پنج سطح مشارکت سیاسی تاثیر معناداری دارد. نوابخش، رضایی و رحیمی در بررسی رابطه‌ی میزان اعتماد شهروندان با میزان مشارکت اجتماعی آنان در شهر ایلام نیز به نتیجه‌ی مشابهی رسیدند که هر چه اعتماد شهروندان بالاتر باشد، میزان مشارکت اجتماعی آن‌ها بیشتر است. پژوهش زارع شاه آبادی و نوریان نجف (۱۳۹۰) نیز مبین آن بوده است که بین اعتماد اجتماعی با مشارکت اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه یزد رابطه‌ی معناداری وجود دارد. ازکیا وحسنی راد (۱۳۸۸) در بررسی نقش اعتماد اجتماعی در مشارکت مردم در طرح‌های توسعه‌ی روستایی به این نتیجه رسیدند که نه تنها اعتماد اجتماعی بر مشارکت مردم تاثیر گذار است بلکه در مدل رگرسیونی بیشترین تاثیر مستقیم مربوط به متغیر اعتماد اجتماعی بوده است. پژوهش ناطق پور و گلابی نیز در سال ۱۳۸۴ موید این رابطه بوده است.

**بین مشارکت اجتماعی و بعد اعتماد بین شخصی متغیر اعتماد اجتماعی همبستگی معناداری وجود**

**دارد.**

از دیدگاه گیدنز به منظور ایجاد انگیزه برای مشارکت، فرد باید به افراد (اعتماد بین شخصی) اعتماد کامل داشته باشد. از طرفی موسوی و دوستی (۱۳۹۷) در پژوهش خود با عنوان اعتماد اجتماعی موثر بر رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه‌ی منطقه‌ی ایلام به بررسی رابطه‌ی بین اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها موید رابطه‌ی بین اعتماد بین شخصی و مشارکت اجتماعی بود. طبق پژوهش خادمیان و پوررضا کریم سرا (۱۳۹۱) نیز بین اعتماد شخصی با مشارکت اجتماعی رابطه‌ی معنی دار مستقیمی وجود دارد. عبداللهی (۱۳۸۷) نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسید که اعتماد به همسایه‌ها و اهالی روستا (اعتماد بین شخصی) رابطه‌ی معناداری با مشارکت اجتماعی

دارد. موسوی (۱۳۸۶) با در نظر گرفتن نتایج پژوهش خود عنوان می کند که ضعیف بودن اعتماد بین شهروندان مانعی است برای ایجاد مشارکت. در واقع وجود رابطه بین این دو متغیر را تایید می کند. بورلی هیلز و جک مک لئود (۱۹۹۹) در پژوهش خود اذعان می دارند که استفاده از رسانه های عمومی از طریق اثر بر روی اعتماد بین شخصی بر مشارکت تاثیر می گذارد. بنابراین تایید شدن این فرضیه در پژوهش حاضر کاملاً همسو با پیشینه ی تجربی و نظری پیشین می باشد.

### بین مشارکت اجتماعی و بعد اعتماد بنیادی متغیر اعتماد اجتماعی همبستگی معناداری وجود دارد.

تایید شدن فرضیه ی ارتباط بین مشارکت اجتماعی و بعد اعتماد نهادی در راستای نظریات و پژوهش های بررسی شده می باشد. گیدنز، بنیاد و سرمنشا انواع اعتماد را اعتماد بنیادی می داند که حاصل نوعی اجتماعی شدن ناخود آگاه است که از تجربیات نخستین مراحل کودکی سرچشمه می گیرد. وی معتقد است اگر این اعتماد در کودکی به خوبی شکل بگیرد، پایه و بنیاد همه گونه اعتماد بعدی در زندگی فرد می شود. بنابراین اعتماد بنیادی اساس شکل گیری انواع دیگر اعتماد است و به طور مستقیم یا بواسطه ی ایجاد انواع اعتماد بر مشارکت اجتماعی تاثیر می گذارد. خادامیان و پور رضا کریم سرا در سال ۱۳۹۱ به بررسی تاثیر ابعاد اعتماد اجتماعی بر مشارکت اجتماعی پرداخته اند. نتایج پژوهش آن ها نشان داده است که در سطح ۹۹ درصد اطمینان بین اعتماد بنیادی با مشارکت اجتماعی رابطه ی معنی داری وجود داشته و جهت رابطه نیز مستقیم می باشد.

### بین مشارکت اجتماعی و بعد اعتماد نهادی متغیر اعتماد اجتماعی همبستگی معناداری وجود دارد.

رابطه ی بین مشارکت اجتماعی و بعد اعتماد نهادی اعتماد اجتماعی را می توان در نظریه ی یورگن هابرماس جست. از دید وی تحقق دموکراسی به طور بالقوه منوط به امکانات و تسهیلات وجود سازمان ها، انجمن ها و جامعه ی مدنی است. چرا که این گونه سازمان ها مهمترین ابزار واسطه ای میان دولت و افراد

جامعه می باشند. این نوع نهادها و سازمان ها زمینه ی تشکیل حوزه ی عمومی می باشند و برخلاف نهاد هایی که تحت سلطه ی خارجی قرار دارند و یا دارای روابط قدرت درونی هستند از اصول مشارکت و نظارت دموکراتیک نوید می دهند. گیدنز نیز اعتماد به افراد و یا نظام های انتزاعی را در مقابل اعتماد خویشاوندی و انواع اعتماد جوامع سنتی می داند و از دید وی این نوع اعتماد شاخصه ی دنیای مدرن است. گیدنز اعتماد نهادی را بر مشارکت اجتماعی موثر می داند. از دید اینگلهارت خدشه برداشتن اعتماد اجتماعی موجب آسیب به انسجام اجتماعی می گردد و طبعا در این شرایط نه تنها مشارکت اجتماعی رخ نمی دهد بلکه رفتارهای مخالنه نیز بروز می کند (اینگلهارت، ۱۳۹۵). از نظر امیل دورکیم تعدد و گستردگی سازمان های محلی و غیردولتی در یک جامعه بیانگر وجود مشارکت اجتماعی در آن جامعه است و شکل و نهاد های مشارکتی با جلب همکاری افراد زمینه ی اتصال هرچه بیشتر آن ها را به جامعه فراهم می سازد و مشارکت افراد را در امور اجتماعی افزایش می دهد (چلبی، ۱۳۹۵). از دید هانتینگتون و نلسون مشارکت سیاسی و اجتماعی تابع دو عامل کلی نگرش ها و اولویت های نخبگان سیاسی و وضع گروه ها و انجمن ها و نهادهای اجتماعی واسط در خود جامعه است (رضایی، ۱۳۷۵). در پژوهش های بررسی شده، موسوی و دوستی (۱۳۹۷) در بررسی تاثیر اعتماد اجتماعی بر رویه ای شدن مشارکت مردم به این نتیجه رسیدند که اعتماد نهادی از جمله ابعادی از اعتماد اجتماعی است که بیشترین تاثیر را بر رویه ای شدن مشارکت مردم گذاشته است. عبداللهی (۱۳۸۷) نیز در پژوهشی مشابه به این نتیجه رسیده است که طبق تیپولوژی وی از اعتماد اجتماعی، اعتماد نهادی رابطه ی معناداری با مشارکت اجتماعی داشته است. مارشال نیز در پژوهش خود در سال ۲۰۰۴ به این نتیجه رسیده است که اگر اعتماد مردم به ساختارها و نهادهای مشارکتی مانند سازمان های محله ای افزایش یابد میزان مشارکت افزایش می یابد. بنابراین تایید شدن این فرضیه در پژوهش ما هم راستا با پیشینه ی نظری و تجربی بررسی شده می باشد.

بین مشارکت اجتماعی و بعد اعتماد به دولت متغیر اعتماد اجتماعی همبستگی معناداری وجود

ندارد.

به اعتقاد دورکیم یکی از قلمروهایی که قواعد رفتار و هنجارهای رفتار را هدایت و کنترل می کنند و با تقویت انسجام اجتماعی و اعتماد اجتماعی بر مشارکت اجتماعی تاثیر می گذارد، دولت- کشور می باشد. وی بر وجود گروه های حرفه ای و گروه های واسط به عنوان کانال هایی که می تواند روابط صحیح میان فرد و دولت را تنظیم کنند می پردازد بدین صورت که آن ها از غلبه یکی بر دیگری جلوگیری کرده و انتقال و درونی کردن برخی علائق جمعی را هموار می کنند. موسوی (۱۳۸۶) در پژوهش خود اذعان می دارد که عدم شکل گیری مشارکت اجتماعی به این دلیل است که اعتماد بین مردم و دولت ضعیف است. بنابراین به طور ضمنی وجود رابطه بین اعتماد به دولت و مشارکت اجتماعی را تایید می کند. ولیکن در پژوهش حاضر رابطه ی بین اعتماد به دولت و مشارکت اجتماعی مورد تأیید قرار نگرفت. شاید بتوان نظریه ی گیدنز را توجیهی برای رد شدن این فرضیه عنوان کرد. از نظر گیدنز ماهیت نهادهای مدرن عمیقا وابسته به ساز و کارهای اعتماد به نظام های انتزاعی بویژه نظام های تخصصی است. از دید وی اعتماد انتزاعی و فعالانه خاص جوامع پسا سنتی می باشد. در این جوامع، از آن جا که هیئت سیاسی ملی تنها به یکی از مرجع های زندگی فرد در میان مراجع گوناگون است، بسیاری از آدم ها ممکن است به آنچه در زمینه ی سیاسی متعارف می گذرد گوش ندهند و برای برخی اصلا مسائل سیاسی مهم نباشد.

#### ۵-۵) بحث و نتیجه گیری

در پژوهش های اجتماعی اصل بر عینیت است. یعنی محقق ملزم است پیش داوری های خود را کنار گذاشته و به توصیف و تبیین آن چه که هست بسنده نماید. لیکن نمی توان از نظر دور داشت که محقق خود دانشی انباشته از مطالعات و تجربه های پژوهشی پیشین دارد. بنابراین بعد از انجام پژوهش با روش

های علمی و با توجه به این که محقق زمانی طولانی با موضوع پژوهش و جامعه ی آماری عجین بوده است افزودن بخشی جداگانه برای ارائه ی تجزیه و تحلیل در چارچوب علمی و با تکیه بر دانش محقق می تواند مفید باشد.

اساسا نهاد حکومت برای مردم است و کاربرد آن در جهت ساماندهی به نظام اجتماعی و پیش برد اهداف جامعه می باشد. هرچند حکومت های غیر مردمی در جوامع گذشته وجود داشته اند و حتی توانسته اند مدت مدیدی به حیات خود ادامه دهند، در دنیای امروز مشاهده می شود که حکومتی که جدا از مردم و خواسته های آن باشد نمی تواند کارکردهای پیدا و پنهان خود را به درستی اعمال کرده و در اهداف خود موفق شود و پس از مدتی دچار نابسامانی و در نهایت فروپاشی می گردد. حکومتی که مردم در آن مشارکت نداشته باشند دچار تزلزل در ساختارهای خود می گردد و نه تنها از حمایت و همکاری همگانی بی بهره می ماند بلکه گاهی توده ی مردم به نیروی بازدارنده ای در خلاف جهت خواستارهای آن بدل می شوند. بنابراین در تکامل نظام ها و اشکال حکومتی امروزه تقریبا اجماع جهانی روی حکومت های دموکراتیک به مثابه نوع ایده آل آن حاصل شده است، حکومت هایی که حتی نامش برگرفته از مردم می باشد. حال سوال اساسی این است که چگونه می شود که میزان مشارکت در جوامع و مقاطع زمانی مختلف متفاوت است؟ چگونه می توان به مشارکت حداکثری دست یافت؟

با نگاهی به نظریه های موجود و پژوهش های انجام شده می توان مشاهده کرد که عامل اعتماد یکی از مهم ترین عوامل تاثیر گذار بر میزان مشارکت اجتماعی است. اگر مردم به حکومتی اعتماد نداشته باشند و اهداف و برنامه های آن را در جهت و سمت و سوی منافع و بهبود زندگی خود نبینند یقینا ترغیب آن ها به مشارکت امری بسیار دشوار خواهد بود. اعتماد اجتماعی به حکومت مشروعیت می بخشد و مردم را تشویق می کند که به برنامه های حکومت اطمینان داشته باشند و با مشارکت خود به پیش برد این برنامه ها



یاری برسانند. به زعم گیدنز اعتماد زمینه ساز اصلی توسعه و مشارکت در جوامع مدرن است و آسیب های اجتماعی را کاهش می دهد.

هابرماس به جای شهروندی مفهوم میهن پرستی قانونی را مطرح می کند که به پرورش احساس تعهد میان اعضای یک جامعه اشاره دارد که در آن نقش ادراکات شهروندان در تعاملاتشان برای ماهیت شهروندی حیاتی است. در این معنا می توان از تعریف وی برداشت کرد که اعتماد و تعامل دو جنبه نه تنها در مابین دولت و مردم، بلکه در میان خود مردم نیز باید وجود داشته باشد که می توان از آن به اعتماد بین شخصی یاد کرد. بنابراین تایید شدن فرض وجود رابطه مستقیم بین اعتماد بین شخصی و مشارکت اجتماعی در این پژوهش دور از انتظار نیست و در واقع این نظریه پاسخ به سوالی است که ممکن است به ذهن خواننده متبادر گردد که اعتماد بین شخصی چگونه می تواند مشارکت اجتماعی را افزایش دهد. همچنین وی اشاره می کند که شکل گیری هویت انسانی چه در سطح فردی و چه در سطح جمعی بدون مشارکت ممکن نیست. بنابراین تشکل های اجتماعی و فرهنگی باید دست به کار شوند که با کمک به شکل گیری ارزش های مشترک و تاکید بر منافع مشترک به افزایش مشارکت اجتماعی و متعاقباً تقویت هویت اجتماعی یاری رسانند.

گیدنز بر این باور است که اساس اعتماد باید در کودکی و در نهاد خانواده شکل گیرد. با رشد و توسعه ی جوامع مدرن این اعتماد تعمیم یافته و شکل انتزاعی به خود می گیرد. یعنی شخص به ساختارهای کلانی که تک تک اعضای آن را نمی شناسد نیز می تواند اعتماد داشته و یا بی اعتماد باشد. به زعم اینگلهارت نیز در صورت استبدادزدایی و تمرکز زدایی از سوی نهادهای رسمی، اعتماد اجتماعی و به تبع آن مشارکت اجتماعی افزایش می یابد. از دید دورکیم برخلاف جوامع ابتدایی که در آن ها اعتماد فرد بلاواسطه و به شیوه ی اعتماد بین شخصی شکل می گرفت، در جوامع جدید باید سازمان های میانجی به

خدمت افزایش اعتماد بیابند که می توان از آن به عنوان اعتماد نهادی نام برد. وبر، مشارکت را به مثابه کنش عقلانی معطوف به هدف می داند. یعنی این که فرد به دولت و حکومت اعتماد کند و عملکرد آن را در جهت نیل به اهداف خود ببیند، با محاسبه ی سود و زیان می تواند تعیین کننده ی میزان مشارکت فرد باشد. در این پژوهش این رابطه مورد تایید قرار نگرفت. سوالی که می توان داشت این است که با توجه به این که میانگین مشارکت اجتماعی نمونه ی آماری این پژوهش پایینتر از میانگین است، و با توجه به این که فرضیه های مرتبط با سه نوع دیگر اعتماد تایید شد، آیا می توان همین میزان مشارکت پایین را نتیجه ی عدم ارزیابی درست و توجه به فعالیت های حکومتی و دولتی دانست؟ به عبارت دیگر آیا می توان گفت که جامعه ی آماری تحلیل و درک درستی از فعالیت های دولت و عملکرد های حکومت ندارند و یا اساساً به آن توجهی نمی کنند؟ آیا می توان گفت این عامل حتی به صورت ناخودآگاه میزان مشارکت مردمی را کاهش می دهد و برای افزایش میزان مشارکت دولت در شناساندن فعالیت ها و برنامه های خود باید به طور فعالانه تری وارد عرصه شود؟ معنی دار بودن رابطه ی بین سن و میزان تحصیلات با مشارکت اجتماعی می تواند تا حدودی مرتبط با این پرسش ها باشد. بدین معنی که درک افراد از عملکرد دولت است که میزان تاثیر اعتماد به دولت را در مشارکت اجتماعی تعیین می کند. همچنین می توان نتیجه گیری کرد که با توجه به این که بیشترین تعداد افراد نمونه ی آماری دارای تحصیلات متوسطه بوده اند بنابراین طبق عرف جامعه ی سنتی اعتماد به صورت بین شخصی، نهادی و بنیادی در آن ها نهادینه شده است و اعتماد انتزاعی به طور کامل توسط افراد دارای تحصیلات پایین فهمیده نشده و بر عملکرد های آنان تاثیری ندارد. به عقیده ی هانتیگتون، رویکردهای مردم نسبت به اجتماع باید در رفتارشان منعکس شده باشند و اجتماع سیاسی به هرگونه به هم پیوستنی اطلاق نمی شود. دقت نظر بیشتر و بسط و توسعه ی نتایج پژوهش های مشابه و تطابق آن با نظریات هانتیگتون می تواند پاسخی به این سوالات ارائه دهد. اگر با این

نظریه در تلاش به پاسخ به سوالات مطرح شده باشیم، باید توجهمان را به همبستگی نهادی شده معطوف کنیم که توصیه می شود در پژوهش های آتی مد نظر قرار گیرد.

پایین بودن میزان اعتماد به دولت و همچنین میزان مشارکت در بین نمونه ی آماری مورد مطالعه نیز بر این پیچیدگی می افزاید. به نظر می رسد که دولت از دو بعد شناساندن برنامه ها و اهداف خودبه مردم و جلب اعتماد آن ها موفقیت کمتری داشته است و به نظر می رسد که پایین بودن میزان مشارکت در این پژوهش نیز بیش از هرچیز متاثر از این عامل بوده است. هرچند وجود ارتباط بین این دو متغیر در نهایت تایید نشده است.

وجود ارتباط بین شغل سرپرست خانوار و میزان هزینه ی خانوار یادآور نظریه ی هانتیگتون و نلسون است که عامل منزلت و تحرک اجتماعی را برای تعیین میزان مشارکت مطرح می کنند. از دید آن ها هرچقدر افراد امکان تحرک اجتماعی بیشتری در وضعیت خود ببینند اعتماد آن ها و خوش بینی آن ها به حکومت افزایش یافته و در نتیجه تمایل بیشتری به مشارکت اجتماعی خواهند داشت. نوع شغل و میزان درآمد می تواند تاثیر بسزایی در تحرک اجتماعی داشته باشد و بنابراین با واسطه بر میزان مشارکت اجتماعی تاثیر گذار باشد.

نهایتا پژوهش حاضر تنها گامی کوچک در جهت به آزمون گذاشتن فرضیه ها و تکمیل و بررسی نظریه ها و پژوهش های پیشین بوده است. لیکن با توجه به اهمیت مشارکت اجتماعی در توسعه ی پایدار و در جهت تکامل جوامع دموکراتیک و اسلامی که همواره بر نقش مردم در تعیین سرنوشت خود تاکید شده است، ضروری است که تحقیقات بیشتری در زمینه ی ارتباط بین اعتماد اجتماعی با مشارکت اجتماعی و چگونگی افزایش میزان آن ها و نیز سایر عوامل مرتبط با مشارکت اجتماعی انجام بگیرد و در برنامه ریزی های نهادهای مرتبط از نتایج این پژوهش ها بهره گرفته شود. به علاوه پیشنهاد می شود که با توجه

به پیچیدگی رابطه‌ی بین اعتماد به دولت و مشارکت اجتماعی و نتایج به دست آمده در این تحقیق، در پژوهش‌های آتی به ساز و کار این ارتباط به طور ویژه‌ای پرداخته شود که با توجه به مقطع زمانی کنونی و به سر کار آمدن دولتی جدید امری بسیار مفید می‌باشد.

#### ۶-۵) پیشنهادات تحقیق

باتوجه به بازنمایی تصویر واقعی از ساختارهای حاکمیتی در میزان اعتماد و به طبع آن مشارکت اجتماعی در جامعه اهمیت بسزایی دارد، بنابراین رسانه‌های عمومی در این زمینه می‌توانند نقش بسزایی ایفا کنند. پیشنهاد می‌شود رسانه‌های جمعی بخصوص رادیو و تلویزیون تلاش بیشتری برای بازنمایی نقش و فعالیت‌های حاکمیتی بعمل آورند و در ایجاد نگرشی مثبت در ذهن مخاطبین نسبت به آنها اهتمام ورزند. یکی از راهکارهای نیل به این سمت و سو نمایش تصویر کامل و دقیقی از واقعیت‌های اجتماعی است چرا که انتشار به موقع درست و جامع اخبار و عدم سانسور اطلاعات و اخبار می‌تواند دامنه اعتماد اجتماعی را در جامعه گسترش دهد. از طرفی رسانه‌ها باید به بازخوانی و بازنمایشی در شکل و محتوای برنامه‌های خود به مضامین تقویت و گسترش اعتماد اجتماعی بپردازند. همچنین باید خواسته‌ها و نیازهای اقشار مختلف جامعه را به مسئولان اعلام نمایند و از طرفی فعالیتهای دولت را اطلاع‌رسانی کنند تا بدین وسیله به تولید سرمایه اجتماعی به طور عام و اعتماد اجتماعی به طور خاص بپردازند. رسانه‌ها می‌توانند با آموزش و تبلیغ ارزش‌ها و هنجارهای رسمی کشور نیز زمینه‌های لازم برای انجام توافقات اساسی بین اقشار مختلف مردم را محقق کنند و زمینه‌های ایجاد و افزایش سرمایه اجتماعی و اعتماد اجتماعی را مهیا سازند. بنابراین توجه اساسی دستگاه‌های مسئول به کیفیت و نیز کمیت و آموزش‌های اولیه و مفاهیم پایه لازم برای تقویت برنامه‌های رسانه‌ها به منظور ایجاد توانایی‌های لازم برای مقابله با کاهش اثر رسانه‌ها بر اعتماد اجتماعی،

مشارکت اجتماعی و روابط در شبکه های اجتماعی به ویژه سطح جامعه و اعتماد به ساختار و دستگاه های دولتی و نیز دست اندرکاران امر نقش اساسی ایفا کنند.

پیشنهاد می شود در جهت جلب بیشتر اعتماد اجتماعی عموم مردم و بالاخص نخبگان اجتماعی که نقش پل ارتباطی در اقناع اجتماعی را برعهده دارند دستگاه های حاکمیتی تلاش بیشتری به خرج دهند. به عنوان مثال با برگزاری میزگردها و همایش های مناسبی و سالیانه نسبت به اقناع افکار عمومی در جهت جلب اعتماد اجتماعی جهت مشارکت در فعالیت های اجتماعی اقدام کنند.

سازمان های مردم نهاد به عنوان بازوهای مشارکت اجتماعی و مدنی در همه جوامع نقش کلیدی ایفا می کنند. پیشنهاد می شود در جهت تقویت و بسترسازی ایجاد این تشکل های از طرف ساختارهای دولتی اهتمام بیشتری خرج شود تا بتوانند در جلب اعتماد عمومی و باطبع مشارکت اجتماعی نخبگان نقش اساسی تری ایفا کنند.

#### ۷-۵) محدودیت های تحقیق

با توجه به این که زمان بندی این تحقیق به شیوع همه گیری ویروس کرونا برخورد، جمع آوری داده ها با توجه به لزوم رعایت موازین بهداشتی و فاصله ی اجتماعی با موانع فراوانی رو برو گردید. و طی چندین نوبت اقدام به گردآوری داده ها شد و شهروندان با دغدغه های و نگران های زیادی حاضر به مشارکت و پاسخگویی بودند.

- محدودیتهای زمانی حاکم بر تحقیق (فرصت مشخص برای به انجام رسیدن تحقیق و شرایط ملتهب حاکم جامعه (سلامتی - اجتماعی) در بازه زمانی اجرای پژوهش که متاثر از کرونا که جلب همکاری و دریافت پاسخ از افراد را دشوار می ساخت.

- تردید یا عدم تمایل افراد به همکاری با پژوهشگر و پرسشگران طرح و یا عدم همکاری کامل آنها در پاسخگویی (به دلایل مختلفی مثل ترس از کنترل شدن یا برملا شدن نظرات و ها دیدگاه ی شخصی) که برای تحقیقاتی با این موضوع تا حدودی طبیعی می باشد.

منابع و مآخذ

- آگ برن و نیم کف (۱۳۷۵) *زمینه جامعه‌شناسی*، ترجمه آریان‌پور، تهران: فرانکلین
- احسانی، امیر، نجف بیگی، رضا، یزدان پناه، احمد علی، دانشفرد، کرم الله (۱۳۹۶) *تاثیر عوامل فرهنگی - اجتماعی فناوری در خط مشی های مشارکت محور، فصلنامه علمی - پژوهشی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر*، سال یازدهم، شماره ۴، چهارم، پیاپی (۳۹)، زمستان
- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۰) *بررسی رابطه میان اعتماد اجتماعی و مشارکت*، نامه علوم اجتماعی، صص ۳۱-۳
- امیرکافی، مهدی (۱۳۷۴) *اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه شهید بهشتی.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۹۵) *تحول فرهنگی در جوامع صنعتی*، ترجمه ی مریم وتر، تهران: انتشارات کویر.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳)، *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*، ترجمه ی مریم وتر، تهران: انتشارات کویر.
- بابایی اقدم، فریدون، ویسی ناب، فتح الله، یاری حصار، ارسطو، حیدری ساربان، وکیل (۱۳۹۴). *ارزیابی عوامل مؤثر بر مشارکت مردمی در ساماندهی بافت های فرسوده شهری با تاکید بر سرمایه اجتماعی (مطالعه موردی محله ججین اردبیل)*، *فصلنامه مطالعات برنامه ریزی شهری*، سال سوم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۴، ۹۰-۶۵.

- بروکر، پل (۱۳۸۳) رژیم های غیر دموکراتیک (نظریه ها، سیاست و حکومت): از مجموعه کتاب های سیاست و حکومت تطبیقی، تحت نظارت وینسنت رایت، ترجمه علیرضا سمیعی اصفهانی، تهران: انتشارات کویر
- بیرو، آلن (۱۳۸۰). «فرهنگ علوم اجتماعی»، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: کیهان
- پاپلی یزدی، محمد حسین و رجبی سناجردی، حسین (۱۳۸۲) نظریه های شهر و پیرامون، تهران: سمت.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۰) نظریه های جامعه شناسی، تهران: سمت.
- جاوید، محمد جواد، فتاحی زفرقندی، علی (۱۳۹۲) راهکارهای مشارکت مردم در اداره ی حکومت اسلامی، فصلنامه ی دانش حقوق عمومی، سال دوم، شماره ۶، زمستان
- جباری، حبیب (۱۳۷۸) مشارکت و توسعه اجتماعی، مجموعه مقالات همایش توسعه اجتماعی وزارت کشور.
- جوادی، حسین (۱۳۸۷) کنکاشی در دموکراسی و مشارکت سیاسی، فصلنامه ی سیاست، مجله ی دانشکده ی حقوق و علوم سیاسی، دوره ی ۳۸، پاییز
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵) جامعه شناسی نظم، نشر نی، تهران.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۵) تحلیل اجتماعی در فضای کنش، تهران: نشر نی
- حاجی یوسفی، امیر محمد، طالبی، محمد علی (۱۳۹۵) موانع مشارکت در چالش میان فرهنگ سیاسی و حکمرانی خوب از دید مدیران ارشد دولت جمهوری اسلامی، پژوهشنامه ی علوم سیاسی، سال دوازدهم، شماره اول، زمستان
- حسینی، سیدآقا (۱۳۸۱) گذری کوتاه بر مدیریت مشارکت جو، همدان: انتشارات نور علم



- خادمیان، طلّیعه، پوررضا کریم سرا، ناصر (۱۳۹۱) بررسی تأثیر ابعاد اعتماد اجتماعی بر مشارکت اجتماعی، *مطالعات علوم اجتماعی ایران*، سال نهم، شماره ی سی و سوم، تابستان
- دانش فرد، کرم اله و ادیب زاده، مریم (۱۳۹۵) اعتماد سیاسی: دیدگاه تطبیقی بین کشورهای اتحادیه ی اروپا و جمهوری اسلامی ایران، *فصلنامه ی راهبرد*، سال بیست و پنجم، شماره ی ۷۹، تابستان
- دانشمندی، علی (۱۳۷۷)، نقش نهادهای مدنی در توسعه اجتماعی، *مجموعه مقالات اولین همایش تدوین برنامه سوم (جلد سوم)*، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، تهران.
- دواس، دی. ای (۱۳۷۶) *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*، ترجمه هوشنگ ناییب، تهران: نشر نی
- راش، مایکل (۱۳۷۷)؛ *جامعه و سیاست، مقدمه ای بر جامعه شناسی سیاسی*، ترجمه ی منوچهر صبوری، تهران: انتشارات سمت.
- رضایی، محمد، آذین، احمد، جعفری نژاد، مسعود (۱۳۹۶) بررسی رابطه ی میزان اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی از نظر دانشجویان دانشگاه مازندران، *فصلنامه ی علمی - پژوهشی*، سال یازدهم، شماره ۳۹، تابستان
- زارع، بیژن، روهنده، مجید (۱۳۹۴)، بررسی عوامل اجتماعی موثر بر مشارکت اجتماعی-سیاسی؛ مطالعه ای در باب شهروندان بالای ۱۸ سال شهر کرج، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، دوره نهم، شماره ۲، تابستان، صص ۶۴-۸۷.
- زارع شاه آبادی، نوریان نجف، محمد (۱۳۹۱) بررسی رابطه ی اعتماد اجتماعی با مشارکت اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه یزد، *دوفصلنامه ی جامعه شناسی اقتصادی و توسعه*، شماره ی اول، بهار و تابستان، صص ۶۹-۴۷

- زاهدی، شمس السادات، خانباشی، محمد ( ۱۳۹۰) از اعتماد عمومی تا اعتماد سیاسی (پژوهشی پیرامون رابطه ی اعتماد عمومی و اعتماد سیاسی در ایران، پژوهش های مدیریت در ایران)، مدرس علوم انسانی، دوره ی ۱۵، شماره ی ۴، زمستان
- ساوج، مایک و وارد، آلن (۱۳۸۷) *جامعه شناسی شهری*، ترجمه ابوالقاسم پور رضا، تهران: انتشارات سمت
- ستوده، هدایت الله (۱۳۷۳) *روانشناسی اجتماعی*، تهران: انتشارات آوای نور
- سروش، مریم و حسین افراسیابی (۱۳۸۹) سرمایه اجتماعی، هویت و مشارکت اجتماعی جوانان شیراز. *دو فصلنامه علمی- تخصصی پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه*، شماره پنجم، پاییز و زمستان، ۱۲۳-۱۵۵.
- سیدمن، استیون (۱۳۸۸)، *کشاکش آراء در جامعه شناسی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی
- شادی طلب، ژاله (۱۳۸۲) مشارکت اجتماعی زنان، *مجله پژوهش زنان*، سال ۳، شماره ۷.
- شیخ، ابراهیم (۱۳۸۱) *شورا و مشارکت: کاربرد روشهای مشارکتی در مدیریت شهری*، تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه
- صداقت، کامران، قهرمان، ناصر (۱۳۸۸) بررسی نقش عوامل اجتماعی بر مشارکت شهروندان در امور شهری (مطالعه موردی شهرستان مراغه)، *مجله جامعه شناسی*، سال دوم، شماره دوم، بهار، ۱۵۵-۱۷۶.
- طوسی، محمدعلی (۱۳۷۰) *مشارکت در مالکیت و مدیریت*، تهران: انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی

- علوی تبار، علیرضا (۱۳۷۹) *مشارکت در اداره امور شهرها*، تهران: انتشارات سازمان شهرداریهای کشور
- علی پور و همکاران (۱۳۸۸) بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در تهران، *مجله جامعه شناسی ایران*، دوره دهم، شماره ۲، صص ۱۰۹-۱۳۵
- غفاری، غلامرضا (۱۳۸۰) دولت و مشارکت اجتماعی روستائیان در کشورهای در حال توسعه با تأکید بر ایران، *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال نهم، شماره ۳۵
- غفاری، غلامرضا و نیازی، محسن (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی مشارکت*، تهران: نزدیک
- فالکس، کیث (۱۳۸۱). *شهروندی*، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: کویر
- فتحی، سروش، شیرین بیان، اعظم (۱۳۹۱) نقش سرمایه‌ی اجتماعی بر شکاف ارزشی در بین خانواده‌های شهر گرمسار، *مطالعات علوم اجتماعی ایران*، سال هشتم، شماره ۱ سی و دوم، بهار
- فردرو، محسن و رضوانی، اصغر (۱۳۸۱) *دولت، مردم و همگرایی*، جلد ۱ و ۲ تهران: آن
- قاسمی، محمدعلی (۱۳۸۱)، عوامل مؤثر بر مشارکت روستائیان در طرح‌های عمرانی، *فصلنامه سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی*، سال دوم، شماره ۴.
- کائوتری، هونین (۱۳۷۹) *مشارکت در توسعه*، ترجمه هادی غبرائی و داود طبائی، تهران: روش
- کرایب، یان (۱۳۸۸) *نظریه اجتماعی کلاسیک*، ترجمه شهناز مسمی پرست، تهران: آگه
- کرایب، یان (۱۳۷۸) *نظریه اجتماعی مدرن: از پارسونز تا هابرماس*، ترجمه عباس مخبر، تهران: آگه
- کوزر، لوئیس و روزنبرگ، برنارد (۱۳۸۵). *نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی*، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی

- کیویستو، پیترا (۱۳۸۶) *اندیشه های بنیادی در جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی
- گنج خانلو، جواد (۱۳۹۸) افزایش اعتماد و سرمایه‌ی اجتماعی حاکمیت سیاسی بواسطه‌ی رضایت از عملکرد مدیریت شهری، *مطالعات کاربردی در دوماهنامه اقتصادی، علوم مدیریت و توسعه*، سال چهارم، شماره ۶ (پیاپی: ۲۰)، بهمن
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸) *راه و رسم بازسازی سوسیال دموکراسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: تیرازه
- گیدنز، آنتونی (۱۳۹۲)، *جامعه‌شناسی*، منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۸) *پیامدهای مدرنیت*، محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.
- کوهن، پرسای اس (۱۳۹۲). *نظریه اجتماعی نوین*، ترجمه یوسف نراقی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- محسنی، منوچهر و جاراللهی، عذرا (۱۳۸۲) *مشارکت اجتماعی در ایران*، تهران: انتشارات آرون
- محسن تبریزی، علیرضا (۱۳۶۹) بررسی زمینه‌های مشارکتی روستائیان و ارتباط آن با ترویج کشاورزی، *وزارت جهاد کشاورزی*.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۵) بیگانگی مانعی برای مشارکت ملی، نامه پژوهش، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، شماره ۱، مرکز پژوهش بنیادی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مسعودنیا، حسین، رهبرقاضی، محمود رضا، کوشکی، راضیه مهربانی، پور رنجبر، مهدیه (۱۳۹۳) بررسی تأثیر اعتماد اجتماعی بر شیوه‌های مختلف مشارکت سیاسی، *مسائل اجتماعی ایران*، سال پنجم، شماره ی ۲، زمستان، صص ۷۷-۹۴

- مصطفی ازکیا، کریم حسنی راد (۱۳۸۸) نقش اعتماد اجتماعی در مشارکت مردم در طرح های توسعه ی روستایی، *پژوهش نامه ی علوم اجتماعی*، سال سوم، شماره ی اول، بهار
- منظور، داود و یادی پور، مهدی (۱۳۸۷) سرمایه اجتماعی عامل توسعه اجتماعی و اقتصادی، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره ۱۵، صص ۱۶۲-۱۴۰.
- موسوی، میرطاهر (۱۳۸۵) مشارکت اجتماعی یکی از مولفه های سرمایه اجتماعی، *رفاه اجتماعی*، سال ششم، شماره ۲۳، صص ۹۲-۶۷.
- موسوی، سید رحیم، دوستی، کریم (۱۳۹۷) اعتماد اجتماعی مؤثر بر رویه ای شدن مشارکت مردم در توسعه ی منطقه ی ایلام، *فصلنامه ی علمی - ترویجی فرهنگ ایلام*، دوره ی نوزدهم، شماره ی ۶۰ و ۶۱، پاییز و زمستان
- مولایی، محمد رضا (۱۳۹۷) نقش دانش و اعتماد سیاسی در پیش بینی علاقه مندی دانشجویان به مشارکت سیاسی، *دو فصلنامه ی علمی - پژوهشی دانش سیاسی*، سال چهاردهم، شماره ی اول، پیاپی ۲۷، بهار و تابستان، صص ۱۶۳-۱۴۱
- ناطق پور، محمد جواد، گلابی، فاطمه (۱۳۸۴) تأثیر اعتماد اجتماعی بر مشارکت با تأکید بر نقش و عملکرد شوراهای اسلامی (مطالعه ی موردی استان آذربایجان شرقی)، *نشریه ی دانشکده ی علوم انسانی و اجتماعی*، دانشگاه تبریز، شماره ی ۱۹
- نجاتی حسینی، محمود (۱۳۸۰) *بررسی جایگاه مفهوم شهروندی در قانون شهرداری ایران*، تهران: انتشارات سازمان شهرداریهای کشور
- نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۸۵) *درآمدی بر نظریه شهروندی، گفت وگویی در فلسفه هابرماس*، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۹

- نصحیان، محمد مهدی (۱۳۸۷) نقش اعتماد متقابل حکومت و مردم در روند توسعه ی سیاسی، *راهبرد یاس*، شماره ۱۴، تابستان
- نوابخش، مهرداد، رضایی، محمد، رحیمی، ماریا (۱۳۹۳) بررسی رابطه ی میزان اعتماد شهروندان با میزان مشارکت اجتماعی آنان (مطالعه ی موردی: شهر ایلام)، *مطالعات جامعه شناختی شهری*، سال چهارم، شماره ی ۱۰، بهار
- نوذری، حسینعلی (۱۳۸۹) *بازخوانی هایبرماس؛ درآمدی بر اندیشه ها و نظریه های یورگن هایبرماس*، تهران، نشر چشمه.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۸۶) *سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علم

- Herrera Ponce, Maria, Elgueta Rosas, Raul, Fenandez Lorca, Maria, 2014, Social capital, social participation and life satisfaction among Chilean older adults, *Rev Saude Publica*, 48 (5), Pp: 739-749
- Hills, Beverly and Mcleod, Jack, (1999), et all, the effects of discussion networks on participation in public forum, *communication Research*.
- Kelly, D (2009), in preparation for adulthood, exploring civic participation and social trust among young minorities, *youth and society*, vol. 40, Number 4: 526-540.
- Marschall M. J. (2004), Citizen Participation and Neighborhood context: A New Look at the Coproduction of Local Public Goods, *Political Research Quarterly*, Vol.57, No.2,
- Uslaner, E. M and M. Brown (2003), inequality, Trust and civic Engagement, *American politics research*, vol. 31, No.x, PP:1-2

## **Abstract**

**Research purpose:** social participation arises from the context of society and covers various areas of social life. Social trust is one of the most crucial factors in formation of social participation. Social trust, contributes to the citizens' participation through its quality and quantity and hence it affects the stability of the political system and its legitimacy. The present research aims to investigate the impacts of social trust in the government on social participation among the citizens of Tabriz city.

**Research method:** the quantitative and survey methods are used in the present study. The statistical population of the present research includes a group of people including both genders and the age range is 18 years and older. The Cochran sampling formula yield the sample size of 400 people of statistical population, which considering the loss of some questionnaires and to cover possible errors, the sample size was increased to 422 people. The validity of the research questionnaire is tested by Cronbach's alpha, which is 56% in social trust variable and 95% in social participation variable, thus, indicates the acceptable validity between the items of the questionnaire.

**Results:** according to the theoretical framework and analytical model of the research, 5 main hypotheses and 6 sub-hypothesis (contextual variables) were extracted. The results show that 8 hypotheses are confirmed. The data analysis of this research shows that according to regression equation, the dependent variable is more affected by fundamental trust which is followed by the variables of age and social trust and these three dependent variables explain 8.3% of all changes in social participation as the dependent variable.

**Keywords:** social participation, government, social trust, social belonging, social capital.



**Final report (Title):**

**The Role Trust in sovereign on Social Participation**

**(Case Study; Province East Azerbaijan)**

**Code: 7027**

**Name of Research Institute:**

**Development and planning institute in ACECR**

**Research group:**

**Sociology of Development**

**Responsible for project:**

**Ebrahim Irannejad**

**Principal Investigator (BY):**

**Date: April 2021**